

و  
العلیہ السلام  
معرفت امام زمان  
تکلیف منتظران

نوبسندہ  
ابراہیم شفیعی سروسٹانے

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**معرفة امام زمان عليه السلام**

**و**

**تكليف منتظران**

تقديم به ساحت مقدس حضرت مولانا  
صاحب الزمان ارواحنا له الفداء

شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۴۳ -  
معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران / نویسنده ابراهیم شفیی  
سروستانی. -- تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۴.  
۴۳۸ ص.

ISBN 964-6968-77-5 : ۳۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه: ص. ۴۳۱ - ۴۳۸؛ همچنین به صورت زیر نویس.  
۱. مهدویت -- انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ - غیبت.  
۳. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ - احادیث. الف. عنوان.  
۲۹۷ / ۴۶۲ BP ۲۲۴ / ۷م ش  
کتابخانه ملی ایران  
۱۵۷۱۱ - ۸۴ م

موعود

## معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

نویسنده : ابراهیم شفیی سروستانی  
ناشر : موعود عصر  
سال و محل نشر : تهران - ۱۳۸۴  
شابک : ۹۶۴ - ۶۹۶۸ - ۷۷ - ۵  
شمارگان : ۳۰۰۰  
چاپخانه : پیام  
لیتوگرافی : موعود  
نوبت چاپ : اول  
قیمت : ۳۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، صندوق پستی ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵ تلفن: ۸-۶۹۵۶۱۶۷

## فهرست

۱۱	..... سخن ناشر
۱۳	..... مقدمه
۲۱	..... فصل اول: امام مهدی <small>علیه السلام</small> ؛ خصایص و ویژگی‌ها
۲۳	..... گفتار اول: از تولد تا غیبت
۲۳	..... ۱. پیوند آسمانی
۲۵	..... ۲. چگونگی میلاد
۲۸	..... ۳. نام، کنیه و القاب
۲۹	..... ۴. غیبت صغرا
۲۹	..... ۵. غیبت کبرا
۳۰	..... ۶. نواب خاص امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۹	..... گفتار دوم: خصال و صفات امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۰	..... ۱. سیمای ظاهری

## ۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

۲. سجایای اخلاقی ..... ۴۴
- گفتار سوم: اثبات امامت امام مهدی علیه السلام ..... ۵۱
۱. شرایط اجتماعی عصر میلاد ..... ۵۱
۲. پیش‌بینی تولد امام مهدی علیه السلام ..... ۵۵
۳. گواهان تولد امام مهدی علیه السلام ..... ۵۸
۴. مشاهده‌کنندگان امام مهدی علیه السلام ..... ۶۲
- گفتار چهارم: غیبت، مفهوم و علل آن ..... ۶۹
۱. تقسیم‌بندی دوران غیبت ..... ۷۰
۲. مفهوم غیبت ..... ۷۴
۳. حکمت و فلسفه غیبت ..... ۷۸
- گفتار پنجم: جایگاه «حجت خدا» در عالم هستی ..... ۸۷
۱. حجت در لغت ..... ۸۸
۲. حجت در قرآن و روایات ..... ۸۸
- فصل دوم: انتظار؛ رویکردها و کارکردها ..... ۹۹
- گفتار اول: تولی و تبری در عصر حاضر ..... ۱۰۱
۱. مفهوم تولی و تبری ..... ۱۰۲
۲. تولی و تبری در آموزه‌های اسلامی ..... ۱۰۳
۳. دوستان و دشمنان اهل ایمان ..... ۱۰۵
۴. ضرورت دوست‌شناسی و دشمن‌شناسی ..... ۱۰۹
- گفتار دوم: انتظار در تفکر شیعه ..... ۱۱۱
۱. مفهوم انتظار ..... ۱۱۳
۲. ضرورت انتظار ..... ۱۱۹

## فهرست ■ ۷

۳. فضیلت انتظار ..... ۱۲۱
۴. وظایف منتظران ..... ۱۲۷
۵. نقش سازنده انتظار ..... ۱۵۱
- گفتار سوم: انتظار و دیدگاه‌ها ..... ۱۵۹
۱. دیدگاه کلامی - تاریخی ..... ۱۶۰
۲. دیدگاه فرهنگی - اجتماعی ..... ۱۷۳
- گفتار چهارم: احیاگر اندیشه انتظار ..... ۱۸۵
۱. انتظار، زمینه‌ساز قدرت اسلام ..... ۱۸۶
۲. انتظار، رمز پایداری ..... ۱۸۷
۳. نقد دیدگاه‌های موجود ..... ۱۸۹
- گفتار پنجم: امام خمینی و انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام ..... ۱۹۵
۱. نفی وابستگی به شرق و غرب ..... ۱۹۷
۲. احیای هویت جهانی اسلام ..... ۱۹۸
۳. گسترش نفوذ اسلام در جهان ..... ۱۹۹
۴. ایجاد حکومت جهانی اسلام ..... ۲۰۱
- گفتار ششم: جامعه موعود، الگوی جامعه مطلوب ..... ۲۰۵
۱. ساده زیستی کارگزاران حکومت ..... ۲۰۸
۲. قاطعیت با کارگزاران و ملاحظت با زیردستان ..... ۲۱۰
۳. تأمین رفاه اقتصادی مردم ..... ۲۱۲
۴. گسترش عدالت و مساوات ..... ۲۱۴
- فصل سوم: ظهور؛ نشانه‌ها و چشم‌اندازها ..... ۲۱۷
- گفتار اول: تعیین وقت برای ظهور ..... ۲۱۹

- ۲۲۰ ..... ۱. تعیین وقت برای ظهور و فلسفه انتظار
- ۲۲۳ ..... ۲. ظهور ناگهانی فرامی‌رسد
- ۲۲۴ ..... ۳. نهی از تعیین وقت برای ظهور
- ۲۲۶ ..... ۴. ظهور را از نزدیک ببینیم
- ۲۲۷ ..... ۵. توجه به نشانه‌های ظهور
- ۲۲۷ ..... ۶. دعا برای تعجیل خرج
- ۲۲۸ ..... ۷. زمان ظهور، رازی از رازهای خدا
- ۲۳۳ ..... گفتار دوم: وفا به پیمان شرط تحقق ظهور
- ۲۳۳ ..... ۱. نخستین پیمان
- ۲۳۵ ..... ۲. استمرار پیمان
- ۲۳۷ ..... ۳. شکستن پیمان
- ۲۳۸ ..... ۴. ضرورت تجدید پیمان
- ۲۴۵ ..... گفتار سوم: ظهور و سنت‌های الهی
- ۲۴۶ ..... ۱. معنای لغوی سنت
- ۲۴۷ ..... ۲. اصل تغییرناپذیری سنت‌های الهی
- ۲۵۰ ..... ۳. دعوت به مطالعه سنت‌های الهی
- ۲۵۲ ..... ۴. برخی از سنت‌های الهی حاکم بر جوامع انسانی
- ۲۶۹ ..... گفتار چهارم: نشانه‌های ظهور
- ۲۶۹ ..... ۱. ضرورت شناخت نشانه‌های ظهور
- ۲۷۰ ..... ۲. دسته‌بندی نشانه‌های ظهور
- ۲۷۹ ..... گفتار پنجم: یاران قائم
- ۲۸۰ ..... ۱. خصال و ویژگی‌های یاران قائم
- ۲۸۵ ..... ۲. تعداد یاران قائم



۲۸۷	۳. زنان و یاران قائم
۲۸۹	۴. چگونگی اجتماع یاران قائم
۲۹۲	۵. سلاح یاران قائم
۳۰۱	گفتار ششم: عدالت مهدوی
۳۰۳	۱. ارکان عدالت مهدوی <small>علیه السلام</small>
۳۱۳	۲. ابعاد عدالت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۳۱	گفتار هفتم: جهان پس از ظهور
۳۳۳	۱. زندگی بخشی قیام مهدوی در آیات و روایات
۳۳۶	۲. مراتب و درجات زندگی (حیات)
۳۴۳	۳. چگونگی تحقق حیات طیبه
۳۴۸	۴. آثار تحقق حیات طیبه
۳۵۳	فصل چهارم: باور مهدی؛ آسیب‌ها و بایسته‌ها
۳۵۵	گفتار اول: بایسته‌های تبلیغ فرهنگ مهدوی
۳۵۶	۱. ارتباط معنوی با امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۶۰	۲. شناخت دیدگاه‌های موجود در زمینه باور مهدوی
۳۶۰	۳. رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت
۳۶۳	۴. توجه به جایگاه و شأن رفیع امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۶۷	۵. دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی
۳۶۸	۶. توجه به دیدگاه‌ها و نظرات مراجع عظام تقلید
۳۶۹	۷. توجه به آفت‌ها و آسیب‌های اندیشه مهدویت
۳۷۲	۸. زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست
۳۷۵	۹. توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی
۳۷۷	۱۰. گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی

## ۱۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

۱۱. پرهیز از تعیین وقت برای ظهور ..... ۳۷۸
۱۲. پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی اساس ..... ۳۷۸
۱۳. پرهیز از اغراض جناحی و گروهی ..... ۳۸۰
۱۴. پرهیز از موضوعات و مباحث کم اهمیت یا بی اهمیت ..... ۳۸۱
- گفتار دوم: نقش علمای شیعه در عصر غیبت ..... ۳۸۳
۱. رسالت دیروز ..... ۳۸۳
۲. مسئولیت امروز ..... ۳۸۷
- فصل پنجم: انتظار؛ روزها و یادها ..... ۳۹۱
- گفتار اول: فضیلت شب نیمه شعبان ..... ۳۹۳
- گفتار دوم: رمضان، بهار انتظار ..... ۴۰۳
۱. نقش امام و حجت الهی در جهان هستی ..... ۴۰۴
۲. انتظار و آمادگی برای ظهور دولت کریمه اهل بیت ..... ۴۰۸
- گفتار سوم: باور مهدوی در کلام رضوی ..... ۴۱۳
۱. خالی نبودن زمین از حجت الهی ..... ۴۱۴
۲. نام و نسب امام مهدی علیه السلام ..... ۴۱۵
۳. صفات و ویژگی های امام مهدی علیه السلام ..... ۴۱۷
۴. غیبت و نهان زیستی امام مهدی علیه السلام ..... ۴۱۹
۵. فضیلت انتظار امام مهدی علیه السلام ..... ۴۲۱
۶. ظهور امام مهدی علیه السلام ..... ۴۲۳
۷. دعا بر امام مهدی علیه السلام ..... ۴۲۴
- گفتار چهارم: موضوعاتی برای پژوهش ..... ۴۲۷
- کتابنامه ..... ۴۳۳

## سخن ناشر

### السلام علیک یا ابا صالح المهدی

بخش‌هایی از این اثر، چند سال قبل با عنوان شناخت زندگی بخش چاپ شده بود. علی‌رغم همه گرفتاری‌های نویسنده محترم از ایشان خواستیم ضمن بازنگری کتاب پیشین، بخش‌هایی را به آن بیفزایند تا خوانندگان طالب آگاهی و معرفت درباره امام عصر علیه السلام را در گام نخست کفایت کند و در واقع پلکانی برای گذار به مراتب عالی باشد و آنان را از جزوات پراکنده بی‌نیاز سازد. دعوت، صمیمانه اجابت شد و محصول کار اثری است که اینک تقدیم شما می‌شود.

هریک از بخش‌های این اثر، دریچه‌ای بر عالم گسترده معارف مهدوی‌اند و وجهی از آن را می‌نمایانند. البته با قلمی روان و بی‌پیرایه و شیوه‌ای که خواننده محترم را گام به گام پیش می‌برد.

امیدواریم این اثر طبع لطیف حضرت ولی عصر علیه السلام را بیاراید و پاسخنگوی ذوق و سلیقه خوانندگان محترم آثار مذهبی و مهدوی باشد. ان شاء الله.

## مقدمه

### ۱. تبیین موضوع

در آموزه‌های اسلامی «معرفت امام» از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و در سخنان پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام تأکید فراوانی بر آن شده است؛ تا آنجا که براساس روایات متواتری که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، شناختن امام زمان و عدم معرفت نسبت به او برابر با مردن در عصر جاهلیت (عصر کفر و شرک) دانسته شده است.<sup>۱</sup>

با توجه به آنچه گذشت، در این دوران که عصر امامت آخرین حجت خدا، امام مهدی علیه‌السلام است، شناخت آن حضرت بر همگان لازم بوده و ضروری است که اهل ایمان همه تلاش خود را برای گسترش و تعمیق معرفت خود نسبت به ایشان به کار گیرند.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این معرفت چه دامنه و

---

۱. ر. ک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۶۸.

گستره‌ای دارد و چه موضوعاتی را شامل می‌شود؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: شخصیت و ابعاد مختلف وجود حضرت صاحب الامر علیه السلام را از دو دیدگاه می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱. دیدگاه کلامی - تاریخی: در این دیدگاه به طور عمده دو بعد از ابعاد شخصیت و زندگانی امام مهدی علیه السلام مورد توجه قرار می‌گیرد: نخست این که آن حضرت، حجت خدا، تداوم بخش سلسله حجت‌های الهی و دوازدهمین امام معصوم از تبار امامان معصوم شیعه علیه السلام است که در حال حاضر در غیبت به سر می‌برند؛ دوم این که ایشان شخصیتی است تاریخی که در مقطع زمانی معینی از پدر و مادر مشخصی به دنیا آمده، حوادث متعددی را پشت سر گذاشته، با انسان‌های مختلفی در ارتباط بوده و منشأ رویدادها و تحولات مختلفی در عصر غیبت صغرا بوده‌اند.

براین اساس در بیشتر کتاب‌هایی که با دیدگاه کلامی - تاریخی به بررسی شخصیت و ابعاد وجودی امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند با سرفصل‌های مشابهی روبرو می‌شویم که برخی از مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

۱. لزوم وجود حجت الهی در هر عصر؛ ۲. اثبات ولادت؛ ۳. دلایل امامت؛ ۴. ویژگی‌های شخصی؛ ۵. فلسفه غیبت؛ ۶. نواب خاص؛ ۷. راز طول عمر؛ ۸. معجزات؛ ۹. توقیعات (پیام‌ها)؛ ۱۰. نشانه‌های ظهور آن حضرت و....

۲. دیدگاه فرهنگی - اجتماعی: این دیدگاه ضمن پذیرش همه مبانی و اصولی که در دیدگاه کلامی - تاریخی در زمینه تولد، غیبت و ظهور آخرین حجت الهی، حضرت مهدی علیه السلام پذیرفته شده و براساس براهین و شواهد قطعی و تردیدناپذیر عقلی و نقلی به اثبات رسیده، امام علیه السلام را به عنوان حجت خدا بر بندگان و امامی که در عصر حاضر نیز همه اهل ایمان وظایف و تکالیف شخصی در برابر او دارند، مورد

توجه قرار داده و در پی این است که موضوع مهدویت و انتظار را به عنوان مبنایی برای پی‌ریزی کلیه مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان در عصر غیبت؛ طرحی برای رهایی جوامع اسلامی از تارهای درهم تنبیده فرهنگ و مدنیت مغرب زمین و راهکاری برای گذر همه‌اهل ایمان از فتنه‌ها و آشوب‌های آخرالزمان مطرح سازد.<sup>۱</sup>

## ۲. ضرورت

در عصر حاضر که شور و شوق انتظار حضرت مهدی علیه السلام در سرتاسر ایران اسلامی گسترش یافته و اشتیاق شناخت آخرین حجت خدا در میان همه اقشار مردم، به ویژه نسل جوان کشورمان دامن‌گستر شده است، نیاز به آثاری که از یک‌سو، بر اصول و مبانی پذیرفته شده در دیدگاه کلامی - تاریخی مبتنی بوده و موضوعات و مسائلی را که در این دیدگاه مورد توجه قرار گرفته است، با زبان و ادبیات روز و متناسب با نیازهای این زمان بررسی و تبیین کند و از سوی دیگر، با چارچوب‌ها و موازین مورد پذیرش دیدگاه فرهنگی - اجتماعی هماهنگ بوده و باور مهدوی و فرهنگ انتظار را به عنوان حقیقتی جاری و ساری در عصر و جامعه ما مطرح سازد، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

از همین رو بر همه نویسندگان و پژوهشگران لازم است که تمام توان خود را برای پاسخ‌گویی به این نیاز به کار برند و آثار شایسته‌ای را تقدیم خیل منتظران حضرت صاحب‌الامر علیه السلام کنند.

اثر حاضر با توجه به این نیاز اساسی شکل گرفته و در آن تلاش شده است که پاسخی در خور به شور و اشتیاق وصف‌ناپذیر منتظران موعود برای آگاهی هرچه

---

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک. همین کتاب، ص ۱۸۴-۱۵۹.

## ۱۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

بیشتر از خصال و ویژگی‌های امام عصر علیه السلام، تاریخ عصر غیبت، تکالیف منتظران در عصر حاضر، چند و چون قیام و انقلاب‌های رهایی‌بخش مهدی موعود، ویژگی‌های جهان پس از ظهور و... ارائه شود.

### ۳. اهداف

در تدوین این کتاب اهداف متعددی مورد توجه قرار گرفته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. ارائه اثری جامع در زمینه مهم‌ترین موضوعات و مسائلی که در حوزه مباحث مهدوی مطرح بوده و در حال حاضر مورد توجه عموم مردم، به ویژه اقشار تحصیل کرده، اعم از طلاب، دانشجویان و دانش‌پژوهان قرار گرفته است.

۲. تبیین مبانی و اصول مورد پذیرش دیدگاه فرهنگی - اجتماعی و ارائه تصویری، هرچند اجمالی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظریه‌پردازان این دیدگاه در برخورد با باور مهدوی و فرهنگ انتظار، از یک سو، موضوعات و مسائل مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی موجود در جامعه ما، از سوی دیگر.

۳. تدوین متنی آموزشی که خواننده را به تدریج و براساس سیری منطقی با باور مهدوی و فرهنگ انتظار آشنا ساخته و او را برای فعالیت‌های پژوهشی و مطالعاتی عمیق‌تر و گسترده‌تر در این زمینه آماده سازد.

۴. آشنا ساختن اقشار مختلف مردم با وظایف و تکالیفی که در عصر حاضر در برابر آخرین حجت خدا علیه السلام بر عهده دارند.

### ۴. ساختار کتاب

کتاب حاضر در پنج فصل به شرح زیر سامان یافته است:

۱. امام مهدی علیه السلام؛ خصایص و ویژگی‌ها: در این فصل تصویر جامعی از ابعاد گوناگون شخصیت امام عصر علیه السلام ارائه و موضوعات مختلفی چون تاریخ زندگانی، ویژگی‌های ظاهری، خصال و صفات و جایگاه آن حضرت در عالم هستی بررسی شده است.

به بیان دیگر این فصل شامل یک دوره فشرده امام‌شناسی بوده و خواننده با مطالعه آن، اطلاعات اولیه‌ای را که برای ورود به مباحث فصول بعدی این مجموعه به آنها نیاز دارد، به دست می‌آورد.

۲. انتظار؛ رویکردها و کارکردها: در این فصل پس از تبیین دو مفهوم ولایت‌ورزی (تولی) و برائت‌جویی (تبری) به عنوان دو پایه اساسی انتظار در عصر غیبت، موضوع انتظار، از ابعاد مختلف مفهومی، اعتقادی و کارکردی بررسی شده و دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی که در این زمینه وجود دارد؛ به ویژه رویکرد امام راحل علیه السلام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است تا در نهایت خواننده به شاخصه‌های یک دیدگاه متعادل و در عین حال همه‌جانبه‌نگر در زمینه انتظار امام عصر (عج) دست یابد.

۳. ظهور؛ نشانه‌ها و چشم‌اندازها: این فصل به بررسی موضوعات مختلف مرتبط با ظهور امام عصر علیه السلام اختصاص یافته و در آن موضوعات متنوعی همچون زمان ظهور، شرایط ظهور، نشانه‌های ظهور، چگونگی تحقق ظهور و چشم‌انداز جهان پس از ظهور مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در این فصل، به ویژه تلاش شده است که تصویری همه‌جانبه از تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی عصر ظهور و تغییراتی که در این عصر در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها رخ می‌دهد، ارائه گردد.

۴. باور مهدوی؛ آسیب‌ها و بایسته‌ها: در این فصل، ضمن تبیین مهم‌ترین بایدها



## ۱۸ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

و نبایدهای تبلیغ و ترویج فرهنگ انتظار و ارائه راهکارهایی برای تعمیق و گسترش هرچه بیشتر این گونه فعالیت‌ها، برخی از آسیب‌ها و آفت‌هایی که فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی در حوزه مهدویت را تهدید می‌کنند، نیز بررسی شده است.

۵. **انتظار؛ روزها و یادها:** در آغاز این فصل از برخی روزها و ماه‌های سال که انتظار در آنها جلوه و درخشش بیشتری دارد؛ همچون شب نیمه شعبان و ماه مبارک رمضان یاد و اعمال و ادعیه خاص این ایام بیان شده است و در پایان آن نیز به دلیل ارادت و صف ناشدنی همه شیعیان ایران اسلامی به هشتمین امام معصوم، حضرت رضا علیه السلام به بررسی باور مهدوی در کلام رضوی پرداخته شده و بخشی از روایاتی که از آن حضرت در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار نقل شده، مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۵. ویژگی‌ها

مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر عبارت‌اند از:

۱. ارائه مطالب براساس سیر و ترتیب منطقی مناسب، به گونه‌ای که خواننده می‌تواند گام به گام به نگرشی جامع، عمیق و گسترده در زمینه معارف مهدوی و موضوعات مرتبط با آن دست یابد؛
۲. بررسی وجوه مختلف اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی باور مهدوی و فرهنگ انتظار به شیوه‌ای متقن و مستدل؛
۳. بهره‌گیری از منابع اصلی و دست اول و دقت در نقل اقوال و روایات؛
۴. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و ابهام‌های گوناگونی که در حال حاضر در زمینه این باور و فرهنگ وجود دارد؛

۵. تلاش در جهت ارائه دیدگاهی متعادل و به دور از افراط و تفریط در زمینه بسیاری از مباحث مهدوی؛

۶. بررسی و تبیین بایدها و نبایدهایی که شایسته است در فعالیتهای ترویجی و تبلیغی در حوزه مهدویت مورد توجه قرار گیرند؛

۷. معرفی منابع مطالعاتی برای تکمیل مباحثی که در کتاب به اجمال به آنها پرداخته شده است.

گفتنی است که کتاب حاضر در بردارنده مجموعه مقالاتی است که در طول سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ از سوی نگارنده نوشته و در مجله موعود منتشر شده است.

در پایان لازم می‌دانم از همه عزیزانی که در به ثمر نشستن این اثر نقش بسیاری داشتند به ویژه همسر ارجمندم که با بردباری و همراهی صمیمانه خود، آرامش خاطر و فراغ بال لازم برای تدوین این اثر را به وجود آورد؛ عزیزانم در مؤسسه فرهنگی موعود که با حمایت‌های بی دریغ خود امکان انتشار این کتاب را فراهم کردند و سرانجام همکاران مخلص و سخت کوشم در واحدهای مختلف این مؤسسه که بار سنگین آماده‌سازی این کتاب را به دوش کشیدند، به ویژه خواهر رجمندم خانم مرضیه منصف و برادران عزیزم آقایان حسین رضایی فرد و محمود طهری نیا سپاسگزاری و برای همه آنها آرزوی موفقیت روزافزون کنم.

با امید به آنکه این اثر مورد رضایت مولایمان حضرت صاحب الامر - ارواحنا الفداء - و مقبول طبع همه منتظران و دوستان آن حضرت قرار گیرد.

ابراهیم شفیعی سروستانی

رجب ۱۴۲۶ / تیر ۱۳۸۴

## فصل اول

امام مهدی علیه السلام؛ خصایص و ویژگی‌ها

## گفتار اول: از تولد تا غیبت

### ۱. پیوند آسمانی

دوازدهمین پیشوای شیعیان، بنابر مشهورترین اقوال، در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق. در شهر سامرا دیده به جهان گشود.<sup>۱</sup> بنا به گفته شیخ مفید (م ۴۱۳ ق.) پدرش امام حسن عسکری علیه السلام جز او فرزندی نه پنهان و نه آشکار به جا گذاشت و او را نیز در پنهان و خفانگهداری فرمود.<sup>۲</sup>

مادر بزرگوار آن حضرت بانویی شایسته به نام «نرجس»<sup>۳</sup> بود که به نام‌های

---

۱. ر.ک: کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۱، ص ۵۱۴؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ج ۲، ص ۳۳۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، ج ۲، ص ۲۱۴؛ صدوق، محمد بن علی بن حسین، *کمال الدین و تمام النعمة*، ج ۲، ص ۴۳۲-۴۳۳.  
۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان.

۳. «نرجس» نام گلی از دره تک‌لپه‌ای‌ها، و سردسته گیاهان تیره نرگسی است، که گل‌هایش منفرد و در انتهای ساقه قرار دارد؛ (معین، محمد، *فرهنگ معین*، ج ۴، ص ۴۷۰۲).

## ۲۴ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

دیگری چون «سوسن»<sup>۱</sup>، «صیقل»<sup>۲</sup> یا «صقیل» و «ملیکه»<sup>۳</sup> نیز نامیده شده است.<sup>۴</sup> او دختر «یوشعا» پسر قیصر روم و از نوادگان «شمعون» یکی از حواریون مسیح علیه السلام بود که به طریقی معجزه آسا از سوی خداوند برای همسری امام یازدهم برگزیده شد.<sup>۵</sup>

خلاصه ماجرا از این قرار است:

هنگامی که «نرجس» در روم بود خواب‌های شگفت‌انگیزی دید. یک بار در خواب پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و آله و عیسی مسیح علیه السلام را دید که او را به عقد ازدواج امام حسن عسکری علیه السلام در آوردند، و در خواب دیگری، شگفتی‌های دیگری دید و به دعوت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مسلمان شد، اما اسلام خود را از خانواده و اطرافیان خویش پنهان می‌داشت. تا آنگاه که میان مسلمانان و رومیان جنگ در گرفت و قیصر خود به همراه لشکر روانه جبهه‌های جنگ شد.

«نرجس» در خواب فرمان یافت که به طور ناشناس همراه کنیزان و خدمتکاران به دنبال سپاهی که به مرز می‌روند برود، و او چنین کرد و در مرز برخی از جلو داران سپاه مسلمانان آنان را اسیر ساختند و بی آنکه بدانند او از خانواده قیصر است او را همراه سایر اسیران به بغداد بردند.

---

۱. «سوسن» نام گلی فصلی و درشت به رنگ‌های مختلف است. اصل این گل از اروپا و ژاپن و آمریکای شمالی و هیمالیاست (همان، ص ۱۹۵۴).

۲. «صیقل» هر شیء نورانی، صیقلی و جلا داده شده را می‌گویند. بنابه گفته شیخ صدوق و شیخ طوسی، پس از آنکه حضرت نرجس خاتون به ولی عصر علیه السلام حامله شد او را صیقل نام نهادند. (ر. ک: صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ص ۴۳۲؛ طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۲۴۱).

۳. «ملیکه» به معنای ملکه و شهبانوست.

۴. ر. ک: صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان باب ۴۲، ص ۴۳۲، ح ۱۲.

۵. ر. ک: همان، باب ۴۱ ص ۴۲۳-۴۱۷؛ طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۱۲۸-۱۲۴؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱-۶.

## از تولد تا غیبت ■ ۲۵

این واقعه در اواخر دوران امامت امام دهم، حضرت هادی علیه السلام روی داد<sup>۱</sup>. و کارگزار امام هادی علیه السلام نامه‌ای را که امام به زبان رومی نوشته بود به فرمان ایشان در بغداد به نرجس رساند و او را از برده‌فروش خریداری کرد و به سامرا نزد امام هادی علیه السلام برد، امام آنچه را نرجس در خواب‌های خود دیده بود به او یادآوری کرد و بشارت داد که او همسر امام یازدهم و مادر فرزندی است که بر سراسر جهان مستولی می‌شود و زمین را از عدل و داد پر می‌سازد. آنگاه امام هادی علیه السلام نرجس را به خواهر خود «حکیمه» که از بانوان بزرگوار خاندان امامت بود سپرد تا آداب اسلامی و احکام را به او بیاموزد و مدتی بعد نرجس به همسری امام حسن عسکری علیه السلام در آمد.<sup>۲</sup>

## ۲. چگونگی میلاد

دشمنان اهل بیت علیهم السلام و حاکمان ستم پیشه اموی و عباسی، بر اساس روایت‌هایی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنها رسیده بود، از دیرباز می‌دانستند که شخصی به نام «مهدی» از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و دودمان امامان معصوم برمی‌خیزد و کاخ‌های ظلم و ستم را نابود می‌سازد، از همین رو پیوسته در کمین بودند که چه موقع آخرین مولود از نسل امامان شیعه به دنیا خواهد آمد تا او را از بین ببرند.

---

۱. در کتاب *تاریخ العرب و الروم* آمده است در سال ۲۴۷ ق. جنگ‌هایی بین مسلمانان و رومیان در گرفت و غنایم بسیاری به چنگ مسلمانان افتاد. در سال ۲۴۸ ق. نیز «بلکاجور» سردار مسلمانان با رومیان جنگید و طی آن بسیاری از اشراف روم اسیر شدند. (ر. ک: نازیلیف، *تاریخ العرب و الروم*، ترجمه محمد عبدالهادی شعیره، ص ۲۲۵). ابن اثیر نیز طی حوادث سال ۲۴۹ ق. می‌نویسد: جنگی میان مسلمانان به سرکردگی «عمر بن عبدالله اقطع» و «جعفر بن علی صائقه» با قوای روم که شخص قیصر نیز در آن جنگ شرکت داشت روی داد. (به نقل از: هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، *پیشوای دوازدهم حضرت امام حجة بن الحسن المهدي علیہ السلام*، ص ۲۶-۲۷).

۲. هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، همان، ص ۲۶-۲۷.

## ۲۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

از زمان امام محمد تقی علیه السلام رفته رفته فشارها و سختگیری‌ها بر خاندان پیامبر فزونی گرفت تا در زمان امام حسن عسکری علیه السلام به اوج خود رسید و آن حضرت در تمام دوران حیات خویش در شهر «سامرا» زیر نظر بودند، و کوچک‌ترین رفت و آمد به خانه آن امام از نظر دستگاه خلافت مخفی نبود.

در چنین شرایطی طبیعی است که میلاد آخرین حجّت حق نمی‌تواند آشکار باشد و به همین خاطر تا ساعاتی قبل از میلاد آن حضرت نزدیک‌ترین خویشان امام حسن عسکری علیه السلام نیز از اینکه قرار است مولودی در خانه امام به دنیا بیاید خبر نداشتند و هیچ اثری از حاملگی در مادر آن بزرگوار مشاهده نمی‌شد.

روایتی که در این زمینه از «حکیمه» دختر بزرگوار امام جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده، شنیدنی است. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق.) در کتاب کمال الدین این روایت را چنین گزارش می‌کند:

ابومحمد حسن بن علی علیه السلام به دنبال من فرستاد و فرمود: ای عمه! امشب روزهات را با ما افطار کن، زیرا امشب شب نیمه شعبان است و خداوند در این شب آن حجّتی را که حجّت او در زمین است آشکار می‌سازد. پرسیدم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس، عرض کردم: خدا مرا فدای شما گرداند، به خدا قسم در او هیچ اثری از حاملگی نیست! فرمود: موضوع این چنین است که می‌گوییم، حکیمه خاتون ادامه می‌دهد: من [به خانه امام عسکری] درآمدم، پس از آنکه سلام کردم و نشستم نرجس پیش من آمد و در حالی که کفش‌های مرا از پایم بیرون می‌آورد گفت: ای بانوی من چگونه شب کردی؟ گفتم: بلکه تو بانوی من و بانوی خاندان منی. سخن مرا انکار کرد و گفت: چه شده است عمه؟ به او گفتم: دختر جان! خداوند - تبارک و تعالی - در همین شب به تو فرزند پسری عطا می‌کند که سرور دنیا و آخرت خواهد بود. نرجس از حیا در جای خود نشست. وقتی از نماز

## از تولد تا غیبت ■ ۲۷

عشا فارغ شدم و افطار کردم، به بستر رفتم و خوابیدم. در نیمه‌های شب برای نماز برخاستم، نمازم را تمام کردم، در حالی که هنوز نرجس خوابیده بود و اثری از زایمان در او نبود. تعقیب نماز را به جای آوردم و خوابیدم، اما لحظاتی بعد وحشت‌زده از خواب بیدار شدم که در این موقع نرجس هم برخاست و به نماز ایستاد.

حکیمه می‌گوید: در همین حال شک و تردید به سراغ من آمد، اما ناگهان ابومحمد [امام حسن عسکری] از همان جا که نشسته بود ندا برآورد: ای عمه! شتاب مکن که آن امر نزدیک شده است. حکیمه ادامه می‌دهد: در حال خواندن سوره‌های «سجده» و «یس» بودم که نرجس با اضطراب از خواب بیدار شد، من با شتاب پیش او رفتم و گفتم: نام خدا بر تو باد، آیا چیزی احساس کردی؟ گفت: بله، عمه جان. به او گفتم: بر خودت مسلط باش و آرامشت را حفظ کن، که این همان است که به تو گفتم. حکیمه ادامه می‌دهد: دقایقی کوتاه خواب به سراغ من آمد و در همین موقع بود که حالت زایمان به نرجس دست داد و من به سبب حرکت نوزاد بیدار شدم، جامه را از روی او کنار زدم و دیدم که او اعضای سجده را به زمین گذاشته و در حال سجده است، او را در آغوش گرفتم و با تعجب دیدم که او کاملاً پاکیزه است و از آثار ولادت چیزی بر او نمانده است. در این هنگام ابومحمد [امام حسن عسکری] ندا برآورد که: ای عمه! پسر مرا نزد من بیاور. نوزاد را به سوی او بردم، آن حضرت دستانش را زیر ران‌ها و کمر او قرارداد و پاهای او را بر سینه خود گذاشت. آنگاه زبانش را در دهان او کرد و دستانش را بر چشم‌ها و گوش‌ها و مفاصل او کشید و بعد از آن گفت: پسر مرا سخن بگو و آن نوزاد زبان گشود و گفت: شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و هیچ شریکی برای او وجود ندارد و شهادت می‌دهم که محمد ﷺ



## ۲۸ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

فرستاده خداست. آنگاه بر امیرمؤمنان علیه السلام و سایر امامان درود فرستاد تا به نام پدرش رسید...<sup>۱</sup>

بعد از تولد آن حضرت، امام حسن عسکری علیه السلام تعداد بسیار محدودی از یاران نزدیک خود را در جریان میلاد مهدی موعود قرار دادند و تعدادی دیگر از یاران آن حضرت نیز موفق به دیدار آن مولود خجسته شدند.<sup>۲</sup>

### ۳. نام، کنیه و القاب

نام و کنیه امام عصر علیه السلام همان نام و کنیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در برخی از روایات آمده است:

إِنَّهُ لَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِهِ، وَلَا أَنْ يُكْنِيَهُ بِكُنْيَتِهِ إِلَى أَنْ يُزَيِّنَ اللَّهُ تَعَالَى الْأَرْضَ (بِظُهُورِهِ وَ ظُهُورِ) دَوْلَتِهِ.<sup>۳</sup>

تا زمانی که خداوند زمین را به ظهور او و استقرار دولتش زینت نبخشیده است، بر کسی روا نیست که نام و کنیه آن حضرت را بر زبان جاری سازد.

بر همین اساس عده‌ای از فقها قایل به حرمت نام بردن از آن حضرت به نام واقعی اش شده و عده‌ای دیگر نیز این امر را مکروه دانسته‌اند. اما بیشتر فقها نهی از نام بردن حضرت را اختصاص به زمان غیبت صغرا و شرایطی که بیم خطر جانی برای آن حضرت وجود داشت، دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

به دلیل وجود روایات یادشده، شیعیان آن حضرت را با القاب مختلفی چون: حجت، قائم، مهدی، خلف صالح، صاحب، صاحب الزمان، صاحب الدار

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۱؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۱، ص ۲.

۲. در ادامه همین کتاب در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، همان، ج ۲، ص ۲۱۳.

۴. ر. ک: امین، سید محسن، سیره معصومان، ترجمه علی حجتی کرمانی، ج ۶، ص ۲۶۳-۲۶۱.

## از تولد تا غیبت ■ ۲۹

می‌نامیدند و در دوران غیبت کوتاه آن امام، ارادتمندان و دوستداران حضرتش با تعبیری چون «ناحیه مقدسه» از ایشان یاد می‌کردند.<sup>۱</sup>

### ۴. غیبت صغرا

امام حسن عسکری علیه السلام در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ ق. یعنی در زمانی که حضرت مهدی علیه السلام پنج سال بیشتر نداشتند، به دست «معمد»، خلیفه عباسی به شهادت رسید و امام عصر علیه السلام بر پیکر پدر بزرگوار خویش نماز گزارد.<sup>۲</sup>

با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام دوران امامت امام عصر علیه السلام آغاز شد و بنا به گفته بسیاری از صاحب‌نظران دوران غیبت کوتاه مدت آن امام که از آن به «غیبت صغرا» تعبیر می‌شود، نیز از همین زمان؛ یعنی سال ۲۶۰ ق. آغاز گردید. اما برخی از اهل تحقیق بر آنند که آغاز غیبت صغرا از همان زمان تولد حضرت؛ یعنی سال ۲۵۵ ق. بوده است.<sup>۳</sup>

دوران غیبت صغرا تا سال ۳۲۹ ق. ادامه داشت که بدین ترتیب بنابر دیدگاه اول طول این دوران ۶۹ سال و بنابر دیدگاه دوم طول این دوران ۷۴ سال خواهد بود.

### ۵. غیبت کبرا

از سال ۳۲۹ ق. به بعد دوران دیگری از حیات امام عصر علیه السلام آغاز می‌شود که از آن تعبیر به «غیبت کبرا» می‌کنیم، این دوران همچنان ادامه دارد تا روزی که به خواست خدا ابرهای غیبت به کناری رود و جهان از خورشید فروزان ولایت

۱. ر. ک: طبرسی، فضل بن حسن، همان.

۲. ر. ک: امین، سید محسن، همان، ص ۲۵۹.

۳. همان، ص ۲۷۲.

بهره‌مند شود.

اما در مورد وجه تقسیم‌بندی این دو دوران باید گفت که در دوران غیبت صغرا، حضرت ولی عصر علیه السلام از طریق کسانی که به آنها «نواب خاص» اطلاق می‌شود با مردم در ارتباط بودند و از طریق نامه‌هایی که به «توقیع»<sup>۱</sup> مشهور است پرسش‌های شیعیان را پاسخ می‌گفتند، اما در دوران غیبت کبرا این نوع ارتباط قطع شده و مردم برای دریافت پاسخ پرسش‌های دینی خود تنها می‌توانند به «نواب عام» امام عصر که همان فقهای وارسته هستند، مراجعه کنند.

### ۶. نواب خاص امام عصر

در طول دوران ۶۹ ساله و یا ۷۴ ساله غیبت صغرا چهار تن از بزرگان شیعه عهده‌دار مقام نیابت یا سفارت خاص امام عصر علیه السلام بودند که اسامی آنها بدین قرار است:

۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمری (م ۲۶۵ ق.)؛

۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری (م ۳۰۴/۳۰۵ ق.)؛

۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (م ۳۲۶ ق.)؛

۴. ابوالحسن علی بن محمد سمري (م ۳۲۹ ق.).

با توجه به اهمیتی که شناخت نواب چهارگانه در درک وضعیت دوران غیبت

۱. «توقیع» در لغت به معنای نشان گذاشتن، امضاء کردن حاکم بر نامه و فرمان، جواب مختصر که کاتب در نوشته به پرسش‌ها می‌دهد، دستخط فرمانروا و نوشتن عبارتی در ذیل مراسله آمده است. و در اصطلاح علم حدیث به معنای پاسخ پرسش‌ها، یا اطلاعیه‌هایی است که به صورت کتبی از طرف امام برای آگاهی شیعیان فرستاده شده است. چنان‌که توقیعاتی از حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیه السلام، نقل شده است. اما معمولاً توقیع به نامه‌های حضرت حجة بن الحسن امام زمان، عجل الله تعالی فرجه، گفته می‌شود که توسط چهار تن نمایان خاص ایشان در زمان غیبت صغرا به دست شیعیان می‌رسیده است. (ر. ک: رکنی، محمد مهدی، نشانی از امام غایب علیه السلام، بازنگری و تحلیل توقیعات) ص ۳-۴.

## از تولد تا غیبت ■ ۳۱

صغرا دارد در اینجا با استفاده از کتاب سیره معصومان نوشته عالم گرانقدر شیعه مرحوم سید محسن امین به شرح حال این نواب می پردازیم:

۱-۶. ابو عمرو عثمان بن سعید بن عمرو عمری اسدی: وی از قبیله بنی اسد بود و نسبش به جدش، پدر مادرش، جعفر عمری می رسد. گویند: ابو محمد حسن عسکری علیه السلام به وی دستور داد که کنیه اش را به کسر بگوید (عمری). همچنین به وی عسکری نیز گفته می شده است؛ زیرا در منطقه نظامی سُرَّ مَنْ رَا [سامرا] سکنی داشته است. او را سَمَّان (روغن فروش) نیز می خوانده اند. چون وی برای سرپوش نهادن بر کار اصلی خود به خرید و فروش روغن مبادرت می کرد و هنگامی که شیعیان، آنچه از مال و ثروت خویش بر ایشان واجب بود، برای امام حسن عسکری علیه السلام می آوردند، ابو عمرو آنها را از روی تقیه و ترس در خیک های روغن می گذاشت و نزد آن امام می برد. امام علی هادی علیه السلام نیز وی را به عنوان وکیل خود منصوب کرده بود و پس از آن امام، حضرت عسکری علیه السلام نیز وی را به همین مقام گماشته بود و سپس به عنوان سفیر حضرت مهدی علیه السلام انتخاب شد.

شیخ طوسی در کتاب الغیبه، درباره وی گفته است:

او استاد و مورد وثوق بود... و امام هادی علیه السلام در حق او فرموده بود: «این ابو عمرو، مورد اعتماد و امین است. آنچه به شما می گوید از جانب من می گوید و آنچه به شما می دهد از جانب من می دهد». همچنین یکی از اصحاب امام دهم علیه السلام از ایشان پرسید: «با چه کسی باید معامله کنیم و از چه کسی باید بگیریم و سخن کدامین کس را باید بپذیریم؟» امام علیه السلام فرمود: «عمری مورد اعتماد من است. آنچه به تو دهد از جانب من است و آنچه به تو گوید از سوی من است پس سخن او را بشنو و از وی پیروی نما که او مورد وثوق و امین است.»<sup>۱</sup>

۱. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۱۵-۲۱۴.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز پس از وفات پدرش، در حق او گوید:  
این ابوعمر و مورد وثوق و امین است. او محل اعتماد امام قبلی و مورد اعتماد  
من در زندگی و مرگ است. پس آنچه به شما گوید از سوی من می‌گوید و آنچه به  
شما دهد از جانب من می‌دهد.<sup>۱</sup>

عثمان بن سعید همان کسی بود که به هنگام غسل دادن پیکر پاک امام یازدهم علیه السلام  
بر جنازه آن حضرت، حضور داشت و مأموریت داشت که کار کفن و حنوط کردن و  
به خاکسپاری آن امام را انجام دهد.

شیخ طوسی در همان کتاب می‌گوید:

توقیعات صاحب‌الامر علیه السلام به دست عثمان بن سعید و پسرش محمد، به شیعیان و  
یاران خاص پدر آن حضرت می‌رسید. این توقیعات حاوی امر و نهی و پاسخ به  
مسائل و به همان خطی بود که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام نوشته می‌شد. از  
این رو شیعه همواره بر عدالت این پدر و پسر تأکید داشته است تا آنکه عثمان بن  
سعید دنیا را وداع گفت<sup>۲</sup> و پسرش وی را غسل داد و در سمت غربی بغداد در  
خیابان میدان، در قبله‌الذرب او را به خاک سپرد.<sup>۳</sup>

۲-۶. ابوجعفر محمد بن عثمان سعید عمری: شیخ طوسی در کتاب الغیبه از

«هبة الله بن محمد» از استادانش روایت کرده است که گفتند:

شیعه همواره عدالت عثمان بن سعید را قبول داشته و کار خود را پس از مرگ  
عثمان به پسرش ابوجعفر واگذارده است. شیعه بر عدالت و اعتماد و امانت  
ابوجعفر به خاطر نضی که دال بر امانت و عدالت و فرمان به مراجعه به او در زمان

۱. همان، ص ۲۱۵.

۲. مؤلف کتاب سیره معصومان اظهار می‌دارد که: دستیابی به تاریخ وفات «عثمان بن سعید» برای ما میسر  
نشد.

۳. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۲۱.

### از تولد تا غیبت ■ ۳۳

حیات امام عسکری علیه السلام است، اجماع دارد. همچنین پس از آن که امام حسن عسکری علیه السلام در زمان حیات عثمان بن سعید دنیا را بدرود گفت، باز هم در عدالت ابوجعفر اختلاف پدید نیامد و کسی در امانتداری وی به تردید نیفتاد. همچنین توقیعاتی که در خصوص مسایل مهم شیعه بود به دست وی نوشته می شد و به همان خطی بود که در زمان حیات پدرش، عثمان بن سعید، نگاشته می شد.<sup>۱</sup>

شیخ طوسی همچنین گوید:

چون ابو عمرو عثمان بن سعید درگذشت، فرزندش ابوجعفر محمد بن عثمان، به نص ابو محمد حسن عسکری علیه السلام به جای پدر قرار گرفت و پدرش عثمان طی فرمانی وی را به سفارت امام قائم علیه السلام تعیین کرد.<sup>۲</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «گواه باشید بر من که عثمان بن سعید عمری وکیل من و فرزندش محمد وکیل فرزند من، مهدی شماست».<sup>۳</sup>

و نیز آن حضرت علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود:

عمری و فرزندش مورد اعتمادند. پس هر چه به تو دادند از جانب من داده اند و آنچه به تو گفته اند از جانب من گفته اند. پس سخنان آن دو را بشنو و از آنان اطاعت کن که آن دو مورد اعتماد و امانت اند.<sup>۴</sup>

از محمد بن عثمان روایت شده است که گفت:

به خدا سوگند صاحب الامر هر سال در موسم حج حاضر می شود و مردم را می بیند و می شناسد. مردم نیز او را می بینند اما نمی شناسند.

و نیز در روایت آمده است که از وی پرسیدند: آیا صاحب الامر علیه السلام را

۱. همان، ص ۲۱۶.

۲. همان، ص ۲۱۸.

۳. همان، ص ۲۱۶.

۴. همان، ص ۲۱۹.

می شناسی؟ گفت: آری، آخرین باری که او را دیدم در کنار خانه خدا بود و می فرمود: «خداوندا! وعدهات را برایم محقق کن.»<sup>۱</sup>

درگذشت وی در آخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ یا ۳۰۴ ق. رخ داد. او جمعاً در حدود پنجاه سال سفارت امام زمان علیه السلام را عهده دار بود.<sup>۲</sup> وی را در کنار مادرش در خیابان باب الکوفه در بغداد به خاک سپردند.

۳-۶. ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی: ابو جعفر محمد بن عثمان دو یا سه سال پیش از وفاتش وی را به جانشینی خود انتخاب و معرفی کرد. او سران و بزرگان شیعه را جمع کرد و به آنان گفت: اگر مرگ من فرارسد کار به دست ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی خواهد بود. به من فرمان داده شده است که او را پس از خود به جای خویش قرار دهم پس به او مراجعه و در کارهای خود بر او تکیه کنید.

در روایت دیگری آمده است که از محمد بن عثمان پرسیدند:

اگر برای تو مسئله‌ای پیش آمد، چه کسی جانشین تو خواهد بود؟ پاسخ داد: این ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی جانشین من و سفیر میان شما و صاحب الامر علیه السلام است و وکیل او و مورد وثوق و امین است. پس در کارهای خود به او رجوع کنید و در مسایل مهم خویش به او تکیه کنید. من به معرفی او مأمور

۱. همان، ص ۲۲۲-۲۲۱.

۲. این روایتی است که شیخ طوسی در کتاب الغیبه از ابونصر هبه الله بن محمد بن احمد کاتب نقل کرده است. پوشیده نیست که این مدت از زمان ولادت امام زمان علیه السلام یعنی سال ۲۵۵ ق. تا هنگام وفات محمد بن عثمان در سال ۳۰۵ ق. بوده است. علاوه بر این باید یادآور شد که محمد بن عثمان از هنگام ولادت امام زمان علیه السلام عهده دار سفارت آن حضرت نبوده است بلکه وی پس از مرگ پدرش عثمان، این مسئولیت را بر عهده گرفته است. و باید از این ۵۰ سال که شیخ طوسی ذکر کرده پنج سال نخست زندگی امام قائم علیه السلام تا وفات امام عسکری علیه السلام و نیز مدت سفارت پدرش، عثمان را تا هنگام مرگش کم کرد و مدت باقی مانده همان مدتی است که محمد بن عثمان سفارت آن حضرت را به عهده داشته است.

شده‌ام و اینک او را معرفی کردم.<sup>۱</sup>

ابوالقاسم حسین بن روح در شعبان سال ۳۲۶ ق. درگذشت و در «نوبختیه» در دروازه پل شوک به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

۴-۶. ابوالحسن علی بن محمد سمري: حسین بن روح به وی وصیت کرد و او به کاری که بدان مامور شده بود پرداخت.

شیخ طوسی در کتاب الغیبه به سند خود از «احمد بن ابراهیم بن مخلد» نقل کرده است که گفت:

در بغداد، خدمت بزرگان شیعه رسیدم، پس شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمري - قدس الله روحه - آغاز به سخن کرد و گفت: خداوند علی بن حسین بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) را رحمت کند. بزرگان تاریخ این روز را نگاشتند. پس خبر رسید که علی بن حسین در این روز وفات یافته است.<sup>۳</sup> در روایتی دیگر آمده است که:

علی بن محمد سمري از بزرگان شیعه درباره علی بن حسین بن بابویه پرسید؛ آنان پاسخ دادند.

پس از ایشان پرسید. آنان نیز همین جواب را به او گفتند: آنگاه سمري گفت: خدا شما را در مورد او اجر دهد و در همین ساعت وفات یافت. حاضران تاریخ را یادداشت کردند. پس از هفده یا هجده روز خبر آمد که علی بن حسین در همان ساعت دنیا را وداع گفته است.<sup>۴</sup>

همچنین شیخ طوسی در همان کتاب به سند خود از «ابومحمد حسن بن احمد

۱. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۲۷.

۲. ر. ک. همان، ص ۲۳۸.

۳. همان، ص ۲۴۲.

۴. همان، ص ۲۴۳.



مکتب» نقل می کند که:

در سالی که شیخ علی بن محمد السمری - قدس الله روحه - از دنیا رفت در بغداد بودم، چند روز قبل از درگذشتن به خدمتش رسیدم، او توقیعی را برای مردم خارج ساخت که نسخه آن چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيُّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ  
فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَ لَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ  
مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ [التَّامَّةُ] فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ  
عَزَّوَجَلَّ وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَ  
سَيِّئَاتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ، أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ  
السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو بزرگ گرداند. تو تا شش روز دیگر می میری. پس کارت را سامان ده و به کسی به عنوان جانشین پس از خود، وصیت مکن که دیگر غیبت تامه واقع شده است. دیگر ظهوری نیست مگر به اذن خداوند و آن پس از مدتی دراز و بعد از آنکه دل ها سخت شد و زمین از ستم پر شد، به وقوع خواهد پیوست. به زودی از شیعیانم کسانی خواهند آمد که ادعای دیدار مرا می کنند. آگاه باشید هرکس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای دیدار مرا کرد، دروغگو و مفتری است. و لا حول و لا قوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

راوی گوید: از این توقیع نسخه برداری کردیم و از نزد او بیرون آمدیم و چون روز ششم فرا رسید نزد علی بن محمد بازگشتیم و دیدیم نزدیک است جان بدهد از او پرسش شد: چه کسی جانشین تو خواهد بود؟ گفت: خدا را امری است که خود

## از تولد تا غیبت ■ ۳۷

رساننده آن است و درگذشت.<sup>۱</sup>

وفات علی بن محمد سمري در نیمه شعبان سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق. رخ داد و پیکر وی در خیابانی معروف به شارع خلبخی در جنب باب المحول نزدیک نهر آب ابو عتاب، به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

با وفات چهارمین نایب خاص امام عصر، دوران غیبت صغرا به سر آمد و شیعیان بیش از پیش از فیض و جود امام خود محروم گشتند. باشد تا پرده‌های غیبت به کنار رود و جمال دل آرای حجت حق آشکار شود.<sup>۳</sup>

---

۱. همان، ص ۲۴۳-۲۴۲.

۲. همان، ص ۲۴۳.

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخ عصر غیبت و زندگی نواب خراسان ر. ک: امین، سید محسن، همان، ص ۲۷۲-۲۲۷؛ غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان (عج)؛ حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، مترجم سید محمد تقی آیت‌اللهی؛ پورسید آقایی، مسعود [و دیگران]، تاریخ عصر غیبت: نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم (عج).

## گفتار دوم: خصال و صفات امام مهدی عجل الله فرجه

مؤلف ارجمند کتاب *مکیال المکارم*، در بخش چهارم کتاب خود جمال و زیبایی حضرت مهدی عجل الله فرجه را به عنوان یکی از ویژگی‌ها و خصایص آن حضرت که مایه لزوم دعا برای ایشان است، برشمرده و می‌نویسد:

بدان که مولای ما حضرت صاحب‌الزمان عجل الله فرجه زیباترین و خوش صورت‌ترین مردم است؛ زیرا که شبیه‌ترین مردم به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد.<sup>۱</sup>

از بررسی روایات و مطالعه حکایات نیک‌بختانی که توفیق زیارت آن امام را یافته‌اند نیز برمی‌آید که قامت و رخسار نازنین امام عصر عجل الله فرجه در کمال زیبایی و اعتدال بوده و جزء جزء سیمای مبارکش دل‌ربا و خیره‌کننده است:

قیامت قامت و قامت قیامت      قیامت کرده‌ای ای سرو قامت  
مؤذن گر بسیند قامت را      به قد قامت بماند تا قیامت

---

۱. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم عجل الله فرجه*، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، ج ۱، ص ۱۳۲.

آری، همین قامت رعنا و رخسار دل‌ریا بوده است که موجب شده هزاران عاشق دل سوخته در آغاز هر صبح با زاری و التماس از خدای خود بخواهند که:

اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاکْحَلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مِنِّي إِلَيْهِ.<sup>۱</sup>

خداوند! آن چهره زیبا و جمال دل‌آرا را به من بنمای و چشمان مرا با یک نظر به او روشنایی بخش.

آن حضرت، افزون بر همه زیبایی‌های ظاهری، جامع همه کمالات روحی و سجایای اخلاقی نیز هست و همین امر نیز موجب شده که ایشان از نظر خلق و خو نیز شبیه‌ترین مردم به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله باشد.

از آنجا که آشنایی بیشتر با صفات و خصال یوسف زهرا، حضرت مهدی علیه السلام می‌تواند موجب انس و ارتباط شیعیان با آن عزیز غایب از نظر باشد، در اینجا با بهره‌گیری از کلمات معصومان علیهم السلام و حکایات نقل شده از تشریف یافتگان، به بررسی این موضوع می‌پردازیم. باشد تا به مصداق «وصف العیش نصف العیش» ما هم از آن جمال دل‌آرا بهره‌مند شویم.

### ۱. سیمای ظاهری

روایات فراوانی در توصیف جمال دل‌آرای آخرین حجت خدا، حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است که در مجموع می‌توان آنها را به دو بخش تقسیم کرد:

دسته اول، روایاتی که به توصیف کلی سیرت و صورت آن حضرت بسنده کرده و از ایشان به عنوان شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

۱. «قسمتی از دعای عهد»، مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱؛ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

## ۴۱ ■ خصال و صفات امام مهدی علیه السلام

۱. از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

فرمودند:

المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي، وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا...<sup>۱</sup>

مهدی از فرزندان من است. اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. او از نظر خلق و خُلق، شبیه‌ترین مردم به من است.

۲. احمد بن اسحاق بن سعد قمی می‌گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که

می‌فرمود:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خُلُقًا وَ خُلُقًا...<sup>۲</sup>

سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین مرا به من نشان داد، او از نظر آفرینش و اخلاق شبیه‌ترین مردم به رسول خداست.

با توجه به این روایات می‌توان همه خصال و صفاتی را که در قرآن و روایات به

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است، به وجود مقدس امام مهدی علیه السلام نیز نسبت داد.

روایاتی که به توصیف ویژگی‌های ظاهری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخته‌اند

فراوان‌اند، که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده ویژگی‌های ظاهری پیامبر

خاتم صلی الله علیه و آله چنین توصیف شده است:

رخسار پیامبر خدا سپید آمیخته به سرخی و چشمانش سیاه و درشت و

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ترجمه منصور پهلوان، ج ۱، باب ۲۵، ص ۵۲۴-۵۲۵، ح ۱

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۳۸، ص ۱۱۸، ح ۷.

ابروانش به هم پیوسته، و کف دست و پایش پر گوشت و درشت بود؛ بدان سان که گویی طلا بر انگشتانش ریخته باشد. استخوان دو شانهاش بزرگ بود، چون به کسی روی می‌کرد به خاطر مهربانی شدیدی که داشت با همه بدن به جانب او توجه می‌نمود. یک رشته موی از گودی گلو تا نافش رویده بود، انگار که میانه صفحه نقره خالص خطی کشیده شده باشد. گردن و شانهاش به سان گلاب‌پاش سیمین بود. بینی کشیده‌ای داشت که هنگام آشامیدن آب نزدیک بود به آب برسد. هنگام راه رفتن محکم قدم برمی‌داشت که گویا به سرازیری فرود می‌آید، باری، نه قبل و نه پس از پیغمبر خدا کسی مثل او دیده نشده است.<sup>۱</sup>

دسته دوم، روایاتی که خصال و سیمای امام مهدی علیه السلام را به تفصیل بیان کرده و ویژگی‌های آن حضرت را یک به یک بر شمرده‌اند. برخی از روایاتی که در این زمینه وارد شده به شرح زیر است:

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در توصیف آن حضرت روایت شده است که:

أَلْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجَهُّهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِيِّ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ.

مهدی طاووس اهل بهشت است. چهره او مانند ماه درخشانده است. بر [بدن] او جامه‌هایی از نور است.

امام باقر علیه السلام از پدرش، از جدش روایت می‌کند که امام علی علیه السلام روزی، در حالی که بر بالای منبر بود، فرمود:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَبْيَضُ اللَّوْنِ، مُشْرَبٌ بِالْحُمْرَةِ، مَبْدَحٌ

[مَبْدَحٌ] الْبَطْنِ، عَرِيضُ الْفَخْذَيْنِ، عَظِيمُ مَشَاشِ الْمِنْكَبَيْنِ، بِظَهْرِهِ شَامَتَانِ؛

شامه علی لون جلدیه و شامه علی شبه شامه النبی صلی الله علیه و آله ...<sup>۲</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۴۳.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۵۷، ص ۵۶۰، ح ۱۸.

## خصال و صفات امام مهدی عجل الله فرجه ■ ۴۳

از فرزندان من در آخرالزمان مردی ظهور می‌کند که رنگ [صورتش] سفید متمایل به سرخی و سینه‌اش فراخ و ران‌هایش ستبر و شانه‌هایش قوی است و در پشتش دو خال است، یکی به رنگ پوستش و دیگری مشابه خال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

امام رضا علیه السلام نیز در بیان صفات و ویژگی‌های امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشَّبَابِ، قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا.<sup>۱</sup>

قائم کسی است که در سن پیرمردان و با چهره جوانان قیام کند و نیرومند باشد تا بدانجا که اگر دستش را به بزرگ‌ترین درخت روی زمین دراز کند آن را از جای برکند و اگر بین کوه‌ها فریاد برآورد صخره‌های آن فروپاشد.

آن حضرت در روایت دیگری، در پاسخ «اباصلت هروی» که از ایشان می‌پرسد: «نشانه‌های قائم شما به هنگام ظهور چیست؟» می‌فرماید:

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ، شَابَّ الْمَنْظَرِ، حَتَّى أَنْ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لِيَحْسَبَهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنْ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ.<sup>۲</sup>

نشانه‌اش این است که در سن پیری است ولی منظرش جوان است به گونه‌ای که بیننده می‌پندارد چهل ساله و یا کمتر از آن است و نشانه دیگری آن است که به گذشت شب و روز پیر نشود تا آنکه آجلش فرا رسد.

امام صادق علیه السلام نیز آن حضرت را این گونه توصیف می‌کند:

۱. همان، ج ۲، باب ۳۵، ص ۶۹، ح ۸

۲. همان، باب ۵۷، ص ۵۵۸، ح ۱۲.

لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الشَّامِخِ وَلَا بِالْقَصِيرِ اللَّازِقِ بَلْ مَرْبُوعُ الْقَامَةِ، مُدَوَّرُ الْهَامَةِ،  
وَاسِعُ الصَّدْرِ، صَلَتْ الْجَبِينِ، مَقْرُونُ الْحَاجِبَيْنِ، عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ «كَأَنَّهُ  
فُتَاتُ الْمِسْكِ عَلَى رَضْرَاضَةِ الْعَنْبَرِ»<sup>۱</sup>

او میانه بالاست، نه بسیار بلند قد و نه بسیار کوتاه قد؛ صورتی گرد، سینه‌ای فراخ،  
پیشانی سفید و ابروانی به هم پیوسته دارد؛ بر گونه راست او خالی است، چون  
دانه مشک که بر قطعه عنبر سائیده باشد.

«ابراهیم بن مهزیار» نیز که به شرف ملاقات امام مهدی علیه السلام رسیده است، در بیان  
خصال آن امام می‌گوید:

او جوانی نارس و نورانی و سپید پیشانی بود با ابروانی گشاده و گونه‌ها و بینی  
کشیده و قامتی بلند و نیکو چون شاخه سرو و گویا پیشانی‌اش ستاره‌ای درخشان  
بود و بر گونه راستش خالی بود که مانند مشک و عنبر بر صفحه‌ای نقره‌ای  
می‌درخشید و بر سرش گیسوانی پرپشت و سیاه و افشان بود که روی گوشش را  
پوشانده بود و سیمایی داشت که هیچ چشمی برازنده‌تر و زیباتر و باطمأنیته‌تر و  
باحیاتر از آن ندیده است.<sup>۲</sup>

## ۲. سجایای اخلاقی

سجایا و مکارم اخلاقی امام مهدی علیه السلام را نیز به دو گونه می‌توان توصیف کرد:  
نخست براساس آیات و روایاتی که در توصیف پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وارد  
شده‌اند؛ چرا که آن حضرت از نظر ویژگی‌های اخلاقی نیز شبیه‌ترین مردم به

۱. یزدی حائری، علی، *إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب*، ج ۱، ص ۴۷۵.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۴۳، ص ۱۸۱-۱۸۰، همچنین ر. ک: همان، ص ۲۱۳-۲۱۲، حکایت تشرف علی بن ابراهیم مهزیار.



حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله است و دوم براساس روایاتی که به طور خاص به توصیف سجایای اخلاقی آن حضرت پرداخته‌اند.

قرآن کریم در آیات متعددی به توصیف پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله پرداخته و آن حضرت را به دلیل ویژگی‌های برجسته و منحصر به فردش ستوده است که از آن جمله می‌توان آیات زیر را برشمرد:

۱. در نخستین آیه، خداوند کریم و یزگی نرم‌خویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را یادآور شده و می‌فرماید اگر اینچنین نبودی مردم از پیرامون تو پراکنده می‌شدند:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...!

پس با بخشایشی از [سوی] خداوند، با آنان نرم‌خویی ورزیدی و اگر درشت‌خویی سنگدل می‌بودی، از دورت می‌پراکندند....

۲. در آیه‌ای دیگر، خداوند متعال به دلسوزی، احساس مسئولیت، خیرخواهی و مهر و محبت بی‌پایان رسول خاتم صلی الله علیه و آله نسبت به امتش اشاره کرده، می‌فرماید:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.

بی‌گمان پیامبری از [میان] خودتان نزد شما آمده است که هر رنجی ببرید، بر او گران است. بسیار خواستار شماست؛ با مؤمنان، مهربانی بخشاینده است.

۳. یکی دیگر از آیات قرآن، رحمت بودن پیامبر اکرم نسبت به همهٔ جهانیان را مورد توجه قرار داده، می‌فرماید:

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

۲. سوره توبه (۹)، آیه ۱۲۸.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.<sup>۱</sup>

و تو را جز رحمتی برای جهانیان، نفرستاده‌ایم.

۴. آیه دیگری از قرآن در مقام ستایش خلق و خوی بی نظیر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

می‌فرماید:

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ.<sup>۲</sup>

و به راستی تو را خوئی است سترگ.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت: خاتم اوصیا نیز چون خاتم پیامبران مظهر نرم‌خویی، دلسوزی، خیرخواهی، مهر، محبت، گذشت و خلق و خوی شایسته و سترگ بوده و رحمتی برای همه جهانیان است.

در مورد خصال اخلاقی حضرت مهدی علیه السلام، به طور خاص، روایات متعددی از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است، که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. «ابن حماد» در کتاب خود از یکی از راویان اهل سنت در مورد ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام چنین نقل می‌کند:

عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَن يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَّالِ جَوَاداً بِالْمَالِ رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ.<sup>۳</sup>

نشانه مهدی این است که بر کارگزاران [دولت خویش] سخت‌گیر، بسیار بخشنده و با مستمندان مهربان است.

۲. امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ این پرسش که امام علیه السلام چگونه شناخته می‌شود،

می‌فرماید:

بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ [...] وَ تَعْرِفُهُ بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَ بِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَ

۱. سوره انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۷.

۲. سوره قلم (۶۸)، آیه ۴.

۳. مؤسسه المعارف الاسلامیه، معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۱۵۲.

### لَا يَخْتَا جُ إِلَى أَحَدٍ.<sup>۱</sup>

[امام را] با آرامش و وقار [...] و نیز با حلال و حرام و نیازمندی مردم به او، در صورتی که او خود به هیچ کس نیاز ندارد [می توان شناخت].

۳. امام رضا علیه السلام در بیان ویژگی کلی امامان معصوم علیهم السلام، سخنان ارزشمندی دارند، که براساس آن می توان به توصیف امام مهدی علیه السلام نیز پرداخت، آن حضرت می فرماید:

يَكُونُ أَوْلَىٰ بِالنَّاسِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، وَ أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ، عَزَّ وَجَلَّ، وَ يَكُونُ آخِذًا النَّاسِ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَ أَكْفًا النَّاسِ عَمَّا يَنْهَىٰ عَنْهُ.<sup>۲</sup>

او به مردم از خودشان سزاتر و از پدران و مادرانشان برای آنها دلسوزتر است. او از همه مردم در برابر خدا متواضع تر، و در عمل به آنچه خود بدان فرمان می دهد، سخت کوش تر، و در دوری گزیدن از آنچه که خود از آن نهی می کند، خوددارتر است.

۴. آن حضرت در ادامه می فرماید:

دَلَالَتُهُ فِي خِصَلَتَيْنِ: فِي الْعِلْمِ وَ اسْتِجَابَةِ الدَّعْوَةِ وَ كُلُّ مَا أَخْبَرَ بِهِ مِنَ الْحَوَادِثِ الَّتِي تَخْدُثُ قَبْلَ كَوْنِهَا، فَذَلِكَ بَعْدَ مَعْهُودٍ إِلَيْهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَوَارَثَهُ عَنْ آبَائِهِ عَنْهُ علیهم السلام.<sup>۳</sup>

او با دو نشانه شناخته می شود: دانش [بی کران] و استجابت دعا و اینکه او از همه رویدادهایی که واقع می شوند، پیش از وقوعشان خبر می دهد. همه اینها به سبب

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، باب ۱۳، ص ۲۴۲، ح ۴۰.

۲. یزدی حائری، علی، همان، ص ۲۴.

۳. همان.

پیمانی است که از سوی پیامبر خدا با او بسته شده و وی آن را به وسیله پدران خود از آن حضرت به ارث برده است.

توصیف سیمای ظاهری و خصال روحی حضرت بقیه الله الاعظم - ارواحنا له الفداء - را با بخشی از کتاب منتهی الامال مرحوم شیخ عباس قمی به پایان می‌بریم. این محدث بزرگ مفاد روایات مختلفی را که در توصیف آن حضرت وارد شده، گردآورده و در بیان اوصاف ایشان می‌نویسد:

همانا روایت شده که آن حضرت شبیه‌ترین مردم است به رسول خدا صلی الله علیه و آله، در خلق و خلق، و شمایل او شمایل آن حضرت است. و آن چه جمع شده از روایات در شمایل آن حضرت، آن است که آن جناب ابيض [سفید] است که سرخی به او آمیخته و گندمگون است که عارض شود آن را زردی از بیداری شب و پیشانی نازنیش فراخ و سفید و تابان است و ابروانش به هم پیوسته و بینی مبارکش باریک و دراز که در وسطش فی الجمله انحدابی [برآمدگی] دارد و نیکور است و نور رخسارش چنان درخشان است که مستولی شده بر سیاهی محاسن شریف و سر مبارکش، گوشت روی نازنیش کم است. بر روی راستش خالی است که پنداری ستاره‌ای است درخشان، «وَعَلَى رَأْسِهِ فَرْقٌ بَيْنَ وَفَرْتَيْنِ كَأَنَّهُ أَلْفٌ بَيْنَ وَآوَيْنِ» [میان سرش فرقی گشوده شده مانند الفی که میان دو واو نشسته باشد] میان دندان‌هایش گشاده است. چشمانش سیاه و سرمه‌گون و در سرش علامتی است، میان دو کتفش عریض است، و در شکم و ساق مانند جدش امیرالمؤمنین علیه السلام است.

و وارد شده: «الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجَهُهُ كَالْقَمَرِ الدُّرِّيِّ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ»؛ یعنی حضرت مهدی علیه السلام، طاووس اهل بهشت است. چهره‌اش مانند ماه درخشنده است. بر بدن مبارکش جامه‌هایی است از نور. «عَلَيْهِ جُيُوبٌ

النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ؛ بر آن جناب جامه‌های قدسیه و خلعت‌های نورانیه ربانیه است که متلاً است به شعاع انوار فیض و فضل حضرت احدیت. و در لطافت و رنگ چون گل بابونه و ارغوانی است که شب‌نم بر آن نشسته و شدت سرخی‌اش را هوا شکسته و قدش چون شاخه‌بان درخت بیدمشک یا ساقه ریحان [است]، «لَيْسَ بِالتَّوِيلِ الشَّامِخِ وَ لَا بِالقَصِيرِ اللّازِقِ»؛ نه دراز بی اندازه و نه کوتاه بر زمین چسبیده. «بَلْ مَرْبُوعُ القَامَةِ مُدَوَّرُ الهَامَةِ»؛ قامتش معتدل و سر مبارکش مدور [است]، «عَلَى خَدِّهِ الأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ فَتَاةٌ مِسْكِ عَلَى رَضْرَاضِهِ عَنَبَرٍ»؛ بر روی راستش خالی است که پنداری ریزه مشک‌ی است که بر زمین عنبرین ریخته [است]. «لَهُ سَمْتُ مَارَاتِ العُيُونِ أَقْصَدَ مِنْهُ»؛ هیئت نیکی و خوشی دارد که هیچ چشمی هیئتی به آن اعتدال و تناسب ندیده [است] صلی الله علیه و علی آباءه الطاهیرین.<sup>۱</sup>

با امید به آنکه خداوند متعال از سر لطف و رحمت بی‌انتهای خود، دیدار شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله را نصیب ما بندگان بی‌مقدار خویش نیز فرماید و همه ما را از عطر حضور آن یگانه دوران بهره‌مند سازد.

۱. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۶۲.

## گفتار سوم: اثبات امامت امام مهدی علیه السلام

### ۱. شرایط اجتماعی عصر میلاد

دوران ۲۵۰ ساله امامت شیعی که با وفات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سال ۱۱ ق. آغاز گردید و با شروع غیبت صفرا و قطع رابطه مستقیم امام معصوم علیه السلام با جامعه اسلامی در سال ۲۶۰ ق. پایان پذیرفت، به مقاطع مختلف با ویژگی‌ها و خصوصیات متفاوت قابل تقسیم است.

در این میان دوران چهل ساله امامت امام هادی و امام عسکری علیه السلام که از سال ۲۲۰ ق. آغاز و تا سال ۲۶۰ ق. امتداد می‌یابد، به لحاظ واقع شدن در آستانه دوران غیبت صفرا جایگاه خاصی داشته و از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است.

یکی از ویژگی‌های این دوران شدت مراقبت و محدودیت‌های فراوانی است که از سوی حکام جور نسبت به این دو امام بزرگوار اعمال می‌شد.

اگرچه حاکمان ستم‌پیشه اموی و عباسی همواره بیش‌ترین سختگیری‌ها را نسبت به امامان شیعه روا می‌داشتند و آنها را از هر جهت در تنگنا قرار می‌دادند، اما

## ۵۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

در دوران امامت حضرت هادی و حضرت عسکری علیه السلام این سختگیری‌ها شدت بیشتری گرفت و محدودیت‌های بیشتری برای این دو امام ارجمند در نظر گرفته شد تا آنجا که در سال ۲۴۳ ق. به دستور متوکل عباسی حضرت هادی علیه السلام به اجبار از مدینه به «سامرا» (عسکر) که در آن زمان مرکز خلافت بود، آورده شدند و تا زمان شهادت، یعنی سال ۲۵۴ ق. در این شهر تحت نظر قرار داشتند.<sup>۱</sup>

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نیز بیش از نیمی از ایام عمر شریف خود را در سامرا گذراندند و از سال ۲۴۳ ق. که در سن یازده سالگی به همراه پدر به این شهر آمدند، تا سال ۲۶۰ ق. که چشم از جهان فرو بستند، امکان خروج از این شهر را نیافتند.

اما علت این همه سختگیری نسبت به این دو امام بزرگوار چه بود؟ و چرا دشمنان اهل بیت علیهم السلام تا به این حد این پدر و پسر را در تنگنا قرار داده بودند؟ حضرت امام حسن عسکری علیه السلام خود در تحلیل علل و انگیزه‌های برخورد شدید حاکمان ستم پیشه با ائمه اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

قَدْ وَضَعَ بَنُو أُمِّيَّةٍ وَ بَنُو عَبَّاسٍ سُيُوفَهُمْ عَلَيْنَا لِعِلَّتَيْنِ؛ إِحْدَاهُمَا أَنََّّهُمْ كَانُوا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْخِلَافَةِ حَقٌّ فَيَخَافُونَ مِنْ ادِّعَائِنَا إِيَّاهَا وَ تَسْتَقِرُّ فِي مَرْكَزِهَا. وَ ثَانِيَهُمَا أَنََّّهُمْ قَدْ وَقَفُوا مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِ الْجَبَابِرَةِ وَ الظُّلْمَةِ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا وَ كَانُوا لَا يَشْكُونَ أَنََّّهُمْ مِنَ الْجَبَابِرَةِ وَ الظُّلْمَةِ، فَسَعَوْا فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ إِبَادَةِ نَسْلِهِ، طَمَعًا مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى مَنْعِ تَوْلُدِ الْقَائِمِ أَوْ قَتْلِهِ. فَأَبَى اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ،

۱. ر. ک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۷؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۱۲-۳۰۹. شایان ذکر است که برخی از اهل تحقیق سال ۲۳۴ ق. را به عنوان سال ورود حضرت هادی علیه السلام به سامرا ذکر کرده‌اند. ر. ک: صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصفری، ص ۱۰۸-۱۰۷.

إِلَّا أَنْ يُسَمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.<sup>۱</sup>

بنی امیه و بنی عباس به دو دلیل شمشیرهایشان را بر ضد ما افراشتند: نخست اینکه آنها می دانستند هیچ حقی در خلافت ندارند، و به همین دلیل همواره در هراس بودند که مبادا ما در پی به دست آوردن خلافت و برگرداندن آن به جایگاه اصلی اش برآییم. و دوم اینکه، آنها بر اساس روایات متواتر این موضوع را می دانستند که پادشاهی گردنکشان و ستم پیشگان به دست قائم ما از بین خواهد رفت و تردیدی هم نداشتند که آنها از جمله گردنکشان و ستم پیشگان هستند، از همین رو برای کشتن خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و از بین بردن نسل او به تلاش وسیعی دست زدند، بدان امید که با این کارها بتوانند جلوی تولد قائم را بگیرند و یا او را به قتل برسانند. اما، خداوند از اینکه امر خود را بر یکی از آنها آشکار سازد پرهیز داشت و می خواست نور خودش را بر خلاف میل کافران به حد تمام برساند.

با توجه به شرایط و موقعیتی که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در آن قرار داشت، روشن است که موضوع تعیین و انتخاب جانشین آن حضرت، یعنی آخرین امام از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که بر اساس روایات تردیدناپذیر بنیاد ظلم و بیداد را برخواهد کند، از چه اهمیت و حساسیتی برخوردار است.

اگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام کوچک ترین ردّ پایی از فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و جانشین ایشان به دست می آوردند، قطعاً در پی نابودی آن حضرت بر می آمدند و اجازه نمی دادند که سلسله امامت استمرار پیدا کند. بنابراین چاره‌ای جز مخفی نگهداشتن موضوع تولد آخرین حجّت حق نبود، و این پنهان کاری تا حدی بود که تا لحظه تولد ایشان نزدیک ترین خویشاوندان حضرت عسکری علیه السلام نیز هیچ

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، ح ۶۸۵.



اطلاعی از این موضوع نداشتند.<sup>۱</sup>

پنهان‌کاری شدیدی که در موضوع تولد حضرت مهدی علیه السلام اعمال می‌شد اگرچه برای حفظ جان آن حضرت لازم بود، اما از سویی دیگر ممکن بود که باعث سرگردانی و حیرت شیعیان پس از درگذشت امام حسن عسکری علیه السلام گردد، لذا امام یازدهم از همان لحظه تولد، یاران خاص خود را در جریان قرار داده و به آنها اطمینان دادند که در موضوع جانشینی ایشان هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد.

با این تدبیر حضرت عسکری، اگرچه تا مدت کوتاهی پس از وفات ایشان، شیعیان دچار حیرت شده و در میان آنها اختلاف به وجود آمد، اما پس از آن، همه کسانی که در پیروی از اهل بیت علیهم السلام اخلاص داشتند و در قلبشان مرض و نفاق وجود نداشت، آخرین حجّت حق را شناختند و از طریق نواب خاص با ایشان ارتباط برقرار کردند.

با همه تفصیلی که گذشت عده‌ای از مخالفان شیعه در پی این هستند که با طرح شبهاتی در اصل تولد امام عصر علیه السلام ایجاد تردید کنند و چنین القا نمایند که از نظر تاریخی نمی‌توان تولد آن حضرت را اثبات کرد. در حالی که اگر این به اصطلاح پژوهشگران تاریخی، خالی از هرگونه غرض سیاسی و تنها به انگیزه دستیابی به حقیقت به منابع و کتاب‌هایی که در سال‌های نزدیک به دوران غیبت صغرا تالیف شده‌اند، مراجعه می‌کردند؛ درمی‌یافتند که هیچ جای تردیدی در موضوع تولد امام دوازدهم وجود ندارد.

چنان‌که شیخ مفید (۴۱۳ - ۳۳۶ ق.) در این باره می‌گوید:

ثُمَّ قَدْ جَاءَتْ رَوَايَاتٌ فِي النَّصِّ عَلَى ابْنِ الْحَسَنِ علیه السلام مِنْ طُرُقٍ يَنْقَطِعُ بِهَا

۱. ر. ک: مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۳۶.

## الأعذار<sup>۱</sup>

روایاتی که در اثبات [امامت] فرزند حسن [عسکری] علیه السلام وارد شده‌اند به گونه‌ای هستند که با آنها راه هرگونه عذر و بهانه بسته می‌شود.

در اینجا برای روشن شدن پاره‌ای اذهان، مروری دوباره خواهیم داشت بر مجموعه روایاتی که در زمینه اثبات امامت آن حضرت وارد شده‌اند. در این بررسی ابتدا به چند نمونه از روایاتی که از سال‌ها پیش از تولد امام مهدی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهم السلام در زمینه امامت آن حضرت وارد شده‌اند، اشاره کرده، بعد از آن عبارت‌های تنی چند از کسانی را که بر تولد فرزند امام حسن عسکری علیه السلام شهادت داده‌اند، مرور می‌کنیم و سرانجام هم به معرفی برخی از کسانی می‌پردازیم که حضرت مهدی علیه السلام را در زمان تولد و پس از آن مشاهده کرده‌اند.

## ۲. پیش‌بینی تولد امام مهدی علیه السلام

چنان‌که می‌دانیم، از همان سال‌های آغازین ظهور اسلام موضوع امامان دوازده‌گانه از سوی پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله مطرح گردید و پس از ایشان نیز هر یک از ائمه، نام و مشخصات امامان پس از خود را تا آخرین امام معرفی می‌کردند تا جای هیچ شبهه و تردیدی برای مردم باقی نماند.

در این مجال فرصت بررسی تفصیلی همه روایت‌هایی که در این زمینه وارد شده نیست و لذا تنها به ذکر برخی از آنها بسنده می‌کنیم:

۱. ثقة الاسلام کلینی (م ۳۲۹ ق.) و شیخ مفید (۴۱۳ - ۳۳۶ ق.) به اسناد خود از

امام باقر علیه السلام چنین روایت می‌کنند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِأَصْحَابِهِ: آمِنُوا بِبَلِيَّةِ الْقَدْرِ، فَإِنَّهُ، يُنَزَّلُ فِيهَا أَمْرُ السَّنَةِ وَإِنَّ

لِذَلِكَ وَوَلَاةٌ مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ.<sup>۱</sup>

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یارانش فرمود: به شب قدر ایمان بیاورید؛ همانا در این شب امور یک سال (همه آنچه در یک سال واقع می شود) نازل می گردد، و برای این موضوع پس از من حاکمان [و پیشوایانی] وجود دارند که عبارت اند از، علی بن ابی طالب و یازده تن از نوادگان او.

۲. این دو عالم بزرگوار شیعی روایت دیگری را به همین مضمون از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند، که در آن آمده است:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام لِابْنِ عَبَّاسٍ، إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ إِنَّهُ يُنَزَّلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرٌ سَنَةٌ وَ لِذَلِكَ الْأَمْرِ وَوَلَاةٌ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله. فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ: مَنْ هُمْ؟ قَالَ: أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أَيْمَّةٌ مُحَدَّثُونَ.<sup>۲</sup>

امیرمؤمنان علیه السلام به ابن عباس فرمود: همانا شب قدر در هر سال وجود دارد؛ و در آن شب امور یک سال نازل می شود؛ و برای این موضوع پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله حاکمان [و پیشوایانی] قرار داده شده اند. ابن عباس پرسید: آنها که هستند؟ فرمود: من و یازده تن از نسل من، که همه امامانی هستند که حدیث می شوند. این دو روایت بیان کننده این حقیقت اند که «ملائک» و «روح» که به تعبیر سوره قدر به «اذن» پروردگار خویش در شب قدر نازل می شوند، «کل امر» یا همه برنامه یک ساله جهان هستی را بر کسی که از سوی خداوند به ولایت برگزیده شده، عرضه می دارند. به بیان دیگر این برنامه در زمان رسول خدا بر آن حضرت و پس از ایشان بر امامانی که یکی پس از دیگری سرپرستی امت اسلام را بر عهده می گیرند، عرضه می شود.

۱. همان، ص ۳۴۵-۳۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۵۲۳، ح ۱۲.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۵۲۲، ح ۱۱؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۴۶؛ همچنین ر. ک: نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، ص ۶۰، ح ۳؛ طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۱۴۱، ح ۱۰۶.

بنابراین، روایات یادشده علاوه بر بیان مسئله امامت و پیش بینی سلسله دوازده گانه جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کننده لزوم استمرار سلسله امامت و ضرورت وجود ولیّی حتی خدا در هر زمان نیز هستند؛ زیرا تا جهان باقی است شب قدر تکرار می شود و بی تردید در هر شب قدر می بایست امور یک ساله جهان بر ولیّ خدا عرضه گردد.

۳. در روایت دیگری امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ علیها السلام وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهَا أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا،  
فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ علیه السلام ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ.<sup>۱</sup>

بر فاطمه علیها السلام، وارد شدم دیدم که پیش روی او لوحی است که در آن نام های همه اوصیا از نسل او نوشته شده است، آنها را برشمردم دیدم که دوازده نفرند و آخرین آنها قائم علیه السلام است. سه تن از اوصیا نام «محمد» و سه تن از آنها نام «علی» داشتند.

همچنین ابوبصیر از امام باقر علیه السلام روایت می کند که:

يَكُونُ تِسْعَةٌ أَيْمَةً بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ.<sup>۲</sup>

بعد از حسین بن علی نه امام خواهند آمد که نهمین آنها قائم ایشان است.

چنین روایاتی از سایر امامان شیعه نیز نقل شده و آنچه ذکر شد تنها بخش کوچکی از روایات فراوانی است که در آنها به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا ائمه اهل بیت علیهم السلام پیش بینی شده است پس از نبی اکرم صلی الله علیه و آله دوازده امام سرپرستی امت اسلام

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۵۲۲، ح ۱۱؛ همچنین ر. ک: صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۴، ص ۲۶۹، ح ۱۳؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۱۳۹، ح ۱۰۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۵۲۳، ح ۱۵؛ همچنین ر. ک: صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۵۰، ح ۴۵؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۴۷؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۱۴۰، ح ۱۰۴؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۹۴، ح ۲۵.

را بر عهده می گیرند که آخرین این پیشوایان مهدی امت و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است.<sup>۱</sup> بنابراین جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که براساس پیش بینی پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام باید یازده امام از نسل امیرالمؤمنین علیه السلام یکی پس از دیگری امامت مسلمانان را بر عهده گیرند. اما در اینجا این پرسش مطرح می شود که به چه دلیل می توان گفت این پیش بینی به تمام و کمال محقق شده و آخرین امام از سلسله امامان دوازده گانه نیز به دنیا آمده و به امامت رسیده است؛ زیرا بسیاری از مردم نه تولد او را دیده اند و نه دوران رشد و بالندگی او را مشاهده کرده اند؟

در پاسخ این پرسش باید گفت: اولاً، ما روایات معتبری از عصر امام عسکری علیه السلام در دست داریم که در آنها افرادی جلیل القدر به تولد امام دوازدهم شهادت داده و اظهار داشته اند که جانشین امام دوازدهم بر ما معلوم گشته است؛ ثانیاً عده زیادی از بزرگان شیعه، آن حضرت را در زمان تولد و در اوان کودکی دیده و بر این موضوع گواهی داده اند و لذا در تولد حضرت مهدی علیه السلام به عنوان دوازدهمین امام، جای هیچ شبهه ای نمی تواند وجود داشته باشد.

در اینجا برای روشن شدن بیشتر موضوع به پاره ای از دلایلی که در بالا از آنها یاد شد اشاره می کنیم:

### ۳. گواهان تولد امام مهدی علیه السلام

۱. «محمد بن علی بن بلال» که از یاران امام حسن عسکری علیه السلام بوده و شیخ طوسی او را ثقه و مورد اعتماد دانسته است<sup>۲</sup>، نقل می کند که:

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، باب ماجاء فی الإثنی عشر و النص علیهم، ص ۵۲۵-۵۲۵؛ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۰۸-۱۵۵.  
 ۲. ر. ک: خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۳۰۹.

خَرَجَ إِلَيَّ مِنْ أَبِي مُحَمَّدٍ قَبْلَ مُضِيِّهِ بِسِتِّينَ يُخْبِرُنِي بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَيَّ مِنْ قَبْلِ مُضِيِّهِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ يُخْبِرُنِي بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ.<sup>۱</sup>

دو سال پس از وفات ابومحمد [امام حسن عسکری علیه السلام] نامه‌ای از ایشان به دست من رسید که در آن مرا از جانشین خود آگاه کرده بود. همچنین سه روز پیش از وفات ابومحمد نامه دیگری از ایشان دریافت داشتم که در آن مشخص شده بود آن حضرت چه کسی را جانشین خود ساخته است.

۲. از «احمد بن محمد بن عبدالله»، یکی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام چنین روایت شده است:

خَرَجَ عَنِ أَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام حِينَ قُتِلَ الزُّبَيْرِيُّ، لَعَنَهُ اللَّهُ: «هَذَا جَزَاءُ مَنْ اجْتَرَأَ عَلَى اللَّهِ فِي أَوْلِيَائِهِ، يَزْعَمُ أَنَّهُ يَقْتُلُنِي وَ لَيْسَ لِي عَقِبٌ، فَكَيْفَ رَأَى قُدْرَةَ اللَّهِ فِيهِ. وَ وُلِدَ لَهُ وَ لَدُ سَمَاءُ «م ح م د» فِي سَنَةِ سِتٍّ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ.<sup>۲</sup>

هنگامی که «زبیری»<sup>۳</sup> - لعنت خدا بر او باد - کشته شد نامه‌ای از ابومحمد (امام حسن عسکری علیه السلام) به من رسید، که در آن آمده بود: «این جزای کسی است که حریم خدا را نگه نداشته و در حق اولیای او گستاخی می‌کند. او می‌پنداشت که مرا به قتل می‌رساند، در حالی که در پی من فرزندی وجود ندارد، اما [دیدم] خداوند قدرت خود را چگونه به او نشان داد؟» در پی این ماجرا در سال ۲۵۶ ق. فرزندی برای آن حضرت متولد شد که او را «م ح م د» نامید.

۳. «احمد بن اسحاق قمی» از جمله معدود افرادی است که حضرت امام حسن

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۳۲۸، ح ۱؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۴۸.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۳۲۹، ح ۵؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۴۹.

۳. «زبیری» لقب یکی از گردنکشان و دشمنان اهل بیت از نسل «زبیر» است که در زمان حضرت عسکری علیه السلام می‌زیست و آن حضرت را تهدید به قتل کرده بود. اما خداوند به دست خلیفه عباسی او را به سزای اعمالش رساند.

## ۶۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

عسکری علیه السلام او را در جریان تولد فرزند خویش قرار داده است. پیش از بیان روایتی که در این زمینه از ایشان نقل شده به جاست که برای درک جایگاه و موقعیت نامبرده در جامعه شیعی عصر خود توصیفی را که شیخ طوسی از ایشان نموده نقل کنیم.

شیخ طوسی در کتاب *الفهرست* در این باره می گوید:

احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد... بزرگ مرتبه، از یاران خاص ابومحمد [امام حسن عسکری علیه السلام] است. او صاحب الزمان علیه السلام را مشاهده کرد. او شیخ قمیین و پیک و فرستاده آنها [در نزد امامان شیعه علیهم السلام] بوده است.<sup>۱</sup>

اما روایتی که احمد بن اسحاق از امام حسن عسکری علیه السلام نقل و در آن به چگونگی آگاه شدن خود از تولد آخرین حجت حق اشاره کرده، به قرار زیر است:

وَلَدَ لَنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا، وَ عَنِ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا، فَإِنَّا لَم نَظْهَرُ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَ الْوَلِيَّ لِوِلَايَتِهِ، أَحْبَبْنَا إِعْلَامَكَ لِئَسْرَكَ اللَّهُ بِهِ مِثْلَ مَا سَرَّنَا بِهِ. وَ السَّلَامُ.<sup>۲</sup>

برای ما فرزندی متولد شد. لازم است خبر تولد او را پنهان بداری و به هیچ کس از مردم بازگو نکنی؛ ما کسی را بر این تولد آگاه نمی کنیم جز خویشاوند نزدیک را به دلیل خویشاوندی و دوست را به دلیل ولایتش. دوست داشتیم خبر این تولد را به تو اعلام کنیم تا خداوند خاطر تو را مسرور سازد، همچنان که مرا مسرور ساخت. والسلام.

۴. احمد بن اسحاق در روایت دیگری می گوید:

سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ

۱. طوسی، محمد بن حسن، *الفهرست*، ص ۷۰، ش ۷۸، همچنین ر. ک: خوینی، سید ابوالقاسم، همان، ج ۲، ص ۴۸-۴۷.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۴۲، ص ۴۳۳-۴۳۴، ح ۱۶.

يُخْرِجُنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أُرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي، أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَلْقًا وَخُلُقًا...!

از ابا محمد حسن بن علی عسکری عجل الله فرجه شنیدم که فرمود: سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا جانشینم را به من نشان دهد. همو که آفرینش و خلق و خوی او از همه مردم به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شبیه تر است....

۵. «ابو هاشم جعفری» (داود بن قاسم) که محضر چهار تن از ائمه، یعنی امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عصر عجل الله فرجه را درک کرده و به گفته نجاشی و شیخ طوسی در نزد ائمه «عظیم المنزله» و «جلیل القدر» بوده است<sup>۱</sup> چنین نقل کند:

قُلْتُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عجل الله فرجه جَلَالَتِكَ تَمْنَعُنِي مِنْ مَسْأَلَتِكَ، فَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ؟ فَقَالَ: سَلْ. قُلْتُ: يَا سَيِّدِي! هَلْ لَكَ وَوَلَدٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. فَقُلْتُ: فَإِنْ حَدَّثَ بِكَ حَدَّثٌ فَأَيْنَ أَسْأَلُ عَنْهُ. قَالَ: بِالْمَدِينَةِ.<sup>۲</sup>

به ابا محمد [امام حسن عسکری] عجل الله فرجه، عرض کردم: جلالت شما مانع از این می شود که پرسشی را با شما در میان بگذارم، آیا اجازه می دهید پرسشی از شما بکنم؟ فرمود: بپرس. گفتم: آقای من! آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: آری. گفتم: اگر اتفاقی برای شما افتاد سراغ او را در کجا بگیریم؟ فرمود: در مدینه.

۶. «حمدان بن احمد قلانسی» که از فقهای کوفه بوده و «کشی» او را توثیق نموده است،<sup>۳</sup> نقل می کند که:

قُلْتُ لِلْعَمْرِيِّ: قَدْ مَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ؟ فَقَالَ لِي: قَدْ مَضَى وَلَكِنْ قَدْ خَلَفَ فِيكُمْ

۱. همان، ص ۴۰۸-۴۰۹، ح ۷.

۲. ر. ک: خوئی، سید ابوالقاسم، همان، ج ۷، ص ۱۱۸ و ج ۲۲، ص ۷۵.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۳۲۸، ح ۲؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۴۸.

۴. ر. ک: خوئی، سید ابوالقاسم، همان، ج ۶، ص ۲۴۷ و ۲۵۴.



## ۶۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

مَنْ رَقَبْتُهُ مِثْلَ هَذِهِ؛ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ.<sup>۱</sup>

به عمری (عثمان بن سعید) گفتم: آیا ابو محمد [امام حسن عسکری علیه السلام] از دنیا رفت؟ گفت: آری او از دنیا رفت اما کسی را در میان شما جانشین خود قرار داد که گردن او این چنین است؛ در این حال با دستان خود [به گردش] اشاره می‌کرد.<sup>۲</sup>

۷. «محمد بن احمد علوی» نیز از «ابی غانم خادم» نقل می‌کند که:

برای ابا محمد (امام حسن عسکری علیه السلام) فرزندی به دنیا آمد که او را محمد نامید و وی را در سومین روز ولادتش به اصحاب خود عرضه کرد و فرمود:

هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالِإِنْتِظَارِ فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا.<sup>۳</sup>

پس از من، این صاحب شما و جانشین من بر شماست و او قائمی است که مردم در انتظارش می‌مانند و چون زمین از ظلم و ستم پر شود ظهور می‌کند و آن را از عدل و داد آکنده می‌سازد.

## ۴. مشاهده‌کنندگان امام مهدی علیه السلام

آنچه گذشت نمونه‌هایی از کلمات افراد معتمد و صاحب نام شیعه در زمان امام حسن عسکری علیه السلام بود که در آنها به طرق مختلف بر تولد فرزند امام یازدهم و آخرین حجّت حق گواهی داده شده بود. حال به بررسی کلمات کسانی می‌پردازیم

---

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۸، ۳۲۹، ح ۴؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۵۱-۳۵۲.  
۲. علامه مجلسی در کتاب *مرآة العقول* (ج ۴، ص ۲) در توضیح عبارت «و أشار بیده» که در روایت مزبور آمده است می‌گوید: «یعنی انگشتان ایهام و سبابه هر دو دست خود را از هم باز کرد و در همین حال دستان خود را از هم دور کرد. چنان‌که در بین اعراب و غیر آنها برای اشاره به ستبری گردن رایج است. یعنی آن حضرت جوانی قدرتمند است که گردن او این چنین است».  
۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۴۲، ص ۴۳۱، ح ۸.

که خود، حضرت مهدی علیه السلام را به هنگام تولد و یا پس از آن مشاهده کرده‌اند:  
 ۱. اولین شاهد تولد امام عصر علیه السلام «حکیمه» دختر بزرگوار امام جواد علیه السلام و عمه  
 امام حسن عسکری علیه السلام است.

شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق.) در کتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمه ماجرای تولد امام  
 مهدی علیه السلام را به نقل از بانو حکیمه به تفصیل آورده است<sup>۲</sup> که ما پیش از این به آن  
 پرداختیم و از این رو در این جا به روایتی که در الکافی در همین زمینه نقل شده  
 بسنده می‌کنیم.

«محمد بن قاسم بن حمزة بن موسی بن جعفر» یکی از نوادگان امام موسی  
 کاظم علیه السلام که از اصحاب امام هادی علیه السلام به شمار می‌آید،<sup>۳</sup> چنین روایت کرده است:

حَدَّثَنِي الْحَكِيمَةُ ابْنَةُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ - وَ هِيَ عَمَّةُ أَبِيهِ - أَنَّهَا رَأَتْهُ لَيْلَةَ مَوْلِدِهِ  
 وَ بَعْدَ ذَلِكَ.<sup>۴</sup>

حکیمه، دختر محمد بن علی که عمه پدر او (مهدی) نیز هست، برای من نقل  
 کرد که او (فرزند امام حسن عسکری علیه السلام) را در شب تولد و بعد از آن دیده است.  
 ۲. محمد بن یعقوب کلینی به سند خود از «محمد بن اسماعیل بن موسی بن  
 جعفر»، یکی از نوادگان امام هفتم شیعیان که در زمان خود سالخورده‌ترین نواده  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله در عراق به شمار می‌آمده است،<sup>۵</sup> چنین نقل می‌کند:

رَأَيْتُهُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ وَ هُوَ غُلَامٌ عَلِيٌّ.<sup>۶</sup>

۱. ر. ک: خونی، سید ابوالقاسم، همان، ج ۲۳، ص ۱۸۷.

۲. ر. ک: صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۴۲، ص ۴۲۵-۴۲۴، ح ۱.

۳. ر. ک: خونی، سید ابوالقاسم، ج ۱۷، ص ۱۵۸.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۳۳۱-۳۳۰، ج ۳؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۵۱.

۵. ر. ک: خونی، سید ابوالقاسم، همان، ج ۱۵، ص ۹۴-۹۳ و ۱۰۷.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۳۳۰، ج ۲؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۵۱.

او [فرزند امام حسن عسکری علیه السلام] را در حالی که جوان نوری بود در بین دو مسجد مشاهده کردم.

۳. «عمرو اهوازی» نیز از جمله کسانی است که حضرت صاحب علیه السلام را در کودکی دیده است. روایتی که مرحوم کلینی در این زمینه از ایشان نقل کرده، به شرح زیر است:

أَرَانِيهِ أَبُو مُحَمَّدٍ علیه السلام وَقَالَ: هَذَا صَاحِبِكُمْ<sup>۱</sup>.

ابو محمد [امام حسن عسکری علیه السلام] او را به من نشان داد و گفت: این صاحب شماست.

۴. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه از «احمد بن اسحاق» که پیش

از این ذکر او گذشت، چنین نقل می‌کند:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ [مِنْ] بَعْدِهِ، فَقَالَ لِي مُبْتَدِئًا: يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُخَلِّ الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ علیه السلام وَ لَا يُخَلِّيهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ... قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنِ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ؟ فَتَهَضَّ علیه السلام مُسْرِعًا فَدَخَلَ الْبَيْتَ، ثُمَّ خَرَجَ وَ عَلَى عَاتِقِهِ غُلَامٌ كَأَنَّ وَجْهَهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ الثَّلَاثِ سِنِينَ، فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لَوْلَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ، عَزَّ وَجَلَّ، وَ عَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا، إِنَّهُ سَمِيٌّ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه وَ كُنِيئُهُ، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا...<sup>۲</sup>.

خدمت ابا محمد حسن بن علی علیه السلام رسیدم و می‌خواستم از ایشان در مورد جانشین پس از او پرسش کنم؛ آن حضرت پیش از آنکه من سؤالی کنم، فرمود: ای احمد بن اسحاق! همانا خداوند تبارک و تعالی، از آن هنگام که آدم علیه السلام را

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۳۳۲، ح ۱۲؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۵۴-۳۵۳.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۳۸، ص ۳۸۵-۳۸۴، ح ۱.

آفرید زمین را از حجت خدا بر آفریدگانش خالی نگذاشته است و تا زمانی هم که قیامت برپا شود خالی نخواهد گذاشت... گفتم: ای پسر فرستاده خدا! پیشوا و جانشین پس از شما کیست؟ آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و در حالی که پسر بچه سه ساله‌ای را که روی همانند ماه تمام داشت، بر دوش خود حمل می‌کرد، برگشت و گفت: ای احمد بن اسحاق! اگر در نزد خداوند - عزوجل - و حجت‌های او گرامی نبودی این پسر را به تو نشان نمی‌دادم. همانا او هم‌نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم‌کنیه اوست. او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می‌سازد هم‌چنان که از ظلم و جور پر شده بود.

۵. «جعفر بن محمد بن مالک فزاری» از گروهی از شیعیان که علی بن بلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب از آن جمله‌اند، نقل می‌کند که:

ما به خدمت ابا محمد حسن بن علی علیه السلام رسیدیم تا از آن حضرت در مورد حجت پس از ایشان پرسش کنیم. جمعیتی بالغ بر چهل نفر در خانه حضرت اجتماع کرده بودند. در این میان عثمان بن سعید عمروالعمری به سوی آن حضرت رفت و گفت: ای پسر رسول خدا! می‌خواهیم از چیزی بپرسیم که شما از من بدان آگاه‌ترید. حضرت فرمود: بنشین ای عثمان! او دلگیر شد و خواست از مجلس خارج شود که حضرت فرمود: کسی از اینجا خارج نشود. کسی از ما خارج نشد. پس از ساعتی حضرت صلی الله علیه و آله عثمان را صدا زد و عثمان از جا برخاست. حضرت فرمود: آیا به شما بگویم برای چه به اینجا آمده‌اید؟ همه گفتند: آری، ای پسر رسول خدا! پس فرمود: آمده‌اید که در مورد حجت بعد از من بپرسید. گفتند: آری. در این هنگام پسر بچه‌ای همچون پاره ماه که از همه مردم به ابا محمد علیه السلام شبیه‌تر بود، به مجلس درآمد. حضرت فرمود: پس از من، این امام شما و جانشین من بر شماست، از او پیروی کنید و پس از من از یکدیگر پراکنده نشوید

## ۶۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

که در دین خود دچار هلاکت و نابودی می‌شوید. آگاه باشید که از امروز به بعد هیچ یک از شما او را نخواهید دید تا عمری از او بگذرد. پس، آنچه عثمان به شما می‌گوید بپذیرید؛ به دستورات او سر نهید و سخن او را بپذیرید، که او نماینده امام شماست و سررشته امور به او سپرده شده است.<sup>۱</sup>

۶. «ابراهیم بن ادریس» که بنا به گفته شیخ طوسی و برقی از اصحاب امام هادی علیه السلام بوده است،<sup>۲</sup> ماجرای ملاقات خود با حضرت صاحب علیه السلام را چنین نقل می‌کند:

پس از درگذشت ابومحمد (امام حسن عسکری علیه السلام) او (حضرت مهدی علیه السلام) را در حالی که جوانی نارس بود دیدم و سر و دستش را بوسیدم.

۷. از «ابوالادیان بصری» که در مراسم تشییع و خاکسپاری امام یازدهم حضور داشته و شاهد نماز خواندن امام مهدی علیه السلام بر پیکر پدر بزرگوار خویش بوده است، روایتی در این زمینه نقل شده که به قرار زیر است:

من در خدمت حسن بن علی بن محمد [امام یازدهم] علیه السلام کار می‌کردم و نوشته‌های او را به شهرها می‌بردم در مرض موتش شرفیاب حضور او شدم و نامه‌هایی نوشت و فرمود: اینها را به مدائن برسان. چهارده روز سفر طول می‌کشید و روز پانزدهم وارد «ستر من رای» (سامرا) می‌شوی و اوایل از خانه من می‌شنوی و مرا روی تخته غسل می‌بینی. ابوالادیان گوید: عرض کردم: ای آقای من! چون این پیشامد واقع شود به جای شما کیست؟ فرمود: هر کس جواب نامه‌های مرا از تو خواست او بعد من قائم [به امر امامت] است. عرض کردم:

۱. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۱۷، همچنین ر. ک: مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ج ۲، ص ۴۳۵، ج ۲.

۲. ر. ک: خوئی، سید ابوالقاسم، همان، ج ۱، ص ۲۰۲.

نشانه‌ای بیفزایید. فرمود: هر کس بر من نماز خواند او قائم بعد از من است. عرض کردم: بیفزایید. فرمود: هر کس به آنچه در همین است خبر داد او ست قائم بعد از من. هیبت حضرت مانع شد که من بپرسم در همین چیست. من نامه‌ها را به مدائن رساندم و جواب آنها را گرفتم و چنان که فرموده بود روز پانزدهم به «ستر من رأی» برگشتم و در خانه‌اش واویلا بود و خودش روی تخته غسل بود. به ناگاه دیدم «جعفر کذاب» پسر علی، برادرش بر در خانه است و شیعه گرد او جمع‌اند و تسلیت می‌دهند و به امامت تهنیت می‌گویند. با خود گفتم: اگر امام این است که امامت باطل است؛ زیرا می‌دانستم جعفر شراب می‌نوشد و در «جوسق» قمار می‌کند و تنبور هم می‌زند. من نزدیک او رفتم و تسلیت گفتم و تهنیت دادم و چیزی از من نپرسید. سپس «عقید» (خادم حضرت عسکری) بیرون آمد و گفت: ای آقای من! برادرت کفن شده است برخیز و بر او نماز بگذار. جعفر بن علی با شیعیان او که اطرافش بودند وارد حیاط شد و پیشاپیش شیعیان «سلمان» (عثمان بن سعید عمری) بود و «حسن بن علی» معروف به «سلمه». وقتی وارد صحن خانه شدیم جنازه حسن بن علی بر روی تابوت کفن کرده بود. جعفر جلو ایستاد که بر برادرش نماز بخواند. چون خواست «الله اکبر» بگوید؛ کودکی با صورتی گندمگون، موهایی مجعد و دندان‌هایی که در بین آنها فاصله بود، از اتاق بیرون آمد و ردای جعفر را عقب کشید و گفت: ای عموا من سزاواترم که بر جنازه پدرم نماز گزارم، عقب بایست! جعفر با روی درهم و رنگ زرد عقب ایستاد و آن کودک جلو ایستاد و بر او نماز خواند و [انگاه حضرت عسکری] در کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد. سپس [آن] کودک گفت: ای بصری! جواب نامه‌ها را که با توست بیاور. آنها را به وی دادم و با خود گفتم: این دو نشانه؛ باقی می‌ماند همین. سپس نزد جعفر بن علی رفتم که داشت ناله و فریاد می‌کرد و از دست آن

کودک می نالید. «حاجز و شاه» به او گفت: ای آقای من! آن کودک کیست تا ما بر او اقامه دلیل کنیم. گفت: به خدا من تاکنون نه او را دیده‌ام و نه می‌شناسم. ما هنوز نشسته بودیم که چند نفر از قم آمدند و از حسن بن علی علیه السلام پرسش کردند و دانستند که فوت شده است. گفتند: به چه کسی باید تسلیت بگوییم؟ عده‌ای به جعفر بن علی اشاره کردند. آنها بر او سلام کردند و او را تسلیت دادند و به امامت تهنیت گفتند و اظهار داشتند همراه ما نامه‌ها و اموالی است، بگو نامه‌ها از کیست و اموال چقدر است؟ جعفر از جا پرید و جامه‌های خود را تکان داد و گفت: از ما علم غیب می‌خواهید؟ خادمی از میان خانه بیرون شد و به آنها گفت: نامه‌هایی که با شماست از فلان و فلان است و در همیان هزار اشرفی است که ده تایی آنها قلب است. آنها نامه‌ها و اموال را به دست او سپردند و گفتند: آنکه تو را به خاطر اینها فرستاده است، او امام است...<sup>۱</sup>

شایان ذکر است که برخی منابع تاریخی از «ابو عیسی متوکل» به عنوان کسی که بر پیکر امام حسن عسکری علیه السلام نماز گزارده یاد کرده‌اند؛ اما این نقل تاریخی و روایت یادشده را به این صورت می‌توان جمع کرد که: ابتدا در خانه حضرت عسکری علیه السلام و با تعداد محدودی از خواص اصحاب بر پیکر آن حضرت نماز خوانده شده و بعد از آن، ایشان را برای تشییع جنازه به بیرون از خانه انتقال داده‌اند و در آن جا فرد دیگری به طور رسمی بر پیکر آن جناب نماز گزارده است.<sup>۲</sup>

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۴۳، ص ۴۷۶-۴۷۵؛ همچنین ر. ک: متن و ترجمه کمال‌الدین و تمام النعمه، مترجم منصور پهلوان، ج ۲، ص ۲۲۶-۲۲۳.

۲. ر. ک: صدر، سید محمد، همان، ص ۲۹۸.

۳. برای مطالعه بیشتر در زمینه پاسخ پرسش‌ها، ابهام‌ها و شبهه‌هایی که در زمینه تولد امام مهدی علیه السلام مطرح شده است ر. ک: عمیدی، نامرهایم، در انتظار ققنوس، مترجم مهدی علیزاده؛ البدری، سامی، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، مترجم ناصر ربیعی.

## گفتار چهارم: غیبت، مفهوم و علل آن

شاید بتوان گفت در طول اعصار و قرون هیچ موضوعی به اندازه قیام مصلحی جهانی که تمامی بشریت را به سوی سعادت و نیکبختی ابدی رهنمون می‌سازد و داد مظلومان را از ظالمان باز می‌ستاند فکر آدمیان را به خود مشغول نداشته است. از این رو اقوام و مذاهب گوناگون هر یک به نوعی در انتظار ظهور ابرمردی که سمبل تمام آرمان‌های بشر به حساب می‌آید به سر می‌برند تا سرانجام روزی جهان را از عدل و داد پر سازد.

اما در این میان اعتقادی که در میان مسلمانان و به خصوص شیعیان در مورد قیام و انقلاب مهدی موعود علیه السلام به عنوان مصلح کل و منجی عالم بشریت وجود دارد، اعتقادی است که در عین دارا بودن جنبه‌های آرمانی از ریشه‌های عمیق و مستحکم مکتبی نیز برخوردار و متکی بر بیانات تردیدناپذیر پیشوایان معصوم دین علیهم السلام است.

علما و متفکران اسلامی نیز در طول قرون متمادی ضمن بیان کلمات و احادیث



## ۷۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

پیشوایان دین در زمینه ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله این اعتقاد را ترویج داده و ضمن پاسداری از اندیشه مهدویت و تحکیم مبانی فکری انتظار ظهور مصلح جهانی، به پاسخ شبهات مخالفان در این باب پرداخته و بر استواری این اندیشه افزوده‌اند.

### ۱. تقسیم‌بندی دوران غیبت

قبل از آن که وارد بحث درباره مفهوم غیبت امام عصر علیه السلام شویم بهتر است ابتدا به این سؤال پاسخ دهیم که وجه تقسیم غیبت آن حضرت به غیبت صغرا و غیبت کبرا چه بوده، تفاوت این دو در چیست؟ و اصولاً مرز زمانی مشخص‌کننده این دو غیبت از یکدیگر چگونه تعیین می‌شود؟

در روایات ما به‌طور مکرر از دو غیبت آن حضرت صحبت شده و از سال‌ها پیش از تولد امام مهدی علیه السلام بر این موضوع تصریح شده که حضرتش دو غیبت خواهند داشت که هر یک با دیگری متفاوت است.

در اینجا به چند روایت که در این زمینه وارد شده است اشاره می‌کنیم:

مرحوم شیخ طوسی (۴۶۰ - ۳۸۵ ق.) در کتاب الغیبة حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در آن امام خطاب به یکی از اصحاب خود می‌فرماید:

یا حازمُ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ يَظْهَرُ فِي الثَّانِيَةِ...<sup>۱</sup>

ای حازم! بدان که برای صاحب این امر دو غیبت است که پس از دومین غیبت او ظهور خواهد کرد.

همچنین امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ ق.) در کتاب إعلام الوری حدیثی را نقل

می‌کند که در آن ابوبصیر خطاب به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند که:

كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ وَاحِدَةٌ طَوِيلَةٌ وَالْآخِرَةُ قَصِيرَةٌ.

۱. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبة، ص ۲۶۱.

## غیبت، مفهوم و علل آن ■ ۷۱

ابوجعفر [حضرت باقر] علیه السلام می فرمود که برای قائم آل محمد صلی الله علیه و آله دو غیبت است

که یکی از دیگری کوتاه تر است [نظر شما در این مورد چیست؟]

آنگاه امام در پاسخ ابوبصیر می فرماید:

نَعْمَ يَا أَبَا بَصِيرٍ إِحْدِيهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى...<sup>۱</sup>

آری ای ابوبصیر [چنان که گفتی] یکی از این دو غیبت از دیگری طولانی تر خواهد بود.

محمد بن ابراهیم نعمانی (م ۳۶۰ ق.) در کتاب الغیبة روایت دیگری را از امام

صادق علیه السلام نقل می کند که در آن جا امام می فرماید:

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ إِحْدِيهُمَا تَطْوُلُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ: مَاتَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ قُتِلَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ: ذَهَبَ...<sup>۲</sup>

برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از آنها چنان به درازا می کشد که

بعضی می گویند: [آن حضرت] دیگر مرده است و بعضی دیگر می گویند: او به قتل

رسیده است و بعضی هم می گویند: او دیگر رفته است...<sup>۳</sup>

مرحوم نعمانی پس از بیان نه حدیث که همین مضمون حدیث بالا را دارند،

می فرماید:

احادیثی که در آنها وارد شده است امام قائم علیه السلام دو غیبت دارند، همه از جمله

احادیثی هستند که در نزد ما صحیح به حساب می آیند و خداوند نیز صدق گفتار

امامان ما را آشکار ساخته است.<sup>۳</sup>

ایشان در ادامه کلامشان به تعریف غیبت صغرا و غیبت کبرا پرداخته،

۱. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۱۶.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، صص ۱۷۱-۱۷۲.

۳. همان، صص ۱۷۳-۱۷۴.

می فرماید:

نخستین غیبت آن حضرت غیبتی است که در آن نمایندگانی از طرف امام به عنوان واسطه میان مردم و آن حضرت منصوب شده‌اند که در میان مردم آشکارا به سر می‌برند و به واسطه آنها مشکلات علمی مردم حل شده و پاسخ پرسش‌ها و معضله‌های آنها داده می‌شود. این غیبت، غیبت کوتاهی است که مدت آن به سر آمده و زمان آن گذشته است.

اما غیبت دوم، غیبتی است که در آن واسطه‌ها و نمایندگانی [که میان مردم و امام عصر وجود داشتند] به دلیل مصلحتی که خداوند اراده کرده برداشته شده‌اند.<sup>۱</sup>

حال که با نمونه‌هایی از کلمات ائمه اطهار علیهم السلام در مورد غیبت صغرا و غیبت کبرا آشنا شدید، بهتر است به پاسخ این سؤال پردازیم که از نظر زمانی دو غیبت چگونه از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

علمای شیعه در مورد زمان پایان غیبت صغرا با یکدیگر اختلاف نظر ندارند، اما در مورد اینکه غیبت صغرا از چه زمانی شروع شده است، میان آنان اختلاف وجود دارد؛ برخی معتقدند این غیبت با تولد امام عصر علیه السلام آغاز شده است و برخی دیگر بر این عقیده‌اند که آغاز آن با وفات پدر ارجمند آن حضرت، امام حسن عسکری علیه السلام بوده است.

شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق.) در کتاب *الإرشاد* قول اول را پذیرفته و می‌فرماید:

غیبت کوتاه‌تر آن حضرت از زمان تولد ایشان شروع شده و تا زمانی که رابطه شیعیان با آن جناب از طریق نمایندگان و واسطه‌ها نیز قطع می‌گردد، ادامه می‌یابد، و غیبت طولانی‌تر نیز از زمان پایان غیبت اول تا روزی که حضرتش با

شمشیر قیام خود را آغاز نماید، به درازا خواهد کشید.<sup>۱</sup>

مرحوم طبرسی (م. ۵۴۸ ق.) نیز در کتاب *إعلام الوری* همین قول را پذیرفته و مدت غیبت صغرا را هفتاد و چهار سال ذکر کرده است؛<sup>۲</sup> یعنی از سال ۲۵۵ ق.، زمان تولد امام زمان علیه السلام، تا سال ۳۲۹ ق.، سال وفات آخرین نایب از نواب چهارگانه امام عصر علیه السلام.

کسانی دیگر از بزرگان فقها و محدثان شیعه و همچنین بسیاری از تاریخ‌نگاران نیز آغاز غیبت صغرا را از زمان تولد حضرت مهدی علیه السلام محاسبه کرده‌اند، اما گروهی نیز ابتدای غیبت صغرا را سال ۲۶۰ ق.، یعنی سال وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام گرفته‌اند که بدین ترتیب مدت غیبت صغرا قریب به ۶۹ سال خواهد بود.

مؤلف کتاب *تاریخ الغیبه الصغری* در کتاب خود سعی کرده‌است که با بیان دلایلی، قولی را که مبدأ غیبت صغرا را تولد امام عصر علیه السلام می‌داند رد کرده و ثابت نماید که ابتدای غیبت صغرا در حقیقت از زمان امام حسن عسکری علیه السلام بوده‌است. در اینجا به اختصار استدلال ایشان را بر این موضوع نقل کرده و تحقیق بیشتر در این باب را به فرصتی دیگر وامی‌گذاریم:

چون تعیین نواب اربعه به عنوان واسطه میان امام عصر علیه السلام و شیعیان حضرتش پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام صورت می‌گیرد، و از طرف دیگر وجه تمایز اصلی زمان غیبت کبرا و غیبت صغرا وجود همین نواب و واسطه‌های ارتباطی است که تنها در زمان غیبت صغرا عهده دار ابلاغ پیام‌های حضرت صاحب الزمان علیه السلام می‌باشند و پس از آن ارتباط حضرتش به کلی با مردم قطع می‌شود. از

۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، همان، ص ۴۱۶.

## ۷۴ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

این رو باید بگوییم که غیبت صغرا در اصل از زمان وفات امام حسن عسکری علیه السلام و تعیین اولین نایب خاص آغاز می‌گردد.<sup>۱</sup>

از آنچه تا کنون گفته شد معلوم گردید که غیبت کبرا از نظر زمانی به آن محدوده زمانی گفته می‌شود که آغازش سال ۳۲۹ ق، سال وفات آخرین سفر و نماینده خاص آن حضرت، یعنی «ابوالحسن علی بن محمد سمری» است و پایانش روزی است که به امر حق تعالی مهدی موعود علیه السلام قیام خود را آغاز نماید.

### ۲. مفهوم غیبت

با توجه به روایات وارد شده در باب غیبت امام مهدی علیه السلام می‌توان گفت که در مورد چگونگی غیبت آن حضرت دو صورت قابل تصور است:<sup>۲</sup>

۱-۲. ناپیدا بودن امام: اولین صورت، همان است که به طور متعارف در اذهان مردم در مورد غیبت آن حضرت وجود دارد؛ یعنی اینکه امام مهدی علیه السلام در طول مدت غیبت خویش از نظر جسمی از انظار مردم به دور بوده و اگر چه آن حضرت در این مدت مردم را می‌بینند و از حال آنها با خبر می‌شوند، اما کسی توان دیدن ایشان را نداشته و با حضرتش مواجه نمی‌شود.

نعمانی در کتاب الغیبة چهار روایت نقل می‌کند که همه بیانگر همین صورت اول است. از جمله این روایات چهارگانه، این روایت امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید:

يَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ [الْمَوَاسِمَ] فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ.<sup>۳</sup>

۱. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبة الصغری، ص ۳۴۱ به بعد.

۲. همو، تاریخ الغیبة الكبرى، صص ۳۶-۳۱.

۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۱۷۵؛ صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۳ ح.

[در زمان غیبت] مردم امام خویش را نمی‌یابند، با اینکه او در موسم [حج] حاضر می‌شود و مردم را می‌بینند، اما کسی او را نمی‌بیند.

براساس روایتی از شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) در کتاب کمال الدین نقل می‌کند، امام رضا علیه السلام در پاسخ کسی که از آن حضرت در مورد قائم آل محمد علیه السلام سؤال می‌کند می‌فرماید:

لَا يُرَى جِسْمُهُ، وَلَا يُسْمَى بِاسْمِهِ...<sup>۱</sup>

جسم [آن حضرت] دیده نمی‌شود و به اسم نام برده نمی‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در روایتی می‌فرماید:

إِنَّ حُجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ، مَاشِيَةٌ فِي طَرْفِهَا، دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَ قُصُورِهَا، جَوَالَةٌ فِي شَرْقِ هَذَا الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا، تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تُسَلِّمُ عَلَى الْجَمَاعَةِ تَرَى وَ لَا تُرَى إِلَى الْوَقْفِ وَ الْوَعْدِ وَ نِدَاءِ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا ذَلِكَ يَوْمٌ فِيهِ سُورُ وَ لِدِ عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ.<sup>۲</sup>

حجت خدا بر روی زمین بر آن ایستاده، در راه‌های آن حرکت می‌کند و در قصرها و خانه‌های آن داخل می‌شود. او شرق و غرب زمین را در می‌نوردد، سخنان مردم را می‌شنود و بر جماعت آنها سلام می‌کند. او مردم را می‌بیند اما کسی او را نمی‌بیند تا زمانی که وقت ظهور در رسد و وعده الهی تحقق یابد و ندای آسمانی طنین‌انداز شود. همانا آن روز، روز شادی و سرور فرزندان علی و شیعیان اوست. حاصل روایات بالا این می‌شود که: در طول زمان غیبت، به دلیل مصالحی که بعد از این بدان‌ها اشاره خواهیم کرد امام عصر علیه السلام به کلی از دیدگان مردم غایب بوده و جز در موارد بسیار اندک و آن هم در مقابل بندگان خاص خداوند حاضر

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۵۶، ص ۶۴۸، ح ۲.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۱۴.

نمی‌شوند.

۲-۲. ناشناس بودن امام: صورت دومی که می‌توان برای غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام تصور نمود این است که: اگر چه آن حضرت در طول زمان غیبت در میان مسلمانان حضور می‌یابد و با آنها مواجه می‌شوند، اما کسی آن امام را نمی‌شناسد و پی به هویت واقعی ایشان نمی‌برد. بنابر این فرض، امام مهدی علیه السلام در هر شهر و مکانی که اراده کند حضور می‌یابد و مانند سایر مردم به زندگی می‌پردازد اما کسی از حقیقت حال ایشان آگاه نمی‌شود.

روایاتی وجود دارد که می‌توان از آنها صورت دوم را استفاده کرد که از آن جمله می‌توان به روایت زیر که شیخ طوسی در کتاب الغیبة از دومین نایب خاص آن حضرت یعنی «محمد بن عثمان عمری» نقل می‌کند، اشاره کرد:

وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ، يَرَى النَّاسَ وَ يَعْرِفُهُمْ وَ يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ.<sup>۱</sup>

به خدا قسم صاحب این امر هر سال در موسم [حج] حضور می‌یابد، در حالی که او مردم را می‌بیند و آنها را می‌شناسد، اما مردم با اینکه او می‌بینند وی را نمی‌شناسند.

امام صادق علیه السلام نیز درباره نحوه غیبت آن حضرت چنین می‌فرماید:

فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ وَ أَنْ يَكُونَ صَاحِبِكُمُ الْمَظْلُومُ الْمَحْجُورُ حَقَّهُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَّأُ فُرُشَهُمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَذِنَ لِيُوسُفَ حِينَ قَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ: «أَيْنَكَ لِأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ.»<sup>۲</sup>

۱. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۲۱.

۲. سوره یوسف (۱۲) آیه ۹۰ و ۹۱.

چگونه این مردم، این موضوع را که خداوند با حجتش همان گونه رفتار می‌کند که با یوسف رفتار کرد، انکار می‌کنند؟ همچنین چگونه انکار می‌کنند که صاحب مظلوم شما - همان که از حقش محروم شده و صاحب این امر [حکومت] است - در میان ایشان رفت و آمد می‌کند، در بازارهایشان راه می‌رود و بر فرش آنها قدم می‌نهد. اما او را نمی‌شناسند، تا زمانی که خداوند به او اجازه دهد که خودش را معرفی کند، همچنان که به یوسف اجازه داد، آن زمان که برادرانش از او پرسیدند:

«آیا تو یوسف هستی؟» پاسخ دهد که «بلی، من یوسف هستم.»

بنابر این فرض، برای حفظ امام مهدی از شر دشمنان لازم نیست که آن حضرت از نظر جسمی از جامعه دور و از دیدگان پوشیده باشند بلکه همین قدر که ایشان در میان مردم شناخته نشوند و هویت حضرتش بر آنها پوشیده باشد کفایت می‌کند. شاید از همین روست که ائمه علیهم‌السلام از مردم می‌خواستند اسم و عنوان مهدی علیه‌السلام را پوشیده دارند و در پی شناسایی حضرتش نباشند. چنان که در توقیعی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه‌السلام برای محمد بن عثمان، نایب خاص آن حضرت، صادر شده در پاسخ کسانی که در پی دانستن اسم و عنوان حضرتش بودند آمده است:

إِمَّا السُّكُوتَ وَالْجَنَّةَ وَ إِمَّا الْكَلَامَ وَ النَّارَ، فَإِنَّهُمْ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْإِسْمِ أَزَاعُوهُ،  
وَ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْمَكَانِ دَلُّوا عَلَيْهِ.<sup>۴</sup>

مردم یا باید سکوت کنند و در نتیجه بهشت را برگزینند، و یا در پی سخن گفتن [از مهدی] و در نتیجه داخل شدن در جهنم باشند؛ چرا که مردم اگر بر اسم آن حضرت واقف شوند آن را منتشر می‌سازند [و در نتیجه دشمنان نیز باخبر می‌شوند] و اگر از جایگاه او مطلع شوند آن را به دیگران نیز نشان می‌دهند.

۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۱۶۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۱، ص ۳۳۷-۳۳۶، ح ۴.

۴. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۲۲.



از این توفیق به دست می‌آید که حضرتش با مخفی داشتن نام و عنوان و مکان خویش به راحتی می‌توانند از شر دشمنان در امان باشند، و در این صورت دیگر نیازی نیست که حتماً آن امام از نظر جسمی هم از نظرها به دور باشند. آن چه معنای دوم را تأیید می‌کند سخنان کسانی است که در زمان غیبت کبرا آن حضرت را مشاهده نموده و حالات مختلفی را برای حضرتش برشمرده‌اند. چنان‌که از کلمات آنها بر می‌آید حضرت مهدی علیه السلام گاه در موسم حج و با لباس احرام همچون سایر حجاج با آنها روبرو شده، گاه در لباس تجار و شمایی که مخصوص تجارت‌پیشگان است، گاه در صورت یک عرب معمولی که در بیابان‌ها راه را بر گمشدگان می‌نمایاند و گاه در صورت... این موضوع حکایت از این دارد که حضرت مهدی علیه السلام از نظر ظاهری با انتخاب پوشش‌های مختلف هویت واقعی خود را بر دیدارکنندگان مخفی داشته و آنان در نگاه اول غالباً موفق به شناخت آن حضرت نشده‌اند، و تنها پس از جدا شدن آن جناب از ایشان بوده که به هویت واقعی شخصی که با او دیدار کرده‌اند، پی برده‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳. حکمت و فلسفه غیبت

در روایات معصومین علیهم السلام از موضوعات مختلفی به عنوان حکمت، فلسفه یا علت غیبت امام عصر علیه السلام یاد شده است، که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۳-۱. حفظ جان آخرین امام: براساس برخی روایات می‌توان گفت حکمت و

فلسفه غیبت، در امان داشتن آخرین حجت حق از کید و مکر دشمنان است.

مرحوم شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین و تمام النعمة* روایات متعددی در این

۱. همان، ص ۱۶۴، ۲۵۸، ۱۵۶ و ۱۸۱؛ همچنین ر. ک: نوری، میرزا حسین، *نجم الثاقب*، صص ۱۳۹-۵۰۷.

زمینه نقل کرده که از آن جمله می‌توان به روایت زیر اشاره کرد:

در این روایت وقتی راوی از امام صادق علیه السلام در مورد علت غیبت امام عصر علیه السلام

سؤال می‌کند، آن حضرت می‌فرماید:

يَخَافُ عَلَي نَفْسِهِ الذَّبْحَ.<sup>۱</sup>

او از قربانی شدن خویش هراس دارد.

نعمانی نیز در کتاب خود روایات چندی را با همین مضمون در باب علل غیبت

امام عصر نقل می‌کند.<sup>۲</sup>

۲-۳. بر عهده نداشتن بیعت ظالمان: در برخی از روایات آمده است که آن

حضرت از این رو در غیبت به سر می‌برند که می‌خواهند در هنگام ظهور، برخلاف

اجداد خویش بیعت حکام جور را برگردن نداشته باشند.

در روایتی که شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند آن

حضرت در پاسخ این پرسش که چرا امام مهدی علیه السلام از دیده‌های شیعیانش پنهان

می‌شود؟ می‌فرماید:

لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ.<sup>۳</sup>

برای این که در هنگام ظهور و قیام به شمشیر، بیعت و عهد و پیمان کسی را بر

گردن خویش نداشته باشد.

در توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شده، نیز به این موضوع اشاره شده و

حضرتش می‌فرماید:

إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي عليهم السلام إِلَّا وَقَدِ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ وَ

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، باب ۴۲، ص ۴۸۱، ح ۱۰.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، صص ۱۷۷-۱۷۶.

۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، باب ۴۴، ص ۴۸۰، ح ۴.

إِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي...<sup>۱</sup>

هر کدام از اجداد من بیعت یکی از سرکشان عصر را برگردن داشتند اما من در زمانی که قیام خویش را آغاز می‌کنم بیعت هیچ کدام از سلاطین سرکش را بر عهده ندارم. ناگفته نماند که برخی روایات، حکمت غیبت را رازی از رازهای خدا که تنها پس از ظهور آشکار می‌شود، دانسته‌اند.

روایت زیر که از امام صادق علیه السلام نقل شده، از آن جمله است:

وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَتَكَشَّفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَمْ يَتَكَشَّفْ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِيمَا أَتَاهُ الْخَضِرُ علیه السلام مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ، وَ قَتْلِ الْغُلَامِ وَ إِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى علیه السلام إِلَى وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا. يَا ابْنَ الْفَضْلِ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ [أَمْرِ] اللَّهِ تَعَالَى، وَ سِرٍّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ، وَ غَيْبٍ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ...<sup>۲</sup>

حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت‌های الهی پیش از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار می‌شود. همچنان که وجه حکمت کارهای خضر علیه السلام از شکستن کشتی و کشتن پسر و به پاداشتن دیوار، بر موسی علیه السلام روشن نشد تا آنکه وقت جدایی آنها فرارسید.

ای پسر فضل! این امری از امور الهی و ستری از اسرار خدا و غیبی از غیب‌های پروردگار است...

۳-۳. امتحان مردم: از برخی روایات استفاده می‌شود که غیبت امام مهدی علیه السلام

در واقع امتحانی الهی است که خداوند به وسیله آن مؤمنان راستین و ثابت قدم را از مدعیان دروغین و مسلمانان سست عنصر تمییز می‌دهد.

۱. یزدی حائری، علی، إلزام الناصب، ج ۲، ص ۴۲۸.

۲. همان، باب ۴۴، ص ۴۸۲، ح ۱۱.

از جمله این روایات، روایتی است که از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده، و در آن آمده است:

إِذَا فُقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ قَالَتْ فَاللَّهِ قَالَتْ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلَنَّكُمْ أَحَدٌ عَنْهَا، يَا بَنِيَّ! إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ، إِنَّمَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ...<sup>۱</sup>

چون پنجمین امام از فرزندان امام هفتمین غایب شود، الله الله در دینتان؛ مراقب باشید کسی آن را از شما زایل نسازد، ای فرزندان من! به ناچار صاحب الامر غیبی دارد تا آنجا که معتقدان به این امر از آن بازگردند. این محنتی است که خدای تعالی خلقش را به واسطه آن بیازماید...

حال که به اجمال علل و عواملی که در روایات از آنها به عنوان فلسفه و حکمت غیبت امام عصر علیه السلام یاد شده است، روشن شد، مناسب است که از نگاه تاریخ پژوهی به ریشه‌یابی زمینه‌های غیبت آن امام پردازیم تا از این طریق بتوانیم بصیرت بیشتری نسبت به علل و عوامل اصلی غیبت و عدم حضور امام در متن جامعه پیدا کنیم.

بر هر پژوهشگر تاریخ‌زندگانی ائمه دوازده‌گانه شیعه علیهم السلام این موضوع مسلم است که هر چه ما از عصر امام علی علیه السلام بیشتر فاصله می‌گیریم از میزان حضور امامان معصوم در متن وقایع جامعه کاسته شده، و فشار و تهدیدات خلفای جور از یک سو و نااهلی مردم زمانه از سوی دیگر سبب می‌گردد که روز به روز از تعداد یاران باوفا در گرداگرد ائمه عصر کم شده و در نتیجه ایشان خود را در غربت و تنهایی بیشتری احساس کنند.

به بیان دیگر جامعه اسلامی روز به روز لیاقت خود را برای پذیرش امام معصوم بیشتر از دست داده تا جایی که هر چه به عصر غیبت صغرا نزدیک‌تر می‌شویم از

۱. همان، باب ۲۴، ص ۳۶۰-۳۵۹، ح ۱.

ارتباط مستقیم ائمه با مردم و حضور عملی ایشان در جامعه کمتر می شود. چنان که در زندگانی امام هادی و امام عسکری علیه السلام این نکته به خوبی مشهود است و می بینیم که امام هادی علیه السلام در حدود سی سال پیش از میلاد امام عصر علیه السلام رفته رفته ارتباط خود را با مردم زمان خویش کم کرده و جز با قلیلی از یاران خاص خود تماس نمی گرفتند. امام عسکری علیه السلام نیز در عصر خود بیشتر از طریق مکاتبه و نامه نگاری با یاران خود ارتباط برقرار می کردند و بسیاری از امور شیعیان خود را از طریق نمایندگان و وکیلای خویش حل و فصل می کردند و کمتر با آنها به طور مستقیم مواجه می شدند. برای روشن تر شدن این موضوع عبارتی را که «مسعودی» در *إثبات الوصیه* آورده، نقل می کنیم:

إِنَّ إِمَامَ الْهَادِيِّ علیه السلام كَانَ يَحْتَجِبُ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ مَوَالِيهِ إِلَّا عَنْ عَدَدٍ قَلِيلٍ مِنْ خَوَاصِّهِ، وَ حِينَ أَفْضَى الْأَمْرَ إِلَى الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام كَانَ يَتَكَلَّمُ مِنْ وَرَاءِ السُّتَارِ مَعَ الْخَوَاصِّ وَ غَيْرِهِمْ، إِلَّا فِي الْأَوْقَاتِ الَّتِي يَرْكَبُ فِيهَا إِلَى دَارِ السُّلْطَانِ.<sup>۱</sup>

امام هادی علیه السلام خود را از بسیاری از یاران و شیعیانشان پوشیده می داشتند و جز تعداد اندکی از یاران خاص آن حضرت ایشان را نمی دیدند، و هنگامی که نوبت به امامت امام حسن عسکری علیه السلام رسید ایشان چه با یاران خاص خود و چه با مردم عادی از پشت پرده سخن می گفتند، و کسی ایشان را نمی دید مگر در هنگامی که آن حضرت برای رفتن به دارالخلافه از خانه خارج می شدند.

البته بعضی از تاریخ نگاران کلام مسعودی را مبالغه آمیز توصیف کرده اند،<sup>۲</sup> اما

۱. المسعودی، علی بن حسین، *إثبات الوصیه* (چاپ سنگی)، ص ۲۶۲؛ همچنین قمی، شیخ عباس، *منتهی الآمال*، ج ۲، ص ۵۶۵.

۲. ر. ک: صدر، سید محمد، *تاریخ الغیبه الصغری*، ص ۲۲۳.

## غیبت، مفهوم و علل آن ■ ۸۳

در مجموع می توان از این کلام و به قرینه سایر اسناد تاریخی استناد نمود که ارتباط امام هادی و امام عسکری علیه السلام با جامعه بسیار تقلیل یافته بوده، و آن دو امام بر شیوه ائمه قبل از خود نبوده و با مردم ارتباط چندانی نداشته اند.

حاصل کلام ما در اینجا این می شود که چون میان قابلیت ها و شایستگی های ذاتی مردم برای پذیرش امام معصوم علیه السلام و میزان حضور امام در جامعه ارتباطی متقابل وجود دارد به هر اندازه که جامعه شایستگی و لیاقت خود را از دست داده و از ارزش های الهی فاصله بگیرد، امام معصوم نیز که یکی از تجلیات رحمت الهی به شمار می آید، از جامعه فاصله گرفته و از حضور خود در جامعه می کاهد؛ چرا که رحمت الهی در جایی فرود می آید که سزاوار رحمت باشد.

به بیان دیگر به مصداق قاعده ای که قرآن کریم بیان می دارد:

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...<sup>۱</sup>

این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند....

آنگاه که جامعه اسلامی دگرگون شد و مسلمانان از نظر درونی تغییر یافته و ارزش های الهی خود را از دست دادند، خداوند نیز نعمت و جود امام معصوم علیه السلام در میان مردم را که از بزرگ ترین نعمت های الهی به شمار می آید، از آنها گرفت و امام از دیدگان مردم پنهان شد.

شاهد بر این مدعا روایتی است که از امام باقر علیه السلام نقل شده و در آن آمده است:

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ عَلَىٰ خَلْقِهِ، نَحَّانَا عَنْ جَوَارِهِمْ.<sup>۲</sup>

هنگامی که خداوند از آفریدگانش خشمگین شود، ما [اهل بیت] را از مجاورت با

۱. سوره انفال (۸)، آیه ۵۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، کتاب الحجّة، باب فی الغیبه، ص ۳۴۳، ح ۳۱.

آنها دور می‌سازد.

باشد تا با گذشت اعصار مردم به خسارت بزرگی که از ناحیه فقدان معصوم در میان خود متحمل شده‌اند پی برده و بار دیگر آماده پذیرش نعمت بزرگ الهی یعنی حضور مستمر امام معصوم در جامعه شوند.

این معنا که ظهور مجدد امام مترتب بر آماده شدن شرایط در جامعه اسلامی و وجود یاران و انصاری وفادار برای امام می‌باشد از روایات متعددی استفاده می‌شود که از آن جمله می‌توان به روایت زیر که از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده، اشاره کرد. در این روایت ایشان خطاب به یکی از یاران خود می‌فرماید:

يَا بَنَ بُكَيْرٍ إِنِّي لَأَقُولُ لَكَ قَوْلًا قَدْ كَانَتْ آبَائِي عليهم السلام يَقُولُهُ: لَوْ كَانَ فِيكُمْ عِدَّةٌ  
أَهْلِ بَدْرِ لَقَامَ قَائِمُنَا...!

... ای پسر بکیر من به تو سخنی را می‌گویم که پدران من نیز پیش از من آن را بر زبان رانده‌اند، و آن اینکه اگر در میان شما به تعداد کسانی که در جنگ بدر [با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] بودند، [یاران مخلص] وجود داشت قیام کننده ما [اهل بیت] ظهور می‌کرد.

موضوع یاد شده از روایتی که نعمانی آن را در کتاب خود نقل کرده، نیز استفاده می‌شود:

إِنَّهُ دَخَلَ عَلَى الصَّادِقِ عليه السلام بَعْضُ أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي وَاللَّهِ أُحِبُّكَ  
وَ أُحِبُّ مَنْ يُحِبُّكَ يَا سَيِّدِي، مَا أَكْثَرَ شِيعَتَكُمْ، فَقَالَ عليه السلام لَهُ: أَذْكَرُهُمْ، فَقَالَ كَثِيرٌ،  
فَقَالَ عليه السلام: تَحْصِيهِمْ! فَقَالَ: هُمْ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَمَا لَوْ كَمَلَتْ  
الْعِدَّةُ الْمَوْصُوفَةُ ثَلَاثِمِائَةً وَ بِيضَةَ عَشْرٍ كَانَ الَّذِي يُرِيدُونَ...!

یکی از یاران امام صادق علیه السلام بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: فدایت گردم؛

۱. طبرسی، ابوالفضل علی، مشکاة الأنوار، ص ۶۴-۶۳.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۰۳.

## غیبت، مفهوم و علل آن ■ ۸۵

به خدا سوگند من تو را دوست می‌دارم و هرکس تو را دوست دارد نیز دوست دارم، ای آقای من چقدر شیعیان شما فراوانند! آن حضرت علیه السلام فرمود: آنان را بشمار، عرض کرد: بسیارند، آن حضرت علیه السلام فرمود: آنها را می‌توانی بشماری؟ عرض کرد: آنها از شمارش بیرون‌اند، حضرت ابو‌عبداللّه (صادق) علیه السلام فرمود: ولی اگر آن شماره‌ای را که توصیف شده‌اند، سیصد و اندی تکمیل گردد آنچه را می‌خواهند انجام خواهد شد...

بنابراین می‌توان گفت علت اصلی غیبت امام عصر علیه السلام آماده نبودن اجتماع بشری برای پذیرش وجود پربرکت ایشان و عدم لیاقت مردم برای بهره‌گیری از نعمت حضور امام معصوم در میان خودشان است و تا این مانع برطرف نگردد و به تعداد لازم یاران و انصار مخلص و فداکار برای آن حضرت وجود نداشته باشد، زمان غیبت به سر نیامده و امام همچنان از دیده‌ها پنهان خواهند ماند.

امام عصر علیه السلام در بیان علت تأخیر ظهور می‌فرمایند:

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا، وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لِبِطَاعَتِهِ، عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.<sup>۱</sup>

اگر چنان چه شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین، و صداقتی از آنان نسبت به ما.

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۷.



## گفتار پنجم: جایگاه «حجت خدا» در عالم هستی

اعتقاد به نجات بخش موعود «منجی»، به عنوان انسان برتری که در آخرالزمان زمین را از عدالت پر می‌سازد و انسان‌های در بند را رهایی می‌بخشد، در همه ادیان و مذاهب وجود دارد. اما آنچه در این میان شیعه را متمایز ساخته، این است که در این مذهب «منجی موعود» نه تنها به عنوان یک آرمان، بلکه به عنوان تداوم بخش رسالت انبیا، وارث اولیای الهی و در یک کلام «حجت خدا» بر روی زمین مطرح است؛ حجتی که زنده، شاهد و ناظر بر اعمال آدمیان است؛ حجتی که تأثیر او در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی‌شود و وجود او در لحظه لحظه زندگی ساکنان زمین نقش دارد.

برای درک مفهوم «حجت» و روشن شدن تفاوت میان این دو اعتقاد، یعنی اعتقاد به موعود، تنها به عنوان «منجی» و اعتقاد به او به عنوان «حجت» و «منجی» لازم است که جایگاه این واژه را در قرآن و روایات مورد بررسی قرار دهیم؛ اما پیش از آن نگاهی اجمالی خواهیم داشت به معنای لغوی حجت.

### ۱. حجّت در لغت

«حجّت» در لغت به معنی دلیل، برهان و راهنما است. به عبارت دیگر «آنچه به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند» حجّت گویند.<sup>۱</sup>

مرحوم راغب اصفهانی نیز حجّت را این گونه معنا کرده است:

الدَّلَالَةُ الْمُبَيِّنَةُ لِلْمَحْجَّةِ أَيْ الْمَقْصَدُ الْمُسْتَقِيمُ وَالَّذِي يَقْتَضِي صِحَّةَ أَحَدِ النَّقِیْضِیْنِ.

راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آنچه که به وسیله آن می توان به درستی یکی از دو مخالف پی برد.<sup>۲</sup>

### ۲. حجّت در قرآن و روایات

در آموزه های اسلامی موضوع «حجّت» از جایگاه و اهمیت به سزایی برخوردار بوده و در آیات قرآن، روایات و ادعیه به جای مانده از معصومان علیهم السلام از زوایای مختلف به این موضوع پرداخته شده است. به دلیل جایگاه و اهمیت این موضوع برخی از مجموعه های روایی شیعه؛ از جمله *الکافی*، بخشی را با عنوان «کتاب الحجّة» به بیان روایات مربوط به این اختصاص داده اند.<sup>۳</sup>

مهم ترین مباحثی که در این زمینه در آموزه های قرآنی و روایی مطرح شده، به شرح زیر است:

#### ۲-۱. حجّت های الهی مایه بسته شدن راه بهانه جویی بر مردم: قرآن کریم در

۱. ر. ک: الفیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، ص ۱۲۱؛ ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۳، ص ۵۳؛ الشرتونی اللبانی، سعید الخوری، *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، ج ۱، ص ۱۶۴؛ جر، خلیل، *فرهنگ لاروس*، ترجمه سید حمید طبیبیان، ج ۱، ص ۸۰۸؛ عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، ج ۱، ص ۷۷۹.

۲. *الراغب الإصفهانی*، ابوالقاسم الحسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن فی غریب القرآن*، ص ۱۰۷.

۳. ر. ک: کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۲۸-۱۶۸.

این باره می فرماید:

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِيَلْتَأْتِيَ النَّاسَ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا.<sup>۱</sup>

پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند تا برای مردم پس از [فرستادن] پیامبران، در مقابل خدا [بهانه] و حجتی نباشد و خدا توانا و حکیم است.

در این آیه خداوند هدف از فرستادن پیامبران را اتمام حجت به مردم و سد کردن راه استدلال و بهانه جویی بر آنها دانسته است. بنابراین می توان گفت که انبیا «حجت» خدا بر مردم اند و با آمدن آنها دیگر کسی نمی تواند در درگاه خدا مدعی شود که چرا راه مستقیم را به ما نشان ندادی.

در دعای شریف «ندبه» به این موضوع توجه شده و پس از اشاره به چندتن از پیامبران بزرگوار الهی چنین آمده است:

وَ كُلُّ شَرَعَةٍ لَهُ شَرِيعَةٌ وَ نَهَجَتْ لَهُ مِنْهَا جَاءٌ وَ تَخَيَّرَتْ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ إِقَامَةً لِدِينِكَ وَ حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ وَ لِيَلْتَأْتِيَ النَّاسَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَ يَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَ لَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنذِرًا وَ أَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزَى...<sup>۲</sup>

و برای هر یک از آنان شریعتی و روشی معین کردی و برایش جانشینانی نگهبان انتخاب کردی تا یکی پس از دیگری هر کدام در مدتی معین دینت را برپا دارند و حجت بر بندگان باشند تا حق از جایگاه خود خارج نشود و باطل بر حق مداران چیره نگردد و کسی نتواند بگوید: چرا پیامبری هشدار دهنده به سوی ما نفرستادی و نشانه‌ای هدایتگر برای ما به پانداختی تا پیش از آنکه خوار و رسوا

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۱۶۵.

۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

شویم از آیات پیروی کنیم؟

۲-۲. نیاز دائمی و همیشگی به حجت: در اعتقاد اسلامی بشر همواره نیازمند هدایتگر بوده و به همین دلیل از ابتدای آفرینش انسان تاکنون هیچگاه جهان از پیامبران و امامان هدایتگری که حجت‌های خدا بر بندگانش هستند خالی نبوده است.

امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ اللَّهُ أَرْضًا مُنْذُ قَبْضِ آدَمَ علیه السلام إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَىٰ بِهِ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَ لَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ.<sup>۱</sup>

به خدا سوگند که خداوند از روزی که آدم علیه السلام قبض [روح] شد، هیچ سرزمینی را از پیشوایی که [مردم] به وسیله او به سوی خدا هدایت می‌شوند، خالی نگذاشته است. این پیشوا حجت خدا بر بندگانش است و هرگز زمین بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد، باقی نمی‌ماند.

امام هادی علیه السلام نیز در همین زمینه می‌فرماید:

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ وَ أَنَا وَ اللَّهُ ذَلِكَ الْحُجَّةُ.<sup>۲</sup>

زمین هرگز از حجت خالی نمی‌ماند و به خدا قسم من آن حجت هستم.

۲-۳. لزوم زنده بودن حجت الهی: در روایات متعددی بر این موضوع تأکید شده که حجت الهی آنگاه بر مردم اقامه می‌شود که امام زنده‌ای در میان مردم باشد و مردم نیز او را بشناسند.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى [حَى] <sup>۳</sup> يُعْرَفُ.<sup>۴</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۱، کتاب الحجّة، ص ۱۷۹-۱۷۸، ح ۸

۲. همان، ح ۹

۳. در برخی از نسخه‌های الکافی به جای «حتی» کلمه «حی» آمده است.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۱۷۷، ح ۲

## جایگاه «حجت خدا» در عالم هستی ■ ۹۱

حجت خدا بر آفریدگانش تنها با امام [زنده ای] که شناخته شود، اقامه می شود.

امام رضا علیه السلام نیز به نقل از امام باقر علیه السلام چنین روایت می کنند:

إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَيٍّ يَعْرِفُونَهُ.<sup>۱</sup>

حجت خداوند - عز و جل - بر مردم اقامه نمی شود مگر با امام زنده ای که او را

می شناسند.

۲-۴. حجت های الهی مایه ثبات و پایداری زمین و اهل آن: در بسیاری روایات

سخن از این به میان آمده که نبود حجت های الهی موجب نابودی جهان و جهانیان

می شود. از جمله در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، آن حضرت در

پاسخ این پرسش که: «آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟» می فرماید:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ.<sup>۲</sup>

اگر زمین بدون امام بماند، [اهلش را] در خود فرو می برد.

۲-۵. امکان غیبت حجت های الهی: حجت های الهی گاه آشکارا بر مردم ظاهر

شده و به صورت عادی در جامعه حضور می یابند و گاه به دلایلی از دیدگاه مردم

پنهان شده و نهان زیستی (غیبت) را بر می گزینند.

این موضوع گاه به صورت مصداقی و بیان موارد غیبت حجت های الهی در

تاریخ و گاه به صورت کلی و بیان اصل امکان غیبت آنان، در روایات آمده است.

یکی از مواردی که در آن به اصل این موضوع اشاره شده، روایت زیر است که در

آن به نقل از امام علی علیه السلام چنین آمده است:

اللَّهُمَّ بَلَى، لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ؛ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، وَإِمَّا خَائِفًا

۱. الحمیری، ابوالحسن عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۳۵۱.

۲. همان، ص ۱۷۹، ح ۱۰.

مَعْمُورًا، لِثَلَا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتِهِ...<sup>۱</sup>.

بلی، زمین تهی نماند از کسی که حجت بر پای خداست، پایدار و شناخته است و یا ترسان و پنهان از دیده‌هاست، تا حجت خدا باطل نشود و نشانه‌هایش از میان نرود... .

۲-۶. حجت‌های الهی معیار تشخیص حق و باطل: یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز حجت‌های خداوند، معیار و شاخص بودن آنها برای شناسایی حق از باطل و معروف از منکر است. مردم برای اینکه بدانند، آنچه در زندگی فردی و اجتماعی آنها می‌گذرد حق است یا باطل، معروف است یا منکر، چاره‌ای جز رجوع به آنان ندارند.

در روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده است، در این زمینه چنین می‌خوانیم:

إِنَّمَا كَلَّفَ النَّاسُ ثَلَاثَةً: مَعْرِفَةَ الْأَثَمَةِ وَ التَّسْلِيمَ لَهُمْ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَ الرَّدَّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ.<sup>۲</sup>

مردم تنها به سه چیز تکلیف شده‌اند: شناخت امامان؛ تسلیم شدن به ایشان در آنچه بر آنها وارد می‌شود و رجوع به آنها در آنچه که در آن اختلاف دارند.

در قسمتی از زیارت «آل یاسین» که از امام عصر علیه السلام نقل شده، پس از آنکه تک تک امامان را به عنوان حجت خدا می‌خوانیم و بر این موضوع گواهی می‌دهیم خطاب به آنها می‌گوییم:

فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمْوَهُ وَ الْبَاطِلُ مَا أَسَخَطْتُمْوَهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۴۷، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص ۳۸۸.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۳۹۱، ح ۱.

۳. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

## جایگاه «حجت خدا» در عالم هستی ■ ۹۳

حق آن است که شما از آن خشنود شوید و باطل آن است که شما از آن به خشم آیدید. معروف آن است که شما بدان امر کنید، و منکر آن است که شما از آن نهی کنید.

همچنین در بخشی از زیارت «جامعه کبیره» خطاب به حجت‌های الهی عرضه می‌داریم:

وَ الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ.<sup>۱</sup>

حق با شما، در شما، از شما و به سوی شماست و شما اهل حق و معدن آن هستید.

۲-۷. حجت‌های الهی بیان‌کننده حلال و حرام الهی: یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد حجت‌های خداوند، مرجعیت آنان برای بیان حلال و حرام الهی است. این ویژگی از ابتدای تاریخ تا روزی که بشر در کره زمین حیات دارد استمرار داشته و خواهد داشت و بشر هیچگاه از راهنمایی حجت‌های الهی بی‌نیاز نخواهد شد.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا الْحُجَّةُ يُعَرَّفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ.<sup>۲</sup>

تا زمانی که زمین پابرجاست در آن برای خدا حجتی است که حلال و حرام را به مردم می‌شناساند و آنها را به راه خدا فرامی‌خواند.

۲-۸. پیروی از حجت‌های الهی شرط نجات و رستگاری: چون حجت‌های الهی تنها معیارهای شناخت حق از باطل و معروف از منکرند، نجات و رستگاری

۱. همان.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۱۷۸، ح ۱.

نیز تنها در گرو پیروی و اطاعت از آنهاست و هرکس راهی جز راه آنها بییماید و سر در گرو اطاعت کسی جز آنان بگذارد، جز گمراهی و بهره‌ای نخواهد داشت. فرازی از زیارت «جامعه کبیره» که از امام هادی علیه السلام نقل شده است، این موضوع را به خوبی روشن می‌سازد:

هَلْكَ مَنْ غَادَاكُمْ وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ  
وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَ هُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ مِنْ اتَّبَعَكُمْ  
فَالْجَنَّةُ مَأْوِيَهُ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوِيَهُ.<sup>۱</sup>

هرکه با شما دشمنی ورزید نابود شد؛ هرکه شما را تکذیب کرد نومید گشت؛ هرکه از شما دوری گزید، گمراه شد؛ هرکس به شما تمسک جست پیروز شد؛ هرکه به شما پناه آورد ایمنی یافت؛ هرکه شما را تصدیق کرد به سلامت رسید؛ هرکه با شما همراه شد هدایت یافت؛ هرکس شما را پیروی کند بهشت پناهگاه اوست و هرکس به مخالفت شما برخیزد آتش جایگاه اوست.

۹-۲. ضرورت شناخت حجت‌های الهی: در بسیاری از روایات بر ضرورت شناخت حجت و امام عصر تأکید شده تا آنجا که در روایت متواتری که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده، نشناختن امام برابر با مرگ در زمان جاهلیت دانسته شده است.

از این رو سفارش شده است که همواره از خدا بخواهید که حجتش را به شما بشناساند تا از گمراهی و جهالت نجات یابید.

در قسمتی از دعای «معرفت» که بر خواندن آن در زمان غیبت تأکید شده، آمده است:

۱. قمی، شیخ عباس، همان.



... اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.<sup>۱</sup>

بار خدایا، مرا با حجت خود آشنا ساز، که اگر مرا با حجتت آشنا نکنی از دینم

گمراه شوم.

۱۰-۲. حجت‌های الهی واسطه فیوضات الهی: از بسیاری از ادعیه، زیارات و

روایت‌هایی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده است، چنین استفاده می‌شود که همه

فیوضات و نعمت‌های مادی و معنوی که از سوی خداوند بر بندگان ارزانی

می‌شود، به واسطه یا به برکت وجود حجت‌های الهی است.

در بخشی از زیارت «جامعه کبیره» در این زمینه چنین می‌خوانیم:

بِكُمْ فَتَحَّ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ

عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفُسُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ.<sup>۲</sup>

خداوند به شما گشوده و به شما پایان می‌دهد. به شما باران را نازل می‌کند و

آسمان را از اینکه جز به اذن او، بر زمین فرو افتد نگه می‌دارد و به شما اندوه را

می‌برد و سختی‌ها را برطرف می‌سازد.

در فرازی از دعای «عدیله» نیز درباره آخرین حجت حق، حضرت مهدی علیه‌السلام

چنین آمده است:

بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيُمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ.<sup>۳</sup>

به بقای او دنیا باقی است و به برکت او مردم روزی داده می‌شوند و به وجود او

آسمان و زمین پابرجاست.

۱۱-۲. حجت‌های الهی شاهدان و گواهان بر مردم: در روایات بسیاری بر این

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ص ۵۱۲، ح ۴۳.

۲. قمی، شیخ عباس، همان.

۳. همان.

نکته تأکید شده است که حجت‌های خداوند شاهد و گواه بر اعمال مردمان بوده و در روز قیامت به نفع یا ضرر آنها شهادت می‌دهند.

در روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شده، در این زمینه چنین آمده است:

إِنَّ اللَّهَ طَهَّرَنَا وَ عَصَمَنَا وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ.<sup>۱</sup>

خداوند ما را پاکیزه داشته و از خطا حفظ کرده است. او ما را گواه بر آفریدگان خویش و حجت خود در زمین ساخته است.

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر آیه شریفه:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا.<sup>۲</sup>

و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

می‌فرماید:

نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ [...] فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الشَّهِيدُ عَلَيْنَا بِمَا بَلَّغْنَا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ فَمَنْ صَدَّقَ صَدَّقْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ كَذَّبَ كَذَّبْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۳</sup>

ما هستیم امت میانه و مائیم گواهان خدا بر آفریدگانش و حجت‌های او در زمینش [...] پس فرستاده خدا گواه و ناظر بر ما است به سبب آنچه از سوی خدای عزوجل به ما ابلاغ کرده است. و ما گواهانیم بر مردم. پس هر که ما را تصدیق کند، روز قیامت تصدیقش کنیم و هر که ما را تکذیب کند، روز قیامت تکذیبش کنیم.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۱۹۱، ح ۵.

۲. سوره بقره (۲) آیه ۱۴۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۱۹۰، ح ۲.

## جایگاه «حجت خدا» در عالم هستی ■ ۹۷

۱۲-۲. عرضه اعمال مردم بر حجت‌های الهی: نکته دیگری که در زمینه جایگاه حجت‌های خداوند در عالم هستی باید یادآور شد، اطلاع و آگاهی آنها از اعمال مردمان است. براساس روایات فراوانی که از امامان معصوم علیهم‌السلام وارد شده است، اعمال مردم هر صبح و شام به حضور حجت و امام عصر عرضه می‌شود و ایشان از اعمال خوب و پسندیده مردم شاد و از اعمال ناشایست آنها اندوهگین می‌شوند.

«سماعه» نقل می‌کند که روزی امام صادق علیه‌السلام فرمود:

مَا لَكُمْ تَسْؤُونَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؟

چرا فرستاده خدا ﷺ را اندوهگین می‌سازید؟

در این هنگام مردی پرسید: چگونه ما او را اندوهگین می‌سازیم. و آن حضرت در پاسخش فرمود:

أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةً سَاءَةً ذَلِكَ فَلَا تَسْؤُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ سَرُّوهُ.<sup>۱</sup>

مگر نمی‌دانید که اعمال شما بر آن حضرت عرضه می‌شود و چون گناهی در آن ببیند اندوهگین می‌شود؟ پس فرستاده خدا را اندوهگین نکنید و او را شادمان سازید.

یکی از اصحاب امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: «روزی به امام رضا علیه‌السلام عرض کردم: برای من و خانواده‌ام به درگاه خدا دعا کنید» و آن حضرت فرمود:

أَوْلَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ.<sup>۲</sup>

مگر دعا نمی‌کنم؟! به خدا سوگند که اعمال شما در هر صبح و شام بر من عرضه می‌شود.

۱. همان، ص ۲۱۹، ح ۳.

۲. همان، ص ۲۲۰-۲۱۹، ح ۴.

روای می‌گوید: «این مطلب بر من سنگین آمد، پس امام علیه السلام به من فرمود:»  
 أما تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ  
 الْمُؤْمِنُونَ»؟<sup>۱</sup> قال: «هُوَ وَاللَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ».

مگر تو کتاب خدای عزوجل را نمی‌خوانی که می‌فرماید: «و بگو: [هرکاری  
 می‌خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند  
 نگرست؟» به خدا که آن [مؤمن] علی بن ابی طالب است.

آنچه گذشت بخش کوچکی از معارف ارزشمندی است که در آموزه‌های  
 اسلامی درباره حجت‌های الهی آمده است. اما همین بخش کوچک نیز به خوبی  
 نقش، جایگاه و مقام و منزلت آنان را در عالم هستی نشان داده و روشن می‌سازد که  
 ما منتظر ظهور چه شخصیتی هستیم. شخصیتی که در عین غیبت ظاهری در لحظه  
 لحظه زندگی ما نقش دارد و همه خیرات و برکات مادی و معنوی به وسیله او به ما  
 می‌رسد.<sup>۲</sup>

بی‌تردید چنین انتظاری آثار بسیار ارزشمندی در زندگی فردی و اجتماعی  
 منتظران خواهد داشت. آثاری که در هیچ یک از انتظارهایی که دیگر ادیان و مکاتب  
 مروج و مبلغ آن هستند یافت نمی‌شود.

ان شاء الله در فصل بعدی، در زمینه آثار این انتظار بیشتر سخن خواهیم گفت.

۱. سوره توبه (۹) آیه ۱۰۵.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: «جایگاه امام معصوم علیه السلام در نسبت با کل هستی» گفت‌وگو با  
 آیت‌الله محمدعلی گرامی، موعود، سال اول، شماره ۲، خرداد و تیر ۱۳۷۶، شماره ۱۳ و مرداد و شهریور  
 ۱۳۷۶.

## فصل دوه

**انتظار؛ رویکردها و کارکردها**

## گفتار اول: تولی و تبری در عصر حاضر

در فرهنگ اسلامی، جهان عرصه تقابل و هماوری دو «ولایت» است؛ ولایت خدا و دوستان او از یک سو و ولایت شیطان (طاغوت) و پیروان او از سوی دیگر. در این فرهنگ انسان‌ها یا در خط ولایت خدا و دوستان خدا هستند که خدا آنها را از تاریکی‌های نادانی و گمراهی خارج و به روشنی دانایی و رستگاری داخل می‌کند، یا در خط ولایت شیطان و دوستان شیطان که اولیائشان آنها را از روشنایی هدایت به تاریکی‌های ضلالت سوق می‌دهند:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيائُهُم  
الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا  
خَالِدُونَ.<sup>۱</sup>

خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی  
به در می‌برد. و [ولی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان طاغوتند، که آنان را از

۱. سوره بقره (۲) آیه ۲۵۷؛ همچنین ر. ک: سوره جاثیه (۴۵)، آیه ۱۹.

روشنایی به سوی تاریکی‌ها به درمی‌برند، آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند. با توجه به این نگرش بوده است که در آموزه‌های اسلامی به نقش «ولایت» در زندگی انسان‌ها توجه ویژه‌ای شده و همه اهل ایمان موظف شده‌اند که از یک سو سر در گرو ولایت حق و پیروان آن داشته باشند و از سوی دیگر از ولایت شیطان و پیروان او بیزاری جویند.

و این همان حقیقت «تولی» و «تبری» است که در مکتب تشیع این همه بر آن تأکید شده است.

### ۱. مفهوم تولی و تبری

«تولی» بر وزن ترقی مصدر باب تفعّل از ماده «ولی» و در لغت به معنای پذیرش ولایت و کسی را ولیّ خود قرار دادن است. «ولی» در زبان عرب به معنای دوست، یاور و سرپرست آمده است. چنان‌که مصدر آن «ولایت» نیز به معنای دوستی، یآوری و سرپرستی استعمال شده است. بنابراین تولی هم می‌تواند به معنای پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار دادن باشد و هم می‌تواند به معنای پذیرش سرپرستی و کسی را سرپرست خود قرار دادن. اما با توجه به موارد استعمال این کلمه در آیات و روایات می‌توان گفت که دوستی و سرپرستی لازم و ملزوم یکدیگرند و پذیرش دوستی مقدمه پذیرش سرپرستی است؛ چرا که دل سپردن مقدمه سرسپردن است و انسان تا به کسی دل نبندد نمی‌تواند سرسپرده او شود و چنان‌که باید و شاید تسلیم او گردد.<sup>۱</sup>

۱. ر. ک: ابی منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۷، ماده «ولی»؛ الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، ص ۶۷۳-۶۷۲؛ دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ج ۵، ص ۶۲۷۲، ماده تولی.

## تولی و تبرّی در عصر حاضر ■ ۱۰۳

«تبرّی» نیز بر همان وزن و از همان مصدر از ماده «برء» و به معنای بیزاری جستن، بیزار شدن و دوری گزیدن آمده است.<sup>۱</sup> در مورد معنای اصطلاحی این دو کلمه نیز گفته‌اند:

تولی و تبرّی؛ یعنی انسان از لحاظ عاطفی، قلب خود را از محبت و علاقه خدا، پیامبران و ائمه معصومین و جانشینان به حق آنان (فقیهان) و مؤمنان پر کند و در عین حال، بغض و کینه دشمنان آنها را به دل بگیرد و از نظر سیاسی و اجتماعی، سرپرستی، رهبری، دوستی و حکومت الهی را بپذیرد و از حکومت دشمنان اسلام دوری جوید.<sup>۲</sup>

## ۲. تولی و تبرّی در آموزه‌های اسلامی

اگر چه «تولی» و «تبرّی» در اصطلاح از فروع دین بر شمرده شده‌اند، اما از مجموعه معارف اسلامی، به ویژه آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام چنین بر می‌آید که این دو موضوع نه فرع دین بلکه همه دین و تمامیت ایمان‌اند و به بیان دیگر دین و ایمان چیزی جز دوستی و رزیدن و بیزاری جستن به خاطر خدا نیست.

«فضیل بن یسار» یکی از یاران امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنَ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ أَمِنْ الْإِيمَانِ هُوَ؟ فَقَالَ: وَ هَلِ  
الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ.<sup>۳</sup>

از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا دوستی و دشمنی از ایمان است؟ فرمود: آیا ایمان جز دوستی و دشمنی است؟

۱. ر. ک: الفیومی، احمد بن محمد، همان، ص ۴۶-۴۷، ماده بری. دهخدا، علی اکبر، همان، ج ۴، ص ۵۷۵، ماده تبرّی.

۲. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، ص ۴۲۹-۴۴۶.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵، ح ۵.



در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَ أَبْغَضَ لِلَّهِ وَ أُعْطِيَ لِلَّهِ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَّلَ إِيمَانَهُ.<sup>۱</sup>

آن کس که برای خدا دوستی بورزد، برای خدا دشمنی کند و برای خدا ببخشد، از کسانی است که ایمان او کامل شده است.

و باز می فرماید:

كُلُّ مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَلَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ.<sup>۲</sup>

کسی که دوستی و دشمنی اش براساس دین نباشد، دین ندارد.

همچنین از آن حضرت نقل شده است که:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِهِ: أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ  
أَعْلَمُ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: الصَّلَاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: الزَّكَاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: الصِّيَامُ وَ قَالَ  
بَعْضُهُمْ: الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: الْجِهَادُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِكُلِّ مَا  
قُلْتُمْ فَضْلٌ وَ لَيْسَ بِهِ وَ لَكِنْ أَوْثَقَ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي  
اللَّهِ وَ تَوَالِي (تَوَلَّي) أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ التَّبَرِّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ.<sup>۳</sup>

رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد، به یارانش فرمود:  
استوارترین دستاویزهای ایمان کدام است؟ گفتند: خدا و رسولش بهتر می دانند.  
بعضی گفتند: نماز، بعضی گفتند: زکات؛ بعضی گفتند: روزه؛ بعضی گفتند: حج و  
عمره و بعضی گفتند: جهاد. پس پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: برای همه آنچه گفتید  
فضیلتی است، اما استوارترین دستاویزهای ایمان نیست، بلکه استوارترین  
دستاویز ایمان، دوستی در راه خدا، پیروی کردن از اولیای خدا و بیزاری جستن

۱. همان، ص ۱۲۴، ح ۱.

۲. همان، ص ۱۲۷، ح ۱۶.

۳. همان، ص ۱۲۶-۱۲۵، ح ۶.

از دشمنان خداست.

این همه نیست مگر به دلیل آنکه دوستی‌ها و دشمنی‌های آدمی مبدأ همه کنش‌ها و واکنش‌ها و تأثیر و تأثرهای او و تعیین‌کننده منش و روش او در زندگی فردی و اجتماعی است و نجات و رستگاری یا سقوط و گمراهی هر انسانی بستگی تام و تمامی به این موضوع دارد که او در زندگی خود دل به چه کسی یا چه چیزی بسته و سر به ولایت که سپرده است.

### ۳. دوستان و دشمنان اهل ایمان

حال این پرسش مطرح می‌شود که ما به پذیرش دوستی و سرپرستی چه کسی یا کسانی امر و از پذیرش دوستی و سرپرستی چه اشخاصی نهی شده‌ایم؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام به صراحت در مورد کسانی که باید مؤمنان دوستی و ولایت آنها را گردن نهند و همچنین کسانی که نباید مؤمنان در پی دوستی و ولایت آنها باشند، سخن گفته شده که در اینجا به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۳. در آیات قرآن: قرآن کریم در آیات متعددی به معرفی «ولیی» مؤمنان پرداخته است که آیات زیر از آن جمله است:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ  
وَهُمْ رَاكِعُونَ.<sup>۱</sup>

ولتی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

خداوند متعال در ادامه این آیه کسانی را ولایت خدا، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ولی

۱. سوره مائده (۵) آیه ۵۵.

## ۱۰۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

خدا علیه السلام را گردن می‌نهند به عنوان «حزب الله» می‌ستایند:

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.<sup>۱</sup>

و هر که خدا و پیامبر او و مؤمنان را ولّی خود گزیند، بداند که پیروزمندان گروه خدا/وندند.

بر اساس آیه یادشده، تنها خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشین پیامبر علیه السلام که در پایان آیه به کنایه از وی یاد شده است - و همه می‌دانیم که او کسی جز امیر مؤمنان علی علیه السلام نیست - صلاحیت ولایت بر مؤمنان را دارند.

همچنین در مورد کسانی که مؤمنان باید از به دوستی گرفتن و پذیرش سرپرستی و ولایت آنها خودداری کنند، قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ.<sup>۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به جای مؤمنان، کافران را به دوستی خود مگیرید.  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ  
مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.<sup>۳</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند و هرکس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَ  
قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ...<sup>۴</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی

۱. همان، آیه ۵۶.

۲. سوره نساء (۴) آیه ۱۴۴.

۳. سوره مائده (۵) آیه ۵۱.

۴. سوره متحنه (۶۰) آیه ۱.

## تولی و تبری در عصر حاضر ■ ۱۰۷

برمگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید، و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرنند.

۲-۳. در روایات معصومین علیهم السلام: با توجه به اهمیت تولی و تبری و نقشی که این موضوع در زندگی فردی و اجتماعی اهل ایمان دارد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در موارد متعددی به بحث از دو موضوع یادشده پرداخته و در مورد کسانی که شایسته است مؤمنان آنها را به عنوان دوستان و سرپرستان خود برگزینند و همچنین کسانی که سزاوار است ایشان از پذیرش دوستی و ولایت آنها خودداری کنند، به تفصیل سخن گفته‌اند؛ تا آنجا که در برخی از مجموعه‌های روایی شیعه بابی با عنوان «الحب فی الله والبغض فی الله» به این موضوع اختصاص یافته است.<sup>۱</sup> با مروری اجمالی به روایاتی که در این زمینه از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده، به روشنی درمی‌یابیم که در تفکر اسلامی، پذیرش ولایت و سرپرستی اهل بیت علیهم السلام محور همه دوستی‌ها و مخالفت با ولایت آنها محور همه دشمنی‌هاست. و از این رو اهل ایمان موظفند با هر آنکه دوستی و ولایت اهل بیت علیهم السلام را پذیرفته دوستی و با هر آنکه از در دشمنی با این خاندان وارد شده‌اند، دشمنی کنند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النُّجَاةِ وَ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ يَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمُتَمِّينِ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي وَ لِيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لِيَأْتِمَّ بِالْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ.<sup>۲</sup>

هر که دوست دارد بر کشتی نجات بنشیند و به دستگیره استوار چنگ آویزد و

۱. ر. ک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۱۲۷-۱۲۴؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۳-۲۳۶.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۴۳. به نقل از: محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة همراه با ترجمه فارسی، مترجم حمیدرضا هاشمی، ج ۲، ص ۹۷۵-۹۷۴.

ریسمان محکم خدا را بگیرد، باید بعد از من علی را دوست بدارد و با دشمنش دشمنی ورزد و از پیشوایان هدایت که از نسل اویند پیروی کند.

در روایت دیگری، امام باقر علیه السلام در پاسخ کسی که از آن حضرت خواسته بود، او را از دینی که خود و اهل بیتش برآند، آگاه سازند، فرمود:

شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَالْوَلَايَةَ لَوْلِيَّتِنَا وَالْبِرَاءَةَ مِنْ عَدُوِّنَا وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِنَا وَانْتِظَارَ قَائِمِنَا وَالْإِجْتِهَادَ وَالْوَرَعَ.<sup>۱</sup>

گواهی به اینکه خدایی جز خدای یکتا نیست و اینکه محمد - درود بر او و خاندانش باد - فرستاده خداست؛ اقرار به آنچه از سوی خدا آمده است؛ دوستی دوستان ما؛ بیزاری جستن از دشمنان ما؛ تسلیم شدن در برابر فرمان ما؛ چشم به راه بودن قائم ما؛ تلاش در راه اطاعت خدا و پاکدامنی و پرهیزکاری.

این آیات و روایات اگر فراتر از زاویه نگاه محدود مذهبی و فرقه‌ای مورد توجه قرار گیرند می‌توانند مشخص‌کننده دوستان و دشمنان ما در عصر حاضر و تعیین‌کننده حدود دوستی‌ها و دشمنی‌های ما باشند.

بنابراین می‌توان گفت از آنجا که عصر حاضر، عصر امامت و ولایت امام مهدی علیه السلام است و ایشان حجت الهی در زمان هستند ما از یک سو وظیفه داریم که به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنیم و همه مناسبات فردی و اجتماعی خود را براساس خواست و رضایت او سامان دهیم و از سوی دیگر مکلفیم که از تمسک به ولایت دشمنان آن حضرت خودداری کنیم و از هر آنچه که در تقابل با این ولایت است بیزاری جویم.

بدون تردید امروز فرهنگ و تمدن برخاسته از «اومانیزم»، «سکولاریسم» و

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ص ۱۴، ح ۱۵.

«لیبرالیسم» غربی که با خوی استکباری و برتری طلبی خود در پی حاکمیت بخشیدن ولایت خود بر سراسر جهان است در تقابل جدی با فرهنگ ولایت محور شیعی و آرمان «حقیقت مدار»، «معنویت گرا» و «عدالت محور» مهدوی قرار دارد و از این رو بر همه متمسکان به ولایت مهدوی لازم است که از این فرهنگ و تمدن بیزاری جویند و با سلطه طلبی آن مقابله کنند.

#### ۴. ضرورت دوست شناسی و دشمن شناسی

در پایان لازم به یادآوری است که شناخت دوستان و دشمنان اهل ایمان از آنجا که مقدمه دل بستن و درآویختن به یکی و بیزاری جستن و دوری گزیدن از دیگری است،<sup>۱</sup> برای همه کسانی که طالب هدایت و رستگاری اند، به ویژه برای کسانی که سر در گرو ولایت آخرین امام از سلسله اولیای خدا، حضرت مهدی علیه السلام دارند، ضروری است؛ چرا که اینان تا ولایت مهدوی را که استمرار ولایت الهی، ولایت محمدی و ولایت علوی است، چنان که باید نشناسند و از کسانی که در تقابل با جریان ولایت مهدوی هستند شناخت جدی نداشته باشند نمی توانند آنچنان که شایسته است به ریسمان ولایت مهدوی درآویزند و از دشمنان این ولایت بیزاری جویند.

---

۱. در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است «... والحب فرع المعرفة؛ دوستی فرع (حاصل) معرفت است. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۶۷، ص ۲۲، ج ۲۲.

## گفتار دوم: انتظار در تفکر شیعه

عظمت و جودی و ابعاد مختلف شخصیت حضرت صاحب الامر علیه السلام باعث شده است که در طول هزار و اندی سال که از غیبت کبری می‌گذرد، هر گروه از مردم بسته به گرایش‌های خاص اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی که داشته‌اند، از دیدگاهی خاص به تحلیل شخصیت و تعیین جایگاه آن حضرت در عالم هستی پردازند و هر گروه تنها درک و تصور خود از این موضوع را تصور درست و مطابق با واقع از شخصیت آن یگانه هستی تلقی کنند.

در این میان جمعی از اصحاب سیر و سلوک و رهروان طریق عرفان و معنا با طرح موضوع خلیفه‌الله و انسان کامل و پرداختن به نقش حجت الهی در عالم هستی، تنها به جنبه فراطبیعی آن وجود مقدس توجه کرده و از سایر جنبه‌ها غفلت ورزیدند.

گروهی دیگر از اصحاب شریعت توجه خود را تنها معطوف به جنبه طبیعی آن وجود مقدس ساخته و ضمن مطرح کردن نقشی که آن حضرت به عنوان امام و

پیشوای مردم به عهده دارند هیچ‌گونه مسئولیتی را در زمان غیبت متوجه مردم ندیدند و تنها تکلیف مردم را این دانستند که برای فرج آن حضرت دعا کنند تا خود بیایند و امور مردم را اصلاح کنند.

عده‌ای هم ضمن توجه به جنبه فراطبیعی و طبیعی وجود مقدس حضرت حجّت علیه السلام تمام هم و غم خود را متوجه ملاقات با آن حضرت ساخته و تنها وظیفه خود را این دانستند که با توسل به آن حضرت به شرف ملاقات با آن ذات اقدس نائل شوند.

اما در این میان گروهی با در نظر گرفتن همه ابعادی که بدان‌ها اشاره شد، به طرح معنای درست انتظار پرداخته و در صدد تعیین وظیفه و نقش مردم در دوران غیبت برآمدند. در این دیدگاه، هم مسئله خلافت الهی انسان کامل مطرح است، هم به جایگاه و نقش مردم در قبال آن حضرت توجه شده و هم وظیفه‌ای که مردم در دعا برای حفظ آن وجود مقدس و تعجیل در ظهورش دارند از نظر دور داشته نشده است.

شاید بتوان امام راحل علیه السلام را به عنوان درخشان‌ترین چهره از گروه اخیر ذکر کرد. ایشان با صراحت به نقد و بررسی برداشت‌های مختلفی که از مسئله انتظار فرج وجود دارد، پرداخته و دیدگاه خاص خود را در این زمینه چنین مطرح ساختند:

البته این پرکردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم. اما، چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. ... اما ما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت علیه السلام ...<sup>۱</sup>

ایشان در جایی دیگر نیز درباره مفهوم «انتظار فرج» می‌فرمایند:

۱. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام)، ج ۲۰، ص ۱۹۹-۱۹۸.



انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند. و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه شود.<sup>۱</sup>

برای شناخت جایگاه و مفهوم انتظار در تفکر شیعی برخی از روایاتی را که در این زمینه وارد شده است مورد بررسی قرار می‌دهیم تا روشن شود که:

۱. معنا و مفهوم انتظار چیست؟
۲. آیا انتظار ضرورت دارد؟
۳. فضیلت آن چیست؟
۴. چه وظایفی در عصر غیبت بر عهده منتظران است؟
۵. انتظار چه آثار سازنده‌ای بر فرد و جامعه دارد؟

### ۱. مفهوم انتظار

«انتظار»، یعنی «چشمداشتن» و «چشم به راه بودن»<sup>۲</sup>. چشمداشت یک تحول، چشمداشت یک رویداد خوب، چشمداشت یک گشایش،... یا چشم به راه یک آینده مطلوب، چشم به راه یک عزیز سفر کرده، چشم به راه یک دستگیر، چشم به راه یک منجی و... به این معنا انتظار مفهومی است که با نهاد همه انسان‌ها عجین شده است و می‌توان گفت که همه انسان‌ها به نوعی منتظرند.

به بیان دیگر انتظار یا امید به آینده همزاد انسان است و اگر امید به آینده را از او بگیرند، سرنوشتی جز سکون، رکود، مرگ و تباهی نخواهد داشت، از همین روست که در کلام نورانی پیامبر گرامی اسلام ﷺ آمده است:

الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ وَالِدَةٌ وَ لَدَنَا وَ لَا غَرْسَ غَارِسُ

۱. همان، ج ۷، ص ۲۵۵.

۲. ر. ک: دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، ذیل کلمه «انتظار»؛ معین، محمد، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه «انتظار».

### شَجَرًا.<sup>۱</sup>

امید برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت.

همچنین حکایت شده است که:

روزی عیسی علیه السلام نشسته بود و پیرمردی با بیل زمینی را شیار می‌کرد، عیسی فرمود: بار خدایا! امید (آرزو) را از او بگیر. آن پیر دردم، بیل را به کناری انداخت و دراز کشید. ساعتی گذشت و عیسی گفت: بار خدایا! امید را به او بازگردان؛ بی‌درنگ آن پیر برخاست و شروع به کار کرد.<sup>۲</sup>

مولانا نیز این حقیقت را به زبان دیگری بیان می‌کند:

گر نبودی میل و امید ثمر کی نشاندی باغبان بیخ شجر

لحظه لحظه زندگی انسان با امید همراه است و او هر دوره از عمر خود را به امید رسیدن به دوره بعدی پشت سر می‌گذارد. کودکی که تازه به دبستان پا گذاشته به امید رفتن به کلاس بالاتر و پشت سر گذاشتن دوران آموزش ابتدایی درس می‌خواند و تلاش می‌کند. همین کودک دوران راهنمایی را با امید رسیدن به دوران دبیرستان سپری می‌کند و دوران دبیرستان را با این امید که روزی به دانشگاه راه یابد پشت سر می‌گذارد. وقتی همین کودک دیروز و جوان امروز وارد دانشگاه می‌شود امیدهای تازه به او توش و توان می‌دهد و به زندگی او معنا می‌بخشد؛ امید رسیدن به جایگاه مطلوب اجتماعی، تشکیل خانواده، داشتن فرزند و... پس از تشکیل خانواده و به دنیا آمدن فرزندان، همه امیدها و آرزوهای انسان متوجه پیشرفت و ارتقای

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۷۳، ح ۸.

۲. ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۲۷۲؛ محمدی‌ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۱، ص ۱۸۴، ح ۶۷۵.

فرزندانش می‌شود و به این ترتیب حکایت پایان‌ناپذیر امید به آینده، تا آستانه مرگ، انسان را همراهی می‌کند.

ناگفته نماند که این امید به آینده و انتظار تحقق فردای بهتر، خود ریشه در یک ویژگی فطری دارد و آن کمال‌جویی انسان است. انسان همواره طالب رسیدن به مراتب بالاتر و دست یافتن به قله‌های پیشرفت و ترقی است و این در همه انسان‌ها با تفاوت‌هایی در سطح کمال موردنظر و تلاش و جدیتی که برای رسیدن به کمال مطلوب صورت می‌گیرد، وجود دارد.

در هر حال، انتظار و چشم به راه آینده بودن شعله‌ای است در وجود انسان که هرچه فروزان‌تر و پرفروغ‌تر باشد تحرک و پویایی او نیز بیشتر خواهد بود و برعکس هر چه این شعله به سردی و خاموشی بگراید؛ تلاش و فعالیت انسان نیز کاستی می‌پذیرد تا آنجا که او تبدیل به موجودی سرد، بی‌روح، بی‌نشاط، گوشه‌گیر و بی‌تحرک می‌شود و این همان حالتی است که در روانشناسی به «افسردگی» تعبیر می‌کنند. حالتی که شدت و ضعف و زمینه‌های به وجود آمدن آنها در افراد مختلف متفاوت است، اما عامل آن در هر حال چیزی جز خشکیدن نهال امید در وجود انسان نیست.

با توجه به اهمیت و نقش اساسی امید به آینده و انتظار فرج در زندگی انسان‌ها مکتب اسلام تلاش نموده است با تقویت این روحیه، تلاش و سرزندگی جوامع اسلامی و مسلمانان را به نهایت درجه خود رسانده و آنها را در هر زمان پویا و پایدار نگهدارد.

به نظر می‌رسد امید به آینده و انتظار فرج به دو معنا در آموزه‌های دین اسلام به کار رفته است:

۱. انتظار به معنای عام: در این معنا مکتب اسلام تلاش کرده است که از یک سو

## ۱۱۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

با فضیلت بخشیدن به «انتظار گشایش» و امید به آینده و از سوی دیگر با نگرش یأس، ناامیدی، دلسردی و دلمردگی، روحیه تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه اسلامی زنده نگهدارد و از ایجاد حالت یأس و ناامیدی در زندگی شخصی مسلمانان جلوگیری کند.

اهتمام اسلام به این معنای عام از انتظار و امید به آینده تا بدان حد بوده که از یک سو امید به فرا رسیدن گشایش از سوی خداوند در زمره برترین اعمال برشمرده شده و از سوی دیگر یأس و ناامیدی از رحمت خداوند از جمله گناهان کبیره به شمار آمده است.<sup>۱</sup>

قرآن کریم ناامیدی از رحمت خدا را از ویژگی‌های کافران برشمرده و از زبان حضرت یعقوب علیه السلام چنین نقل می‌کند:

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَاخِيهِ وَا لَا تَيَّأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يَيَّأَسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ.<sup>۲</sup>

پسرانم! بروید و از یوسف و برادرش جست‌وجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.

شاید بتوان گفت بسیاری از روایاتی که در آنها به فضیلت «انتظار فرج» به طور کلی و بدون ذکر متعلق فرج اشاره شده، به اصل تقویت روحیه امید به آینده و مقابله با حالت ناامیدی و بدبینی نسبت به آینده نظر داشته‌اند، که از آن جمله می‌توان به این روایات اشاره کرد:

۱-۱. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

مَنْ رَضِيَ عَنِ اللّٰهِ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ وَاَنْتِظَارُ

۱. ر. ک: دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، ص ۹۱-۶۸

۲. سوره یوسف (۱۲) آیه ۸۷

### الْفَرَجِ عِبَادَةٌ<sup>۱</sup>

هر کس نسبت به رزق کمی که خداوند به او داده خشنود باشد، خداوند نیز نسبت به عمل کمی که او انجام می‌دهد خشنود می‌گردد و انتظار گشایش عبادت است.

۱-۲. همچنین از آن حضرت روایت شده است که:

### أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ<sup>۲</sup>

برترین عبادت‌ها انتظار فرج است.

۱-۳. و باز می‌فرمایند:

### أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ<sup>۳</sup>

برترین جهاد امت من انتظار فرج است.

۱-۴. امام علی علیه السلام در بخشی از روایت مفصلی که در آن به چهارصد مورد از اموری که برای صلاح دین و دنیای مؤمن شایسته است، اشاره می‌کنند؛ پس از توصیه به طلب رزق در بین طلوع فجر و طلوع شمس می‌فرمایند:

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ، عَزَّ وَجَلَّ،  
انْتِظَارُ الْفَرَجِ<sup>۴</sup>

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید. بدرستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند، صاحب عزت و جلال، انتظار فرج است.

۱-۵. آن حضرت در بخش دیگری از روایت یادشده پس از اشاره به این مطلب که ناشکیبایی در هنگام بروز ناگواری‌ها موجب از بین رفتن اجر انسان می‌شود، می‌فرماید:

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۲.

۳. ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی بن حسین، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۷.

۴. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

... أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمَرْءِ أَنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.<sup>۱</sup>

برترین کارهای انسان، انتظار گشایش از سوی خداست.

۱-۶. امام صادق علیه السلام نیز در ضمن سفارش‌های خود به ابوحنیفه می‌فرماید:

... وَ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ.<sup>۲</sup>

برترین کارها انتظار گشایش از خداست.

۲. انتظار به معنای خاص: در این معنا، انتظار گشایش و امید به آینده از حالت

امری محدود، سطحی و فردی خارج شده و تبدیل به امری گسترده، عمیق و اجتماعی می‌گردد.

در توضیح این مطلب باید گفت: تعالیم ادیان الهی و به‌ویژه دین مبین اسلام،

دقیقاً بر گرایش‌های درونی انسان‌ها تکیه دارد و اهداف و برنامه‌های آنها براساس

همین گرایش‌های درونی و ویژگی‌های فطری سامان یافته است و در این میان نقش

دین تنها جهت‌دهی، توسعه و تعمیق این گرایش‌هاست.

در موضوع مورد بحث نیز دین مبین اسلام با توجه به اینکه امید به آینده و

انتظار یک گرایش فطری و جوهره زندگی انسان‌هاست تلاش نموده که این گرایش

را از یک سو توسعه و از دیگر سو تعمیق بخشد.

به این بیان که دین اسلام به همه انسان‌ها می‌گوید: اولاً، شما فقط منتظر بهبود

وضع زندگی خود و اطرافیانتان نباشید و تنها سعادت نزدیکان خود را طلب نکنید،

بلکه این انتظار را نسبت به همه افراد جامعه گسترش دهید و چشم‌انتظار روزی

باشید که رفاه، سعادت، عدالت و معنویت نه تنها در شهر و دیار شما بلکه در همه

جهان گسترده شود.

۱. همان، ص ۹۹.

۲. همان، ج ۷۵، ص ۲۰۸، ح ۷۷.

ثانیاً، انتظار شما نباید تنها متوجه امور ظاهری، سطحی و محدود زندگی گردد. شما باید انتظارتان را تعمیق بخشید و چشم به راه آینده‌ای باشید که حقیقت مطلق، عدالت مطلق و معنویت مطلق در جهان حاکم شود.

در این معنا، انتظار تنها به ظهور مردی تعلق می‌گیرد که اگر بیاید نهایت خوبی‌ها برای همه انسان‌ها در سراسر جهان فراهم خواهد شد. این انتظار به همان اندازه فضیلت و برتری دارد که تحقق متعلق آن.

به هنگام بررسی فضیلت انتظار به برخی از روایت‌هایی که انتظار به معنای خاص را مورد توجه قرار داده‌اند اشاره می‌کنیم.

## ۲. ضرورت انتظار

در تفکر شیعی، انتظار موعود، به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح بوده و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد علیهم‌السلام تصریح شده است، که از جمله می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبة روایت کرده است که روزی امام صادق علیه‌السلام خطاب به اصحاب خود فرمودند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ، عَزَّوَجَلَّ، مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ[رَسُولُهُ]، وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ، وَالْوِلَايَةَ لَنَا، وَالْبِرَاةَ مِنْ أَعْدَائِنَا - يَعْنِي الْأَيْمَةَ خَاصَّةً - وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ، وَالْوَرَعَ، وَالْإِجْتِهَادَ، وَالطَّمَأْنِينَةَ، وَالْإِنْتِظَارَ لِلْقَائِمِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ.<sup>۱</sup>

آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای، صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی‌پذیرد؟ گفتم: چرا. فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

## ۱۲۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] بنده و فرستاده او است، و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان - یعنی خصوص امامان - و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم علیه السلام.

۲. ثقة الاسلام کلینی در کتاب الکافی روایت می کند که روزی مردی بر حضرت ابوجعفر امام باقر علیه السلام وارد شد و صفحه ای در دست داشت؛ حضرت باقر علیه السلام به او فرمود:

هَذِهِ صَحِيفَةٌ مُخَاصِمٌ سَأَلَ عَنِ الدِّينِ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ. فَقَالَ: رَحِمَكَ اللهُ، هَذَا الَّذِي أُرِيدُ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَتَقَرُّ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللهِ وَالْوِلَايَةَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَالْبِرَاثَةَ مِنْ عَدُوِّنَا، وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِنَا، وَالْوَرَعَ، وَالتَّوَاضُّعَ وَالتَّيْمَانَ، فَإِنَّا لَنَا دَوْلَةٌ، إِذَا شَاءَ اللهُ جَاءَ بِهَا.<sup>۱</sup>

این نوشته مناظره کننده ای است که پرسش دارد از دینی که عمل در آن مورد قبول است. آن مرد عرض کرد: رحمت خداوند بر تو باد همین را خواسته ام. پس حضرت ابوجعفر باقر علیه السلام فرمود: گواهی دادن به اینکه خدا یکی است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد، و این که محمد بنده و رسول او است، و این که اقرار کنی به آنچه از سوی خداوند آمده، و ولایت ما خاندان و بیزاری از دشمنان ما، و تسلیم به امر ما، و پرهیزکاری و فروتنی، و انتظار قائم ما، که ما را دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد آورد.

۳. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از «عبدالعظیم حسنی» روایت می کند که:  
روزی بر آقایم محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۱۳.



الحسین بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم و می خواستم که درباره قائم از آن حضرت سؤال کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او پس خود آن حضرت آغاز سخن کرد و به من فرمود:

يَا أَبَا الْقَاسِمِ، إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ، وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي.<sup>۱</sup>

ای ابوالقاسم! بدرستی که قائم از ماست و او است مهدی که واجب است در [زمان] غیبتش انتظار کشیده شود و در [زمان] ظهورش اطاعت گردد، و او سومین [امام] از فرزندان من است.

روایات یاد شده و بسیاری روایات دیگر که در این مجال فرصت طرح آنها نیست، همگی بر لزوم انتظار حضرت قائم در دوران غیبت دلالت می کند، اما حال باید دید انتظار که این همه بر آن تأکید شده و یکی از شرایط اساسی اعتقاد اسلامی شمرده می شود، چه فضیلتی دارد و در کلام معصومین علیهم السلام از چه جایگاهی برخوردار است.

### ۳. فضیلت انتظار

در روایات اسلامی آنچنان مقام و منزلتی برای منتظران موعود بر شمرده شده که گاه انسان را به تعجب وامی دارد که چگونه ممکن است عملی که شاید در ظاهر ساده جلوه کند از چنین فضیلتی برخوردار باشد. البته توجه به فلسفه انتظار و وظایفی که برای منتظران واقعی آن حضرت بر شمرده شده، سرّ این فضیلت را روشن می سازد.

در اینجا به پاره‌ای از فضائلی که برای منتظران قدوم، حضرت بقية الله الأعظم بر

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.

شمرده شده، اشاره می‌کنیم:

۳-۱. امام سجاد علیه السلام منتظران را برترین مردم همه روزگاران برمی‌شمارند:

... إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبِيهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنْظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ كُلِّ أَهْلِ زَمَانٍ.<sup>۱</sup>

آن گروه از مردم عصر غیبت امام دوازدهم که امامت او را پذیرفته و منتظر ظهور او هستند برترین مردم همه روزگاران هستند.

۳-۲. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن

حضرت به نقل از پدران بزرگوارشان که بر آنها درود باد، فرمود:

الْمُتَنْظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِيهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.<sup>۲</sup>

منتظر امر (حکومت) ما، بسان آن است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد.

۳-۳. در همان کتاب به نقل از امام صادق علیه السلام روایت دیگری به این شرح در

فضیلت منتظران وارد شده است:

طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُتَنْظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبِيهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ  
أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ.<sup>۳</sup>

خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش چشم به راه ظهور او هستند و

در هنگام ظهورش فرمانبردار او، آنان اولیاء خدا هستند، همان‌ها که نه ترسی

برایشان هست و نه اندوهگین شوند.

۳-۴. در روایت دیگری، مرحوم مجلسی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُتَنْظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ. قَالَ: ثُمَّ

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

۲. صدوق، محمدبن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴.

مَكَثَ هَنِيئَةً، ثُمَّ قَالَ: لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ. ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ كَمَنْ  
اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ<sup>۱</sup>.

هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد همانند کسی است که با  
حضرت قائم علیه السلام در خیمه‌اش بوده باشد. سپس حضرت چند لحظه‌ای درنگ  
کرده، آنگاه فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت شمشیر  
بزند. سپس فرمود: نه، به خدا همچون کسی است که در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله  
شهادت شده باشد.

با مشاهده روایات یادشده ممکن است برای بسیاری این پرسش پیش آید که  
چرا انتظار از چنین فضیلت برجسته‌ای برخوردار است؟ برای رسیدن به پاسخ  
مناسبتی برای این پرسش چند نکته اساسی را باید مورد توجه قرار داد:

۱. انتظار حلقه اتصال شیعه با امام معصوم: چنان‌که می‌دانید «ولایت» و  
«امامت» رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا و  
امام معصوم در هر عصر و زمان از مهمترین نقاط تمایز این مکتب از سایر  
مکتب‌هاست. از دیدگاه شیعه پذیرش ولایت معصومین علیهم السلام و به طور کلی تسلیم  
در برابر امام و حجت عصر، سرآمد همه فضیلت‌ها و شرط اساسی قبولی همه  
اعمال عبادی است. با توجه به این نکات درمی‌یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و  
عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت آخرین  
امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار موجب می‌شود که ارتباط شیعیان با  
امامشان، اگر چه به صورت ارتباط قلبی و معنوی، حفظ شود و آنها در همه اعصار  
از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

در روایتی که از امام سجاده علیه السلام نقل شده، آن حضرت ضمن پیش‌بینی دوران

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ص ۱۲۶، ح ۱۸.

غیبت دوازدهمین امام از سلسله جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی را که در زمان غیبت، امامت این امام را پذیرا می‌شوند و در انتظار او به سر می‌برند، برترین مردم همه زمان‌ها معرفی می‌کنند و دلیل این برتری را این می‌دانند که برای آنها غیبت و حضور هیچ تفاوتی نداشته و همان وظایفی را که در زمان حضور باید انجام دهند در زمان غیبت انجام می‌دهند:

ثُمَّ تَمَّتْ الْغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَالْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ. يَا أَبَا خَالِدٍ! إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ، الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛ لِأَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِالسَّيْفِ. أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - سِرًّا وَجَهْرًا.<sup>۱</sup>

غیبت دوازدهمین ولی خداوند - صاحب عزت و جلال - از سلسله جانشینان رسول خدا - درود خدا بر او و خاندانش باد - و امامان بعد از او، به درازا می‌کشد. ای اباخالد! آن گروه از مردم که در زمان غیبت او امامتش را پذیرفته و منتظر ظهور اویند برترین مردم همه زمان‌ها هستند؛ زیرا خداوند که گرامی و بلندمرتبه است، چنان خرد، درک و شناختی به آنها ارزانی داشته که غیبت [و عدم حضور امام] برای آنها همانند مشاهده [و حضور امام] است.

خداوند مردم این زمان را به مانند کسانی قرار داده که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا - درود خدا و او بر خاندانش باد - جهاد می‌کنند. آنها مخلصان واقعی، شیعیان راستین ما و دعوت‌کنندگان به سوی دین خدا در پنهان و آشکار

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۱، ص ۳۲۰؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

هستند.

بنابراین اگر «انتظار» را از مکتب شیعه بگیریم تفاوت چندانی میان این مکتب و دیگر مکاتب باقی نخواهد ماند؛ البته انتظار به همان مفهوم درست آن؛ یعنی امید به ظهور و قیام عدالت گستر دوازدهمین امام معصوم از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همو که در حال حاضر حجت خدا، واسطه فیض الهی، زنده و شاهد و ناظر اعمال شیعیان خود و فریادرس آنها در گرفتاری‌ها و ناملايمات است.

۲. انتظار، معیار ارزش انسان‌ها: آرزوها و آمال انسان‌ها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آنهاست؛ تا آنجا که برخی می‌گویند: «بگو چه آرزویی داری تا بگویم کیستی.» آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند حکایت از کمال روح و رشد شخصیت انسان‌ها و بلندای همت آنها می‌کند. به عکس آرزوهای خرد، حقیر و بی‌ارزش نشان از بی‌همتی و رشدنیافتگی افراد دارد. آرزوها انسان را به حرکت وامی‌دارد و به طور طبیعی هر چه همت، بلندتر و آرزو، ارزشمندتر باشد حرکت و تلاش انسان نیز از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود.

امام علی علیه السلام در همین زمینه می‌فرماید:

قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ.<sup>۱</sup>

ارزش مرد به اندازه همت اوست.

و در جای دیگر می‌فرماید:

قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، باب گزیده سخنان حکمت‌آمیز امیر مؤمنان علیه السلام، ش ۴۷، ص ۳۶۹.

۲. همان، ش ۸۱، ص ۳۷۳.

## ۱۲۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

مرد را آن بهاست که در دیده/اش زیباست.

پس از این مقدمه می توان گفت که چون انسان منتظر برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای ممکن را داراست، به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزش ها نیز برخوردار است.

توضیح اینکه آرزوی نهایی انسان منتظر، حاکمیت نهایی دین خدا و مذهب اهل بیت علیهم السلام بر سراسر جهان، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان در سراسر گیتی، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران از گوشه گوشه جهان، برقراری نظام قسط و عدالت بر پهنه زمین و گسترش امنیت و رفاه در جای جای کره خاک است؛ یعنی آرزویی که از ابتدای تاریخ تاکنون و در زمان هیچ پیامبری محقق نشده است. قطعاً چنین آرزوی بلندی از ارزش و فضیلتی و صف ناپذیر برخوردار است. البته به شرط آنکه «منتظر» به تناسب آرزوی بلند خود از تلاش و کوشش برای تحقق هر چه زودتر این آرزو کوتاهی نکند.

### ۳. انتظار عامل پویایی و سازندگی فرد و اجتماع: چنان که از مطالب بعدی و در

بحث از «وظایف منتظران» و «نقش سازنده انتظار» روشن خواهد شد، انتظار نقش مهمی در سازندگی، پویایی و اصلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد، و اگر انسان منتظر به وظایفی که برای او برشمرده شده عمل کند به الگوی مطلوب انسان دیندار دست می یابد و از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار می شود. به عبارت دیگر انسان منتظر با رعایت همه شرایط انتظار به همان شأن و منزلتی که مورد انتظار دین اسلام است، رسیده و به بالاترین نقطه کمال نائل می شود.

با توجه به نکات بالا به رمز فضائل بی شماری که برای منتظران برشمرده شد واقف می شویم و بدرستی درمی یابیم که چرا انسان منتظر از نظر اسلام از چنین مقام و مرتبه بلندی برخوردار است.

#### ۴. وظایف منتظران

در مورد وظایف و تکالیف شیعیان در دوران غیبت سخن‌های بسیاری گفته شده است و حتی در بعضی از کتاب‌ها، از جمله کتاب *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم* تا هشتاد وظیفه برای منتظران قدوم خاتم اوصیاء حضرت بقیه‌الله، ارواحنا له الفداء، بر شمرده شده است.<sup>۱</sup>

اما، از آنجا که تبیین همه وظایفی که شیعیان در عصر غیبت بر عهده دارند در این محدوده نمی‌گنجد، به تعدادی از مهم‌ترین این وظایف اشاره می‌کنیم:

۴-۱. شناخت حجت خدا و امام عصر علیه السلام: اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ای که هر شیعه منتظر بر عهده دارد کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. این موضوع تا بدان درجه از اهمیت قرار دارد که در روایات بسیاری که به طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، آمده است:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.<sup>۲</sup>

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به‌مرگ جاهلی مرده است.

و در روایت دیگری که مرحوم کلینی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند، آمده است:

مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ، وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ.<sup>۳</sup>

۱. ر. ک: موسوی اصفهانی، میرزا محمد تقی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۸، ص ۳۶۸ و ج ۳۲، ص ۲۲۱ و ۲۲۳؛ همچنین ر. ک: القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۳۷۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵.

هر کس در حالی که امامی نداشته باشد بمیرد، مردنش مردن جاهلیت است و هر آنکه در حال شناختن امامش بمیرد پیش افتادن و یا تأخیر این امر [دولت آل محمد علیهم السلام] او را زیان نرساند و هر کس بمیرد در حالی که امامش را شناخته همچون کسی است که در خیمه قائم [علیه السلام] با آن حضرت باشد.

امام حسین علیه السلام نیز درباره معرفت امام می فرمایند:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ، جَلَّ ذِكْرُهُ، مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي وَ أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.<sup>۱</sup>

هان ای مردم! همانا خداوند - بزرگ باد یاد او - بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند. پس هرگاه او را بشناسند او را بپرستند و هرگاه او را بپرستند، با پرستش او از بندگی هر آنچه جز خداست بی نیاز گردند. مردی سؤال کرد: ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، معرفت خدا چیست؟ حضرت فرمود: این است که اهل هر زمانی، امامی را که باید از او فرمان برند، بشناسند.

آری، فلسفه آفرینش انسان، رسیدن به مقام معرفت خداست. اما این معرفت حاصل نمی شود مگر به معرفت امام و حجت عصر علیه السلام؛ چرا که امام آینه تمام نمای حق و واسطه شناخت خداست. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

... نَحْنُ الْعَالِمُونَ (الْقَائِمُونَ) بِأَمْرِهِ وَالِدَّاعُونَ إِلَى سَبِيلِهِ، بِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَ بِنَا عُبِدَ اللَّهُ، نَحْنُ الْأَدِلَّةُ عَلَى اللَّهِ وَ لَوْلَا مَا عُبِدَ اللَّهُ.<sup>۲</sup>

ما دانایان (برپا دارندگان) به امر خدا و دعوت کنندگان به راه او هستیم. به واسطه

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، صص ۶۰۴-۶۰۵.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۲۶، ص ۲۶۰، ح ۳۸. همچنین ر. ک: همان، ص ۲۴۷، ح ۱۴.



ما خدا شناخته و پرستیده می‌شود. ما راهنمایان به سوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا پرستیده نمی‌شد.

توجه به مفاد دعاهایی که خواندن آنها در عصر غیبت مورد تأکید قرار گرفته است، نیز ما را به اهمیت موضوع شناخت حجت خدا رهنمون می‌سازد؛ چنان‌که در یکی از دعاهای معروف و معتبری که شیخ صدوق آن را در کتاب کمال‌الدین نقل کرده، می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي...<sup>۱</sup>

بارالها! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت. بارالها! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی حجت تو را نخواهم شناخت. بارالها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی از دینم گمراه می‌گردم. خداوند! مرا به مرگ جاهلیت نمیران و دلم را [از حق] پس از آنکه هدایتتم فرمودی منحرف مگردان...

امام صادق علیه السلام در مورد کمترین حد معرفت امام می‌فرماید:

أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عِدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوَّةِ وَوَارِثُهُ وَأَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَطَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَالرَّدُّ إِلَيْهِ وَالْأَخْذُ بِقَوْلِهِ.

کمترین حد معرفت به امام آن است که [بدانی] امام مساوی با پیامبر صلی الله علیه و آله است مگر در درجه نبوت. امام، وارث پیامبر است و همانا اطاعت از او اطاعت از خدا و

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۵۱۲.

رسول خداست و باید در هر امری تسلیم او بود و به سخن و فرمان او عمل کرد...<sup>۱</sup>

مؤلف کتاب ارزشمند *مکیال المکارم* مراد و مقصود از «معرفت امام» را، که در روایت‌های یادشده بر آنها تأکید شده است، چنین توضیح می‌دهند:

بدون تردید مقصود از شناختی که امامان ما - درودها و سلام‌های خداوند بر ایشان باد - تحصیل آن را نسبت به امام زمان امر فرموده‌اند، این است که ما آن حضرت را آنچنانکه هست بشناسیم؛ به گونه‌ای که این شناخت سبب در امان ماندن ما از شبهه‌های ملحدان و مایه نجاتمان از اعمال گمراه‌کننده مدعیان دروغین باشد، و این چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی‌گردد: اول، شناختن شخص امام علیه السلام به نام و نسب، و دوم، شناخت صفات و ویژگی‌های او و به دست آوردن این دو شناخت از اهم واجبات است.<sup>۲</sup>

البته امر دومی که در کلام یادشده بدان اشاره شده، در عصر ما از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در واقع این نوع شناخت است که می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی منتظران منشأ اثر و تحول باشد؛ زیرا اگر کسی به حقیقت به صفات و ویژگی‌های امام عصر علیه السلام و نقش و جایگاه آن حضرت در عالم هستی و فقر و نیاز خود نسبت به او واقف شود، هرگز از یاد و نام آن حضرت غافل نمی‌شود.

نکته‌ای که در اینجا باید در نظر داشت این است که شناخت امام زمان علیه السلام از شناخت دیگر امامان معصوم علیهم السلام جدا نیست و اگر کسی به طور کلی به شأن و جایگاه ائمه هدی واقف شد، صفات و ویژگی‌های آنها را شناخت و به مسئولیت خود در برابر آنها پی برد، قطعاً نسبت به امام عصر علیه السلام نیز به شناختی شایسته

۱. حسینی بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴، ح ۳.

۲. موسوی اصفهانی، میرزا محمد تقی، همان، ج ۲، ص ۱۰۷.

می‌رسد.

بهترین راه برای پی بردن به مراتب و مقامات بلند امامان معصوم شیعه به طور کلی و امام عصر علیه السلام به طور خاص، مطالعه و تأمل در کتاب‌هایی است که در این زمینه نگاشته شده است که از جمله می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (ج ۱، کتاب الحجة)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵؛

۲. معرفت حجت خدا (شرح دعای اللهم عرفنی نفسک)، لطف‌الله صافی گلپایگانی، چاپ اول: قم، حضرت معصومه، ۱۳۷۵.

۳. معرفت امام عصر علیه السلام، سید محمد بنی‌هاشمی، چاپ اول: تهران، نیک‌معارف، ۱۳۷۵.

۴. ولایت کلیه، سید حسن میرجهانی طباطبایی، تحقیق و تصحیح سید محمد لولاکی، چاپ اول: قم، الهادی، ۱۳۸۲.

خواندن زیارت «جامعه کبیره» و تأمل و تدبّر در اوصافی که در این زیارت برای ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده نیز در حصول معرفت نسبت به مقام و جایگاه امام در عالم هستی بسیار مؤثر است.

البته باید توجه داشت که شناخت و معرفت حقیقی نسبت به حجت خدا تنها با مطالعه کتاب حاصل نمی‌شود و در این راه باید از عنایات حضرت حق نیز مدد جویم و - همچنانکه در دعایی که پیش از این بدان اشاره کردیم، ملاحظه شد - از درگاه الهی نیز توفیق شناخت حجتش را درخواست کنیم، تا بدین وسیله از گمراهی و سرگردانی نجات یابیم. این موضوع را از روایتی که مرحوم کلینی از «محمد بن حکیم» نقل کرده، می‌توان استفاده کرد. در این روایت آمده است:

قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمَعْرِفَةُ مِنْ صُنْعِ مَنْ هِيَ؟ قَالَ: مِنْ صُنْعِ اللَّهِ، لَيْسَ

لِلْعِبَادِ فِيهَا صُنْعٌ<sup>۱</sup>

از ابی عبدالله (امام جعفر صادق علیه السلام) پرسیدم: معرفت ساخته کیست؟ فرمود: از ساخته‌های خداوند است و برای بندگان نقشی در حصول معرفت نیست.

شاید بتوان گفت که شناخت نشانه‌ها و علائم ظهور نیز یکی از فروع شناخت امام عصر علیه السلام است؛ زیرا شناخت دقیق نشانه‌ها و علائم ظهور موجب می‌گردد که انسان فریب مدعیان دروغین مهدویت را نخورد و در دام شیادانی که ادعای «مهدی» بودن دارند نیفتد.

توضیح اینکه برای ظهور منجی آخرالزمان نشانه‌ها و علائم حتمی و تردیدناپذیری بر شمرده شده که با مشاهده آنها می‌توان به حقانیت آن منجی و اینکه او واقعاً همان امام منتظر؛ یعنی امام مهدی علیه السلام است پی برد.

بنابراین بر همه منتظران لازم است که پس از شناخت کامل امام عصر علیه السلام به مطالعه و شناسایی علائم و نشانه‌های ظهور نیز پردازند.

برای آشنایی با نشانه‌های ظهور می‌توان به کتاب‌های زیر مراجعه کرد:

۱. نوائب الدهور فی علائم الظهور، سیدحسن میرجهانی، دو جلد در چهار مجلد، کتابخانه صدر، ۱۳۶۹.

۲. عصر ظهور، ترجمه کتاب عصر الظهور، علی کورانی، مترجم عباس جلالی، چاپ پنجم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۳. روزگار‌هایی (یوم الخلاص)، کامل سلیمان، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، ۲ جلد، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، چاپ سوم: تهران، آفاق ۱۳۷۶.

۴. نشانه‌های ظهور او، محمد خادمی شیرازی، قم، مسجد مقدس جمکران،

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، همان، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱.

۲-۴. پیراستگی از بدی‌ها و آراستگی به خوبی‌ها: وظیفه مهم دیگری که هر شیعه منتظر بر عهده دارد پیراستن خود از خصایص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو است، چنان‌که در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، آمده است:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، فَلْيَنْتَظِرْ، وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ...<sup>۲</sup>

هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است.

امام عصر علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور همه شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فراخوانده، می‌فرماید:

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ لِيَتَجَنَّبَ (لِيَجْتَنِبَ) مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتُهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبَةٍ.<sup>۳</sup>

پس هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری گزیند؛ زیرا فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرامی‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.

۱. برای آشنایی بیشتر با منابع مطالعاتی موضوع نشانه‌های ظهور ر. ک: شفیعی سروستانی، ابراهیم «آخرالزمان شناسی در آثار اسلامی» مندرج در کتاب پیشگویی‌ها و آخرالزمان (مجموعه مقالات)، گردآوری واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه فرهنگی موعود.

۲. نعمانی، محمدبن ابراهیم، همان، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۳. طبرسی، احمدبن علی بن ابی طالب، الإحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۹، مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

## ۱۳۴ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

موضوع تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و اعمال ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت، از چنان اهمیتی برخوردار است که در توقیع شریفی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر به مرحوم شیخ مفید رحمته الله صادر گردیده، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می زند، یکی از اسباب و یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از لقای آن بدر منیر شمرده شده است:

... فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ، وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ.<sup>۱</sup>

... پس تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی رود.

باید توجه داشت که ما تنها زمانی می توانیم خود را منتظر امام عدالت گستر و پیرو او بدانیم که در زندگی فردی و اجتماعی خود، راه و روش مورد نظر او را اجرا کنیم. چنان که در نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره آمده است:

أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ. أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَ لَكِنْ أَعِثُّونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ، وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ...<sup>۲</sup>

آگاه باش که هر پیرویی را پیشوایی است که پی وی را پوید و از نور دانش او روشنی جوید، بدان که پیشوای شما بسنده کرده است از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرصه نان را خوردنی خویش نموده. بدانید که شما چنین نتوانید

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، نامه ۴۵، ص ۳۱۷.

## انتظار در تفکر شیعه ■ ۱۳۵

کرد. لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن. در اینجا ممکن است پرسیده شود: از کجا می‌توان فهمید که امام‌زمان علیه السلام از ما چه می‌خواهند و چه کاری را می‌پسندند؟ در پاسخ این پرسش لازم است که دو نکته را یادآور شویم:

۱. امام‌زمان علیه السلام ادامه دهنده راه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است: از آنجا که به اعتقاد ما همه امامان معصوم علیهم السلام مفسران کتاب خدا و بیان‌کنندگان سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند، رضایت و خشنودی امام‌زمان علیه السلام در چیزی جز آنچه که در کتاب خدا آمده یا در کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر امامان معصوم علیهم السلام به آن اشاره شده نیست. به بیان دیگر اگر کسی به همه تکالیف و وظایفی که در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به آنها امر شده عمل کند و از همه محرمات و گناهانی که در این دو منبع الهی از آنها نهی شده، دوری جوید خواهد توانست که رضایت امام عصر علیه السلام را چنان‌که باید و شاید به دست آورد. بنابراین هیچ لزومی ندارد که ما حتماً از زبان امام‌زمان علیه السلام بشنویم که ایشان از چه رفتار و گفتاری خشنود و از چه رفتار و گفتاری ناخشنود می‌شوند بلکه چنان‌که پیش از این نیز گفته شد ما می‌توانیم با مراجعه به دعایی مانند «دعای مکارم الاخلاق» - که از امام سجاد علیه السلام نقل شده - نیز به خصال و ویژگی‌هایی که امام‌زمان علیه السلام از ما انتظار دارند واقف شویم.

۲. امام‌زمان علیه السلام به عوامل خرسندی و ناخرسندی خود اشاره کرده‌اند: در احادیث، زیارت‌ها و دعاهایی که در طول دوران غیبت صغرا و پس از آن به صورت توفیق یا به صورت‌های دیگر از امام مهدی علیه السلام برای ما به یادگار مانده است به صراحت تمام آنچه که موجب خرسندی یا ناخرسندی آن حضرت می‌گردد بیان شده و چگونه عمل کردن، چگونه سخن گفتن و چگونه اندیشیدن به ما آموخته شده است. از این رو با مراجعه به مجموعه ارزشمند یادگارهای آن حضرت و تأمل

## ۱۳۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

و تدبر در آنها می توان به راحتی هدایت را از گمراهی و صراط مستقیم را از کژراهه ها باز شناخت.

گفتنی است که مجموعه سخنان و رهنمودهای امام عصر علیه السلام توسط برخی نویسندگان جمع آوری و در قالب کتاب منتشر شده است که از آن جمله می توان به این کتاب ها اشاره کرد:

۱. مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیه الله علیه السلام، محمد خادمی شیرازی، چاپ دوم: قم، رسالت، ۱۳۷۷.

۲. کلمة الإمام المهدي علیه السلام، سید حسن شیرازی، مترجم سید حسن افتخارزاده سبزواری، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۴۰۷ ق.

۳. المختار من کلمات الإمام المهدي علیه السلام، ۳ ج، محمد الغروی، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۴ ق.

برای روشن تر شدن موضوع، خوب است که نگاهی داشته باشیم به یکی از این یادگارهای گرانقدر امام عصر علیه السلام؛ یعنی دعای معروفی که با جمله «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة...» شروع می شود و در اوایل مفاتیح الجنان نیز آمده است.

در این دعای کوتاه و مختصر، امام مهدی علیه السلام همه آنچه را که شایسته است ما خود را بدان ها آراسته یا از آنها پیراسته سازیم در قالب درخواست. از خدا بیان کرده و به صورت غیر مستقیم به ما فهمانده اند که به عنوان حجت خدا، چه انتظاری از ما دارند و چگونه شیعه ای را برای خود می پسندند.

با هم قسمت هایی از این دعا را می خوانیم:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ  
أَكْرَمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ وَ سَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ وَ اَمَلْ قُلُوبَنَا  
بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بَطُونَنَا عَنِ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ



السُّرْقَةِ وَاغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَاشْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ  
وَ الْغَيْبَةِ.<sup>۱</sup>

بار خدایا! توفیق فرمانبرداری، دوری از گناهان، درستی و پاکی نیت و شناخت  
حرام‌ها را، روزی ما فرمای. و ما را به راهنمایی و پایداری گرامی دار و زبان ما را  
در درست‌گویی و گفتار حکیمانه استوار ساز و دل ما را از دانش و معرفت سرشار  
کن و درون ما را از حرام و مال شبهه‌ناک پاکیزه گردان و دست ما را از ستمگری  
و دزدی بازدار و چشم ما را از فجور و خیانت بیوشان و گوش ما را از شنیدن  
سخن بیهوده و غیبت ببرند و ...

در ادامه این دعا، امام عصر علیه السلام صفات و ویژگی‌هایی را که شایسته عالمان،  
دانش‌پژوهان، پیران، جوانان، زنان، توانگران، تنگدستان، جنگ‌جویان، حکمرانان  
و... است برمی‌شمارند و از خداوند می‌خواهند که به هر یک از این گروه‌ها و اقشار  
اجتماعی صفات و ویژگی‌هایی را که شایسته آنهاست عطا فرماید.

بیاید یک‌بار این دعا را با دید کسی که می‌خواهد بداند امامش از او چه انتظاری  
دارد مرور کنید تا ببیند آیا می‌توانید با استفاده از این دعا بفهمید که امام عصر علیه السلام به  
طور خاص از شما چه توقع و انتظاری دارند؟!

۳-۴. پیوند با مقام ولایت: حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر علیه السلام و تجدید  
دایمی عهد و پیمان با آن حضرت یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه  
منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد. بدین معنا که یک منتظر واقعی حضرت  
حجت علیه السلام با وجود غیبت ظاهری آن حجت الهی هرگز نباید احساس کند که در  
جامعه رها و بی‌مسئولیت رها شده و هیچ تکلیفی نسبت به امام و مقتدای خود  
ندارد.

۱. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای امام زمان علیه السلام.

## ۱۳۸ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

این موضوع در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است که در این مجال به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده آن حضرت در تفسیر این کلام خدای تعالی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ زَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فرا خوانید و مراقب و مواظب باشید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

می‌فرمایند:

إِصْبِرُوا عَلَىٰ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوِّكُمْ وَ زَابِطُوا إِمَامَكُمْ [الْمُنْتَظَرُ].<sup>۲</sup>

بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنانتان پایداری کنید، و پیوند خود را با امام منتظران مستحکم نمایید.

همچنین امام صادق علیه السلام در روایت دیگری که در تفسیر آیه مزبور وارد شده

می‌فرمایند:

إِصْبِرُوا عَلَىٰ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَلَىٰ الْمَصَائِبِ وَ زَابِطُوا عَلَىٰ الْأَيِّمَةِ.<sup>۳</sup>

بر واجبات صبر کنید و یکدیگر را بر مصایب به صبر وادارید و خود را بر پیوند با امامان [و یاری آنها] ملتزم سازید.

روایات دیگری نیز به همین مضمون از امام جعفر صادق و امام موسی

کاظم علیه السلام، وارد شده است که به جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۱۹۹؛ همچنین ر. ک: حسینی بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۴.

۳. حسینی بحرانی، سید هاشم، همان، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲.

می‌کنیم.<sup>۱</sup>

این‌که می‌بینیم در روایت‌های متعددی، امامان ما شیعیان خود را به تجدید عهد و بیعت با امام زمان خود سفارش کرده و از آنها خواسته‌اند که در آغاز هر روز و حتی بعد از هر نماز واجب، دعای عهد بخوانند، همه نشان از اهمیت پیوند دائمی شیعیان با مقام عظمای ولایت و حجت خدا دارد.

یکی از مشهورترین دعاهای عهد، دعایی است که مرحوم سید بن طاووس آن را در کتاب ارزشمند مصباح الزائر به نقل از امام صادق علیه السلام روایت کرده و در ابتدای آن آمده است که:

مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ، وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ.<sup>۲</sup>

هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود، پس اگر پیش از [ظهور] قائم از دنیا برود، خداوند تعالی او را از قبرش خارج می‌سازد [تا قائم را یاری دهد]. و خداوند به شماره هر کلمه [از آن] هزار حسنه به او عطا کند و هزار بدی را از او برطرف می‌سازد.

به دلیل اهمیت و اعتبار مضمون این دعای شریف در اینجا بخشی از آن را نقل

می‌کنیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّاكِرِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ

۱. ر.ک: همان.

۲. ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، ص ۴۵۵؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

الْمُمْتَلِئِينَ لِأَوْامِرِهِ وَ نِوَاهِيهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ الشَّاقِقِينَ إِلَيَّ إِزَادَتِهِ وَ  
الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.<sup>۱</sup>

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانیم، عهد و عقد و بیعتی را که  
از آن حضرت برگردن دارم با او تجدید می‌کنم، که هرگز از آن عهد و بیعت  
برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا! مرا از انصار و یاران آن حضرت و از  
مدافعان [حریم مقدس] او، و شتابندگان در پی انجام مقاصد او  
و اطاعت‌کنندگان از دستورات و نواهی او و حمایت‌کنندگان از [وجود شریف] او و  
سبقت‌جویان به سوی خواسته او و شهید شدگان در حضور او قرار ده.

دقت در عبارت‌های بالا می‌تواند تصویری روشن از مفهوم عهد و پیمان با امام  
و حجت زمان به ما ارائه دهد؛ عهد و پیمانی ناگسستنی برای یاری و نصرت امام  
زمان خود و اطاعت مخلصانه و تا پای جان از او امر و نواهی او.

آیا اگر هر شیعه منتظر در آغاز هر روز، با حضور و توجه، چنین عهد و پیمانی  
را با امام و مقتدای خود تجدید نماید، هرگز به رکود، ذلت و خواری و ظلم و  
بی‌عدالتی تن خواهد داد؟

آیا هرگز حاضر خواهد شد که به رضای مولا و سرور خود بی‌اعتنایی کند و تن  
به گناه و معصیت دهد؟ مسلماً خیر. بدون هیچ تردیدی اگر در جامعه‌ای چنین  
فرهنگی حاکم شود و همه تنها در پی رضای امام زمان خود باشند، آن جامعه هرگز  
دچار بحران فرهنگی، از خودبیگانگی، یأس و نومیدی و انحطاط نخواهد شد. این  
نکته نیز مسلم است که اگر همه شیعیان با همدلی و همراهی دست بیعت و یاری به  
سوی مولا و سرور خود دراز کنند و بر نصرت او متفق شوند دیری نخواهد پایید که  
فرج مولایشان را درک خواهند کرد و برای همیشه از ظلم‌ها و ذلت‌ها رهایی

خواهند یافت. چنان‌که در توفیق شریفی که پیش از این نیز به بخشی از آن اشاره شد آمده است:

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا، وَقَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ، عَلَىٰ إِجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَىٰ حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.<sup>۱</sup>

اگر شیعیان ما، که خداوند آنان را در اطاعتش یاری دهد، در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده یکدل و مصمم باشند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی‌افتد و سعادت دیدار ما برای آنها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما تعجیل می‌گردد.

شیعیان منتظر علاوه بر دعای عهد می‌توانند با بهره‌گیری از دعاها و زیارت‌های دیگری که مرتبط با امام عصر علیه السلام است، پیوند و ارتباط دائمی خود را با آن امام برقرار سازند که از آن جمله می‌توان به دعای ندبه، دعای فرج، دعای زمان غیبت، استغاثه به امام زمان علیه السلام زیارت آل یاسین، زیارت امام عصر در روز جمعه، نماز امام زمان و... اشاره کرد. دعا به امام زمان علیه السلام در قنوت و تعقیب نمازهای پنجگانه نیز می‌تواند در ایجاد ارتباط و انس بیشتر با آن حضرت مؤثر باشد. چشم‌انتظاران امام عصر علیه السلام همچنین می‌توانند با حضور در مساجد و مکان‌های مقدسی که منسوب به امام عصر علیه السلام است همچون مسجد جمکران در قم، مسجد سهله در نجف، سرداب مقدس سامرا و... پیوند خویش را با آن حضرت روز به روز مستحکم‌تر نمایند.

#### ۴-۴. زمینه‌سازی و کسب آمادگی برای ظهور حجت حق: یکی دیگر از وظایفی

که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده شیعیان و منتظران فرج قائم آل محمد علیه السلام است، کسب آمادگی‌های نظامی و مهیا کردن تسلیحات مناسب هر عصر

برای یاری و نصرت امام غائب است. چنان که در روایتی که نعمانی از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است:

لَيَعِدَنَّ أَحَدَكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَوْتُ لِأَن يَنْسِيَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُذْرِكَهُ [فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ].<sup>۱</sup>  
 هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم علیه السلام [سلاحی] مهیا کند. هر چند یک تیر باشد؛ خدای تعالی هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند [و از یاران و همراهانش قرار گیرد].

در روایت دیگری، مرحوم کلینی از امام ابوالحسن [موسی کاظم علیه السلام] نقل می کند که:

... مَنِ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعاً بِهٖ أَمْرُنَا وَ يَغِيظُ بِهٖ عَدُوَّنَا وَ هُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدَرَ اللَّهُ رِزْقَهُ، وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْنًا عَلَيَّ حَوَائِجِهِ.<sup>۲</sup>  
 ... هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب به ماست، خداوند روزیش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش یاری کند.

همچنین مرحوم کلینی در الکافی از «ابو عبدالله جعفری» روایتی را نقل می کند که توجه به مفاد آن بسیار مفید است:

قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام: كَمْ الرِّبَاطُ عِنْدَكُمْ؟ قُلْتُ: أَرْبَعُونَ. قَالَ

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۳۲۰، ح ۱۰.  
 ۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۶، ص ۵۳۵، ح ۱.

عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَكِنَّ رَبَانَا الدَّهْرُ.<sup>۱</sup>

حضرت ابو جعفر محمد بن علی (امام باقر) علیه السلام، به من فرمودند: منتهای زمان  
مربطه (مرزداری)<sup>۲</sup> نزد شما چند روز است؟ عرضه داشتم: چهل روز فرمودند:  
ولی مربوطه ما مربوطه‌ای است که همیشه هست....

علامه مجلسی در شرح این فرمایش امام علیه السلام می فرماید:

أَيُّ يَجِبُ عَلَى الشَّيْعَةِ أَنْ يَرْبِطُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى طَاعَةِ إِمَامِ الْحَقِّ، وَانْتِظَارِ فَرَجِهِ  
وَ يَتَهَيَّأُوا لِنُصْرَتِهِ.<sup>۳</sup>

بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام بر حق و انتظار فرج او ملتزم  
سازند و برای یاری نمودنش مهیا باشند.

شیخ محمد حسن نجفی نیز در کتاب **جواهر الکلام** در شرح روایت مزبور

۱. همان، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

۲. «مربطه» چنانکه فقها در کتاب جهاد گفته‌اند، این است که شخص مؤمن برای جلوگیری از هجوم و نفوذ  
مشرکان و کافران در مرزهای کشور اسلامی و یا هر موضعی که از آن احتمال بروز حمله‌ای علیه مسلمانان  
می‌رود، به حال آماده باش و در کمین به سر برد. (ر. ک: نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع  
الإسلام**، ج ۲۱، ص ۳۹). این عمل در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام مستحب بوده و فضیلت‌های بسیاری برای  
آن بر شمرده شده است، چنانکه در روایتی که به طریق اهل سنت از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده آمده  
است:

رَبِطَاتٌ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ قِيَامِهِ، وَ إِنْ مَاتَ مُرَابِطاً جَزِيَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ أُجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَ آمِنَ مِنَ  
الْفُتْنَانِ.

یک شبانه روز مربوطه (مرزداری) در راه خدا از اینکه شخص یک ماه روزها روزه باشد و شب‌ها به عبادت  
قیام نماید ثوابش بیشتر است. پس هر گاه در این راه بمیرد عملی که انجام می‌داده بر او جریان خواهد یافت، و  
روزیش بر او جاری خواهد شد و از فرشته‌ای که در قبر مرده‌ها را امتحان می‌کند ایمن خواهد ماند. (البرهان،  
علاء الدین علی المتقی، **کنز العمال فی سنن الأقال و الأفعال**، ج ۴، ص ۲۸۴، ح ۱۰۵۰۹)

اما در مورد اینکه حداقل و حداکثر زمان مربوطه چه اندازه است باید گفت که: حداقل زمان مربوطه سه روز و  
حداکثر آن چهل روز است؛ زیرا اگر از این مقدار بیشتر شود دیگر بر آن صدق مربوطه نگردد و جهاد شمرده  
می‌شود و شخص هم از ثواب جهادکنندگان برخوردار می‌شود. (ر. ک: نجفی، محمد حسن، همان، ج ۲۱،  
ص ۴۱-۴۲)

۳. مجلسی، محمد باقر، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، ج ۲۶، ص ۵۸۲.

می فرماید:

وَ هُوَ مَحْمُولٌ عَلَى إِزَادَةِ تَرَقُّبِ الْفَرَجِ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ كَمَا جَاءَتْ بِهِ النُّصُوصُ  
لَا الرِّبَاطُ الْمُصْطَلَحُ<sup>۱</sup>

مربطه در این روایت به معنای اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است، همچنانکه در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است، نه مربوطه مصطلح در فقه.

شاید بتوان گفت که کلام صاحب جواهر نیز در نهایت به همان کلام علامه المجلسی برمی گردد که فرمود: مربوطه در روایت مزبور به معنای آمادگی و مهیا بودن برای یاری امام منتظر است.

رمز اینکه شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست و هر آن که اراده خداوند تعلق گیرد ممکن است ظهور واقع شود. بنابراین شیعیان باید همواره در حال آماده باش به سر برند تا در موقع لزوم به فرمان امام خود برای مقابله با مستکبران و ظالمان جهان به پا خیزند. با نگاهی به تاریخ شیعه می توانیم به عمق باور مردم به موضوع ظهور و آمادگی همیشگی آنها برای این موضوع پی ببریم. «ابن بطوطه» در سفرنامه خود می نویسد: ندبه شیعیان جلّه برای امام زمان ... در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده حریری آویزان است و آنجا را «مسجد صاحب الزمان» می خوانند. شبها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته ... اسبی یا استری زین کرده می گیرند و به سوی مسجد صاحب الزمان روانه می شوند. پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می شود. سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می کنند و چون به مسجد صاحب الزمان می رسند، در

۱. نجفی، محمدحسن، همان، ج ۲۱، ص ۴۳.



برابر در ایستاده و آواز می‌دهند که:

«بسم الله، ای صاحب الزمان، بسم الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فرا گرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که برآیی، تا خدا به وسیله توحق را از باطل جدا گرداند...» و به همین ترتیب به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می‌دهند تا نماز مغرب فرا رسد...<sup>۱</sup>

باید توجه داشت که نحوه آمادگی و مهیا بودن برای ظهور بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر در بعضی از روایات سخن از آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهور ولی امر علیه السلام به میان آمده، و برای آن فضیلت بسیار بر شمرده شده است، به این معنا نیست که اینها موضوعیت دارند، بلکه با قدری تأمل روشن می‌شود که ذکر این موارد تنها به عنوان تمثیل و بیان لزوم آمادگی رزمی برای یاری آخرین حجت حق است و مسلماً در این عصر بر شیعیان لازم است که با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، خود را برای مقابله با دشمنان قائم آل محمد علیه السلام آماده سازند. البته در حال حاضر به دلیل حاکمیت دولت شیعی و حکومت فقیه جامع الشرایط بر سرزمین اسلامی ایران این وظیفه در درجه اول بر عهده حکومت اسلامی است که در هر زمان قوای مسلح کشور را در بالاترین حد آمادگی نظامی قرار دهند تا به فضل خدا در هر لحظه که اراده الهی بر ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، قرار گرفت بتوانند به بهترین نحو در خدمت آن حضرت باشند.

امام راحل علیه السلام با وسعت دیدی که داشتند «کسب آمادگی برای ظهور» را بسیار فراتر از آنچه گفته شد مطرح می‌کردند و معتقد بودند که ما باید از هم‌اکنون برای گسترش قدرت اسلام در جهان تلاش کنیم تا زمینه ظهور چنان‌که باید فراهم شود.

۱. ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۲۷۲ به نقل از: حکیمی، محمد، در فجر ساحل، ص ۵۵.

ایشان در این زمینه می فرمودند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه شود.<sup>۱</sup>

۴-۵. ارتباط با فقها و مراجع تقلید: از یک سو می دانیم که در دوران غیبت هیچیک از احکام اسلام تعطیل نشده و باید تا آمدن امام عصر علیه السلام به همه آنچه اسلام از ما خواسته است عمل کنیم. و از سوی دیگر می دانیم که امکان دسترسی به امام معصوم علیه السلام و فراگرفتن مستقیم احکام دین از ایشان، برای ما وجود ندارد. حال در این شرایط چه باید کرد؟ آیا دست روی دست بگذاریم و به هیچیک از احکام اسلام عمل نکنیم یا به هر آنچه خود احتمال می دهیم درست باشد عمل کنیم؟ قطعاً هیچیک از این دو راه ما را به مقصود نمی رساند. اما آیا امامان معصوم علیه السلام فکری برای شیعیان خود در زمان غیبت نکرده اند؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که: ائمه علیه السلام تکلیف ما را در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم مشخص کرده و به ما امر فرموده اند که به فقهای جامع الشرایط مراجعه کنیم. چنان که در روایتی که امام حسن عسکری علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می کند چنین می خوانیم:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِئاً لِنَفْسِهِ، خَافِظاً لِدِينِهِ، مُخَالَفاً عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كَلْهُمُ.<sup>۲</sup>

... اما هر یک از فقها که نفس خود را بازدارنده، دین خود را نگهدارنده، هوای خود را پس زننده و اوامر مولای خود را اطاعت کننده بود، بر عوام (مردم) لازم

۱. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، ج ۷، ص ۲۵۵.

۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۸، ص ۹۵، ح ۲۰.

## انتظار در تفکر شیعه ■ ۱۴۷

است که از او پیروی کنند و تنها بعضی از فقهای شیعه هستند که از این صفات برخوردارند نه همه آنها.

امام عصر علیه السلام نیز در یکی از توقیعات خود در پاسخ «اسحاق بن یعقوب» می‌فرماید:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ  
أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.<sup>۱</sup>

... و اما در رویدادهایی [که در آینده] پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان.

چنان‌که می‌دانید در طول ۶۹ سال غیبت صغری؛ یعنی از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ ق. چهار تن از بزرگان شیعه به عنوان «نواب خاص» واسطه بین امام مهدی علیه السلام و مردم بودند. آنها پرسش‌های علما و بزرگان شیعه و حتی برخی از مردم معمولی را با آن حضرت مطرح می‌کردند و ایشان نیز پاسخ آنها را می‌دادند. اما با پایان دوران غیبت صغری و آغاز دوران غیبت کبری دیگر کسی به عنوان نایب خاص معرفی نشد و مردم موظف شدند برای یافتن پاسخ پرسش‌های دینی خود به راویان احادیث اهل بیت علیهم السلام که همان فقهای جامع‌الشرایط بودند مراجعه کنند. از آن زمان به بعد فقها به عنوان نواب عام امام عصر علیه السلام مطرح شدند و رسالت هدایت شیعه را در عصر غیبت بر عهده گرفتند.

بنابراین بر همه منتظران امام عصر علیه السلام لازم است که بنا به فرموده امامان خود با پیروی از فقها و مجتهدان واجد شرایط، اعمال دینی خود را انجام دهند. در زمینه امور اجتماعی و سیاسی نیز وظیفه مردم اطاعت از فقیهی است که از سوی بزرگان شیعه به عنوان «ولی فقیه» انتخاب شده است.

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۴-۶. دعا برای تعجیل فرج: یکی از وظایف مهمی که بنا به تصریح حضرت صاحب الامر علیه السلام بر عهده همه منتظران گذاشته شده، دعا برای تعجیل فرج است.

امام عصر علیه السلام در توقیعی که خطاب به «اسحاق بن یعقوب» صادر شده، می فرمایند:

وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.<sup>۱</sup>

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما همان است.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه های

دوران غیبت دانسته، می فرماید:

وَ اللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهَ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ  
وَ وَفَّقَهُ [فِيهَا] لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.<sup>۲</sup>

به خدا سوگند [او] غیبتی خواهد داشت که در آن تنها کسانی از هلاکت نجات می یابند که خداوند آنها را بر قول به امامتش ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است.

دعا برای تعجیل فرج از چنان اهمیتی برخوردار است که امام صادق علیه السلام

می فرماید:

مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ.<sup>۳</sup>

هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «خداوند! بر محمد و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان تعجیل کن، نمیرد تا قائم [علیه السلام] را دریابد.

در روایت دیگری نیز آمده است که هر کس چنین کند خداوند شصت حاجت

۱. همان؛ طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبة، ص ۱۷۶.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ص ۳۸۴.

۳. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعجل، ص ۳۲۸.

او را برآورده می‌سازد؛ سی حاجت از حوائج دنیا و سی حاجت از حوائج آخرت.<sup>۱</sup> بنابراین همه شیعیان باید در طول شبانه‌روز، در اوقات نماز و در همه ایامی که در آنها دعا سفارش شده، دعا برای تعجیل فرج را به عنوان یک تکلیف و وظیفه مهم عصر غیبت فراموش نکنند. بلکه این دعا را بر همه دعا‌های خود مقدم کنند تا خداوند به برکت این دعا آنها را از همه فتنه‌ها و آشوب‌های زمان غیبت در امان نگهدارد و همه گرفتاری‌ها و غم و غصه‌های آنها را برطرف سازد.

۴-۷. بزرگداشت یاد و نام حضرت مهدی علیه السلام: مؤمنان باید نام همه معصومین علیهم السلام را بزرگ بدارند و جز با تعظیم و احترام از آنها یاد نکنند. اما در این میان امام مهدی علیه السلام جایگاه و شأن ویژه‌ای دارند؛ زیرا:

۱. ایشان امام عصر و زمان ما و حجت حی و حاضر و ناظر خداوند هستند؛
۲. آن حضرت وارث همه فضایل و شایستگی‌هایی هستند که در خاندان رسالت وجود داشته است؛
۳. آن امام احیاکننده مکتب اهل بیت علیهم السلام بلکه احیاکننده دین و دین‌باوری در سراسر جهان هستند؛
۴. ایشان، در بین امامان پیش از خود نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. تا آنجا که امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که از ایشان می‌پرسد: «آیا قائم علیه السلام متولد شده است» می‌فرماید:

لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.<sup>۲</sup>

خیر، اما اگر او را دریابم در همه ایام زندگانی‌ام خدمتگزارش خواهم بود.

اما بزرگداشت یاد و نام امام مهدی علیه السلام مصادیق مختلفی دارد که ما در اینجا به

۱. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، ص ۴۲۱.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۴۵، ح ۴۶.

## ۱۵۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۴-۷-۱. برپاخواستن به هنگام شنیدن نام‌های آن حضرت: بر همه ارادتمندان حضرت مهدی علیه السلام لازم است که به هنگام شنیدن نام‌ها و القاب آن حضرت، بویژه نام مبارک «قائم» از جا برخیزند و نسبت به امام خود ادای احترام کنند.

روایت شده است که روزی در مجلس حضرت صادق علیه السلام نام مبارک حضرت صاحب‌الامر علیه السلام برده شد، امام ششم به منظور تعظیم و احترام نام آن حضرت از جای خود برخاسته قیام فرمود.<sup>۱</sup>

همچنین نقل شده است: زمانی که «دعبل خزاعی» قصیده معروف خود در وصف اهل بیت علیهم السلام را در پیشگاه امام رضا علیه السلام می‌خواند، آن امام با شنیدن نام حضرت حجت علیه السلام از جای برمی‌خیزد، دست خود را به نشانه تواضع بر سر می‌گذارد و برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا می‌کند.<sup>۲</sup>

برخواستن به هنگام شنیدن نام امام مهدی علیه السلام می‌تواند به معنای اعلام آمادگی برای یاری و نصرت آن حضرت و همچنین اعلام درک حضور و شهود آن حضرت باشد.

۴-۷-۲. نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت: شیعیان باید در روزهایی مانند اعیاد چهارگانه اسلامی (فطر، قربان، غدیر و جمعه)، شب و روز نیمه شعبان به طور ویژه به یاد امام غایب خود باشند و با خواندن زیارت آن حضرت و خواندن دعاهایی مانند دعای ندبه، عهد، فرج و... پیمان خود را با امامشان تجدید کنند.

۴-۷-۳. آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه آن حضرت: منتظران امام مهدی علیه السلام باید که در آغاز هر روز و در تعقیب نماز صبح، سلام به مولای خود را فراموش

۱. نوری، میرزا حسین، نجم‌الثاقب، ص ۵۲۳.

۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر (علیه السلام)، ص ۵۰۶ و ۵۰۸.

نکنند و بسته به فرصت و وقتی که دارند با یکی از زیارت‌های وارد شده و یا دعای عهد به امام خود عرض ارادت کنند تا هرگز یباد و نام آن حضرت از دل‌هایشان زایل نگردد.

با توجه به آنچه گفته شد اگر بخواهیم مفهوم انتظار در مکتب تشیع را در چند جمله بیان کنیم می‌توانیم بگوییم که انتظار در مکتب تشیع حالت انسانی است که ضمن پیراستن وجود خویش از بدی‌ها و آراستن آن به خوبی‌ها، در ارتباطی مستمر با امام و حجت زمان خویش همه همت خود را صرف زمینه‌سازی ظهور مصلح آخرالزمان نموده و در جهت تحقق وعده الهی نسبت به برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم‌السلام با تمام وجود تلاش می‌کند.

## ۵. نقش سازنده انتظار

انتظار منجی موعود از سویی عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی‌ها و مشکلات عصر غیبت و از سویی دیگر عاملی برای پویایی، تحرک و آماده‌باش همیشگی شیعیان است. براساس تعالیم ائمه معصومین علیهم‌السلام منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا حاضر شود.

با توجه به این نگرش، انتظار نقشی سازنده در فرد و جامعه داشته و در صورت شناخت دقیق و درست آن می‌تواند مبنای نظری مستحکمی برای تحول مادی و معنوی جامعه اسلامی باشد.

برای روشن‌تر شدن نقش سازنده انتظار در فرد و جامعه، در اینجا از دو زاویه به تحلیل این موضوع می‌پردازیم: ۱. از زاویه مفهوم انتظار؛ ۲. از زاویه متعلق انتظار.

۱-۵. از زاویه مفهوم انتظار: برای درک درست نقش سازنده انتظار و امید به

آینده در فرد و جامعه لازم است که ارکان و پایه‌های اساسی آن را بررسی کنیم. هر کس با مراجعه به خود و بررسی مصادیق مختلف انتظار درمی‌یابد که این مفهوم سه پایه اساسی دارد:

۱. ناخوشنودی از وضع موجود یا قانع نبودن به آن؛

۲. امید و باور به آینده مطلوب؛

۳. تلاش در جهت تحقق آینده مطلوب.

بدون تردید، انتظار، چه در معنای عام و چه در معنای خاص آن، زمانی فعلیت می‌یابد که سه رکن یاد شده محقق شود. کسی که هیچ احساس ناخوشایندی نسبت به وضع موجود خود و شرایطی که در آن به سر می‌برد ندارد، یا آینده روشنی پیش روی خود نمی‌بیند و از باور درستی نسبت به امکان تغییر شرایط موجود برخوردار نیست، یا هیچ تلاشی در راه تحقق آینده‌ای که آن را مطلوب می‌داند و رسیدن به هدفی که چشم‌انتظار رسیدن آن است، نمی‌کند، هرگز نمی‌تواند در زمره منتظران باشد.

حال اگر بخواهیم با توجه به سه رکن اساسی انتظار، به تحلیل مفهومی انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام بپردازیم و مشخص کنیم که چه زمانی می‌توان فردی را واقعاً منتظر ظهور دانست، باید به سه نکته اساسی اشاره کنیم:

۱. آگاهی نسبت به شرایط موجود و معرفت نسبت به شرایط عصر موعود؛

۲. باور به تحقق وعده الهی در مورد آینده جهان و حاکمیت نهایی دین خدا بر

سراسر زمین؛

۳. حرکت و تلاش در راه زمینه‌سازی و یا تحقق جامعه موعود.

نخستین شرط انتظار این است که انسان به آن حد از آگاهی و شناخت برسد که

بفهمد وضع موجود جهان و مناسبات حاکم بر آن به هیچ وجه خشنود کننده نیست



و شرایطی که در آن زندگی می‌کند تناسبی با عظمت وجودی انسان و شأن او ندارد. این شناخت تنها در صورتی حاصل می‌شود که آدمی ابتدا شرایط موجود جامعه خود و شرایط جامعه موعود را به درستی بشناسد و آنگاه به مقایسه آنها پرداخته و به داوری بنشیند که واقعاً کدامیک از این شرایط، شایسته مقام انسان به عنوان اشرف مخلوقات است.

شرط دوم باور به سعادت‌مند شدن جهان و رستگاری بشر در پایان تاریخ است. باور به این حقیقت که بالاخره جهان طعم خوش حقیقت، عدالت و معنویت را خواهد چشید و ریشه هر چه دروغ، ستم، فساد و تباهی است از زمین برکنده خواهد شد.

بدون تردید تحقق شرایط یاد شده مستلزم تلاش فراگیر فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. تلاشی که اگر به واقع محقق شود، فرد و جامعه مصداق روایاتی خواهند شد که در آنها منتظران ظهور را با یاوران امام مهدی علیه السلام و حاضران در صحنه‌های نبرد عصر ظهور مقایسه کرده و اجر و ثواب و شأن و مرتبه آنها را یکسان دانسته‌اند.

کلام خود را با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام به پایان می‌بریم؛ روایتی که با تأمل در آن می‌توان همه بایسته‌های انتظار فرج را دریافت:

إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللهُ بِهَا إِذَا شَاءَ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَهُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا، هَنِيئاً لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.<sup>۱</sup>

برای ما دولتی است که هر زمان خداوند بخواهد، آن را محقق می‌سازد. و آنگاه

۱. نعمانی، محمدبن ابراهیم، همان، ص ۲۰۰، ج ۱۶؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

[امام] فرمود: هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم، باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم، به پا خیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید، گوارا باد بر شما [این پاداش] ای گروه مشمول رحمت خداوند!

۲-۵. از زاویه متعلق انتظار: آنچه درباره نقش سازنده انتظار گفته شد تنها زمانی مفهوم خود را به درستی باز می‌یابد که بدانیم در مذهب شیعه «منجی موعود» تنها به عنوان انسان برتری که در آخرالزمان زمین را از عدالت پر می‌سازد و انسان‌های در بند را رهایی می‌بخشد مطرح نیست؛ بلکه در این مذهب او به عنوان تداوم بخش رسالت انبیا، وارث اولیای الهی و در یک کلام «حجت خدا»<sup>۱</sup> بر روی زمین نیز مطرح است. حجتی که زنده، شاهد و ناظر بر اعمال آدمیان است و بنابراین نقش او در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی‌شود و وجود او در لحظه لحظه زندگی ساکنان زمین نقش دارد.

به اعتقاد شیعه حجت خداوند بر روی زمین از طرفی دلیل و راهنمای آشکار مردم به سوی صراط مستقیم و از طرف دیگر ملاک و معیاری است که انسان‌ها می‌توانند با رجوع به او میزان انطباق خود را با دین خدا بسنجند. با توجه به این مفهوم آنکه در انتظار ظهور حجت است خود را مکلف می‌کند

۱. «حجت» در لغت به معنای دلیل، برهان و راهنماست. به عبارت دیگر «آنچه را که به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند» حجت گویند. (ز. ک: الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ص ۱۲۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۵۳؛ الخوری الشرتونی، سعید، أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد، ج ۱، ص ۱۶۴؛ جُر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، ج ۱، ص ۸۰۸؛ عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۷۹). راغب اصفهانی نیز حجت را این گونه معنا کرده است: «راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آنچه که به آن می‌توان به درستی یکی از دو نقیض پی برد» (راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن فی غریب القرآن، ص ۱۰۷).

که تا همه مناسبات فردی و جمعی اش انعکاس انتظارش باشد؛ زیرا در غیر این صورت انتظار مفهوم خود را از دست می دهد و به لقلقه زبان تبدیل می شود. منتظر نمی داند حجت خدا کدامین روز می آید؛ اما می داند بایستی چنان زندگی کند که هر زمانی ایشان ظهور کرد اعمال و شیوه زندگی را بپذیرد.

به بیان دیگر تنها کسانی در زمان «ظهور» سربلندند که در زمان «غیبت» در جهت تأمین رضایت مولایشان تلاش کرده باشند.

این معنا را به صراحت می توان از قرآن و روایات استفاده کرد. در یکی از آیات قرآن کریم آمده است:

يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.<sup>۱</sup>

روزی که برخی نشانه های خدا آشکار شود، ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت. بگو چشم به راه باشید، ما نیز چشم به راهیم.

در ذیل آیه یادشده، روایات متعددی به طریق شیعه و اهل سنت نقل شده که در آنها «روزی که برخی نشانه های خدا آشکار شود» به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است.<sup>۲</sup>

از جمله در روایتی که از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مزبور وارد شده، چنین آمده است:

الآيَاتُ هُمُ الْأَئِمَّةُ، وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ

۱. سوره انعام (۶)، آیه ۱۵۸.

۲. ر. ک: حسینی بحرانی، سید هاشم البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۳-۱۲۱؛ مؤسسه المعارف الاسلامیه، معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۰۰-۱۰۹.

تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلِ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ أَمَنْتَ بِمَنْ تَقَدَّمَ مِنْ آبَائِهِ، عَلَيْهِمُ  
السَّلَامُ.<sup>۱</sup>

مراد از نشانه‌ها امامان هستند و آن نشانه‌ای که انتظار کشیده می‌شود، قائم علیه السلام است. در آن زمان ایمان کسی که پیش از قیام آن حضرت با شمشیر، ایمان نیاورده برای او سودی نخواهد داشت، اگرچه به پدران آن حضرت که پیش از او بودند، ایمان آورده باشد.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری آیه یادشده را چنین تفسیر می‌کنند:

يَعْنِي خُرُوجُ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا ثُمَّ قَالَ علیه السلام يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لَشَيْعَةٍ قَائِمِنَا  
الْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ  
الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.<sup>۲</sup>

[مراد از آن روز] زمان خروج قائم ماست که انتظارش کشیده می‌شود، آنگاه فرمود: ای ابابصیر! خوشا به حال پیروان قائم ما که در زمان غیبت او چشم به راه ظهور اویند و در زمان ظهورش او را پیروی می‌کنند. آنها دوستان خدا هستند که نه بیمناک می‌شوند و نه اندوهگین می‌گردند.

در زیارت «آل یاسین» نیز که از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام نقل شده، با اشاره به آیه مذکور، خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام آمده است:

... وَ أَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقُّ لَارِئِبٍ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْساً إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ  
قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خِيراً.<sup>۳</sup>

... رجعت شما [امامان] حق است و هیچ تردیدی در آن نیست، روزی که ایمان

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۳۵۷، ح ۵۴.

۳. قمی، شیخ عباس، همان.

کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت.

با توجه به این نکته که «رجعت» از رویدادهای مقارن با عصر ظهور امام مهدی علیه السلام است به روشنی می‌توان نتیجه گرفت که آیه یادشده نیز در زمان ظهور تحقق می‌یابد.<sup>۱</sup>

نکته‌ای که از آیه و روایات یادشده استفاده می‌شود این است که هر کس باید تا پیش از آشکار شدن حجت خداوند چنان زندگی کند و خود و جامعه‌اش را چنان بسازد که بتواند به هنگام ظهور در پیشگاه آن حضرت پاسخگو باشد؛ چراکه در آن روز دیگر توبه و پشیمانی سودی ندارد.

در روایتی که پیش از این از حضرت صاحب‌الامر علیه السلام نقل کردیم، دیدیم که آن حضرت همه شیعیان را دعوت می‌کنند که در زمان غیبت آنچه را که موجب دوستی و محبت ایشان می‌شود، پیشه خود سازند و از هر آنچه که موجب خشم و ناخشنودی ایشان می‌گردد، دوری گزینند؛ زیرا امر فرج به یکباره و ناگهانی فرا می‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ایشان نجات نمی‌بخشد.

با توجه به آنچه گفته شد در می‌یابیم که انتظار «حجت» انتظاری است زنده و پویا که در لحظه لحظه حیات آدمی جاری می‌شود و زندگی فردی و اجتماعی او را متحول می‌سازد. به بیان دیگر انتظار «حجت» تنها به زمان «آینده» مربوط نمی‌شود بلکه زمان «حال» را هم در بر می‌گیرد و می‌تواند منشأ تحولی اساسی در زندگی منتظر باشد.

---

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه موضوع رجعت ر.ک: خادمی شیرازی، محمد، رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی علیه السلام؛ طارمی، حسن، رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث؛ ضمیری، محمدرضا، رجعت: بررسی جامع مفهوم رجعت از دیدگاه عقل و نقل.

## گفتار سوم: انتظار و دیدگاه‌ها

بر اساس روایات قطعی و تردیدناپذیری که پیش از این از آنها یاد شد بر هر مسلمانی واجب است که امام زمان خود را بشناسد.<sup>۱</sup> با توجه به این موضوع هر یک از ما وظیفه داریم که در حد توان، امام و حجت عصر خود؛ یعنی امام مهدی علیه السلام را که دوازدهمین امام از سلسله امامان شیعه و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است، بشناسیم. قطعاً به همان میزان که ما امام زمان علیه السلام را بشناسیم به همان میزان هم از تیرگی، تباهی و گمراهی عصر جاهلی دور و به روشنایی، سعادت و رستگاری نزدیک می‌شویم.

نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه داشت این است که به دلیل گستردگی و ژرفای شخصیت امام مهدی علیه السلام و تأثیرات گوناگونی که این امام بر ابعاد مختلف حیات بشر دارند، در طول تاریخ دیدگاه‌های مختلفی در زمینه شناخت ایشان و همچنین شناخت باور مهدوی و فرهنگ انتظار به وجود آمده که مهم‌ترین آنها

---

۱. ر.ک: همین کتاب، ص ۱۳۰-۱۲۷.

عبارت‌اند از:

۱. دیدگاه کلامی (اعتقادی) - تاریخی؛

۲. دیدگاه فرهنگی - اجتماعی.

پیش از آن‌که به بررسی هر یک از دیدگاه‌ها بپردازیم، لازم است یادآوری کنیم که این دو دیدگاه، مکمل یکدیگرند و بدون شک نمی‌توان بدون شناخت درست کلامی - تاریخی از امام مهدی علیه السلام به شناخت فرهنگی - اجتماعی از آن حضرت دست یافت.

### ۱. دیدگاه کلامی - تاریخی

در این دیدگاه به طور عمده دو بعد از ابعاد شخصیت و زندگانی امام مهدی علیه السلام مورد توجه قرار می‌گیرد: نخست این که آن حضرت، حجت خدا، تداوم بخش سلسله حجت‌های الهی و دوازدهمین امام معصوم از تبار امامان معصوم شیعه علیهم السلام است که در حال حاضر در غیبت به سر می‌برند؛ دوم این که ایشان شخصیتی است تاریخی که در مقطع زمانی معینی از پدر و مادر مشخصی به دنیا آمده، حوادث متعددی را پشت سر گذاشته، با انسان‌های مختلفی در ارتباط بوده و منشأ رویدادها و تحولات مختلفی در عصر غیبت صغرا بوده‌اند.

براین اساس در بیشتر کتاب‌هایی که با دیدگاه کلامی - تاریخی به بررسی شخصیت و ابعاد وجودی امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند با سرفصل‌های مشابهی روبرو می‌شویم که برخی از مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

۱. لزوم وجود حجت الهی در هر عصر؛ ۲. اثبات ولادت؛ ۳. دلایل امامت؛ ۴. ویژگی‌های شخصی؛ ۵. فلسفه غیبت؛ ۶. نواب خاص؛ ۷. راز طول عمر؛ ۸. معجزات؛ ۹. توقیعات (پیام‌ها)؛ ۱۰. نشانه‌های ظهور آن حضرت و....

قطعاً پرداختن به همه کتاب‌هایی که از قرن‌ها پیش تا کنون با دیدگاه یادشده به رشته تحریر درآمده‌اند، در گنجایش این مقاله نیست، پس به ناچار تنها به ذکر عناوین، نویسندگان و سرفصل‌های برخی از مهم‌ترین این کتاب‌ها که در واقع مصادر اصلی باور مهدوی شیعی به شمار می‌آیند، به ترتیب تاریخ بسنده می‌کنیم. شایان ذکر است که برخی از این کتاب‌ها در زمره مجموعه کتاب‌های حدیثی یا تاریخی شیعه‌اند که بخشی از آنها به بررسی ابعاد اعتقادی و تاریخی باور مهدوی اختصاص یافته است:

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (م. ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق)، ۸ ج، چاپ چهارم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

همانطور که می‌دانید کتاب الکافی جزء کتاب‌های چهارگانه (کتب اربعه) روایی شیعه است. این مجموعه هشت جلدی در مجموع بین ۱۶ تا ۱۸ هزار روایت را در خود جمع کرده و شامل سه بخش کلی اصول (جلد ۱ و ۲)، فروع (جلد ۳-۷) و روضه (جلد ۸) است. «اصول کافی» در بردارنده روایات اعتقادی، «فروع کافی» در بردارنده روایات فقهی و عبادی و «روضه کافی» شامل روایات اخلاقی و موضوعات متفرق دیگر است.

شایان ذکر است که جلد اول و دوم کتاب الکافی که مباحث اعتقادی را دربردارد، با عنوان اصول کافی در چهارجلد ترجمه شده و در دسترس همه علاقه‌مندان به معارف شیعی قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

بخش عمده‌ای از جلد اول (متن عربی) این کتاب (صص ۱۶۸ - ۵۵۴) با عنوان «کتاب الحجّة» به مباحث مختلف مرتبط با موضوع امامت، اعم از مباحث نظری و تاریخی اختصاص یافته است. برخی از موضوعاتی که در ابواب مختلف این کتاب

۱. مترجم این کتاب سید جواد مصطفوی و ناشر آن دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام است.



## ۱۶۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

بدان‌ها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱. وجود حجت خدا در عالم هستی؛ ۲. ویژگی‌های امامان معصوم علیهم السلام؛ ۳. دلایل امامت هر یک از امامان شیعه از جمله امام مهدی علیه السلام؛ ۴. اسامی کسانی که در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام را دیده‌اند؛ ۵. ویژگی‌های عصر غیبت؛ ۶. نهی از تعیین وقت برای ظهور و....

در ادامه همین کتاب با عنوان «ابواب التاریخ» شاهد تاریخ زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام هستیم.

گفتنی است که در جلد هشتم *الکافی* نیز به صورت متفرق، احادیثی در زمینه برخی ویژگی‌های آخرالزمان، نشانه‌های ظهور و... آمده است.<sup>۱</sup>

عزیزانی که علاقه‌مندند مباحث یادشده را در متن ترجمه شده جست‌وجو کنند می‌توانند به جلد اول این کتاب (صص ۲۳۶-۳۹۵) و جلد دوم آن مراجعه کنند.

۲. *کمال الدین و تمام النعمة*، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، معروف به ابن بابویه و شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق)، ۲ ج، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، مترجم منصور پهلوان، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰.

چنان‌که مرحوم شیخ صدوق در مقدمه این کتاب آورده است، امام مهدی علیه السلام در رؤیایی صادقانه دستور تألیف کتاب یادشده را به ایشان داده‌اند.

کتاب *کمال الدین و تمام النعمة* که یکی از مصادر منحصر به فرد موضوع مهدویت به شمار می‌آید، مشتمل بر یک مقدمه و ۵۸ باب است. در مقدمه این کتاب به پاسخ برخی شبهات در مورد امام مهدی علیه السلام پرداخته شده و در ابواب کتاب موضوعات متنوعی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از موضوعاتی که در این

۱. ر. ک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۸، صص ۳۶، ۴۱۲، ۴۲۱، ۴۴۱، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۵، ۳۰۶، ۳۱۰ و ۳۳۱.

ابواب بررسی شده به شرح زیر است:

۱. احوال کسانی که عمرهای طولانی داشته‌اند؛ ۲. دلایل نیاز مردم به امام؛ ۳. روایاتی که از پیامبر ﷺ و امامان معصومین در مورد غیبت امام دوازدهم وارد شده است؛ ۴. میلاد امام مهدی علیه السلام؛ ۵. کسانی که آن حضرت را دیده‌اند؛ ۶. توقیعاتی که از امام مهدی علیه السلام رسیده است و....

۳. کتاب الغیبة، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم بن جعفر، معروف به نعمانی (از علمای قرن چهارم هجری قمری)، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، مترجم محمد جواد غفاری، چاپ دوم: تهران، صدوق، ۱۳۷۶.

کتاب یادشده مشتمل بر یک مقدمه و ۲۶ باب است. نویسنده در مقدمه نسبتاً طولانی این کتاب، به بیان دلایل و انگیزه تألیف کتاب پرداخته و در ابواب مختلف آن موضوعات گوناگونی را بررسی کرده که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. ضرورت شناخت امام علیه السلام؛ ۲. غیبت امام زمان علیه السلام؛ ۳. ویژگی‌ها و خصائل حضرت صاحب علیه السلام؛ ۴. علائم پیش از ظهور؛ ۵. وضع شیعه هنگام قیام قائم علیه السلام و....  
۴. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمدبن محمدبن نعمان، معروف به شیخ مفید (م. ۴۱۳ق)، ۲ج، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامیة، بی‌تا.

این کتاب مجموعه کاملی از تاریخ زندگانی و شرح احوال و اوصاف امامان شیعه است که در یک مقدمه و ۴۰ باب سامان یافته است. باب ۳۵ تا ۴۰ این کتاب به امام مهدی علیه السلام اختصاص دارد و در آن موضوعات مختلف مرتبط با آن امام بررسی شده است که از آن جمله می‌توان به این موضوعات اشاره کرد:

۱. تاریخ ولادت؛ ۲. ادله امامت؛ ۳. معجزات؛ ۴. نشانه‌های ظهور و....  
شایان ذکر است که شیخ مفید است رساله‌های مستقلی نیز در باب غیبت امام

## ۱۶۴ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

عصر و پاسخ به سؤالات و شبهات مطرح در این زمینه دارند که از آن جمله می‌توان به الرسالة فی الغیبة<sup>۱</sup> (چهار رساله مستقل) و الفصول العشرة فی الغیبة<sup>۲</sup> اشاره کرد.  
۵. کتاب الغیبة، محمدبن حسن طوسی، معروف به شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق.)، تحقیق عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم: قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ق.

این کتاب که در مجموعه معارف مهدوی شیعه جایگاه خاص و قابل توجهی دارد، از دیرباز مورد توجه علما و اندیشمندان بوده و بسیاری از کسانی که در سده‌های اخیر به تألیف کتاب در این زمینه پرداخته‌اند، از آن بهره‌برداری کرده‌اند. چنان‌که شیخ طوسی؛ در مقدمه کتاب آورده است، ایشان این کتاب را برای بررسی مباحث مختلف مرتبط با غیبت حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام، دلیل آغاز غیبت و علت استمرار آن و همچنین پاسخ به شبهات و سؤالاتی که در این زمینه‌ها از سوی مخالفان مطرح می‌شده، به رشته تحریر درآورده‌اند.  
برخی از مهم‌ترین موضوعاتی که در این کتاب بدان‌ها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱. امامت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت و دلایل موجود در این زمینه؛ ۲. اثبات تولد آن حضرت؛ ۳. برخی از توقیعاتی که از سوی آن حضرت صادر شده؛ ۴. معرفی برخی از کسانی که در دوران غیبت صغرا توفیق وکالت و نمایندگی از سوی امام مهدی علیه السلام را داشته‌اند؛ ۵. بیان برخی نشانه‌های ظهور و...

کتاب یادشده توسط «شیخ محمد رازی» ترجمه و با نام تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی موعود علیه السلام در سال ۱۳۵۰ از سوی انتشارات کتابفروشی اسلامیه منتشر

۱. ر. ک: مصنفات الشیخ المفید، ج ۷.

۲. ر. ک: همان، ج ۳.

شده است.

۶. *إعلام الوری بأعلام الهدی*<sup>۱</sup>، فضل بن حسن طبرسی معروف به امین الإسلام طبرسی (۴۶۸-۵۴۸ ق.هـ)، ۲ ج، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول: قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق.

این کتاب دربردارنده تاریخ زندگانی، دلایل و معجزات و فضائل و مناقب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. در بخش پایانی کتاب یادشده مباحث مختلف مرتبط با امام دوازدهم شیعیان در ضمن پنج باب به شرح زیر بررسی شده است:

۱. نام، کنیه، لقب، محل تولد، نام مادر امام دوازدهم و کسانی که آن حضرت را دیده‌اند؛ ۲. روایاتی که در زمینه امامت امام دوازدهم از پدران آن حضرت رسیده است؛ ۳. چگونگی استدلال به روایات برای اثبات امامت آن حضرت، دلایل و نشانه‌هایی که در دوران غیبت صغرا از آن حضرت آشکار شده و دلالت بر امامت ایشان می‌کنند، برخی از توقیعات (نامه‌ها و پیام‌هایی) که از آن حضرت رسیده است، کسانی که آن حضرت را دیده‌اند و یا وکیل ایشان بوده‌اند؛ ۴. نشانه‌های سال و روز قیام قائم علیه السلام، سیره آن حضرت در زمان ظهور و خصال ظاهری آن حضرت؛ ۵. پاسخ به شبهات و پرسش‌هایی که مخالفان مطرح می‌کنند.

۷. *كشف الغمّة فی معرفة الأئمّة*، علی بن عیسی بن أبی الفتح الإربلی (م. ۶۹۳ ق.هـ)، ۳ ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ ق.

کتاب یادشده که دوره کامل تاریخ زندگی و فضائل و مناقب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی ایشان علیهم السلام است از دیرباز مورد توجه اهل تحقیق بوده و به دلیل نیکویی روش، روشنی عبارات، امانت در نقل و استناد به مصادر مورد قبول شیعه و

۱. ترجمه نام این کتاب این است: «شناساندن پیشوایان (نشانه‌های) هدایت به مردمان».

## ۱۶۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

اهل سنت ستایش شده است.<sup>۱</sup>

بخش عمده‌ای از جلد سوم این کتاب (ص ۲۶۳ - ۲۳۳) به شرح حال امام دوازدهم اختصاص یافته و در آن این موضوعات بررسی شده است:

۱. تاریخ زندگی؛ ۲. دلایل امامت؛ ۳. نشانه‌های ظهور؛ ۴. ویژگی‌های ظاهری؛ ۵. معجزات؛ ۶. توقیعات و....
۸. اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، محمد بن حسن خُزّ عاملی (م. ۱۱۰۴ ق)، ۷ ج، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، مترجم احمد جنتی، چاپ اول: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۶.

این کتاب براساس گفته مؤلف آن دربردارنده بیش از بیست هزار حدیث و دلیل نقلی در زمینه اثبات نبوت خاصه حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و امامت ائمه اطهار علیهم السلام است.

از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب یادشده این است که در بررسی زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هر یک از ائمه اهل بیت علیهم السلام روایاتی که در کتاب‌های معروف و معتبر شیعه و اهل سنت درباره این بزرگواران وارد شده به تفکیک، نقل و بررسی شده است.

بخش پایانی کتاب *اثبات الهداة* که دربردارنده قسمتی از جلد ششم (ص ۲۲۹-۲۵۹) و تمامی جلد هفتم این کتاب است، به امام دوازدهم حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام اختصاص یافته و در آن موضوعات زیر مطرح شده است:

۱. نصوصی که از طریق شیعه و اهل سنت بر امامت صاحب‌الزمان علیه السلام وارد شده است؛ ۲. معجزات صاحب‌الزمان علیه السلام؛ ۳. صفات امام مهدی علیه السلام و نشانه‌های خروج آن حضرت؛ ۴. رد اندیشه‌های غلات و....

---

۱. ر. ک: الإربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، ج ۱، مقدمه به قلم رضا استادی.

۹. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر مجلسی معروف به علامه مجلسی (۱۱۱۱-۱۰۲۷ق). ۱۱۰ ج، چاپ سوم: بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

کتاب یادشده یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های روایی شیعه به شمار می‌آید و در بردارنده روایات بسیاری در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، فقهی، تاریخی و... است. سه جلد از این کتاب؛ یعنی جلد‌های ۵۱ تا ۵۳ با عنوان «تاریخ الحجة» به بررسی ابعاد مختلف زندگی امام عصر علیه السلام از تولد تا غیبت و از غیبت تا ظهور اختصاص یافته و در آن بخش عمده‌ای از روایاتی که در هر یک از این زمینه‌ها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، جمع‌آوری گردیده است. مجلدات یادشده که در بردارنده مطالب جلد ۱۳ از چاپ‌های قدیمی بحار الأنوار است به دفعات ترجمه شده و برای همه علاقه‌مندان قابل استفاده است. معروف‌ترین این ترجمه‌ها، ترجمه آقای علی دوانی است که با نام مهدی موعود علیه السلام از سوی انتشارات دارالکتب الاسلامیه منتشر شده است. اخیراً هم این کتاب با ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای از سوی انتشارات مسجد مقدس جمکران منتشر شده است.

برخی از مهم‌ترین موضوعاتی که در مجلدات سه‌گانه بحار الأنوار بدان‌ها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱. ولادت و احوال مادر امام مهدی علیه السلام؛ ۲. اسامی، القاب و کنیه‌ها؛ ۳. نهی از تسمیه آن حضرت؛ ۴. صفات، علامات و نسب؛ ۵. آیاتی که به قیام قائم تأویل شده‌اند؛ ۶. اخباری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین درباره آن حضرت رسیده است (به تفکیک)؛ ۷. اخبار کسانی که در طول تاریخ عمرهای طولانی داشته‌اند؛ ۸. معجزات امام مهدی علیه السلام؛ ۹. احوال سفرای آن امام در زمان غیبت صغرا؛ ۱۰. احوال

## ۱۶۸ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

کسانی که به دروغ ادعای بابت و سفارت از سوی آن حضرت کرده‌اند؛ ۱۱. معرفی کسانی که آن حضرت را دیده‌اند؛ ۱۲. علت غیبت و چگونگی بهره‌مندی مردم از امام عصر علیه السلام در زمان غیبت؛ ۱۳. فضیلت انتظار و آنچه شایسته است در زمان غیبت بدان عمل شود؛ ۱۴. معرفی کسانی که در زمان غیبت کبرا آن حضرت را دیده‌اند؛ ۱۵. نشانه‌های ظهور؛ ۱۶. ویژگی‌های روز ظهور و چگونگی و مدت حکومت آن حضرت؛ ۱۷. سیره و اخلاق آن حضرت و یارانش؛ ۱۸. آنچه به هنگام ظهور اتفاق می‌افتد؛ ۱۹. رجعت؛ ۲۰. توقیعات و....

گفتنی است که در پایان جلد ۵۳ بحار الأنوار، کتاب *جنة المأوی* اثر مرحوم حاج میرزا حسین نوری که در آن به احوال کسانی که در دوران غیبت کبرا توفیق تشریف خدمت امام عصر علیه السلام داشته‌اند، آمده است.

در سال‌های اخیر نیز کتاب‌های زیادی براساس دیدگاه کلامی - تاریخی و با بهره‌گیری از مصادر اولیه مهدویت به رشته تحریر درآمده‌اند که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱۰. *إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب علیه السلام*، شیخ علی یزدی حائری (م. ۱۳۳۳ ق.)، ۲ ج، چاپ دوم: قم، مکتبه الرضی، ۱۴۰۴ ق.

جلد اول این کتاب شامل مباحث زیر است:

۱. لزوم وجود حجت الهی در زمین؛ ۲. معرفت امام علیه السلام؛ ۳. بشارت‌های الهی به ظهور امام مهدی علیه السلام در قرآن و دیگر کتاب‌های آسمانی؛ ۴. اخبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام به ظهور حجت علیه السلام؛ ۵. آیاتی که به امام مهدی علیه السلام تفسیر شده‌اند؛ ۶. امکان غیبت و کسانی از انبیا و اولیا که غیبت داشته‌اند، فلسفه غیبت و....

در جلد دوم این کتاب نیز این عناوین به چشم می‌خورد:

۷. حکایت کسانی که در زمان غیبت کبرا ادعای رؤیت کرده‌اند؛ ۸ اخبار اهل

## انتظار و دیدگاهها ■ ۱۶۹

سنت به وجود حجت علیه السلام؛ ۹. نشانه‌های ظهور، حوادث عصر ظهور و رجعت و... شایان ذکر است که این کتاب توسط «سید محمد جواد مرعشی نجفی» ترجمه و با نام **چهره درخشان امام زمان علیه السلام** در سه جلد منتشر شده است.

۱۱. امامت و مهدویت، لطف‌الله صافی گلپایگانی، ۲ ج، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.

این کتاب مجموعه‌ای از مقالات و کتاب‌هایی است که پیش از این به صورت مستقل چاپ و منتشر شده است. عناوین آثار منتشر شده در این مجموعه به شرح زیر است:

۱. انتظار عامل مقاومت؛ ۲. فروغ ولایت؛ ۳. وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام؛ ۴. عقیده نجات بخش؛ ۵. اصالت مهدویت؛ ۶. معرفت حجت خدا؛ ۷. نوید امن و امان؛ ۸ پاسخ به ده پرسش.

۱۲. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (ترجمه الإمام المهدی علیه السلام من المهدی إلى الظهور)، سید محمد کاظم قزوینی (۱۳۷۳-۱۳۰۸ ش)، ترجمه حسین فریدونی، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

کتاب یادشده که در زمره محدود کتاب‌های ارزشمند تألیف شده در سال‌های اخیر است، مشتمل بر ۲۴ فصل است که عناوین آنها به این شرح است:

۱. امام زمان علیه السلام کیست؟؛ ۲. نام و نسب حضرت؛ ۳. بشارات قرآن؛ ۴. بشارات احادیث نبوی؛ ۵. بشارات احادیث اهل بیت علیهم السلام؛ ۶. آیا امام زمان علیه السلام به دنیا آمده است؟؛ ۷. چگونه از دیده‌ها نهان شده است؟؛ ۸. پنهانی کوتاه مدت؛ ۹. نایبان چهارگانه؛ ۱۰. چه کسانی در غیبت کوتاه آن حضرت را دیده‌اند؛ ۱۱. پنهانی بلندمدت؛ ۱۲. چه کسانی در غیبت بلند آن حضرت را دیده‌اند؟؛ ۱۳. چگونه تا امروز عمر کرده است؟؛ ۱۴. هنگام ظهور؛ ۱۵. اوصاف و علائم آن حضرت؛ ۱۶.



## ۱۷۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

نشانه‌های ظهور؛ ۱۷. مدعیان دروغین مهدویت و مهدی خوانده‌ها؛ ۱۸. چگونگی و محل ظهور؛ ۱۹. چگونگی تسلیم شدن قدرت‌ها؛ ۲۰. چگونگی حکومت به هنگام ظهور؛ ۲۱. جامعه در عصر ظهور؛ ۲۲. شمار سال‌های زمامداری؛ ۲۳. پایان زندگی آن حضرت؛ ۲۴. پس از آن حضرت.

۱۳. روزگار‌رهایی (ترجمه یوم‌الخلاص)، کامل سلیمان، ۲ ج، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

کتاب یادشده از نظر جامعیت مباحث، کثرت تتبع روایات، روانی و شیوایی نگارش و نگاهی جدید به برخی روایات قابل توجه است. عناوین فصول بیست‌گانه این کتاب به شرح زیر است:

۱. مهدی منتظر کیست؟؛ ۲. سیمای حضرت مهدی علیه السلام؛ ۳. میلاد مسعود؛ ۴. راز غیبت؛ ۵. استفاده از امام غائب؛ ۶. راز طول عمر؛ ۷. غیبت صغرا؛ ۸. غیبت کبرا؛ ۹. دوران حیرت؛ ۱۰. انتظار؛ ۱۱. یاران امام زمان علیه السلام؛ ۱۲. روزگار‌رهایی؛ ۱۳. فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام؛ ۱۴. دولت حق؛ ۱۵. نشانه‌ها؛ ۱۶. اهل آخرالزمان؛ ۱۷. نشانه‌های خارق‌العاده؛ ۱۸. آشوب‌های جهانی؛ ۱۹. آشوب‌های بیگانگان؛ ۲۰. انقلابی‌ها و شورشی‌ها.

در پایان چاپ فارسی این کتاب فهرست‌های ارزشمندی آمده که برای اهل تحقیق بسیار قابل استفاده است.

در پایان این قسمت از مقاله برای آشنایی عزیزانی که قصد تحقیق و پژوهش در حوزه مباحث مهدوی دارند دو مجموعه حدیثی و دو کتابنامه را نیز معرفی می‌کنیم:

۱۴. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، لطف‌الله صافی گلپایگانی، ۳ ج، چاپ اول: قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ ق.

این کتاب که برای نخستین بار در سال ۱۳۳۳ (برابر با ۱۳۷۳ ق.) به چاپ رسیده در بردارنده ۱۲۸۷ حدیث در موضوعات مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام است که با بهره گیری از ۳۹۰ کتاب از منابع معتبر شیعه و اهل سنت - که در موضوعاتی چون تفسیر، حدیث، عقاید، فقه، رجال، تاریخ، لغت و... نوشته شده‌اند - به رشته تحریر درآمده است.

کتاب یادشده در یازده باب و ۹۴ فصل تنظیم شده است و در هر باب، احادیث مرتبط با یک یا چند موضوع مشخص جمع آوری و دسته‌بندی شده‌اند. مهم‌ترین موضوعاتی که در ابواب یازده گانه کتاب بدان‌ها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱. خلفای دوازده گانه پیامبر صلی الله علیه و آله و اینکه تعداد آنها به تعداد نقبای بنی اسرائیل و
۲. اسامی امامان دوازده گانه؛
۳. ظهور مهدی علیه السلام اسماء، اوصاف، خصائص و شمائل آن حضرت؛
۴. ولادت امام مهدی علیه السلام کیفیت و تاریخ آن و...؛
۵. حالات و معجزات امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغرا و ذکر کسانی که در این دوران به مقام سفارت رسیدند؛
۶. حالات و معجزات امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت کبرا و ذکر کسانی که در این دوران موفق به زیارت آن حضرت شدند؛
۷. نشانه‌های ظهور و آنچه قبل از ظهور اتفاق می‌افتد؛
۸. آنچه پس از ظهور امام مهدی علیه السلام اتفاق می‌افتد؛
۹. حالات اصحاب و یاران آن حضرت؛
۱۰. مدت حکومت آن حضرت پس از ظهور و کیفیت زندگی او در میان مردم و...؛
۱۱. فضیلت انتظار فرج، تکالیف شیعه، فضیلت کسانی که آن حضرت را درک و ایشان را اطاعت کنند، کیفیت تسلیم و صلوات بر ایشان، دعاها و... آن حضرت و...

در پایان معرفی کتاب **منتخب الأثر** لازم است دو نکته را یادآور شویم:

۱. مؤلف محترم این کتاب، چنان‌که خود در مقدمه جلد اول تصریح می‌کند، در صدد جمع آوری همه احادیث که در موضوعات مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام

وارد شده‌اند نبوده و در هر زمینه تنها به بیان نمونه یا نمونه‌هایی از احادیث موجود بسنده کرده است.

۲. این کتاب آثار و فوائد بسیاری دارد که از آن جمله می‌توان به اثبات وجود تواتر<sup>۱</sup> در زمینه بسیاری از موضوعات مرتبط با امام مهدی علیه السلام و اتفاق نظر شیعه و اهل سنت در زمینه بسیاری دیگر از این موضوعات اشاره کرد.

۱۵. معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام، مؤسسة المعارف الإسلامية، تحت اشراف: علی کورانی، ۵ ج، چاپ اول: قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.

در این مجموعه پنج جلدی که با استفاده از ۴۰۸ کتاب از منابع تفسیری روایی، تاریخی و... شیعه و اهل سنت تدوین شده، مجموعاً ۱۹۴۱ حدیث از احادیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام که در موضوع امام مهدی علیه السلام و مباحث مختلف مرتبط با آن حضرت وارد شده‌اند، جمع‌آوری و دسته‌بندی شده است.

ناگفته نماند که در این کتاب در ذیل هر موضوع یک یا چند حدیث که در مصادر اولیه و متقدم ذکر شده‌اند، در متن آورده شده و در زیرنویس نیز به حدیث یا احادیث مشابهی که در همان موضوع در سایر مصادر یافت می‌شود، اشاره شده است، از این رو با احتساب احادیث مشابه تعداد روایات این مجموعه بسیار فراتر

۱. «تواتر» [در لغت] یعنی یکی پس از دیگری و همراه با فاصله... و در اصطلاح، حدیث «متواتر» خبر جماعتی است که سلسله روایات آن تا به معصوم در هر طبقه به حدی باشد که امکان توافق آنها بر کذب به طور عادی محال می‌باشد و موجب علم گردد. مؤدب، سیدرضا، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث با علم الدراية، ص ۲۳. همچنین ر. ک: مدیر شانه‌چی، کاظم، علم الحدیث و درایة الحدیث، ج ۲، ص ۳۳. خبر متواتر به لفظی، معنوی و اجمالی تقسیم شده است. «متواتر لفظی خبری است که همه ناقلین، مضمون آن را یکسان و با الفاظ واحد ذکر نمایند و با هم تطابق لفظی دارند... متواتر معنوی خبری است که همه ناقلین مضمون واحدی را با عبارات مختلف نقل می‌نمایند» مؤدب، سیدرضا، همان، ص ۲۷. «متواتر اجمالی و آن علم اجمالی به صحت یکی از چند حدیثی است که در یک موضوع وارد شده» مدیر شانه‌چی، کاظم، همان، ص ۳۷.

از رقم یادشده خواهد بود.

از آنجا که در این مجال اندک امکان معرفی همه موضوعات مطرح شده در کتاب مذکور وجود ندارد، تنها به معرفی اجمالی مجلدات پنجگانه این کتاب بسنده می‌کنیم:

۱. جلد اول و دوم، این دو جلد به احادیث نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که غالباً از طریق اهل سنت روایت شده، اختصاص یافته و در آنها ۵۶۰ حدیث در ذیل نزدیک به ۱۰۰ عنوان دسته‌بندی و ارائه شده است.

۲. جلد سوم و چهارم، این دو جلد دربردارنده نزدیک به ۸۷۶ حدیث از ائمه معصومین علیهم السلام است. گفتنی است که در این دو جلد احادیث هر یک از امامان به طور جداگانه دسته‌بندی و عنوان‌گذاری شده است.

۳. جلد پنجم، در این جلد نیز ۵۰۵ حدیث که در تفسیر برخی آیات قرآن وارد شده و در آنها برخی آیات که به امام مهدی علیه السلام و موضوعات مختلف مرتبط با ایشان تفسیر و تأویل شده‌اند، دسته‌بندی و ارائه شده است.

۱۶. در جست‌وجوی قائم، معرفی ۱۸۵۲ جلد کتاب پیرامون احوالات حضرت بقیة الله الأعظم امام زمان علیه السلام، سید مجید پورطباطبائی، چاپ اول: قم، مسجد مقدس صاحب‌الزمان قم (جمکران)، ۱۳۷۰.

۱۷. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، معرفی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب مستقل به زبان‌های مختلف، ۲ ج، علی‌اکبر مهدی‌پور، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۵.

## ۲. دیدگاه فرهنگی - اجتماعی

این دیدگاه ضمن پذیرش همه مبانی و اصولی که در دیدگاه کلامی - تاریخی در

زمینه تولد، غیبت و ظهور آخرین حجت الهی، حضرت مهدی علیه السلام پذیرفته شده و براساس براهین و شواهد قطعی و تردیدناپذیر عقلی و نقلی به اثبات رسیده، در پی این است که موضوع مهدویت و انتظار را به عنوان مبنایی برای پی‌ریزی کلیه مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان در عصر غیبت؛ طرحی برای رهایی جوامع اسلامی از تارهای درهم تنیده فرهنگ و مدنیت مغرب زمین و راهکاری برای گذر همه اهل ایمان از فتنه‌ها و آشوب‌های آخرالزمان مطرح سازد. پیش از پرداختن به مهم‌ترین شاخصه‌های دیدگاه فرهنگی - اجتماعی لازم است به عنوان مقدمه نکاتی را یادآور شویم:

چنان‌که در بررسی نقش سازنده انتظار گفته شد، در معارف شیعی، برخلاف دیگر ادیان و مذاهب، منجی موعود تنها به عنوان شخصیتی مربوط به آینده که در آخرالزمان زمین را از هرگونه بی‌عدالتی و نابرابری پیراسته می‌سازد، مطرح نیست؛ بلکه او شخصیتی است فرازمانی که سه زمان گذشته، حال و آینده را به هم پیوند می‌دهد.

امام مهدی علیه السلام از یک سو شخصیتی تاریخی و مربوط به گذشته است؛ چراکه او براساس قرائن و شواهد تاریخی انکارناپذیر در زمان و مکان مشخص و از نسل و تبار شناخته شده به دنیا آمده و حوادث و رویدادهای مختلف تاریخی را رقم زده است. این امام از دیگر سو، شخصیتی است مربوط به زمان حال؛ زیرا او به موجب نصوص فراوان، حجت خداوند بر بندگان در عصر حاضر و امام زمان شیعیان است و مردم در همین زمان حال نیز وظایف و تکالیف مشخصی در برابر او دارند. و بالاخره این امام؛ همچون موعود دیگر ادیان، شخصیتی مربوط به زمان آینده است؛ چراکه بنا بر روایات بی‌شماری که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نقل شده، او جهان را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده از عدل و داد

آکنده می‌سازد و آینده بشر را رنگ و بویی خدایی می‌دهد.

براین اساس می‌توان گفت: همچنان‌که محدود کردن شخصیت امام مهدی علیه السلام به زمان گذشته و تنها سخن از موضوعاتی مانند تاریخ غیبت صغرا و غیبت کبرا و نواب اربعه گفتن جفایی آشکار به این شخصیت است، محدود کردن آن حضرت به زمان آینده و معرفی کردن ایشان تنها به عنوان منجی موعود و کسی که فقط در آینده نامعلوم منشأ تحولاتی در جوامع انسانی خواهد بود، نیز ستمی بزرگ به حجت خدا و امام حی و شاهد و ناظر است. بنابراین تنها زمانی می‌توان به شناختی جامع از شخصیت امام مهدی علیه السلام و اندیشه مهدویت و انتظار شیعی دست یافت که جایگاه و نقش این شخصیت و اندیشه را در سه زمان گذشته، حال و آینده بررسی کنیم و ضمن توجه به ریشه‌های تاریخی اندیشه مهدویت، رسالتی را که در عصر حاضر در برابر آن امام بزرگوار علیه السلام برعهده داریم به فراموشی نسپاریم و در عصر غیبت تمام تلاش خود را برای کسب رضایت آن حضرت و دوری از ناخشنودی ایشان، به کار بندیم.

شاید بتوان گفت معنای «معرفت امام زمان علیه السلام»، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام این همه در روایات بر آن تأکید کرده و دست نیافتن به آن را برابر با مرگ جاهلی دانسته‌اند، نیز چیزی غیر از این نیست؛ زیرا معرفت امام زمان علیه السلام آنگاه می‌تواند ما را از مرگ جاهلی برهاند که بتوانیم با شناسایی امام عصر خود از هدایت‌های او بهره‌مند شویم و اوامر و نواهی او را پاس داریم و گرنه صرف این‌که بدانیم چه کسی در عصر حاضر امام ماست بی‌آنکه این امام تأثیری در زندگی و فعل و ترک ما داشته باشد، نمی‌تواند مایه نجات و رستگاری ما باشد.

با این نگاه به انتظار است که دیدگاه فرهنگی - اجتماعی، شکل گرفته و نگاهی متفاوت را نسبت به آنچه تا کنون در زمینه فرهنگ مهدوی وجود داشته، مطرح

کرده است.

در این قسمت از مقاله اگر بخواهیم به شاخص‌ترین اندیشمندانی که براساس دیدگاه فرهنگی - اجتماعی به تحلیل و بررسی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار پرداخته و تلاش کرده‌اند با طرح این اندیشه راهی برای خروج شیعیان از بن‌بست‌های عصر غیبت بیابند، اشاره کنیم، به جرأت می‌توانیم بگوییم در طول یازده قرنی که از آغاز غیبت کبرای امام عصر علیه السلام می‌گذرد، هیچ فقیه، متکلم، فیلسوف و مصلح اجتماعی به اندازه امام خمینی؛ به این دیدگاه اهتمام نداشته و در این زمینه تأثیرگذار نبوده است.

امام راحل با طرح اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و تلاش خستگی‌ناپذیر در راه تحقق این اندیشه، به «انتظار» معنا و مفهوم تازه‌ای بخشید و تعریفی نو از رسالت و تکلیف شیعیان در برابر حجت خدا ارائه داد.

برای روشن‌تر شدن دیدگاه حضرت امام در این زمینه، به برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های این دیدگاه اشاره می‌کنیم:

**الف) ارائه برداشتی متفاوت از مفهوم حجت:** ایشان با ارائه مفهومی عمیق و بدیع از «حجت بودن امام معصوم» اعلام می‌دارند که چون خداوند در روز قیامت به سبب وجود امام زمان و پدران بزرگوارش علیهم السلام بر بندگان احتجاج و نسبت به عمل براساس سیره، رفتار و گفتار این بزرگواران از مردم بازخواست می‌کند، بر آنان لازم است که همه تلاش خود را برای تحقق سیرت امامان معصوم علیهم السلام در جامعه به کار بندند و در این زمینه هیچ عذر و بهانه‌ای از آنها پذیرفته نمی‌شود.

حضرت امام در کتاب *البیع خود* به هنگام بررسی ادله ولایت فقیه، ضمن برشمردن توقیع شریف حضرت صاحب‌الامر علیه السلام که در آن آمده است:

... و أمّا الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجتي عليكم

وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.<sup>۱</sup>

... و اما در رویدادهایی که برای شما پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان هستم. می‌فرماید:

مقصود از حجت خدا بودن امام معصوم این نیست که فقط بیان‌کننده احکام است؛ زیرا گفته بزرگانی چون زراره و محمد بن مسلم نیز حجت است و هیچ‌کس حق مردود دانستن و عمل نکردن به روایات ایشان را ندارد و این امر بر همگان آشکار است. بلکه منظور از حجت بودن امام زمان و پدران بزرگوارش، صلوات‌الله علیهم اجمعین، این است که خداوند تعالی به سبب وجود ایشان و سیره و رفتار و گفتار آنان در تمام شئون زندگی‌شان، بر بندگان احتجاج می‌کند. از جمله شئون امامان، عدالت آنان در همه زمینه‌های حکومت است. به عنوان مثال، وجود امیرالمؤمنین علیه السلام برای تمام فرمانداران و حاکمان ستم‌پیشه حجت است؛ زیرا خداوند به واسطه سیرت آن بزرگوار، باب عذر و بهانه را بر همه آنان در تعدی از حدود الهی و تجاوز به اموال مسلمانان و سرپیچی از قوانین اسلامی بسته است. همین گونه‌اند سایر حجت‌های خداوند، به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام که عدل را در میان مردم می‌گستراند و زمین را از قسط پر می‌کند و بر اساس نظامی عادلانه بر مردم حکم می‌راند.<sup>۲</sup>

بر اساس همین نگاه به حجت خدا بود که ایشان خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی ایران می‌فرمودند:

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۲. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۷۴-۴۷۵؛ همو، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، ص ۴۶.



ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه‌هایی که الان به کار گرفته شده‌اند در کشور ما [...] باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی، سلام الله علیه.<sup>۱</sup>

ب) دگرگون ساختن مفهوم انتظار: امام خمینی مفهومی را که در طول قرون و اعصار از «انتظار» در اذهان بسیاری از شیعیان نقش بسته بود دگرگون ساخت و با همه دیدگاه‌هایی که انتظار را برابر با سکون، رکود و تن دادن به وضع موجود معرفی می‌کردند به مقابله جدی پرداخت:

بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخوانند [...] یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می‌کنند [...] یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب! باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود [...] یک دسته‌ای از این بالاتر بودند و می‌گفتند باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت علیه السلام تشریف بیاورند [...] یک دسته دیگر بودند که می‌گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است.<sup>۲</sup>

۱. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، ج ۱۲، ص ۲۰۹-۲۰۸.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۱۹۷-۱۹۶.

ایشان ضمن ردّ همه دیدگاه‌های یادشده دیدگاه خود در باب انتظار فرج را این‌گونه بیان می‌کند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود.<sup>۱</sup>

همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود، بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم.<sup>۲</sup>

ج) تلاش برای تحقق عدالت در عصر غیبت: حضرت امام، تلاش برای تحقق عدالت و جلوگیری از ظلم در عصر غیبت را یک تکلیف الهی دانسته و همه مسلمانان را دعوت می‌کردند که تا سر حد توان خود این تکلیف الهی را به انجام رسانند:

ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی‌توانیم، این که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کنند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.<sup>۳</sup>

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم می‌کردیم اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیابند.<sup>۴</sup>

د) زمینه‌سازی برای ظهور منجی موعود: رهبر فقید انقلاب اسلامی معتقد بود که

۱. همان، ج ۷، ص ۲۵۵.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۴.

۳. همان، ص ۱۹۸.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۷.

## ۱۸۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

باید با گسترش اسلام راستین در جهان و مبارزه با سلطهٔ جهانخواران، راه را برای ظهور منجی موعود هموار ساخت:

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقهٔ حق امام زمان، ارواحنا فدا، هموار می‌کنیم.<sup>۱</sup>

ها حرکت در جهت تحقق حکومت جهانی اسلام: امام راحل به جد بر این باور بود که انقلاب اسلامی ایران، نقطهٔ شروع انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و از این رو پیوسته به مسئولان نظام توصیه می‌کردند که هرگز از آرمان عظیم انقلاب اسلامی که تشکیل حکومت جهانی اسلام است غافل نشوند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطهٔ شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فدا - است که خداوند بر همهٔ مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد، مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که برعهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در ادارهٔ هر چه بهتر مردم بنماید، و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.<sup>۲</sup>

۱. همان.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸. در گفتار آینده در زمینه جایگاه انتظار در اندیشهٔ امام خمینی بیشتر سخن خواهیم گفت.

در سال‌های اخیر گروهی از فرزندان انقلاب اسلامی و وفاداران به آرمان‌های امام خمینی تلاش کردند که با الهام از اندیشه‌های این پیر فرزانه ابعاد و زوایای دیگری از دیدگاه فرهنگی - اجتماعی را تبیین کنند. این گروه با درک عمیق از موقعیت کنونی انقلاب اسلامی در جهان، نیازهای فرهنگی جامعه اسلامی ایران و شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جهان معاصر، تبلیغ و ترویج باور مهدوی و فرهنگ انتظار را سر لوحه فعالیت‌های خود قرار داده و پرداختن به امور زیر را در عصر حاضر ضروری می‌دانند:

۱. شناسایی و نقد بنیادین و جوهر مختلف فرهنگ و تمدن مغرب زمین، به عنوان فرهنگ و مدنیتی که در تقابل جدی با آرمان «حقیقت مدار»، «معنویت‌گرا» و «عدالت محور» مهدوی قرار دارد؛ زیرا انسان‌های عصر غیبت تنها زمانی می‌توانند به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنند و به تمام معنا در سلک منتظران موعود قرار گیرند که باطل زمان خویش را به درستی بشناسند و با تمام وجود از آن بیزاری جویند؛

۲. شناخت و نقد جدی مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی؛ مناسباتی که عمدتاً به تقلید از الگوهای توسعه غربی و تحت تأثیر اندیشه‌های عصر مدرنیته در این جوامع شکل گرفته است؛ چرا که این جوامع بدون شناخت جدی از وضع موجود خود نمی‌توانند به راهکارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی برای خروج از فتنه‌های فراگیر عصر غیبت دست یابند؛

۳. تلاش در جهت تدوین استراتژی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جوامع اسلامی در عصر غیبت و تا رسیدن به عصر طلایی ظهور، براساس اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار؛

۴. بازشناسی و جوهر مختلف اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اندیشه

## ۱۸۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

مهدوی و فرهنگ انتظار با بهره‌گیری از منابع متقن و مستدل و استفاده از همه‌توان مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی در زمینه مباحث، کلامی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی، علوم اجتماعی و سیاسی و...؛

۵. تلاش در جهت پالایش اندیشه ناب مهدوی از هرگونه شائبه جعل و تحریف و زدودن این اندیشه از زنگارهای جهل و خرافه، سخنان سست و بی‌اساس و هرگونه دیدگاه انحرافی مبتنی بر افراط یا تفریط؛

۶. پاسخگویی عالمانه و متناسب با نیازهای روز به شبهات، پرسش‌ها و ابهام‌های موجود در زمینه منجی‌گرایی شیعی؛

۷. احیا و گسترش فرهنگ انتظار و تلاش برای شناساندن نقش سازنده این فرهنگ در پایداری و پویایی جوامع اسلامی؛

۸. تبیین وظایف و تکالیف مردم در برابر حجت خدا و امام عصر علیه السلام، نهادینه ساختن این وظایف و تکالیف در فرد و اجتماع و آماده ساختن جامعه اسلامی برای استقبال از واقعه مبارک ظهور؛

۹. مقابله جدی با کلیه جریان‌های سیاسی - فرهنگی که در قالب کتاب، نشریه، فیلم، نرم‌افزارهای رایانه‌ای، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جهانی (اینترنت) و... به تقابل با اندیشه موعودگرایی شیعی می‌پردازند؛

۱۰. بررسی و نقد کلیه دیدگاه‌هایی که از سوی متفکران مغرب زمین در زمینه جهان آینده و آینده جهان مطرح شده است.

برخی از مهم‌ترین آثاری که می‌توان با استفاده از آنها به شناختی نسبتاً جامع از دیدگاه فرهنگی - اجتماعی رسید، به شرح زیر است:

۱. خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)، محمدرضا حکیمی، چاپ اول:

تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

## انتظار و دیدگاه‌ها ■ ۱۸۳

کتاب یادشده در زمره محدود آثار ارزشمندی است که در سال‌های اخیر در زمینه فرهنگ مهدوی نوشته شده است. نویسنده گرانمایه این کتاب در مقدمه خود بر این نکته تأکید می‌کند که «آرمان والا، در کار ابلاغ حقایق مذهبی، گسترش تربیت صحیح و برپایی قسط و عدالت بوده است، در همه شئون جامعه، به ویژه در امور اقتصادی و معیشتی برای همگان، که صورت نهایی آن در حکومت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت» و بر همین اساس در فصول مختلف کتاب به ویژه از فصل یازدهم به بعد تلاش می‌کند که از جامعه ایده‌آل مهدوی پلی به جامعه امروز مسلمانان بزند و راهی برای تحقق آن آرمان متعالی در دوران غیبت بیابد؛ چرا که به گفته او: «خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می‌برد، باید خود صالح باشد».

عناوین فصول این کتاب به شرح زیر است:

۱. میلاد؛ ۲. شمایل و سیرت؛ ۳. غیبت؛ ۴. در کتاب‌های پیشینیان؛ ۵. در کتاب‌های مسلمین (اهل سنت)؛ ۶. در کتاب‌های مسلمین (شیعه)؛ ۷. در قرآن کریم؛ ۸. در سوره قدر؛ ۹. در علوم عقلی؛ ۱۰. در علوم تجربی؛ ۱۱. در فلسفه تربیتی و سیاسی؛ ۱۲. غیبت مقاومت نه غیبت تسلیم؛ ۱۳. انتظار؛ ۱۴. در طلب خورشید.
۲. درآمدی بر استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروسنانی، ۲ ج در یک مجلد، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.

چنان‌که در مقدمه جلد اول این کتاب آمده است «در جلد اول این اثر نگارنده از دریچه «باور مهدوی» سعی در عرضه تحلیلی کلی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران اسلامی (طی دو دهه اخیر) دارد تا پس از آن از لابلای این اندیشه (و با توجه به شرایط ویژه تاریخی عصر حاضر) زمینه‌های گفت‌وگو از «استراتژی انتظار» را فراهم آورد» و در جلد دوم این کتاب نیز نویسنده تلاش کرده است ضرورت تدوین استراتژی و ملزومات آن را تبیین و ثابت نماید که «گفت‌وگو از امام عصر علیه السلام و طرح

استراتژی انتظار تنها طریق گذر از شرایط فعلی برای رسیدن به شهر امن منتظران و ورود به خیل طالبان و داعیان حضرت صاحب الزمان، ارواحنا له الفداء، است.»

عناوین فصول جلد اول و دوم کتاب یاد شده به شرح زیر است:

۱. چهار حرکت (چهار مرحله حیات انقلاب اسلامی ایران)؛ ۲. هفت غفلت (مهم‌ترین اموری که در سال‌های اخیر از آنها غفلت شده است)؛ ۳. استراتژی انتظار؛ ۴. استراتژی و ملزومات آن؛ ۵. چرا باید از موعود و استراتژی انتظار گفت؟؛ ۶. حجت موجه؛ ۷. عهد.

۳. ماهنامه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی موعود، این مجله که از سال ۱۳۷۶ تا کنون به طور مستمر منتشر شده است، در شماره‌های مختلف خود تلاش نموده است که ضمن پرداختن به مبانی اعتقادی فرهنگ مهدوی و بررسی تاریخی این موضوع، فرهنگ مهدوی را به عنوان یک موضوع جاری و ساری در متن اجتماع که نسبت به همه تحولات و رویدادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی که در سطح ملی و بین‌المللی به وقوع می‌پیوندد بی‌تفاوت نبوده و نسبت به همه آنها دارای موضع و دیدگاه مشخص است، مطرح سازد و این فرهنگ را به عنوان راهی برای خروج از بن‌بست‌های مختلف که جامعه ما در عرصه‌های مختلف با آنها روبروست معرفی کند.

## گفتار چهارم: احیاگر اندیشه انتظار

انقلاب رهایی بخش حضرت امام خمینی علیه السلام، نه تنها باعث دگرگونی در صحنه حیات اجتماعی - سیاسی مردم مسلمان ایران شد، بلکه منشأ تحولی بزرگ در فرهنگ واژه‌ها و مفاهیم اسلامی گردید.

به برکت این انقلاب بسیاری از واژگان معنایی نو یافتند و بسیاری از مفاهیم فراموش شده، حیات دوباره پیدا کردند.

امام راحل امت به مدد پشتوانه غنی فکری و مبانی نظری خود، که مبتنی بر منابع و متون اصیل اسلامی و به دور از هر گونه شائبه التقاط و خودباختگی بود، در طول حیات پربرکت خود دست به تدوین قاموسی عظیم از مفاهیم اسلامی زد که در سراسر تاریخ حیات فکری - فرهنگی مردم مسلمان ایران بی سابقه بود؛ زیرا در این قاموس واژه‌ها نه در صفحات محدود کتاب بلکه در صفحه‌ای به گستردگی زندگی اجتماعی - فرهنگی مردم معنا می‌شد.

در قاموس مفاهیمی که بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی ایران تدوین آن را



آغاز کرد و اثره‌هایی چون ایثار، جهاد، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر و... که سال‌ها به فراموشی سپرده شده بودند حیات دوباره یافتند، همچنان که واژه «انتظار» که سال‌ها با سکون و سکوت، تحمل ظلم و دم فرو بستن و در یک کلمه ماندن و در جازدن به امید برآمدن دستی از غیب، مترادف شمرده می‌شد، مفهومی دیگر یافت و این بار «انتظار» نه به عنوان عاملی برای خاموش ساختن روح سرکش اجتماع بلکه به عنوان ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد.

برای آشنایی هر چه بیشتر با مفهوم «انتظار» در فرهنگ واژگان امام راحل (ره) و درک نقش عظیمی که آن فرزانه دوران در احیای اندیشه انتظار داشتند، در این مقاله بخشی از بیانات ایشان را که در این زمینه ایراد شده است، مورد بررسی قرار می‌دهیم، باشد که این مختصر ادای دینی باشد به ساحت مقدس بزرگ احیاگر اندیشه اسلامی در قرن حاضر.

### ۱. انتظار، زمینه‌ساز قدرت اسلام

حضرت امام با توجه به شناخت عمیقی که از وضعیت اجتماعی - سیاسی مسلمانان در عصر حاضر داشتند احیای هویت اسلامی و بازگشت به خویشتن را تنها راه تجدید عظمت و قدرت اسلام و مسلمانان در جهان دانسته و این موضوع را سرلوحه دعوت خویش قرار دادند:

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود، برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت

نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت، پول و فریب را نگیرد.<sup>۱</sup> از آنجا که انتظار موعود یا به عبارتی انتظار تحقق وعده الهی در حاکمیت جهانی دین اسلام می‌تواند در احیای هویت اسلامی مسلمانان و مقابله با روحیه خودباختگی و احساس حقارت در مقابل فرهنگ و تمدن مغرب زمین بسیار مؤثر باشد، حضرت امام با ژرف‌اندیشی تمام احیای فرهنگ انتظار را به عنوان یکی از ارکان مهم احیای هویت اسلامی و وسیله‌ای برای تحقق دوباره قدرت و شوکت گذشته مسلمانان در جهان مد نظر قرار داده و در یکی از بیانات خود که در اولین سال استقرار نظام اسلامی ایراد کردند، ضمن بیان مفهوم «انتظار فرج» وظیفه منتظران قدوم حضرت صاحب‌الامر علیه السلام را چنین بر شمردند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود.<sup>۲</sup>

چنان‌که ملاحظه می‌شود در مفهومی که حضرت امام علیه السلام از «انتظار» ارایه می‌دهند نه تنها از سکون و سکوت و تن دادن به وضع موجود خبری نیست، بلکه صحبت از تلاش و کوشش برای تحقق قدرت اسلام و آماده شدن زمینه ظهور است که این با مفهومی که سال‌ها سعی می‌شد از «انتظار» در اذهان مردم جا داده شود، بسیار فاصله دارد.

## ۲. انتظار، رمز پایداری

حضرت امام علیه السلام در برهه‌های مختلف انقلاب اسلامی به منظور آماده ساختن

۱. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، ج ۲۰، ص ۱۱۸.

۲. همان، ج ۷، ص ۲۵۵.

مردم برای مقابله با مشکلات و خطرهایی که انقلاب و نظام نوپای اسلامی را تهدید کرد، بر مفهومی که خود از انتظار داشت تأکید می فرمود و مردم را به پایداری و تلاش بیشتر فرامی خواند:

من امیدوارم که ان شاء الله برسد روزی که آن وعده مسلم خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک ارض بشوند. این مطلب وعده خداست و تخلف ندارد، منتها آیا ما درک کنیم یا نکنیم، آن به دست خداست. ممکن است در یک برهه کمی وسایل فراهم شود و چشم ما روشن بشود به جمال ایشان. این چیزی که ما در این وقت، در این عرصه وظیفه داریم، این مهم است. همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی شود، بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم. کسی که برای رضای خدا ان شاء الله مشغول انجام وظیفه است، توقع این را نداشته باشد که مورد قبول همه است، هیچ امری مورد قبول همه نیست. کار انبیا هم مورد قبول همه نبوده است، لکن انبیا به وظایفشان عمل کردند و قصور در آن کاری که به آنها محول شده بود نکردند، گرچه مردم اکثراً گوش ندادند به حرف انبیا، ما هم آن چیزی که وظیفه مان هست عمل می کنیم و باید بکنیم گرچه بسیاری از این عمل ناراضی باشند یا بسیاری هم کارشکنی بکنند.<sup>۱</sup>

جانمایه تفکر امام راحل علیه السلام و موضوعی که همواره، چه در نظر و چه در عمل، مورد توجه ایشان بود، عمل به وظیفه و ادای تکلیف الهی است و همین موضوع است که دیدگاه ایشان در باب انتظار فرج را از سایر دیدگاهها متمایز می سازد. برای درک بیشتر برداشتی که حضرت امام علیه السلام از موضوع انتظار داشتند لازم

است که سایر برداشت‌ها نیز در کنار این برداشت مورد مطالعه قرار گیرند، از این رو در اینجا دیدگاه‌های متفاوتی را که در موضوع انتظار فرج ابراز شده است، از زبان امام راحل نقل می‌کنیم تا تفاوت دیدگاه حضرت امام از سایر دیدگاه‌ها به خوبی روشن شود:

### ۳. نقد دیدگاه‌های موجود

رهبر فقید انقلاب اسلامی در یکی از بیانات خود دیدگاه‌های متفاوتی را که در زمینه «انتظار فرج» وجود دارد، دسته‌بندی کرده و به شرح زیر مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند:

۳-۱. دیدگاه کسانی که تکلیف مردم در زمان غیبت را تنها دعا برای تعجیل فرج حضرت حجت<sup>علیه السلام</sup> می‌دانند:

بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان<sup>علیه السلام</sup> را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب<sup>علیه السلام</sup> بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند نبودند.<sup>۱</sup>

۳-۲. دیدگاه کسانی که وظیفه فرد مسلمان نسبت به جامعه خود را به فراموشی سپرده و حتی از امر به معروف و نهی از منکر هم غفلت می‌ورزند:

۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می‌کنند. دیگر ما تکلیفی نداریم، تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد نداشته باشیم. اینها هم یک دسته ای، مردمی بودند که صالح بودند.<sup>۱</sup>

امام راحل علیه السلام در ادامه بیاناتشان به نقد و بررسی دو دیدگاه یاد شده پرداخته و می‌فرماید:

ما اگر دستان می‌رسید قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی‌توانیم، اینکه هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید.<sup>۲</sup>

۳-۳. دیدگاه کسانی که به استناد برخی روایات می‌گویند ما نباید در زمان غیبت با انحراف‌ها و مفاسدی که در جامعه وجود دارد کاری داشته باشیم، بلکه باید جامعه را به حال خود واگذاریم تا به خودی خود زمینه ظهور حضرت فراهم شود:

یک دسته‌ای می‌گفتند که خب! باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید. ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند؛ گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.<sup>۳</sup>

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۹۷.

۳. همان، ص ۱۹۶.

۳-۴. دیدگاه کسانی که معتقدند ما نه تنها نباید جلوی گناہانی که در جامعه وجود دارد بگیریم بلکه باید به آن دامن هم بزنیم تا زمینه ظهور حضرت حجت علیه السلام هر چه بیشتر فراهم شود:

یک دسته‌ای از این بالاتر بودند می‌گفتند باید دامن زد به گناہان، دعوت کرد مردم را به گناہ تا دنیا پر از جور و ظلم شود و حضرت علیه السلام تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند.<sup>۱</sup>

حضرت امام علیه السلام دو دیدگاه اخیر را به شدت مورد انتقاد قرار داده و در ادامه سخنانشان می‌فرمایند:

یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت نکنیم تا حضرت صاحب بیایند! حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چه می‌آیند؟ برای اینکه گسترش دهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند. ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناہان را برای اینکه حضرت بیایند. حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند می‌خواهند همین کارها را بکنند. الان دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد!؟ به حسب رأی این جمعیت که بعضی‌هایشان بازیگرند و بعضی‌هایشان نادان، این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام. هرکسی نفرین به صدام کند خلاف امر کرده است برای اینکه حضرت دیر می‌آیند... ما باید دعاگوی آمریکا باشیم و دعاگوی

شوروی باشیم و دعاگوی اذنایشان از قبیل صدام باشیم و امثال اینها تا اینکه اینها عالم را پرکنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند! بعد حضرت تشریف بیاورند چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند، همان کاری که ما می‌کنیم و ما دعا می‌کنیم که ظلم و جور باشد، حضرت می‌خواهند همین را برش دارند.<sup>۱</sup>

۳-۵. دیدگاه کسانی که هر اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت را

خلاف شرع دانسته و عقیده دارند که این عمل با نصوص روایات مغایر است:

یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آنها مغرور بودند، آنهایی که بازیگر نبودند مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمی بلند شود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات که هر کس علم بلند کند، علم مهدی به عنوان مهدویت بلند کند. حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این است که ما تکلیفمان دیگر ساقط است؟<sup>۲</sup>

ایشان در ادامه کلامشان نتایج چنین دیدگاهی را بررسی کرده، می‌فرمایند:

اینکه می‌گوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج و مرج باشد. اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آن طور فساد پر می‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنکه می‌گوید حکومت نباشد معنایش این است که هرج و مرج بشود، همه هم را بکشند، همه به هم ظلم کنند برای اینکه حضرت بیاید، حضرت بیاید چه کند؟ برای اینکه رفع کند

۱. همان، ص ۱۹۷.

۲. همان.

این را. این یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاستی این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هرکاری بخواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد.<sup>۱</sup>

و در ادامه نیز اضافه می‌کنند که:

اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود... خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است، اینها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند. اینها تزریق کردند بهشان که این حرف‌ها را بزنند، نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند، حکومت نبودن یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست. و این نفهم‌ها نمی‌دانند دارند چی می‌گویند.<sup>۲</sup>

حضرت امام، در پایان بررسی دیدگاه‌های یادشده، دیدگاه خود در باب مفهوم انتظار فرج را به صراحت مطرح کرده، می‌فرمایند:

البته این پرکردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم می‌کردیم اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی‌توانیم بکنیم، چون نمی‌توانیم باید او

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۹۸.



بباید تا بکند، اما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت علیه السلام.<sup>۱</sup>  
فرمایش امام راحل یادآور این حدیث نبوی است که:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قِيَّوْطُونَ لِلْمَهْدِيِّ؛ يَعْنِي سُلْطَانَهُ.

مردمی از مشرق زمین به پا می‌خیزند و زمینه را برای برپایی حکومت مهدی آماده می‌سازند.<sup>۲</sup>

آری، انتظار در قاموس امام خمینی ره مفهومی جز آمادگی فردی و اجتماعی برای برپایی دولت کریمه حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - ندارد و این همان است که در فرهنگ شیعی بدان اشاره شده و در روایات معصومین علیهم السلام از آن سخن به میان آمده است.

اینجاست که هر پژوهشگر منصفی بر نقش عظیم حضرت امام در احیای اندیشه انتظار اذعان نموده و اقرار خواهد کرد که هیچ قیام و جنبش اصلاح طلبانه‌ای در طول قرون گذشته به اندازه حرکت‌رهایی بخش امام راحل در زمینه‌سازی ظهور حضرت حجّت علیه السلام تأثیر نداشته است.

به امید روزی که فجر انقلاب اسلامی به صبح روشن انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام متصل شود و چشم‌های ناقابل ما به جمال بی‌مثال آن پیک خجسته پی روشن گردد، ان شاء الله.

۱. همان.

۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، ص ۳۰۴.

## گفتار پنجم: امام خمینی و انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام

در پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ حرکتی در کشور آغاز شد که مبدأ تحولی شگرف در حیات اجتماعی - فرهنگی مردم مسلمان ایران گردید و پس از پانزده سال تبدیل به مهم‌ترین تحول اجتماعی - سیاسی قرن بیستم شد.

اما آنچه این حرکت را تا به این اندازه تحول ساز و تأثیر گذار کرده بود، رهبری رادمردی بود که با پشتوانه‌ای عظیم و غنی از فرهنگ و معارف اسلام ناب محمدی در ورای همه جریان‌های فکری حاکم بر کشور به هدایت این حکومت پرداخته بود.

بی‌تردید باید گفت که سرزمین دلاورپرور ایران در تمامی دوران حیات خود، رهبری به این عظمت که هم بتواند با تسخیر قلوب مردم مهم‌ترین تحول معنوی را در کشور ایجاد کند و هم با اقتدار تمام کشور را در توفان سهمگین توطئه، تجاوز و خیانت، به بهترین شکل راهبری و هدایت کند، به خود ندیده است.

امروز با گذشت بیش از دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، جامعه ما بیش از هر

زمان دیگری نیازمند شناخت خطوط اصلی حرکت حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و مبانی فکری ایشان است. اصول و مبانی ای که توجه به آنها می تواند انقلاب اسلامی را در صراط مستقیم حفظ نموده و آن را از آسیب ها در امان بدارد.

برخی از اندیشمندان علوم سیاسی بر این باورند که هرگاه یک نهضت و انقلاب مردمی تبدیل به نظام و حکومت و به اصطلاح نهادینه می شود، دوران افول و نزول آن آغاز می گردد و به تدریج رو به اضمحلال می گذارد. بر اساس همین باور، این روزها گروهی در تحلیل هایشان مطرح می کنند که دوران «انقلاب اسلامی» دیگر به سر آمده است.

اما در برابر این دیدگاه باید گفت که نهادینه شدن یک حرکت انقلابی، زمانی می تواند موجب افول و سقوط آن شود که آرمان ها و ایده آل های آن حرکت چنان خرد و حقیر باشد که با براندازی یک نظام سیاسی و تشکیل یک نظام سیاسی جدید دیگر حرفی برای گفتن و هدفی برای تلاش کردن نداشته باشد.

حضرت امام رحمته الله علیه در سراسر دوران مبارزه هرگز هدف خود را در از بین بردن استبداد داخلی و مبارزه با استعمار خارجی در کشور ایران محدود نکرده بود و آنچه در پی آن بود حاکمیت اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست ابرقدرت ها از همه کشورهای اسلامی بود. ایشان حرکت خود را در راستای قیام جهانی موعود علیه السلام می دید و انقلاب اسلامی ایران را مقدمه ای برای انقلاب عظیم مهدوی ارزیابی می کرد و از همین رو تشکیل حکومت اسلامی در ایران هیچ گاه باعث نمی شد که ایشان از حرکت باز ایستد و سایر ملل اسلامی را به فراموشی سپارد.

برای شناخت جایگاه انقلاب مهدوی در تفکر سیاسی حضرت امام و تأثیری که فرهنگ انتظار در اهداف کلان و استراتژی بلندمدت ایشان گذاشته بود، در این مقاله بخش هایی از رهنمودهای ایشان را که در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی ایراد شده

است، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بررسی این رهنمودها علاوه بر اینکه می‌تواند به ما در شناخت اصول اساسی تفکر امام راحل علیه السلام کمک کند، می‌تواند ما را در شناسایی دلیل کینه و عناد استکبار جهانی نسبت به امام و انقلاب اسلامی و همچنین درک انگیزه تلاش‌های بی‌پایانی که در جهت استحاله نظام اسلامی صورت می‌گیرد، یاری رساند.

### ۱. نفی وابستگی به شرق و غرب

امام راحل علیه السلام در سراسر دوران مبارزه خویش بر شعار «نه شرقی، نه غربی» به عنوان یکی از اصول اساسی انقلاب اسلامی پای می‌فشرد و تا آخرین لحظه حیات پربرکت خود هم حاضر به عقب نشینی از این شعار اصلی انقلاب نشد.

اما آنچه که امام را وامی‌داشت که این چنین بر این اصل پافشاری کند، احساس عزتی بود که او در پرتو ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و به ویژه امام عصر علیه السلام بدان دست یافته بود.

ایشان نمی‌توانست بپذیرد که مردم مسلمان ایران در عین پذیرش ولایت آخرین حجّت خدا، امام زمان علیه السلام سر در گرو ولایت طاغوت‌های شرق و غرب داشته باشند، این بود که قاطعانه اعلام می‌کرد:

هیئات که امت محمد صلی الله علیه و آله و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت

صالحان به مرگ ذلت بار و اسارت غرب و شرق تن در دهند.<sup>۱</sup>

و از این بالاتر، التزام به اصل «نه شرقی، نه غربی» را وظیفه مسلمانان جهان دانسته و پشت کردن به این اصل را، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا و ائمه هدی و پذیرش آن را «شرط ورود به صراط نعمت حق»

۱. صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۱۳. (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، مرداد ۱۳۶۶)

می دانست:

شعار «نه شرقی و نه غربی» ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می پذیرند و ذره ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد. و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان باید نه وابسته به غرب و اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند، که ان شاء الله به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته اند. و به طور قطع و یقین پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا و ائمه هدی است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است. و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است؛ که این سیاست ملاک ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است، چرا که شرط ورود به صراط نعمت حق، برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود.<sup>۱</sup>

## ۲. احیای هویت اسلامی مسلمانان

حضرت امام علیه السلام این وعده قرآن کریم را که می فرماید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ  
الْمُشْرِكُونَ.<sup>۲</sup>

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه

۱. همان، ص ۱۱۴.

۲. سوره توبه (۹)، آیه ۳۳؛ سوره صف (۶۱)، آیه ۹؛ همچنین ر. ک: سوره فتح (۴۸)، آیه ۲۸.

دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

با جان و دل پذیرفته بود و از این رو با صلابت تمام بیان می داشت:

من با اطمینان می گویم اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می نشاند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.<sup>۱</sup>

اما ایشان به خوبی واقف بود که رسیدن به این هدف مستلزم احیای هویت اسلامی مسلمانان و بازگشت آنان به اصول اساسی خویش است. از این رو یکی از اهداف مهم جمهوری اسلامی ایران را تلاش برای احیای این هویت و توجه دادن مسلمانان به اصول و مبانی فکر دینی دانسته، می فرمود:

من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت، پول و فریب را نگیرد.<sup>۲</sup>

### ۳. گسترش نفوذ اسلام در جهان

اعتقاد به حقانیت اسلام و ایمان به بطلان دیگر مکتب‌ها و مسلک‌ها، به صورت بالقوه این توان را دارد که هر فرد مؤمن و معتقدی را به تلاش برای گسترش بیشتر اسلام وادارد؛ اما امام خمینی به عنوان رهبری که افق‌های دیدش همه جهان را در می نوردید و به چیزی کمتر از حاکمیت جهانی اسلام دل نمی بست، به این موضوع با دیدی دیگر نگاه می کرد، ایشان با صراحت اعلام می کرد که در پی نابودی همه

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸.

۲. همان، ص ۲۳۸.

نظام‌های استکباری و گسترش نظام اسلامی در سراسر جهان است:

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارد از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف خدا و عنایت خداوند بزرگ نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله صلی الله علیه و آله را در جهان استکبار ترویج نماییم.<sup>۱</sup>

ایشان در پیامی دیگر تلاش برای گسترش اسلام راستین در جهان و مبارزه با سلطه جهانخواران را اقدامی برای زمینه‌سازی ظهور منجی و مصلح کل دانسته، می‌فرماید:

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است به سیطره و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق، امام زمان - ارواحنا له الفداء - هموار می‌کنیم.<sup>۲</sup>

امام راحل در بخش دیگری از همین پیام، روشنفکران جهان اسلام را به تلاش آگاهانه برای دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم فراخوانده، چنین می‌فرماید:

۱. همان، ج ۱۰، ص ۲۳۲.

۲. همان، ج ۲۰، ص.

روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پرفراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه داری و کمونیسم را بپیمایند و تمام آزادی خواهان باید با روشن بینی و روشنگری راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرت ها و قدرت ها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند.<sup>۱</sup>

#### ۴. ایجاد حکومت جهانی اسلام

از همان سال های نخست پیروزی انقلاب اسلامی همواره این سؤال مطرح بود که آیا دولت و نظام اسلامی باید تنها در پی ایجاد رفاه و آسایش برای مردم ایران و سازندگی کشور اسلامی باشد یا اینکه در کنار این هدف، باید به هدف بزرگ تر انقلاب اسلامی که آزادی همه ملل تحت ستم و تشکیل حکومت جهانی اسلام است، نیز بیندیشد؟

تفکری که به تدریج بر افکار مسئولان نظام اسلامی حاکم شد، این بود که چون ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام مطرح است، پس باید ابتدا به فکر توسعه و سازندگی در داخل کشور بود و ان شاء الله در آینده که از آبادانی و سازندگی ایران اسلامی فارغ شدیم به فریاد دیگر ملل مظلوم هم می رسیم و برای حاکمیت جهانی اسلام هم برنامه ریزی می کنیم! اما در مقابل تفکر «ام القری»، امام راحل با ژرف اندیشی تمام و با پشتوانه عظیم اعتقاد به انقلاب جهانی حضرت حجت علیه السلام مسئولان نظام را از اینکه تنها به ایران بیندیشند، بر حذر داشته، می فرمود:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا له



## ۲۰۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

الفداء - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، و این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.<sup>۱</sup>

از این رهنمود به خوبی استفاده می‌شود که امام راحل علیه السلام انقلاب اسلامی را زمینه‌ساز انقلاب جهانی مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دانسته و از همین رو معتقد بودند که مسئولان نظام جمهوری اسلامی باید همه تلاش خود را بر ایجاد آمادگی برای ظهور دولت کریمه امام عصر علیه السلام قرار داده و متوجه باشند که پرداختن به برنامه‌های توسعه، حتی یک لحظه، آنها را از این هدف بزرگ که غفلت از آن «خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد» باز ندارد.

آنچه گذشت چند اصل مهم از اصولی بود که امام راحل علیه السلام در تمامی دوران مبارزه خویش بر آنها پافشاری می‌کردند و به ویژه در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای عملی شدن آنها تلاش فراوانی نمودند.

اما پافشاری امام بر این اصول، استکبار جهانی را تا سر حد جنون از انقلاب اسلامی و بنیانگذار آن خشمگین ساخته بود؛ چرا که استکبار جهانی به خوبی دریافته بود که اگر انقلاب اسلامی بتواند این اصول را در عمل پیاده سازد؛ نتیجه‌ای جز نابودی آنها در بر نخواهد داشت، این بود که از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تلاش خود را بر ضربه زدن به این انقلاب متمرکز نموده و با تمام قوا در صدد نابودی کامل و یا لااقل استحاله فرهنگی نظام اسلامی برآمد.

۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

## امام خمینی و انقلاب جهانی امام عصر علیه السلام ■ ۲۰۳

رهبر کبیر انقلاب اسلامی دلایل دشمنی شرق و غرب با انقلاب اسلامی را این‌گونه تشریح می‌کنند:

امروزه غرب و شرق به‌خوبی می‌دانند که تنها نیرویی که می‌تواند آنان را از صحنه خارج کند اسلام است. آنها در این ده سال انقلاب اسلامی ایران ضربات سختی از اسلام خورده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که به هر وسیله ممکن آن را در ایران که مرکز اسلام ناب محمدی است، نابود کنند؛ اگر بتوانند با نیروی نظامی، اگر نشد با نشر فرهنگ مبتذل خود و بیگانه کردن ملت از اسلام و فرهنگ ملی خویش و...<sup>۱</sup> امیدواریم که مسئولان نظام جمهوری اسلامی و مردم مسلمان ایران با عنایت بیشتر به رهنمودها و وصایای امام راحل علیه السلام بتوانند توطئه‌های رنگارنگ استکبار جهانی بر ضد انقلاب اسلامی را یکی پس از دیگری خنثا کنند، تا این انقلاب بتواند به هدف نهایی خود که زمینه‌سازی انقلاب مهدوی است نائل شود.

خداوندا! بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فروریختن کاخ‌های ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان و همه ملت‌ها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما.<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۱۰۸-۱۰۷.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۱۸.

## گفتار ششم: جامعه موعود، الگوی جامعه مطلوب

حکومت جهانی موعود را از دو دیدگاه می‌توان مورد مطالعه قرار داد: در دیدگاه نخست به این حکومت تنها به عنوان آرمانی دور دست که باید در انتظار تحقق آن بود نگریسته می‌شود، آرمانی که با وضع موجود ما نسبتی نداشته و هیچ تأثیری هم در واقعیت‌های جاری جامعه ندارد.

اما در دیدگاه دوم، این حکومت - با همه ویژگی‌های آرمانی آن - نه تنها به عنوان غایت آمال بشر و نهایت آرزوی عدالت‌خواهان بلکه به عنوان الگوی واقعی برای سامان بخشیدن به وضع موجود و هدفی عینی که می‌تواند حرکت‌های اجتماعی ما را جهت بخشد؛ قابل مطالعه است. اگر چه تحقق کامل این آرمان جز به دست با کفایت بنده برگزیده خدا حضرت ولی الله الأعظم - ارواحنا له الفداء - میسر نیست. حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در یکی از بیانات خود، ضمن اشاره به ضرورت «اهتمام به مسئله عدالت اجتماعی در کشور» و لزوم مقابله با «طبقه بهره‌مندان از پول‌های حرام» و «مرفهان بی‌درد» به نکته مهمی اشاره کردند که

توجه به آن می‌تواند ما را در ارایه تصویری روشن از دیدگاه دوم یاری دهد. ایشان در سخنان خود موضوع «عدالت گستری» و «قسط آفرینی» را که در روایات اسلامی از آن به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم انقلاب مهدوی یاد شده، بررسی کرده و توجه به این موضوع را در همه برنامه‌های نظام اسلامی ضروری دانسته‌اند:

نظام اسلامی، نظام عدالت است. شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخرالزمان هستید و الآن حدود هزار و دویست سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف و جعلنا الله فداه - است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر می‌کنید؟ والذی یملاً الله به الأرض قسطاً و عدلاً نمی‌گویید که یملاً الله به الأرض دیناً. این نکته خیلی مهمی است. چرا به این نکته توجه نمی‌کنیم؟ اگرچه قسط و عدل متعلق به دین است اما هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا می‌کند و این نظام اسلامی که به وجود آمده است اولین کارش اجرای قسط و عدل است.

قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل می‌خواهیم. کارهای گوناگون، مبارزه، جنگ، سازندگی و توسعه را برای قسط و عدل می‌خواهیم. برای این که در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده بکنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها می‌توانند رشد کنند. به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خود را به دست بیاورند. قسط و عدل، یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است. چطور می‌شود به این قضیه بی‌اعتنایی کرد؟<sup>۱</sup>

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، پنجشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۷۶.

## جامعه موعود، الگوی جامعه مطلوب ■ ۲۰۷

جان کلام رهبر انقلاب در سخنان یادشده این است که ما نباید به فرهنگ مهدویت و انتظار، با همه مشخصه‌هایی که در روایات ما برای آن برشمرده شده است، به عنوان مجموعه معارفی که فقط ترسیم‌کننده وضعیت آینده جهان است و هیچ نسبتی با وضعیت کنونی مسلمانان ندارد، نگاه کنیم، بلکه باید این فرهنگ را در تمام عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه خود جاری و ساری بدانیم و در پی آن باشیم که ویژگی‌های ذکر شده برای جامعه موعود را، تا آن‌جا که در توان داریم، در جامعه خود پیاده کنیم و اگر فعلاً توفیق دستیابی به جامعه موعود را نداریم، لااقل با الگو قرار دادن آن، جامعه مطلوب را بنیان نهیم. چنان‌که امام راحل علیه السلام نیز به این موضوع اشاره کرده، می‌فرماید:

حالا البته این پرکردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند، الان عالم پر از ظلم است، شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است، ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم، تکلیفمان است.<sup>۱</sup>

اگر الگوپذیری از قیام عدالت گستر مهدی موعود علیه السلام در جامعه اسلامی ما به صورت یک فرهنگ درآید و همه دست اندرکاران نظام اسلامی خود را موظف به شناخت ویژگی‌های دولت کریمه آخرین ذخیره الهی بدانند و سعی کنند که زندگی فردی و فعالیت اجتماعی خود را بر آن ویژگی‌ها منطبق سازند، آن وقت است که معنای واقعی انتظار فرج تحقق می‌یابد؛ زیرا ما وقتی می‌توانیم خود را منتظر واقعی بدانیم که در عمل به آرمان‌هایی که تحقق آنها را انتظار می‌کشیم پایبند باشیم.

بنابراین باید روایاتی را که به بیان خصایص یگانه مصلح موعود و ویژگی‌های حکومت جهانی آن حضرت پرداخته‌اند، مورد بررسی قرار دهیم تا سرانجام

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۸.

بتوانیم به الگوی مناسبی از جامعه موعود دست یابیم؛ الگویی که بتواند حیات اجتماعی ما را در عصر حاضر سامان دهد.

در این جا برای روشن تر شدن موضوع بحث به برخی از ویژگی‌هایی که در روایات برای حکومت جهانی آن امام غایب بر شمرده شده است، اشاره می‌کنیم:

### ۱. ساده زیستی کارگزاران حکومت

در این زمینه روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که توجه به مفاد آن در ارائه تصویری از شیوه زندگی کسی که در عصر ظهور، حکمران سراسر عالم خواهد بود، بسیار مفید است. آن حضرت بنا بر این روایت خطاب به یارانش می‌فرمایند:

مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ! فَوَاللَّهِ مَا لِبِاسِهِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشَبُ...!

چه شده است که برای خروج قائم، شتاب می‌کنید؟ به خدا سوگند، او جامه درشت می‌پوشد و خوراک خشک و ناگوار می‌خورد...

در روایت دیگری که «مفضل» از امام صادق علیه السلام کرده است، آن حضرت تصویری جامع از شیوه زندگی حاکمان در عصر حکومت اهل بیت علیهم السلام ارائه می‌دهند:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِالطَّوَّافِ، فَنَظَرَ إِلَيَّ وَ قَالَ لِي يَا مُفَضَّلُ! مَا لِي أَرَاكَ مَهْمُومًا مُتَغَيِّرَ اللَّوْنِ؟ قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! نَظَرِي إِلَى بَنِي الْعَبَّاسِ وَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ هَذَا الْمَلِكِ وَ السُّلْطَانِ وَ الْجَبْرُوتِ، فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ لَكُمْ لَكُنَّا فِيهِ مَعَكُمْ، فَقَالَ: يَا مُفَضَّلُ، أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سِيَاسَةُ اللَّيْلِ وَ سِيَاحَةُ

النَّهَارِ، أَكَلُ الْجَشَبِ وَ لُبْسُ الْخَشَنِ، شِبْهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ إِلَّا فَالْتَارُ.<sup>۱</sup>  
سالی در حج، به هنگام طواف، خدمت امام جعفر صادق عليه السلام بودم. در اثنای طواف، امام نگاهی به من کرد و فرمود: چرا این گونه اندوهگینی و چرا رنگت تغییر کرده است؟ گفتم: فدایت شوم! بنی عباس و حکومتشان را می بینم و این مال و این تسلط و این قدرت و جبروت را، اگر همه در دست شما بود، ما هم با شما در آن سهیم بودیم. امام عليه السلام فرمود: ای مفضل! بدان، اگر حکومت در دست ما بود جز سیاست شب (عبادت، اقامه حدود و حقوق الهی و حراست مردم) و سیاحت روز (سیر کردن و رسیدگی به مشکلات مردم و جهاد و رفع ظلم و...) و خوردن خوراک های خشن و نامطبوع و پوشیدن جامه های درشت، یعنی همان روش امیرالمؤمنین عليه السلام چیزی در کار نبود که اگر [در کار حکومت دینی] جز این عمل شود، پاداش آن دوزخ خواهد بود.

نکته قابل توجه در این روایت این است که با وجود این که حضرت امام جعفر صادق عليه السلام خود در زمان امامتشان، بنابر بعضی روایات، از لباس های لطیف نیز استفاده می کردند - و به همین دلیل مورد طعن و انتقاد بعضی از مقدس مآب ها واقع می شدند<sup>۲</sup> - در این جا می فرمایند اگر ما به حکومت برسیم سهمی جز خوردن خوراک های ناگوار و پوشیدن جامه های تن آزار نداریم؛ که این بیانگر اهمیت ویژه زمامداری و حکومت بر مسلمین و وظیفه خطیر کارگزاران حکومت اسلامی است و نشان می دهد که پذیرفتن مسئولیت حکومت مردم، تعهد مضاعفی را بر عهده پذیرنده این مسئولیت می آورد و او را ناچار می سازد که زندگانی خویش را با ضعیف ترین طبقات اجتماع هماهنگ سازد تا درد آنها را با تمام وجود احساس و

۱. همان، ص ۳۵۹. به نقل از: حکیمی، محمد، همان.

۲. ر. ک: امین، سید محسن، سیره معصومان، ترجمه علی حجتی کرمانی، ج ۶، ص ۵۱.

## ۲۱۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

همت خویش را صرف بهبود آلام آنها کند.

حکایت زیر، رسالت سنگین پیشوایان و کارگزاران جامعه عدل اسلامی را به خوبی بیان می کند:

روزی یکی از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: ای امیرمؤمنان! از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت می کنم. فرمود: چرا؟ گفت: جامه های پشمین به تن کرده و از دنیا روی برگردانده. امام علیه السلام فرمودند: او رانزد من آرید. چون نزد ایشان آمد بدو گفت: ای دشمنک خویش! شیطان سرگشته ات کرده و از راهت بدر برده. بر زن و فرزندان رحمت نمی آری و چنین می پنداری که خدا آنچه را پاکیزه است و بر تو روا فرموده، اما ناخشنود است که از آن برداری؟ تو نزد خدا خوارمایه تر از آنی که پنداری؟

گفت: ای امیرمؤمنان! و تو در این پوشاک زیر تن آزار باشی و خوراک دشوار خوار؟ فرمود:

وَيَحْكُ إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ [الْحَقُّ] أَنْ يُقَدَّرُوا  
أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ.<sup>۱</sup>

وای بر تو! من نه چون توام. که خدا بر پیشوایان دادگر واجب فرموده خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی، [شخص] تنگدست را به هیجان نیارد و به طغیان واندارد.

## ۲. قاطعیت با کارگزاران و ملاطفت با زیردستان

یکی از ویژگی های مهم حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام که در روایات بدان

۱. نهج البلاغه، کلام ۲۰۹، ترجمه سید جعفر شهیدی صص ۲۴۲ - ۲۴۱؛ فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، کلام ۲۰۰، صص ۲۰۱ - ۲۰۰.



اشاره شده، سختگیری و قاطعیت نسبت به کارگزاران حکومت و مجریان امور و برخورد شدید با متخلفان است. در روایتی که در این زمینه از امام علی علیه السلام نقل شده است، می خوانیم:

لَيَنْزَعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاةَ السَّوِّءِ، وَ لَيَقْبِضَنَّ عَنْكُمْ الْمُرَاضِينَ، وَ لَيَعَزِلَنَّ عَنْكُمْ أُمَرَاءَ  
الْجَوْرِ، وَ لَيُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ...<sup>۱</sup>

... امام مهدی علیه السلام قاضیان زشتکار را کنار می گذارد و دست مفسدان را از سرتان کوتاه می کند، و حکمرانان ستم پیشه را برکنار می نماید، و زمین را از هر نادراست و خائنی پاک می سازد.

در روایت دیگری قاطعیت و سازش ناپذیری حضرت ولی عصر علیه السلام در مقابل کارگزاران ناشایست و ملاطفت و مهربانی آن حضرت با بیچارگان و مستمندان چنین توصیف شده است:

الْمَهْدِيُّ سَمِيحٌ بِالْمَالِ، شَدِيدٌ عَلَى الْعُمَّالِ، رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ.<sup>۲</sup>

مهدی علیه السلام بخشنده است، او با کارگزاران و مأموران دولت خویش بسیار سختگیر و با ناتوانان و مستمندان بسیار دلرحم و مهربان است.

شدت و قاطعیت در مقابل کارگزاران حکومت و رأفت و ملاطفت نسبت به ناتوانان و زیردستان از ویژگی های مهمی هستند که حاکم اسلامی می باید بدانها آراسته باشد، تا به آنجا که امام صادق علیه السلام در نامه ای که خطاب به «نجاشی»، یکی از یاران خود که به سمت استانداری اهواز منصوب شده بود، رستگاری و نجات او را در گرو داشتن این ویژگی ها دانسته، می فرماید:

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۱، ص ۱۲۰. به نقل از: حکیمی، محمد، عصر زندگی (چگونگی آینده انسان و اسلام)، ص ۵۱.

۲. العسکری، نجم الدین جعفر بن محمد، المهدی الموعود المنتظر عند علماء السنه و الإمامیه، ج ۱، ص ۲۷۷. به نقل از: حکیمی، محمد، همان.

وَ اعْلَمُ أَنَّ خَلَاصَكَ وَ نَجَاتَكَ فِي حَقَنِ الدِّمَاءِ وَ كَفِّ الأَذَى عَنِ أَوْلِيَاءِ اللهِ وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ وَ التَّانِي وَ حُسْنِ المُعَاشِرَةِ مَعَ لِينٍ فِي غَيْرِ ضَعْفٍ وَ شِدَّةٍ فِي غَيْرِ عُنْفٍ.<sup>۱</sup>

بدان که نجات و رستگاری تو در گرو چند چیز است: جلوگیری از ریختن خون [بی گناهان]، خودداری از آزار دوستان خدا، مدارا و ملاطفت با زیردستان و حسن سلوک همراه با رأفت و مهربانی‌ای که برخاسته از ضعف و ناتوانی، و شدت و قاطعیتی که برخاسته از زورگویی نباشد.

امام علی علیه السلام نیز یکی از فرمانداران خود را چنین سفارش می‌کنند:

وَ اخْلِطِ الشَّدَّةَ بِضِغْتٍ مِنَ اللَّيْنِ، وَ اَرْفُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ وَ اعْتَزِمْ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا يُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ...<sup>۲</sup>

شدت و قاطعیت را با قدری نرمی و ملاطفت بیامیز، و هر زمان که مهربانی و مدارا کردن شایسته تر است، مدارا کن و آن جا که چاره‌ای جز شدت و قاطعیت نداری شدت و قاطعیت پیشه کن.

### ۳. تأمین رفاه اقتصادی مردم

در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام رفاه و آسایش بر تمام بخش‌ها و زوایای زندگی بشر دامنگیر می‌شود و انسان‌ها آسوده خاطر از مشکلات روزمره تأمین معاش می‌توانند به سازندگی معنوی خود پردازند.

در این زمینه روایت‌های بسیاری نقل شده که در اینجا به ذکر روایتی از امام

علی علیه السلام اکتفا می‌کنیم:

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۷۷، ص ۱۹۲.

۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص ۳۲۰، نامه ۴۶.

... وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنِ اتَّبَعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مِنْهَاجَ الرَّسُولِ... وَكَفَيْتُمْ  
مُؤَوَّنَةَ الطَّلَبِ وَالتَّعَسُّفِ، وَتَبَدُّتُمْ الثَّقْلَ الْفَادِحَ عَنِ الْأَعْنَاقِ...<sup>۱</sup>

... بدانید اگر شما از کسی که مشرق برمی خیزد (امام مهدی علیه السلام) پیروی کنید،  
شما را به آیین پیامبر درآورد... تا از رنج طلب و ظلم [در راه دستیابی به امور  
زندگی] آسوده شوید و بار سنگین [زندگی] را از شانه هاتان بر زمین نهید...

چنان که ملاحظه می شود در این روایت پیروی از امام عادل و درآمدن به آیین  
پیامبر صلی الله علیه و آله مقدمه‌ای برای رسیدن به وضع مطلوب اقتصادی، آسودگی از رنج طلب و  
رهایی از بار سنگین زندگی ذکر شده است. نکته ظریفی که از این موضوع به دست  
می آید این است که تأمین رفاه اقتصادی و سامان بخشیدن به وضعیت معیشتی مردم  
یک جامعه، نه تنها با اهداف الهی و ارزش های معنوی آن جامعه منافات ندارد، بلکه  
تحقق این اهداف زمینه و بستر مناسبی برای رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی و  
تأمین رفاه و آسایش عمومی مردم جامعه است.

نکته یادشده را در کلام دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام می توان مشاهده کرد، آنجا

که می فرماید:

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْ اقْتَبَسْتُمْ الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِهِ، وَادَّخَرْتُمْ  
الْخَيْرَ مِنْ مَوْضِعِهِ، وَ أَخَذْتُمْ الطَّرِيقَ مِنْ وَضْعِهِ، وَ سَلَكَتُمْ مِنَ الْحَقِّ نَهْجَهُ،  
لَنَهَجَتْ بِكُمْ السُّبُلُ وَ بَدَتْ لَكُمْ الْأَعْلَامُ، وَ أَضَاءَ لَكُمْ الْإِسْلَامُ، وَ أَكَلْتُمْ رَغَدًا،  
وَ مَا عَالَ فِيكُمْ عَائِلٌ وَ ظَلِمَ مِنْكُمْ مُسْلِمٌ وَ لَا مُعَاهِدٌ.<sup>۲</sup>

سوگند به خدایی که دانه را [در دل خاک] بشکافت، و آدمیان را آفرید، اگر علم را  
از معدن آن اقتباس کرده بودید و خیر را از جایگاه آن خواستار شده بودید و از

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۱، ص ۱۲۳. به نقل از: حکیمی، محمد، همان، ص ۱۱۳.  
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۳۲. به نقل از: حکیمی، محمد، همان، ص ۱۱۲.

## ۲۱۴ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

میان راه به رفتن پرداخته بودید و راه حق را از طریق روشن آن پیموده بودید، راه‌های شما هموار می‌گشت و نشانه‌های هدایتگر پدید می‌آمد و فروغ اسلام شما را فرا می‌گرفت و به فراوانی غذا می‌خوردید و دیگر هیچ عائله‌مندی بی‌هزینه نمی‌ماند و بر هیچ مسلمان و غیرمسلمانی ستم نمی‌رفت.

### ۴. گسترش عدالت و مساوات

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مهدی گسترش عدالت در همه شئون زندگی بشر است. مطابق حدیث مشهوری که به حد تواتر از شیعه و اهل سنت نقل شده است، آن حضرت «...زمین را از عدل و داد لبریز می‌کند پس از آنکه از ستم و بیداد لبریز شده باشد.»<sup>۱</sup>

عدالت مهدوی آن چنان فراگیر و گسترده است که حتی به درون خانه‌ها نیز نفوذ کرده و روابط خصوصی افراد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، کاری که از عهده هیچ نظام حقوقی برخاسته نیست، چنان که امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

... وَ أَمَا وَ اللَّهُ لَيُدْخِلَنَّ (الْقَائِمُ) عَلَيْهِمْ عَدْلَهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ.<sup>۲</sup>

به خدا سوگند مهدی علیه السلام عدالتش را تا آخرین زوایای خانه‌های مردم وارد می‌کند، همچنان که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود.

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام شمول دامنه عدالت آن حضرت چنین بیان شده است:

.... فَإِنَّهُ (الْقَائِمُ) يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ، وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ، الْبِرِّ مِنْهُمْ وَ

۱. ر. ک: صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۲، ص ۳۶۲. به نقل از: حکیمی، محمد، همان، ص ۴۲.

الفاجر...<sup>۱</sup>

... امام قائم (اموال را) برابر تقسیم می‌کند و میان (همه) مردم، نیکوکار و بدکار، به عدالت رفتار می‌نماید...

امام راحل علیه السلام در بیان مفهوم واقعی عدالتی که به دست توانای امام مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد و سراسر زمین را فرامی‌گیرد، می‌فرماید:

قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می‌فهماند، من جمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود، در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی موعود علیه السلام که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر. هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند، لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا [...] وقتی که ایشان ظهور کنند - ان شاء الله خداوند تعجیل کند در ظهور او - تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد، تمام کجی‌ها را راست می‌کند، «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ جَوْرًا» همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می‌فهمیم، که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست معنی «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ جَوْرًا» الان زمین - و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود - پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست، حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند. در اخلاق‌ها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند

۱. همان، ج ۵۱، ص ۲۹، به نقل از حکیمی، محمد، همان، ص ۱۵۹.

## ۲۱۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

انحرافات معلوم است و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکنند: «يَسْتَلِئُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ جَوْرًا».<sup>۱</sup> او<sup>۲</sup>

---

۱. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، ج ۱۲، ص ۲۰۹-۲۰۷.  
۲. در فصل آینده در زمینه ویژگی‌های جهان پس از ظهور بیشتر سخن خواهیم گفت.

## فصل سوم

ظهور؛ نشانه‌ها و چشم‌اندازها

## گفتار اول: تعیین وقت برای ظهور

برخی حوادث و رویدادهایی که در یکی دو سال گذشته در جهان رخ داده، به ویژه انتشار اخباری در زمینه انتظار مسیحیان برای بازگشت حضرت مسیح علیه السلام در آغاز هزاره سوم میلادی، شور و شوق ظهور مصلح آخر الزمان، حضرت بقیة الله الاعظم - ارواحنا فداه - را در جامعه ما دامن زده و این زمزمه را در میان بسیاری از مشتاقان و منتظران قدوم آن حضرت پدید آورده که آیا ظهور نزدیک نیست؟! آیا نباید در آینده نزدیک در انتظار وقوع واقعه خوش ظهور بود؟! و...

حتی عده‌ای در این میان، به پیش‌بینی زمان ظهور پرداخته و مردم را به آمادگی برای استقبال از قدوم حضرت مهدی علیه السلام در آینده‌ای بسیار نزدیک فراخوانده‌اند! اگر چه گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام پدیده مبارکی است و جای این دارد که علاقه‌مندان آن حضرت، اشتیاق ظهور را بیش از پیش در جامعه ما گسترش دهند و مردم را برای ظهور آماده سازند؛ اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور حضرت حجت علیه السلام در



## ۲۲۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

زمانی معین منجر گردد، جای تأمل بسیار دارد؛ زیرا براساس برخی روایات نقل شده از ائمه اهل بیت علیهم السلام هیچ کس جز خدای تبارک و تعالی از زمان دقیق ظهور آگاهی ندارد و از این رو تعیین وقت برای ظهور (توقیت) جایز نیست و هیچ کس حق ندارد که بر اساس برداشت‌های شخصی خود، به پیش‌بینی زمان رخداد عظیم ظهور پردازد.

برای روشن شدن بیشتر موضوع یادشده در این مقاله در ضمن چند عنوان به بررسی جوانب مختلف موضوع تعیین زمان برای ظهور می‌پردازیم.

### ۱. تعیین وقت برای ظهور و فلسفه انتظار

پیش از این در باب مفهوم، فلسفه و کارکرد انتظار در عصر غیبت، سخن گفته‌ایم و در اینجا قصد تکرار مباحث پیشین را نداریم و تنها به ذکر خلاصه‌ای از این مباحث بسنده می‌کنیم.

انتظار منجی از سویی عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی‌ها و مشکلات عصر غیبت و از سویی دیگر عاملی برای پویایی و تحرک شیعیان و آماده‌باش همیشگی آنان است. براساس تعالیم ائمه معصومین علیهم السلام منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا ظاهر شود.

به عبارت دیگر انتظار ظهور حجت در آینده‌ای نامشخص هم بیم‌دهنده و هم نویدبخش است. بیم‌دهنده است؛ زیرا منتظر با خود می‌گوید شاید همین سال، همین ماه و یا همین روز ظهور رخ دهد پس باید آماده حضور در پیشگاه حجت خدا و ارائه اعمال خود به آن حضرت باشم. و امیدبخش است؛ چرا که منتظر می‌اندیشد شاید در آینده‌ای نزدیک ظهور رخ دهد و سختی‌ها و مشکلات او به

## تعیین وقت برای ظهور ■ ۲۲۱

پایان برسد و لذا باید پایداری و مقاومت ورزید و تسلیم جریان‌هایی که در پی غارت سرمایه‌های ایمانی و اعتقادی‌اند، نشد.

با توجه به مطالب یادشده، می‌توان گفت که تعیین زمان برای ظهور برخلاف مفهوم و فلسفه انتظار است و چه بسا منتظر را به سستی و یا ناامیدی بکشد؛ زیرا وقتی گفته شود که تا فلان زمان مشخص، هر چند آینده‌ای نه چندان دور، ظهور به وقوع نخواهد پیوست، ما به طور طبیعی دچار سکون و رکود می‌شویم و به این بهانه که هنوز تا ظهور فاصله داریم، از به دست آوردن آمادگی لازم برای ظهور خودداری می‌کنیم.

از سویی دیگر اگر ظهور به هر دلیل در زمانی که به ما وعده داده شده رخ ندهد ما دچار ناامیدی و یأس می‌شویم و چه بسا که در اصل اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز دچار تردید شویم. این نکته‌ای است که در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است.

از جمله در روایتی که «فُضیل بن یَسار» از امام محمد باقر علیه السلام، نقل کرده، آن حضرت در پاسخ این پرسش که «آیا برای این امر [برخاستن قائم علیه السلام]، وقت [مشخص] وجود دارد»، فرمود:

كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ. كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ، أَنْ مُوسَى عليه السلام لَمَّا خَرَجَ وَإِقْدَأً إِلَى رَبِّهِ وَاَعَدَّهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، فَلَمَّا زَادَهُ اللهُ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ قَوْمُهُ: قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَصَنَعُوا مَا صَنَعُوا...!

کسانی که برای این امر وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند (آن حضرت سه مرتبه این سخن را تکرار کرد و آنگاه فرمود): زمانی که موسی علیه السلام قومش را برای

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۶۸، ح ۵؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، ص ۲۹۴، ح ۱۳؛ طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبة، ص ۲۶۱-۲۶۲.

رفتن به قراری که با پروردگارش داشت ترک کرد، به آنها وعده داد که تا سی روز دیگر برمی‌گردد، اما زمانی که خداوند ده روز دیگر بر آن سی روز افزود، قومش گفتند: موسی خلاف وعده کرد پس آن کردند که کردند...

داستان ارتداد قوم یهود و گوساله پرست شدن آنها در پی تأخیر ده روزه حضرت موسی در تاریخ مشهور است و این هشدار است به همه کسانی که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

آنچه در روایات امام باقر علیه السلام در مورد فلسفه تعیین نشدن وقت ظهور آمده بود، به بیانی دیگر در روایتی که از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده، آمده است. آن حضرت در این زمینه می‌فرماید:

قَلَوْ قِيلَ لَنَا: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَكُونُ إِلَّا إِلَى مِائَتِي سَنَةٍ أَوْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سَنَةٍ لَقَسَبِ الْقُلُوبِ وَ لَرَجَعِ عَامَّةُ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ، وَلَكِنْ قَالُوا: مَا أَسْرَعَهُ وَ مَا أَقْرَبَهُ تَأَلُّفًا لِقُلُوبِ النَّاسِ وَ تَقْرِيْبًا لِلْفَرَجِ.<sup>۱</sup>

اگر به ما گفته شود: این امر [ظهور قائم] تا دویست سال و یا سیصد سال دیگر واقع نمی‌شود؛ دل‌ها سخت می‌شد و بیشتر مردم از اسلام برمی‌گشتند، اما گفته‌اند: این امر چه با شتاب پیش می‌آید و چه نزدیک است! تا دل‌های مردم الفت گیرد و فرج نزدیک احساس شود.

بنابراین همه نویسندگان و گویندگانی که به عشق امام عصر علیه السلام قلم می‌زنند و سخن می‌رانند باید تلاش خود را متوجه اصل قضیه انتظار فرج، منتظر نگهداشتن مردم، حفظ شادابی و سرزندگی انتظار در آنها و یادآوری وظایف منتظران کنند و از نوشته‌ها و سخنانی که مردم را بدون دلیل به وقوع ظهور در وقت مشخصی امیدوار

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ص ۳۶۹، ح ۶؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، ص ۲۹۵، ح ۱؛ طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۲۰۷.

می‌کند، خودداری نمایند.

## ۲. ظهور ناگهانی فرامی‌رسد

در بسیاری از روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نقل شده، این نکته مورد تأکید قرار گرفته است که ظهور نیز همانند قیامت، ناگهانی و غیر منتظره فرامی‌رسد و زمان آن را هیچ‌کس جز خداوند حکیم نمی‌داند. از جمله در روایتی که امام رضا علیه السلام به واسطه پدران بزرگوارش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند چنین آمده است:

أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ صلی الله علیه و آله:  
مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي «لَا يُجَلِّيهَا لَوْ قَتَلْنَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا  
يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»<sup>۱</sup>.

به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض شد: ای فرستاده خدا! آن قائم که از نسل شماست چه وقت ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: ظهور او مانند قیامت است. «تنها خداوند است که چون زمانش فرا رسد آشکارش می‌سازد. فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است. جز به ناگهان بر شما نیاید».

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر این آیه شریفه:

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ.<sup>۲</sup>

آیا چشم به راه چیزی جز آن ساعتند که ناگاه و بی‌خبرشان بیاید؟

می‌فرماید:

۱. سوره اعراف (۷)، آیه ۱۸۷.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۳.

۳. سوره زخرف (۴۳)، آیه ۶۶.

### هِيَ سَاعَةُ الْقَائِمِ علیه السلام تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً. ۱

مراد از ساعت، ساعت [قیام] قائم علیه السلام است که ناگهان برایشان بیاید.

حضرت صاحب الامر علیه السلام نیز در یکی از توقیعات خود بر این نکته تأکید

می‌ورزند که ظهور ناگهانی و دور از انتظار فرامی‌رسد:

فَإِنَّ أَمْرَنَا بَغْتَةً فَجَاءَةٌ حِينَ لَا تَتَفَعُّهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبَةٍ. ۲

فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرامی‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی

سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.

این دسته از روایات از یکسو هشدار می‌دهد که شیعیان در هر لحظه آماده

ظهور حجت حق باشند و از سویی دیگر تذکری به همه کسانی که در پی تعیین

وقت برای ظهورند.

### ۳. نهی از تعیین وقت برای ظهور

چنان‌که گفته شد؛ تعیین وقت برای ظهور جایز نیست و براساس روایات

معصومین علیهم السلام ما وظیفه داریم کسانی را که به تعیین وقت برای ظهور می‌پردازند

تکذیب کنیم. در اینجا برای آشنایی شما عزیزان به برخی از این روایات اشاره

می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام در روایتی خطاب به محمد بن مسلم می‌فرماید:

يَا مُحَمَّدُ، مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابِنَّ أَنْ تُكْذِبَهُ، فَإِنَّا لَأَنْوِقُتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا. ۳

ای محمد! هر کس برای تو خبری از ما درباره تعیین وقت [ظهور] نقل کرد در

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۴، ح ۴.

۲. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۸۹، ح ۳؛ طوسی، محمد بن حسین، همان ص ۲۶۲.

## تعیین وقت برای ظهور ■ ۲۲۵

تکذیب او درنگ نکن؛ زیرا ما [اهل بیت] برای هیچ کس وقت ظهور را تعیین نکرده ایم.

در روایات دیگری وقتی «مِهْزَم» به امام صادق علیه السلام عرض می کند:

جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي نَنْتَظِرُ، مَتَى هُوَ؟

فدایت شوم، در مورد این امری که ما در انتظار آنیم، مرا آگاه کنید که چه زمانی واقع می شود؟

آن حضرت می فرماید:

يَا مِهْزَمُ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ.<sup>۱</sup>

ای مهزم! آنان که [برای این امر] تعیین وقت می کنند دروغ می گویند و آنها که [در این امر] شتاب می کنند نابود می شوند و کسانی که تسلیم می شوند نجات می یابند.

همچنین در توقیعی که از ناحیه مقدسه صاحب الزمان علیه السلام در پاسخ به پرسش های «اسحاق بن یعقوب» وارد شده، چنین می خوانیم:

وَ أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ، تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ.<sup>۲</sup>

اما آشکار شدن فرج، به اراده خداوند است و آنان که [برای ظهور] وقت تعیین می کنند دروغ می گویند.

توجه به روایات یادشده به خوبی این نکته را بر ما روشن می سازد که ما، نه تنها حق نداریم به استناد برخی رویدادهای اجتماعی و یا حوادث طبیعی به پیش بینی زمان ظهور و تعیین وقت برای آن پردازیم؛ بلکه بر ما لازم است ادعای کسانی را که

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۳۶۸، ح ۲؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان ص ۱۹۷ و ۱۹۸، ح ۸؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۶۲.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۱۷۶.

مدعی دانستن زمان ظهورند تکذیب کنیم و جلوی نشر این گونه ادعاها را بگیریم. فلسفه این حکم نیز روشن است؛ شما تصور کنید اگر هر از چندی زمانی برای ظهور تعیین شود و ظهور به وقوع نپیوندد چه پیش خواهد آمد. آیا مردم رفته رفته ناامید نمی شوند و اعتقاد خود را نسبت به اصل اندیشه مهدویت و ظهور منجی از دست نمی دهند؟! بنابراین باید بسیار مواظب بود و اجازه نداد که «انتظار فرج» به عنوان ارزشمندترین سرمایه اعتقادی شیعه در عصر غیبت، بازیچه دست جاهلان یا شهرت طلبان گردد.

#### ۴. ظهور را از نزدیک ببینیم

اگر چه ما از تعیین زمان برای ظهور نهی شده ایم اما این بدان معنا نیست که با موضوع ظهور به عنوان واقعه ای دور از دسترس که در آینده ای دور و نامعلوم به وقوع می پیوندد برخورد کنیم، بلکه باید همواره خود را در چند قدمی ظهور ببینیم و امیدوار باشیم که در زمان حیات خود، ظهور حضرت حجت علیه السلام را درک کنیم. این نکته ای است که از مجموع روایاتی که در این زمینه از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده استفاده می شود؛ که از جمله می توان به بخشی از دعای عهد که از امام صادق علیه السلام نقل شده، اشاره کرد. در بخشی از دعای یادشده چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْقُمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ تَرِيَهُ قَرِيباً...<sup>۱</sup>

بار خدایا! اندوه و دل‌تنگی این امت را با حضور ولی خود برطرف ساز و در ظهور او شتاب کن. دیگران ظهور او را دور می بینند ولی ما آن را نزدیک می بینیم....

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

## ۵. توجه به نشانه‌های ظهور

بخش عمده‌ای از روایاتی که در زمینه مهدویت و انتظار از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان معصومین نقل شده، مربوط به نشانه‌های ظهور است. این نشانه‌ها عبارت‌اند از برخی رویدادهای اجتماعی؛ مانند جنگ‌ها، شورش‌ها، کشته شدن افرادی خاص، زوال برخی حکومت‌ها و...؛ برخی رویدادهای طبیعی؛ مانند سیل‌های ویرانگر، قحطی، خشکسالی، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی غیر عادی و... و همچنین برخی حوادث غیر عادی؛ مانند برخاستن ندایی در آسمان که نام قائم ﷺ را در همه جا طنین‌انداز می‌سازد.<sup>۱</sup>

چنان‌که در روایات تصریح شده وقوع برخی از نشانه‌های یادشده حتمی است و تا آنها واقع نشوند ظهور رخ نخواهد داد. برخی از آنها نیز غیر حتمی هستند و چه بسا که واقع نشوند. این نشانه‌ها از یک سو هشدار و آماده‌باشی برای منتظران و از سوی راهی برای شناخت ادعاهای بی‌اساس مدعیان دروغین مهدویت و به عبارت دیگر وسیله‌ای برای حفظ مردم از غلتیدن در خطا و اشتباه است. بنابراین همه ما وظیفه داریم که نشانه‌های ظهور را براساس روایات صحیح و قابل اعتماد بشناسیم و از کم و کیف آنها به درستی آگاه شویم تا هر ادعایی را بدون دلیل نپذیریم.

## ۶. دعا برای تعجیل فرج

یکی از وظایف اصلی ما در دوران غیبت، دعا و استغاثه به درگاه الهی برای تعجیل فرج است و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه باز دارد.

چنان‌که در توقیعی که از طرف وجود مقدس امام عصر ﷺ صادر شده

۱. ر. ک: مفید، محمدبن محمد نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۳۶۱-۳۵۶؛ صدر، سید محمد، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۴۴۲ به بعد.



می خوانیم:

وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ<sup>۱</sup>

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، که فرج شما در همان است.

این دعا و استغاثه ضمن این که اسباب نزدیک شدن فرج مولایمان حضرت صاحب الامر علیه السلام را فراهم می کند موجبات ارتباط مستمر و همیشگی ما با آن حجت الهی را فراهم آورده و جلوی یأس و نومیدی ما را در دوران طولانی غیبت می گیرد. بنابراین، شایسته است همه منتظران امام عصر علیه السلام که امیدوارند در این زمان ها شاهد ظهور آن حضرت باشند، بیش از پیش به دعا و توسل برای تعجیل فرج روی آورند و آتش سوزان سینه خود را با خنکای دعاهای دلنشینی همچون دعای عهد، دعای ندبه، زیارت آل یاسین و دیگر ادعیه و توسلات، آرامش بخشند. باشد تا خداوند رحمان بر همه ما ترحم کند و ظهور پر برکت آن امام انس و جان را نزدیک سازد.

## ۷. زمان ظهور، رازی از رازهای خدا

بر اساس آنچه تا کنون بیان شد این احتمال که زمان ظهور را تنها خداوند، تبارک و تعالی، می داند تقویت می شود و می توانیم بگوییم: حتی حضرت مهدی علیه السلام نیز منتظر روزی هستند که با اذن خداوند حرکت نجات بخش خود را آغاز کنند. اما از برخی دیگر از روایات چنین بر می آید که خداوند، زمان فرارسیدن امر فرج را چون بسیاری دیگر از رازهای آفرینش برای پیامبر خود حضرت محمد صلی الله علیه و آله آشکار ساخته و آن حضرت نیز آن را برای وصی خود امیر مؤمنان علیه السلام و ایشان نیز آن را برای فرزندشان امام حسن مجتبی علیه السلام و... همینطور هر امام برای امام پس از خود

۱. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۱۷۷-۱۷۸. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۳، ص ۱۸۱-۱۸۲.

آشکار ساخته است. ولی آنها اجازه آشکار ساختن آن را برای دیگران ندارند. در قسمتی از وصایای امام صادق علیه السلام به ابو جعفر محمد بن نعمان، معروف به «مؤمن الطاق» با اشاره به زمان فرار رسیدن امر فرج چنین آمده است:

يا ابن النعمان إنَّ العالمَ لا يَقْدِرُ أنْ يُخْبِرَكَ بِكُلِّ ما يَعْلَمُ، لِأَنَّهُ سِرُّ اللَّهِ الَّذِي أَسْرَهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ عليه السلام و أَسْرَهُ جِبْرِئِيلُ عليه السلام إِلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله و أَسْرَهُ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام و أَسْرَهُ عَلِيٌّ عليه السلام إِلَى الْحَسَنِ عليه السلام و أَسْرَهُ الْحَسَنُ عليه السلام إِلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام و أَسْرَهُ الْحُسَيْنُ عليه السلام إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام و أَسْرَهُ عَلِيٌّ عليه السلام إِلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله و أَسْرَهُ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله إِلَى مَنْ أَسْرَهُ، فَلَا تَعْجَلُوهُ...!

ای فرزند نعمان! عالم (امام) نمی تواند از همه آنچه که می داند، تو را آگاه سازد؛ زیرا آن [زمان] راز خداست که خداوند آن را به جبرئیل عليه السلام؛ جبرئیل عليه السلام آن را به محمد صلى الله عليه وآله؛ محمد صلى الله عليه وآله آن را به علی عليه السلام؛ علی عليه السلام آن را به حسن عليه السلام؛ حسن عليه السلام آن را به حسین عليه السلام؛ حسین عليه السلام آن را به علی عليه السلام؛ علی عليه السلام آن را به محمد صلى الله عليه وآله؛ و محمد صلى الله عليه وآله آن را به دیگری [امام ششم] عرضه داشته است. پس شتاب مکنید....

همچنین در روایت دیگری که از امام محمد باقر عليه السلام نقل شده، آن حضرت در پاسخ یکی از یاران خود که می پرسد: «کاش به ما می فرمودید این امر (ظهور امام مهدی عليه السلام) چه زمانی خواهد بود تا به آن خبر شادمان شویم» مطالبی را بیان می کنند که از آنها استفاده می شود که ایشان وقت ظهور را می دانند اما بنا بر مصالحی از بیان آن خودداری می کنند.<sup>۱</sup>

سخن آخر این که بر اساس روایات قطعی و تردیدناپذیر، وظیفه ما انتظار فرج، نزدیک دیدن ظهور و کسب آمادگی کامل برای فرار رسیدن این روز فرخنده است. بنابراین باید بسیار مواظب بود و اجازه نداد که اصل موضوع «انتظار فرج» به عنوان

۱. ر. ک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۸، ص ۳۶۲، ح ۵۵۲.

ارزشمندترین سرمایه اعتقادی شیعه با طرح مباحث فرعی و حاشیه‌ای چون زمان ظهور، نحوه زندگی حضرت در زمان غیبت و... مورد بی توجهی یا کم توجهی قرار گیرد و از وظایف اصلی منتظران در زمان غیبت، غفلت شود.

سخن خویش را با بیان بخشی از دعاهایی که مرحوم سید بن طاووس آن را در *جمال الأسبوع* نقل کرده و مرحوم شیخ عباس قمی نیز آن را با عنوان «دعا در غیبت امام زمان علیه السلام»، در *مفاتیح الجنان* آورده است، به پایان می‌بریم. با امید به این که خداوند همه ما را در دوران غیبت ثابت قدم بدارد و از فتنه‌ها و آشوب‌های این زمان حفظ کند.

اللَّهُمَّ قَبِّسْنِي عَلَى دِينِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ لِيَنَّ قَلْبِي لَوْلِيِّ أَمْرِكَ وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ تَبِّسْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ وَ بِإِذْنِكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ وَ أَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعَلَّمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِ وَلِيِّكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَ كَشْفِ سِرِّهِ فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أُحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَ لَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ وَ لَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ وَ لَا أَنْزِعُكَ فِي تَذْيِيرِكَ وَ لَا أَقُولُ لِمَ وَ كَيْفَ وَ مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يُظْهِرُ وَ قَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَ أَفْوِضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

خداوند! مرا بر دین خود پایدار دار و به طاعت خود وادار ساز. قلبم را برای ولی امرت نرم کن و مرا از آنچه آفریدگانت را با آن می‌آزمایی معاف فرما و به طاعت ولی امرت ثابت قدم مدار. همو که از آفریدگانت نهانش داشتی و به اذن تو از دیده‌ها پنهان شد و فرمان تو را انتظار می‌کشد.

تو دانایی به وقتی که به صلاح ولی امرت توست تا اجازه‌اش دهی امرش را آشکار کند و پرده [غیبت] اش را بردارد، بی آن که تو را معلمی باشد. پس مرا بر

## تعیین وقت برای ظهور ■ ۲۳۱

این امر شکیبا ساز تا دوست ندارم تعجیل در آنچه را که تو به تأخیر انداخته‌ای و تأخیر در آنچه تو تعجیلش را خواسته‌ای و پرده برداشتن از آنچه تو پوشیده‌اش داشته‌ای و کاوش در آنچه تو نهانش داشته‌ای و به ستیز برنخیزم با تو در آنچه که تدبیر فرموده‌ای و نگوییم: «برای چه، چگونه و چرا ولی امر ظهور نمی‌کند، با اینکه زمین از ستم پر شده است؟» و همه کارهایم را به تو وامی‌گذارم.

## گفتار دوم: وفایه پیمان شرط تحقق ظهور

### ۱. نخستین پیمان

داستان آفرینش انسان و آغاز حیات او بر کره خاک با یک عهد و پیمان شکل می‌گیرد. عهد و پیمانی که بر پذیرش پروردگاری خداوند متعال و نفی پرستش شیطان بسته شد و همه انسان‌ها بر وفای به آن همداستان شدند:

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ وَ أَنْ  
اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ<sup>۱</sup>

ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید؛ زیرا وی دشمن آشکار شماست؟ و این که مرا بپرستید؛ این است راه راست!

وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ  
أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ<sup>۲</sup>

۱. سوره یس (۳۶)، آیه ۶۰-۶۱.

۲. سوره اعراف (۷)، آیه ۱۷۲.

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم. این عهد و پیمان در طول تاریخ، بارها و بارها توسط پیامبران الهی و جانشینان آنها، به انسان‌ها یادآوری شد تا آنان نسبت به عهدی که با خدای خود داشتند دچار فراموشی نشوند:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...<sup>۱</sup>

و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگویند: «خدا را بپرستید و از طاغوت [= فریبگر] بپرهیزید.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ.<sup>۲</sup>

و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر این که به او وحی کردیم که: «خدایی جز من نیست، پس مرا بپرستید».

از سوی دیگر برای این که مردم در وفا به پیمانی که بر عهده داشتند دچار مشکل نشوند و در تشخیص راهی که به اطاعت و بندگی خدا و مخالفت با شیطان می‌انجامد گرفتار سردرگمی نگردند، به آنان گوشزد شد که اطاعت خدا در اطاعت رسول اوست و هر کس بیشتر در طریق اطاعت رسول گام بردارد در اطاعت خدا از دیگران پیشی گرفته است:

مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا.<sup>۳</sup>

هر کس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت، خدا را فرمان برده؛ و هر کس رویگردان

۱. سوره نمل (۱۶)، آیه ۳۶.

۲. سوره انبیا (۲۱)، آیه ۲۵.

۳. سوره نساء (۴)، آیه ۸۰.

شود، ما تو را برایشان نگهبان نفرستاده‌ایم.

... وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ  
الْعِقَابِ.<sup>۱</sup>

... و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشت  
بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.

## ۲. استمرار پیمان

با پایان یافتن عصر رسالت، نه تنها از بار عهد و پیمانی که آدم خاکی با خدای  
خود داشت کاسته نشد، بلکه بسیار شدیدتر از دوران حیات پیامبر ﷺ از او خواسته  
شد که به عهد و پیمان خود وفا کند؛ چرا که او در وفاداری به این پیمان مورد  
بازخواست قرار خواهد گرفت:

... وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا.<sup>۲</sup>

... و به پیمان [خود] وفا کنید؛ زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.

و این عهد، چنان که امام موسی کاظم علیه السلام در تفسیر آیه یادشده می فرماید، چیزی  
نبود جز پیروی از امیر مؤمنان علی علیه السلام:

الْعَهْدُ مَا أَخَذَ النَّبِيُّ عَلَى النَّاسِ فِي مَوَدَّتِنَا وَ طَاعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ لَا يُخَالِفُوهُ  
وَلَا يَتَقَدَّمُوهُ وَلَا يَقْطَعُوا رَحِمَهُ وَ أَعْلَمَهُمْ أَنَّهُمْ مَسْئُولُونَ عَنْهُ.<sup>۳</sup>

[مراد از] عهد [در این آیه] آن پیمانی است که پیامبر درباره دوستی ما و پیروی  
از امیر مؤمنان [علیه السلام] از مردم گرفت؛ این که با او مخالفت نورزند، از او

۱. سوره حشر (۵۹)، آیه ۷.

۲. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۳.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۸۷، ح ۱. سوره مریم (۱۹)، آیه ۸۷.

پیشی نگیرند، با خاندانش نیکی کنند و آنها را آگاه کرد که درباره این پیمان بازخواست خواهند شد.

یعنی این بار عهد آدمی با خدای خود در صورتی دیگر متجلی شد و اطاعت امیر مؤمنان و امامان پس از او علیه السلام همسنگ اطاعت خدا و رسول او گردید:

أَلَا مَنْ دَانَ اللَّهَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ فَهُوَ الْعَهْدُ عِنْدَ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

آگاه باشید، هر کس خدا را درباره ولایت امیر مؤمنان و امامان پس از او پیروی کند، این همان پیمان گرفته شده از سوی خداوند است.

و برای این که هیچ کس در شناسایی شخصی که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله می بایست با او عهد اطاعت بسته می شد، به اشتباه نیفتد، در اجتماعی عظیم از مسلمانان نو شدن عهد آدمی به آگاهی همگان رسید و اعلام شد هر کس پیمان ولایت نبی خاتم صلی الله علیه و آله را پذیرفته از این پس باید به پیمان ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام گردن نهد:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ...<sup>۲</sup>

هر کس را من مولای اویم، پس این علی مولای اوست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.<sup>۳</sup>

ای مردم! هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که از آنها یاد کردم، اطاعت کند، بی تردید به رستگاری بزرگی نائل آمده است.

و از همین رو بود که این روز را روز «عهد معهود» نامیدند.

۱. به نقل از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «لا يملكون الشفاعة إلا من اتخذ عند الرحمن عهداً.»؛ [آنان] اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است. (مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۲۴، ص ۲۳۳، ح ۵۸).

۲. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الإحتجاج، ج ۲، ص ۵۶-۶۶.

۳. همان.



إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانِ... يَوْمٌ كَمَالِ الدِّينِ وَ يَوْمٌ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ.<sup>۱</sup>

همانا امروز، روزی بس بزرگ است... امروز، روز کامل شدن دین و روز عهد و پیمان است.

### ۳. شکستن پیمان

آری، انسان‌ها مأمور شدند که پس از رحلت نبی خاتم صلی الله علیه و آله با وصی او تجدید عهد کنند و دست در دست او بگذارند تا به فرموده حضرت زهرا علیها السلام آنها را آسان آسان و به راحتی و ملایمت به راه هدایت و رستگاری رهنمون شود:

به خدا سوگند، اگر پای در میان می‌نهادند و علی را بر کاری که پیغمبر به عهده او نهاد می‌گذارند، آسان آسان ایشان را به راه راست می‌برد و حق هر یک را بدو می‌سپرد. چنان‌که کسی زیانی نبیند و هر کس میوه آن چه کشته است بچیند. تشنگان عدالت از چشمه معدلت او سیر و زبونان در پناه صولت او دلیر می‌گشتند. اگر چنین می‌کردند درهای رحمت از زمین و آسمان به روی آنان می‌گشود. اما نکردند و به زودی خدا به کیفر آنچه کردند آنان را عذاب خواهد فرمود.<sup>۲</sup>

اما چنان‌که فاطمه زهرا علیها السلام نیز فرمودند، این چنین نشد و بدعهدی و عهدشکنی از همان نخستین روزهای عروج رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز گردید و پیمانی که جماعت مسلمین در روز غدیر بر اطاعت ولی خدا بسته بودند به راحتی شکسته شد و جز جمع اندکی، همه امت اسلامی از اطراف امام و حجت عصر پراکنده شدند:

إِنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله لَمَّا قُبِضَ إِزْتَدَّ النَّاسُ عَلَى أَعْقَابِهِمْ كُفَّاراً إِلَّا ثَلَاثَةً: سَلْمَانَ  
وَالْمِقْدَادُ وَ أَبُو ذَرَّ الْغِفَارِيِّ.<sup>۳</sup>

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۳۷، ص ۱۶۴، ح ۴۰.

۲. همان، ج ۴۳، ص ۱۵۸، همچنین ر. ک: شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۱۵۱.

۳. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۲۸، ص ۲۵۹، ح ۴۲.

## ۲۳۸ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت فرمود همه مردم جز سه تن؛ سلمان، مقداد و ابوذر غفاری، به گذشته کفرآمیز خود برگشتند.

از آن به بعد اگر چه در مقاطعی از دوران ۲۵۰ ساله امامت شیعه شاهد روی آوردن مردم به ائمه معصومین علیهم السلام و مرجعیت علمی آنها هستیم، اما هیچ‌گاه عهدی که مردم در برابر امامان خود داشتند به تمامی پاس داشته نشد و این سخن امامان معصوم علیهم السلام که فرموده بودند:

إِنَّمَا كَلَّفَ النَّاسُ ثَلَاثَةً: مَعْرِفَةَ الْأَئِمَّةِ وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَالرَّدَّ إِلَيْهِمْ  
فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ.<sup>۱</sup>

مردم تنها به سه چیز تکلیف شده‌اند: شناخت امامان، تسلیم شدن به ایشان در آنچه بر آنها وارد می‌شود و رجوع به آنها در آنچه که در آن اختلاف دارند.

هیچگاه محقق نشد و سرانجام بدعهدی‌ها و عهدشکنی‌های امت اسلام منجر به مقتول و مسموم شدن یازده امام و غیبت آخرین امام شد و جامعه اسلامی از برکات حضور امام معصوم علیه السلام در میان خود محروم گشت. و این همان اتفاقی بود که پیش از این در کلام امام محمد باقر علیه السلام پیش بینی شده بود:

إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ، نَحَانَا عَنْ جَوَارِهِمْ.<sup>۲</sup>

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی، از آفریدگانش خشمگین شود، ما [اهل بیت] را از مجاورت با آنها دور می‌سازد.

### ۴. ضرورت تجدید پیمان

آری، غیبت امام از جامعه و به درازا کشیدن آن نتیجه بدعهدی و پیمان‌شکنی

۱. حدیث از امام باقر علیه السلام. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱.

۲. همان، ص ۳۴۳، ح ۳۱.

## وفا به پیمان شرط تحقق ظهور ■ ۲۳۹

مردم نسبت به حجت‌های الهی و جانشینان به حق رسول خدا ﷺ است و تا زمانی که مردم چنان‌که باید و شاید به پیمانی که در برابر امامان معصوم علیهم‌السلام بر عهده دارند وفا نکنند و با همه وجود آماده پذیرش اوامر و نواهی آنها نگردند، ظهور محقق نخواهد شد؛ چنان‌که امام عصر علیه‌السلام فرمود:

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا، وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ، عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.<sup>۱</sup>

اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناخت راستین و صداقتی از آنها نسبت به ما.

با توجه به همین اهمیت وفا به عهد و پیمان و تأثیر آن در ظهور امام عصر علیه‌السلام بوده است که از ما خواسته‌اند هر بامداد عهد و پیمان اطاعتی را که نسبت به امام خود بر دوش داریم، به یاد آوریم و آن را تجدید کنیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ يَبِغَةُ لَكَ فِي عُنُقِي لِأَحْوَلُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا.<sup>۲</sup>

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانی‌ام، عهد، عقد و بیعتی را که نسبت به او (امام مهدی علیه‌السلام) برگردن دارم، تجدید می‌کنم، که هرگز از آن برنگردم و بر آن پایدار بمانم.

در پایان این گفتار توجه شما را به روایتی بلند و پر معنا از امام باقر علیه‌السلام جلب

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲. همان، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

می‌کنیم. در این روایت امام باقر علیه السلام در پاسخ پرسش یکی از یاران خود که از زمان فرارسیدن امر [ظهور] پرسیده، در قالب یک داستان یا حکایت تمثیلی با تقسیم زمان‌ها به سه زمان گرگ، قوچ و ترازو بر این واقعیت تصریح کرده‌اند که مردم در یک مقطع زمانی که از آن به «زمان گرگ» تعبیر می‌کنند، یکسره از در پیمان‌شکنی با خاندان رسالت برآمدند و حتی در فکر وفا به پیمان خود نبودند، اما در مقطع زمانی دیگر که از آن با تعبیر «زمان قوچ» یاد می‌کنند، مردم اگر چه تصمیم دارند به پیمان خود وفا کنند، اما در عمل پیمان‌شکنی می‌کنند و از بازگرداندن حقوق اهل بیت علیهم السلام سرباز می‌زنند، تا سرانجام در مقطعی از زمان که «زمان ترازو» نامیده می‌شود، مردم واقعاً تصمیم می‌گیرند به پیمان خود عمل کنند و حقوق غصب‌شده خاندان رسالت را به آنها برگردانند. و این زمان، زمانی است که می‌توان در آن امید تحقق ظهور داشت.

زراره نقل می‌کند که: *حمران از امام باقر علیه السلام پرسید: قربانت کردم کاش به ما می‌فرمودید این امر (ظهور امام مهدی علیه السلام) چه زمانی خواهد بود تا به آن خبر شادمان شویم. آن حضرت فرمود: ای حمران تو دوستان و برادران و آشنایانی داری. <sup>۱</sup> در زمان‌های قدیم مرد دانشمندی بود که پسری داشت و آن پسر*

---

۱. مرحوم علامه مجلسی در توضیح این سخن حضرت علیه السلام که «تو را دوستان و برادرانی است» می‌فرماید: «شاید هدف از آوردن این حکایت، این باشد که این زمان، زمانه وفای به عهد نیست و اگر زمان ظهور این امر را به تو بگویم، تو دوستان و آشنایانی داری و زمان ظهور را به آنها می‌گویی در نتیجه خبر میان مردم پراکنده می‌شود و باعث فساد می‌شود. و عهد و پیمان به پوشیده داشتن زمان ظهور هم فایده‌ای ندارد؛ اگر هنوز زمان ترازو نرسیده باشد، تو به عهد خود وفا نمی‌کنی. یا معنای این سخن این است که تو آشنایانی داری، پس به آنها بنگر آیا آنها با تو در چیزی هم رأی هستند یا اینکه اصلاً به عهد تو وفا می‌کنند؛ پس چگونه امام زمان علیه السلام در اینگونه زمان ظهور می‌کند! یا اینکه مقصود این است که تو می‌توانی آنرا استعلام کنی، پس برای کسب علم به حال آشنایان و برادرانت بنگر هر چه از آنها عزم و تصمیم قاطع بر فرمانبرداری و اطاعت و تسلیم کامل از امامشان دیدی، پس بدان آن زمان، زمان ظهور حضرت قائم - که خداوند ظهور و فرجش را نزدیک گرداند - است و قیام آن حضرت مشروط به این امر است و عموماً اهل هر زمانی بر یک حالت هستند همانگونه که از این داستان پیداست.» (مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۱۴، ص ۵۰۰).

علاقه‌ای به علم پدرش نشان نمی‌داد و در مورد دانش پدرش چیزی از او نمی‌پرسید. آن مرد دانشمند همسایه‌ای داشت که به نزد او می‌آمد، پرسش‌هایش را با او مطرح می‌کرد و مطالبی از او می‌آموخت. تا این‌که زمان مرگ مرد دانشمند نزدیک شد، پس او فرزندش را فرا خواند و گفت: «تو از آنچه در نزد من بود دوری می‌گزیدی علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دادی و چیزی از من نمی‌پرسیدی، اما همسایه‌ای دارم که به نزد من می‌آمد و از من سؤالاتی می‌کرد و چیزهایی فرا می‌گرفت و به ذهن می‌سپرد. اگر به چیزی نیاز داشتی، نزد او برو، و همسایه‌اش را به او معرفی کرد. مرد دانشمند از دنیا رفت و پسر (همچنان) زنده بود تا این‌که پادشاه آن زمان خوابی دید و سراغ آن مرد دانشمند را گرفت. به او گفته شد: «آن مرد از دنیا رفته است». پادشاه گفت: «آیا فرزندی از او به جای مانده است»، گفتند: «آری او یک پسر به جا گذاشته است».

پادشاه گفت: «او را نزد من بیاورید» و کسانی را به دنبال پسر فرستادند تا او را نزد پادشاه بیاورند. پسر [با خود] گفت: «به خدا قسم، نمی‌دانم چرا پادشاه مرا احضار کرده است. من هیچ دانشی ندارم و اگر پادشاه چیزی از من سؤال کند، بی‌شک رسوا خواهم شد» در این حال سفارش پدرش را (در هنگام مرگ) به خاطر آورد. پس نزد همسایه‌ای که از پدرش علم می‌آموخت رفت و به او گفت: «پادشاه کسانی را به دنبال من فرستاده و نمی‌دانم چرا احضار کرده است. پدرم به من گفته بود اگر به چیزی نیاز داشتیم، به شما مراجعه کنیم». همسایه گفت: «اما من می‌دانم<sup>۱</sup> به خاطر چه چیزی تو را احضار کرده است. اگر به تو بگویم تو باید

---

۱. علامه مجلسی در توضیح عبارت «اما من می‌دانم» می‌نویسد: «شاید علم آن مرد از اطلاع دادن آن عالم باشد و آن عالم هم علمش را از انبیاء گرفته باشد یعنی آنها براساس وحی آسمانی به او خبر داده‌اند که پادشاه به زودی آن خواب‌ها را خواهد دید و این تعبیر آن خواب‌هاست. یا اینکه او از آن دانشمند نوعی دانش فراگرفته که شخص با آن می‌تواند امثال آن امور را استنباط نماید. این احتمال هم وجود دارد که آن مرد پیامبری باشد که این امور را از طریق وحی فهمیده است. (همان)

هر چیزی را که خدا از این طریق نصیب تو گرداند، با من تقسیم کنی». پسر گفت: «می‌پذیرم» همسایه از او خواست سوگند یاد کند و به او اطمینان دهد که به عهدش وفا می‌کند. پسر هم سوگند یاد کرد. آن مرد گفت: «پادشاه می‌خواهد از تو در مورد خوابی که دیده پرسش کند و بداند که این زمان چه زمانی است. پس بگو این زمان «گرگ» است». پسر نزد پادشاه رفت و پادشاه گفت: «آیا می‌دانی به چه دلیلی تو را احضار کرده‌ام؟» پسر گفت: مرا احضار کرده‌اید تا در مورد خوابی که دیده‌اید از من بپرسید و بدانید که اکنون چه زمانی است.» پادشاه گفت: «درست گفتی. پس به من بگو این زمان چه زمانی است». پسر گفت: «این زمان زمان گرگ است.» پادشاه دستور داد پاداشی به آن پسر بدهند، آن پسر جایزه را گرفت و به سوی خانه‌اش رفت. اما از این‌که به دوستش (مرد همسایه) وفا کند، خودداری کرد و [با خود] گفت: «شاید پیش از این‌که این مال را به او بدهم یا خودم بخورم از دنیا رفتم و شاید پس از این به آن مرد نیاز نداشته باشم و دیگر از اینگونه پرسش‌هایی که از من پرسیده شد، از من سؤال نشود.» پس مدت زیادی [در وفا کردن به آن مرد] درنگ کرد.

مدتی بعد پادشاه خوابی دید و به دنبال پسر فرستاد. پسر از کرده خود پشیمان شد و [با خود] گفت: «به خدا سوگند، هیچ دانشی ندارم که با آن نزد پادشاه بروم و نمی‌دانم با دوستم (همسایه) چکار کنم چون به او نیرنگ زده و به او وفا نکرده‌ام» بعد گفت: «به هر حال به نزد او می‌روم، از او عذرخواهی می‌کنم و برای او سوگند یاد می‌کنم، شاید او [از خواب پادشاه] به من خبر دهد». پسر نزد مرد همسایه رفت و گفت: «کاری کرده‌ام که نمی‌باید می‌کردم و به آنچه که میان من و تو بوده وفا نکرده‌ام و آنچه داشتم از دستم رفته و به تو نیازمند شده‌ام. تو را به خدا قسم می‌دهم که مرا تنها نگذاری، من به تو اطمینان می‌دهم که هر چه

به دست آوردم با تو تقسیم کنم. پادشاه به دنبال من فرستاده و نمی دانم از من چه می پرسد.» آن مرد (همسایه) گفت: «پادشاه می خواهد از تو در مورد خوابی که دیده سؤال کند و بداند که این زمان چه زمانی است. پس تو به پادشاه بگو: این زمان، زمان «قوچ» است.» آن پسر نزد پادشاه رفت، پادشاه وارد شد و گفت: «می دانی چرا به دنبال تو فرستاده ام؟» آن پسر گفت: «شما خوابی دیده اید و می خواهید بدانید که اکنون چه زمانی است.» پادشاه خطاب به پسر گفت: «درست گفتی. پس به من بگو این زمان، چه زمانی است؟» پسر گفت: «این زمان، زمان قوچ است.» پس از آن پادشاه دستور داد پاداشی به پسر بدهند. پسر آن پاداش را گرفت و به سمت خانه اش رفت و فکر می کرد که آیا به دوستش وفا کند یا نه، یکبار تصمیم می گرفت وفا کند و یکبار تصمیم می گرفت به عهدش وفا نکند پس از آن گفت: «شاید پس از این دیگر تا ابد به آن همسایه نیازی نداشته باشم» و در نهایت تصمیم گرفت که بی وفایی کند و به عهدش وفا نکند. پس مدتی دیگر در وفا به عهدش درنگ کرد.

مدتی بعد پادشاه خوابی دید و به دنبال پسر فرستاد، آن پسر به خاطر آنچه با دوستش کرده بود پشیمان شد و پس از دو بار بی وفایی گفت: «چه کنم که دانشی ندارم» سپس تصمیم گرفت که به نزد مرد همسایه برود. پسر نزد آن همسایه رفت و او را به خدای تبارک و تعالی سوگند داد و از او خواست که او را [در مورد خواسته پادشاه] آگاه سازد و به همسایه گفت این بار به او وفا می کند و به او اطمینان داد و گفت: «مرا به این حال وامگذارا بدون شک دیگر پیمان شکنی نمی کنم و به تو وفا می کنم» همسایه از او خواست تا به او اطمینان دهد، سپس گفت: «تو را خوانده تا از تو در مورد خوابی که دیده سؤال کند و بداند که این زمان چه زمانی است. وقتی که پادشاه از تو سؤال کرد، بگو این زمان، زمان «ترازو»

است» آن پسر نزد پادشاه رفت و پادشاه وارد شد و گفت: «[می‌دانی] چرا تو را احضار کرده‌ام؟» پسر گفت: «شما خوابی دیده‌اید و می‌خواهید سؤال کنید که این زمان چه زمانی است» پادشاه گفت: «درست گفتی پس به من بگو اکنون چه زمانی است.» پسر گفت: «این زمان، زمان ترازو است.» پادشاه دستور داد هدیه‌ای به او بدهند، پسر هدیه را گرفت و آنرا نزد مرد همسایه برد و آنرا جلوی همسایه گذاشت و گفت: «آنچه که من به دست آورده‌ام برای تو آوردم پس تو آن را تقسیم کن.»

آن همسایه دانشمند گفت: «زمان اول زمان گرگ بود و تو از گرگ‌ها بودی و زمان دوم زمان قوچ بود که قوچ تصمیم می‌گیرد و انجام نمی‌دهد و تو هم مثل قوچ تصمیم می‌گرفتی اما وفا نمی‌کردی و این زمان (سوم) زمان ترازو بود و تو در آن زمان وفادار بودی. پس بگیر آنچه که برای تو است چون من نیازی به آن ندارم، و آن دانشمند (همسایه) هدیه را به پسر برگرداند.<sup>۱</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۱، ص ۳۶۲، ح ۵۵۲؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۱۴، ص ۴۹۷-۴۹۹.



## گفتار پنجم: ظهور و سنت‌های الهی

جهان آفرینش که بر پایه نظام احسن شکل گرفته، بر سنت‌ها و قانونمندی‌های ثابت و تغییر ناپذیر استوار است. این قانونمندی‌ها بر کلیه فعل و انفعال‌ها و تغییر و تحوّل‌هایی که در جهان طبیعت رخ می‌دهد، اعم از تغییرات و فرایندهای شیمیایی، فیزیکی، زیست محیطی، نجومی و... حاکم بوده و هیچ رویداد طبیعی خارج از چارچوب آنها واقع نمی‌شود. از همین روست که بشر در پی این برآمده که با ایجاد شاخه‌های مختلف علوم طبیعی، قانونمندی‌ها و نظام‌های حاکم بر جهان طبیعت را کشف و شناسایی کند، تا با شناخت این قانونمندی‌ها و نظام‌ها بتواند کلیه تغییر و تحولات عالم ماده را در اختیار خود گیرد و وقوع برخی از آنها را پیش‌بینی، از وقوع برخی از آنها جلوگیری و یا وقوع برخی از آنها را تسریع کند و در یک کلمه آنها را در جهت منافع خود مهار نماید.

همچنانکه تغییر و تحولات عالم طبیعت براساس قانونمندی‌های ثابت و تغییر ناپذیر صورت می‌گیرد، تغییر و تحولات اجتماعی نیز قانونمندی‌های خاص

خود دارد و کلیه فراز و فرودهایی که در جوامع بشری رخ می‌دهد بر اساس همین قانونمندی‌هاست.

استادشهید مرتضی مطهری در همین زمینه می‌نویسد:

قرآن کریم این گمان را که اراده‌ای گزافکار و مشیتی بی‌قاعده و بی‌حساب سرنوشت‌های تاریخی را دگرگون می‌سازد به شدت نفی می‌کند و تصریح می‌نماید که قاعده‌ای ثابت و تغییرناپذیر بر سرنوشت‌های اقوام حاکم است.<sup>۱</sup>

قرآن کریم از قانونمندی‌های حاکم بر تغییرات اجتماعی، به عنوان «سنت خدا» تعبیر کرده و در موارد متعددی ضمن تأکید بر تغییر ناپذیری سنت‌های الهی به برخی از این سنت‌ها اشاره کرده است. در اینجا برای آشنایی بیشتر با سنت‌های الهی حاکم بر جوامع بشری، ابتدا اصل تغییر ناپذیری سنت‌های خدا را از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار داده و آنگاه به برخی از این سنت‌ها اشاره می‌کنیم؛ اما پیش از آن، مروری اجمالی خواهیم داشت به معنای لغوی سنت:

### ۱. معنای لغوی سنت

«سنت» در لغت به معنای راه و روش، خوی، عادت، طبیعت و سرشت آمده و در ترکیب‌های مختلف معانی دیگری نیز از آن اراده شده است.<sup>۲</sup> راغب اصفهانی در معنای سنت می‌نویسد:

سنت پیامبر یعنی راه و روشی که او برگزیده است. و سنت خدای تعالی به راه و روش حکمت او و راه و روش طاعت او اطلاق می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۱۸.

۲. ر. ک: جر، خلیل، فرهنگ لاروس (فرهنگ عربی به فارسی)، ترجمه سید حمید طیبیان، ج ۲، ص ۱۲۲۱.

۳. الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، ص ۲۵۱.

ابن منظور نیز سنت را این گونه معنا می‌کند:

سنت به معنای صورت و آن قسمت از چهره است که به تو رو می‌کند... سنت خدا؛ یعنی احکام و امر و نهی او... و سنت به معنای سیره و روش [نیز آمده است] خواه پسندیده باشد و خواه ناپسند... در حدیث کلمه سنت و مشتقات آن فراوان تکرار شده و معنای اصلی آن راه و روش و سیره است.<sup>۱</sup>

فیومی نیز سنت را به راه و روش و سیره معنا کرده است.<sup>۲</sup> بیشتر مفسران نیز همین معنا را برای سنت برگزیده‌اند.<sup>۳</sup>

علامه طباطبایی معنای سنت را اینچنین بیان می‌کند:

کلمه «سنت» به معنای طریقه معمول و رایج است که به طبع خود غالباً یا دائماً جاری باشد.<sup>۴</sup>

## ۲. اصل تغییر ناپذیری سنت‌های الهی

قرآن کریم تأکید فراوانی بر تغییر ناپذیری سنت‌های الهی داشته و در آیات متعددی ضمن اشاره به برخی از رویدادهایی که در امت‌ها و اقوام گذشته و یا در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رخ داده آنها را از مصادیق سنت‌های تغییرناپذیر خداوند دانسته است؛ که از جمله می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

۱-۲. آیات ۷۶ و ۷۷ سوره اسراء: در این آیات به توطئه و نیرنگ مشرکان برای بیرون راندن پیامبر از مکه اشاره کرده و هشدار می‌دهد که اگر آنها چنین کاری را انجام داده بودند، بر اساس سنت تغییرناپذیر الهی سرنوشتی جز نابودی و هلاکت

۱. ابن منظور، لسان العرب، تصحیح امین محمد عبدالوهاب، محمد الصادق العبیدی، ج ۶، ص ۳۹۹-۳۹۸.

۲. الفیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۹۲.

۳. ر. ک: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۳۳ (ذیل آیه ۳۸ سوره انفال).

۴. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۵۱۱.

در انتظار آنها نبود:

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبِثُونَ خِلْفَكَ إِلَّا قَلِيلًا \* سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا.

و چیزی نمانده بود که تو را از این سرزمین برگردانند، تا تو را از آنجا بیرون سازند، و در آن صورت آنان [هم] پس از تو جز [زمان] اندکی نمی ماندند؛ سنتی که همواره در میان [امت های] فرستادگانی که پیش از تو گسیل داشته ایم [جاری] بوده است، و برای سنت [و قانون] ما تغییر نخواهی یافت.

۲-۲. آیات ۶۰-۶۲ سوره احزاب: این آیات به منافقان هشدار می دهد که اگر از شایعه پراکنی و ایجاد فساد و اختلاف در مدینه باز نایستند، خداوند همان سنتی را که در مورد گذشتگان جاری بوده در مورد آنها نیز جاری خواهد ساخت.

لَسِن لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا \* مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخِذُوا وَقْتِكُمْ بِقَتْلِهِمْ \* سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا.

اگر منافقان و کسانی که در دل هایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه، [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند. از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد. درباره کسانی که در پیشتر بوده اند [همین] سنت خدا [جاری بوده] است؛ و در سنت خدا هرگز تغییر نخواهی یافت.

علامه طباطبایی آیات یادشده را اینگونه تفسیر می کند:

خدای سبحان می فرماید: این عذاب و نکالی که به منافقین و آن دو طایفه دیگر وعده دادیم و گفتیم که تبعیدشان می کنیم و خونشان را هدر می سازیم، سنتی

است از خدا که در امت‌های پیشین نیز جاری ساخته، هر وقت قومی به راه فسادانگیزی و ایجاد فتنه افتادند، و خواستند به منظور استفاده‌های نامشروع، در بین مردم اضطراب افکنند، تا در طغیان و سرکشی بی مانع باشند، ما آنان را به همین طریق گرفتیم، و تو هرگز دگرگونی در سنت خدا نخواهی یافت، پس در شما امت همان جاری می‌شود که در امت‌های قبل از شما جاری شد.<sup>۱</sup>

۲-۳. آیات ۴۲ و ۴۳ سوره فاطر: قریش قبل از بعثت پیامبر سوگند یاد کرده بودند که اگر برای آنها پیامبری بیاید - برخلاف اهل کتاب که پیامبران خود را تکذیب می‌کردند - بهتر از همه امت‌ها از پیامبر خود پیروی کنند؛ اما با برانگیخته شدن پیامبر اکرم ﷺ آنها از در نیرنگ و گردنکشی برآمدند. اینجاست که خداوند به آنها هشدار می‌دهد: بر اساس سنت تغییرناپذیر الهی، نیرنگ، نیرنگ‌بازان جز به خود آنها برنخواهد گشت:<sup>۲</sup>

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ إِيحَادِي الْأُمَمِ  
فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا \* أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرُ السَّيِّئِ  
وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ  
لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا.

و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر هر آینه هشدار دهنده‌ای برای آنان بیاید، قطعاً از هر یک از امت‌ها [ی دیگر] راه یافته‌تر شوند، و [الی] چون هشدار دهنده‌ای برای ایشان آمد، جز بر نفریشان نیفزود. [انگیزه] این کارشان فقط گردنکشی در [روی] زمین و نیرنگ زشت بود؛ و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را

۱. همان، ج ۱۶، ص ۵۱۱.

۲. ر. ک: همان، ج ۱۷، ص ۵۸.

انتظار می‌برند؟ و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.

در تفسیر المیزان، مراد از عدم «تبدیل» و «تحویل» سنت خدا، چنین بیان شده است: «تبدیل سنت خدا» به این است که: عذاب خدا را بردارند و به جایش عافیت و نعمت بگذارند، و «تحویل سنت» عبارت از این است که: عذاب فلان قوم را که مستحق آن می‌باشند، به سوی قومی دیگر برگردانند، و سنت خدا نه تبدیل می‌پذیرد و نه تحویل؛ برای اینکه خدای تعالی بر صراط مستقیم است، حکم او نه تبعیض دارد و نه استثنا. همچنان که خدای تعالی مشرکان مورد نظر آیه را در جنگ بدر به عذاب خود گرفت و همگی را کشت.<sup>۱</sup>

۲-۴. آیات ۲۲ و ۲۳ سوره فتح: خداوند در این آیات به مؤمنان بشارت می‌دهد که کافران توان رویارویی با شما را ندارند و اگر به جنگ با شما هم برخیزند، بر اساس سنت الهی بی‌یار و یاور شده و از پا در خواهند آمد:<sup>۲</sup>

وَلَوْ قَتَلْتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا \* سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا.

و اگر کسانی که کافر شدند، به جنگ با شما برخیزند، قطعاً پشت خواهند کرد، و دیگر یار و یآوری نخواهند یافت، سنت الهی از پیش همین بوده، و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت.

### ۳. دعوت قرآن به مطالعه سنت‌های الهی

قرآن کریم همه مردم را به مطالعه سنت‌ها و قوانین الهی که بر امت‌های پیشین

۱. همان، ص ۸۳

۲. ر. ک: همان، ج ۱۸، ص ۲۸۷.

جاری شده فراخوانده و از آنها خواسته است که برای بررسی آنچه برگزشتگان رفته است نسبت به سرانجام رفتار خود بیندیشند و از سرنوشت تکذیب‌کنندگان و کفرپیشگان عبرت گیرند.

برخی از آیاتی که انسان‌ها را دعوت به مطالعه و شناخت سرنوشت امت‌های پیشین و چگونگی جریان سنت‌های الهی در میان آنها نموده‌اند، به شرح زیر است:  
۱-۳. آیه ۱۳۷ سوره آل عمران: در این آیه خداوند همه را به سیر و سیاحت در زمین به منظور آگاهی از سرانجام تکذیب‌کنندگان و آنچه بر آنها رفته است، فراخوانده، می‌فرماید:

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ  
الْمُكْذِبِينَ.

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است. پس، در زمین بگردید و  
بنگردید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟

مؤلف تفسیر المیزان، در تفسیر این آیه می‌نویسد:

کلمه «سنن» جمع سنت است، که به معنای طریقت و روشی است که باید در  
مجتمع سیر شود، و این که امر فرموده در زمین سیر کنند برای این است که از  
سرگذشت امت‌های گذشته عبرت بگیرند و سرانجام پادشاهان و فراعنه طاغی را  
ببینند که چگونه قصرهای رفیعشان به دردشان نخورد، و ذخیره‌های موزه  
سلطنتی‌شان و تخت مزین به جواهرشان و لشکر و هواداران‌شان سودی به آنان  
نبخشید، و خدای تعالی همه را از بین برد، و چیزی به جز سرگذشتی که  
مایه عبرت باشد از آنان باقی نماند، ولی فرو رفتگان در غفلت کجا؟ و عبرت

کجا؟<sup>۱</sup>

## ۲۵۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

۲-۳. آیات ۱۰ و ۱۱ سوره محمد صلی الله علیه و آله: در این آیه نیز سخن از لزوم سیر و سفر

در زمین برای آگاهی از عاقبت کفرپیشگان است:

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا \* ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ.

مگر در زمین نگشته‌اند، تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند به کجا

انجامیده است؟ خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر [همین کیفرها در پیش]

است؛ چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، ولی کافران را

سرپرست [و یآوری] نیست.

بنابراین انسان باید همانطور که قوانین حاکم بر جهان طبیعت را مورد مطالعه

قرار می‌دهد تا به رمز و راز تغییر و تحولات آن پی‌برد و از آن در جهت منافع دنیوی

خود استفاده کند، قوانین حاکم بر جوامع انسانی را نیز مورد مطالعه قرار دهد تا علل

و عوامل تغییرات اجتماعی را بشناسد و از آنها در مسیر سعادت اخروی خود

بهره‌برداری کند.

## ۴. برخی از سنت‌های الهی حاکم بر جوامع انسانی

قرآن کریم در خلال بررسی سرگذشت امت‌های پیشین و بیان فراز و فرودهایی

که در این امت‌ها رخ داده، به تحلیل رمز و راز این فراز و فرودها و تبیین سنت‌ها و

مقررات حاکم بر تغییرات اجتماعی پرداخته است. گفتنی است که برخی از این

سنت‌ها و قوانین، ناظر به تغییر و تحولات منفی جوامع؛ یعنی زوال و نابودی

تمدن‌ها، تباهی و اضمحلال جوامع و سقوط قدرت‌های حاکم، هستند و برخی

دیگر ناظر به تغییر و تحولات مثبت؛ یعنی پیروزی محرومان و مستضعفان، رشد و



توسعه جوامع و به قدرت رسیدن صالحان. در اینجا به اختصار هر یک از این سنت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۴. ظلم و بیدادگری عامل نابودی تمدن‌ها: اقوام، ملل و تمدن‌های گوناگونی در طول تاریخ قد برافراشتند، توسعه یافتند و به اقتدار رسیدند، اما بسیاری از این اقوام، ملل و تمدن‌ها پس از مدتی در سرایشی سقوط قرار گرفتند و رفته رفته شکوه و جلال گذشته خود را از دست دادند و در موارد فراوانی همه به طور کلی از صحنه روزگار پاک شدند. حال این پرسش مطرح است که: چرا این تمدن‌ها، با همه شکوه و جلال و همه قدرت و عظمتی که داشتند، یکباره نابود شدند و گاه حتی اثری هم از آنها باقی نمانده است؟ قرآن کریم در پاسخ به این پرسش، ظلم و بیدادگری را از مهمترین عوامل نابودی شهرها و تمدن‌ها بر شمرده است. البته این ظلم بر اساس فرهنگ قرآن هم شامل ظلم فرد نسبت به خود (کفر، فسق و فجور) و هم شامل ظلم فرد نسبت به دیگران (ستم و تجاوز) می‌شود. استاد مطهری در زمینه مفهوم «ظلم» در قرآن می‌نویسد:

در اصطلاح قرآن، ظلم اختصاص ندارد به تجاوز فرد یا گروهی به حقوق فرد یا گروه دیگر؛ شامل ظلم فرد به نفس خود و شامل ظلم یک قوم به نفس خود نیز می‌شود. هر فسق و فجور و هر خروج از مسیر درست انسانیت ظلم است. ظلم در قرآن در حقیقت مفهوم اعمی دارد که هم شامل ظلم به غیر می‌گردد و هم شامل فسق و فجور و کارهای ضد اخلاقی. غالباً مورد استعمال این کلمه مصداق دوم است. آیاتی از قرآن که ظلم به معنی اعم را علت هلاکت یک قوم شمرده بسیار زیاد است.<sup>۱</sup>

برخی از آیات قرآن که در آنها ظلم به معنای اعم، عامل نابودی تمدن‌ها

۱. مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۵، (جامعه و تاریخ) ص ۲۳۷.

برشمرده شده به شرح زیر است:

۱-۱-۴. آیات ۵۸ و ۵۹ سوره کهف: در این آیات در مقام تهدید کسانی که به

دشمنی با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برخاسته بودند، چنین آمده است:

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْثِقًا \* وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا.

و پروردگار تو آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر به [جرم] آنچه مرتکب

شده‌اند، آنها را مؤاخذه می‌کرد، قطعاً در عذاب آنها تعجیل می‌نمود [ولی چنین

نمی‌کند] بلکه برای آنها سررسیدی است که هرگز از برابر آن راه‌گریزی نمی‌یابند.

و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند، هلاکشان کردیم، و برای هلاکشان

موعدی مقرر داشتیم.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید:

[آیه] در این مقام است که بفهماند تأخیر هلاکت کفار و مهلت دادن از خدای

تعالی کار نوظهوری نیست، بلکه سنت الهی ما در امام گذشته نیز همین بوده که

وقتی ظلم را از حد می‌گذرانند هلاکشان می‌کردیم، و برای هلاکشان موعدی

قرار می‌دادیم. از همین روشن می‌شود که عذاب و هلاکی که این آیات متضمن

آن است عذاب روز قیامت نیست، بلکه مقصود عذاب دنیایی است.<sup>۱</sup>

۱-۲-۴. آیات ۵۱ و ۵۲ سوره نمل: خداوند متعال در این آیات با اشاره به عذابی

که بر قوم ثمود نازل شد، می‌فرماید:

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِمِهِمْ أَنَا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ \* فَتِلْكَ يَوْمَئِذٍ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، همان، ج ۱۳، ص ۴۶۴.

پس بنگر که فرجام نیرنگشان چگونه بود: ما آنان و قومشان را همگی هلاک کردیم. و این [هم] خانه‌های خالی آنهاست به [سزای] بیدادی که کرده‌اند. قطعاً در این [کیفر] برای مردمی که می‌دانند عبرتی خواهد بود.

۳-۱-۴. آیات ۱۳ و ۱۴ سوره یونس: در این آیات نیز بر نابودی نسل‌های پیشین به دلیل ظلم و تجاوزشان تأکید شده و به نسل‌های بعد هشدار داده شده که مراقب اعمال خود باشند:

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ \* ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ.

و قطعاً نسل‌های پیش از شما را هنگامی که ستم کردند به هلاکت رساندیم، و پیامبران‌شان دلایل آشکار برایشان آوردند و [الی] بر آن نبودند که ایمان بیاورند. این گونه مردم بزهکار را جزا می‌دهیم. آن گاه شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم چگونه رفتار می‌کنید.

۴-۱-۴. آیات ۱۱ تا ۱۴ سوره انبیا: در این آیات سخن از مردمی است که عمری را با ظلم به خود، خوشگذرانی و زیاده‌روی در لذائذ و تنعمات دنیا به سر بردند، اما ناگهان با نزول عذاب الهی هیچ پناهی برای خود نیافتند:

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ \* فَلَمَّا أَحْسَبُوا أَنَّ بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ \* لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ \* قَالُوا يَتَوَلَّنَا إِنََّّا كُنَّا ظَالِمِينَ.

و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستمکار بودند در هم شکستیم، و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم. پس چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن می‌گریختند. [هان] مگریزید، و به سوی آنچه در آن متنعّم بودید و [به سوی]

سراهایتان بازگردید، باشد که شما مورد پرسش قرارگیرید. گفتند: «ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم»

علامه طباطبایی، آیات یادشده را چنین معنا می‌کنند:

چقدر هلاک کردیم از اهل قریه‌هایی که به خود ستمکار بودند و اسراف و کفر می‌ورزیدند و بعد از هلاک کردن آنان، مردمی دیگر را ایجاد کردیم. پس همین که اهل آن قریه ستمکار به حس خود عذاب ما را درک کردند ناگهان پا به فرار گذاشته بدویدند. در آن هنگام بود که از در توبیخ و ملامت به ایشان گفته شد: ندوید و از این عذاب فرار مکنید بلکه به آن نعمت‌ها که در آن زیاده روی می‌کردید مراجعه کنید و به خانه‌هایتان برگردید، تا شاید باز هم فقرا و بینوایان به دریوزگی شما مراجعه کنند و شما از در نخوت و اعتزاز، ایشان را از خود برانید و یا خود را از ایشان پنهان کنید. و این کنایه است از اعتزاز و استعلا ستمکاران که خود را متبوع و به جای خدا و ارباب تابعین می‌دانستند، از در پشیمانی گفتند: «وای بر ما که مردمی ستمکار بودیم»...<sup>۱</sup>

۱-۴. آیات ۳۲ تا ۴۱ سوره مؤمنون: در این آیات ابتدا چگونگی برخورد اشراف و ثروتمندان قوم نوح با آن حضرت و سخنانی را که آنها در مورد این پیامبر الهی بر زبان می‌راندند، بیان کرده و در نهایت سرنوشت شوم این قوم ظالم را به تصویر می‌کشد. در آغاز این آیات چنین می‌خوانیم:

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأُتْرَفْتُهُمْ فِي الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ \*  
وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ.

اشراف قومش که کافر شده و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند، و در زندگی

دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم گفتند: «این [مرد] جز بشری چون شما نیست: از آنچه می‌خورید، می‌خورد؛ و از آنچه می‌نوشید، می‌نوشد. و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت زیانکار خواهید بود...»

بخش پایانی این آیات نیز چنین است:

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ عُنُتًا قَبْعًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

پس فریاد [مرگبار] آنان را به حق فرو گرفت و آنها را [چون] خاشاکی که بر آب افتد، گردانیدیم، دور باد [از رحمت خدا] گروه ستمکاران.

چنان‌که ملاحظه می‌شود در این آیات به صراحت مردمانی که سرمست از نعمت‌های دنیا به تکذیب پیامبر الهی می‌پرداختند «ستمکار» خطاب شده‌اند. براساس آیاتی که در اینجا بدان‌ها اشاره شد می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد: نظام کفر و استکبار حاکم بر جهان به دلیل مبتنی بودن بر ظلم و ستم، چه در شکل فردی و چه در شکل اجتماعی آن (ظلم به خود و ظلم به دیگران) در ذات خود استعداد نابودی و فنا را پرورش می‌دهد و از این رو هر چه این نظام بیشتر رشد و توسعه می‌یابد به فروپاشی و سقوط نیز نزدیکتر می‌شود تا سرانجام براساس سنت الهی با به نهایت رسیدن ظلم و ستم زمینه اضمحلال کامل این نظام فراهم می‌گردد. در چنین شرایطی انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام به مانند جرقه‌ای می‌ماند که انبار باروت آماده‌اشتهالی را شعله‌ور می‌سازد.

این برداشت با روایات فراوانی که در آنها آمده «امام مهدی علیه السلام جهان را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده از عدل و داد آکنده می‌سازد» نیز هماهنگی و تناسب دارد. بنابراین می‌توان گفت: این سنت الهی حاکم بر جوامع انسانی که به موجب آن فراگیر شدن ظلم و ستم باعث نابودی اقوام و تمدن‌ها می‌شود، زمینه‌پروزی سریع امام مهدی علیه السلام بر قدرت‌های ستم‌پیشه عصر ظهور را فراهم ساخته و آن حضرت را

## ۲۵۸ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

در برچیدن همه مظاهر ظلم و ستم از جهان یاری می دهد.

۴-۲. وقت و اجل شرط نابودی تمدن‌ها: اگر چه ظلم و ستم، خواه در صورت فردی و خواه در صورت اجتماعی آن، موجب نابودی اقوام و تمدن‌ها می شود، اما این نابودی زمانی به فعلیت می رسد که مهلت و اجل آن اقوام و تمدن‌ها به سرآید و به تعبیر قرآن «موعد» نابودی آنها فرارسد. به بیان دیگر از دیدگاه قرآن هر «جامعه مستقل از افراد، حیات و شخصیت و مدت و اجل» مشخصی دارد و زمانی که این مدت و اجل به سرآید دیگر هیچ چیز نمی تواند مانع نابودی آن قوم و ملت شود. در این زمینه آیات متعددی در قرآن وارد شده که از جمله می توان به این آیات اشاره کرد:

۴-۲-۱. آیه ۵۸ سوره کهف: در این آیه، که پیش از این نیز بدان اشاره شد، به صراحت بیان شده که سنت خدا بر این نیست که به مجرد عصیان، نافرمانی و ستمگری قومی آنها را گرفتار عذاب و هلاکت کند، بلکه خداوند بر اساس غفران و رحمت بی انتهای خویش برای هر قومی موعد، اجل و یا سررسیدی تغییرناپذیر قرار داده است و تا زمانی که این اجل سر نیاید، آن قوم هلاک نمی شوند:

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْثِقًا

و پروردگار تو آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر به [جرم] آنچه مرتکب شده‌اند، آنها را مؤاخذه می کرد، قطعاً در عذاب آنان تعجیل می نمود [ولی چنین نمی کند] بلکه برای آنها سررسیدی است که هرگز از برابر آن راه گریزی نمی یابند.

۴-۲-۲. آیه ۳۴، سوره اعراف: در این آیه نیز بر این موضوع تأکید شده که هر امتی جدا از بقا و فنای تک تک افراد آن، بقا و فنای خاص خود را دارد و زمانی که اجل امتی فرارسد هیچ چیز نمی تواند از آن جلوگیری کند:

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ.

و برای هر امتی اجلی است؛ پس چون اجلشان فرارسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش.

۳-۲-۴. آیه ۴۸ و ۴۹ سوره یونس: در آیات سخن از پرسشی است که از سوی مشرکان خطاب به رسول گرامی اسلام ﷺ مطرح شده است. آن پرسش این است که: «خداوند چه زمانی بین ما و بین تو قضاوت می‌کند و ما را هلاک و ایمان آورندگان به تو را نجات می‌دهد» به بیان دیگر مشرکان با کلامی که جنبه تعجیز و استهزا داشت می‌خواستند به پیامبر بگویند که: «پروردگار تو هیچ کاری نمی‌تواند بکند، و این تهدیدهای تو، بیهوده‌ای بیش نیست، و گرنه چرا عجله نمی‌کنی و آن را عملی نمی‌سازی؟» خداوند نیز در پاسخ این استهزای مشرکان به پیامبر خود خطاب می‌کند که: «به آنها بگو من مالک نفع و ضرر خود نیستم، نه می‌توانم ضرری از خود رفع کنم و نه منفعتی را به سوی خود جلب نمایم. اما اینکه چرا عذاب خدا نازل نمی‌شود به این دلیل است که هر امتی اجل معینی دارد که به هیچ وجه نمی‌تواند از آن تخطی کند. آن اجل خواه ناخواه فرا می‌رسد بی آنکه ساعتی از زمان مقرر خود، پیش یا پس افتد»<sup>۱</sup>

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ.

می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده چه وقت است؟» بگو: «برای خود زیان و سودی در اختیار ندارم، مگر آنچه را که خدا بخواهد. هر امتی را زمانی [محدود] است. آنگاه که زمانشان به سررسد، پس نه ساعتی [از آن] تاخیر کند و نه پیشی

۱. ر.ک: طباطبایی، سید محمد حسین، همان، ج ۱۰، ص ۱۰۵-۱۰۴.

گیرند.

در تفسیر المیزان در ذیل این آیه چنین آمده است:

... هر امتی حیاتی اجتماعی و رای حیات فردی که مخصوص تک تک افراد است دارد، و حیات اجتماعی هر امتی از بقا و عمر آن مقداری را دارد که خدای سبحان برایش مقدر کرده است. و همچنین از سعادت و شقاوت و تکلیف و رشد و ضد رشد و ثواب و عقاب سهمی را دارد، که خدای تعالی برایش معین فرموده است و این حقیقت از چیزهایی است که تدبیر الهی عنایتی به آن دارد.<sup>۱</sup>

۴-۲-۴. آیه ۶۱ سوره نحل: این آیه نیز چون آیه پیشین بر این حقیقت تأکید

می‌کند که کیفر الهی تنها در زمان معین آن فرا می‌رسد:

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ.

و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشان مؤاخذه می‌کرد، جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌گذاشت، لیکن [کیفر] آنان را تا وقتی معین باز پس می‌اندازد، و چون اجلشان فرا رسد، ساعتی آن را پس و پیش نمی‌توانند افکنند.

۴-۲-۵. در آیه ۴۵ سوره فاطر همین تعبیر تکرار شده است.

۴-۲-۶. در سوره نوح نیز موضوع اجل اقوام و امت‌ها به بهترین شکلی بیان شده

است. در آغاز این سوره هدف از فرستادن نوح را انداز قومش پیش از فرار سیدن عذاب دردناک و به بیان دیگر سرآمدن اجل و وقت مقرر دانسته، می‌فرماید:

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که: «قومت را، پیش از آنکه عذابی دردناک به

آنان رسد، هشدار ده.



آنگاه به نقل سخنان نوح خطاب به قومش پرداخته، می‌فرماید:

قَالَ يَنْقُومِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ \* أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَتَّقُوهُ وَأَطِيعُونَ \* يَغْفِرْ لَكُمْ  
مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ  
تَعْلَمُونَ.

[نوح] گفت: ای قوم من، من شما را هشدار دهنده‌ای آشکارم، که خدا را بپرستید  
و از او پروا دارید و مرا فرمان برید. [تا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشاید و  
[اجل] شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد. اگر بدانید، چون وقت مقرر  
خدا برسد، تأخیر بر نخواهد داشت.

۴-۲-۷. آیه ۱۱ سوره رعد: در این آیه بر این نکته تأکید شده است که هرگاه اراده  
خداوند به نابودی قومی تعلق گیرد دیگر هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع تحقق این اراده  
شود. به عبارت دیگر با فرارسیدن اجل مقرر هر قوم و پایان یافتن مهلت آنها،  
هیچیک از توانایی‌ها، امکانات و تجهیزات آنها نمی‌تواند اندکی این اجل مقرر را به  
تأخیر بیندازد:

... وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءً فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ.

... و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از  
او حمایتگری برای آنان نخواهد بود.

نتیجه‌ای که از آیات یاد شده به دست می‌آید این است که همه اقوام و تمدن‌های  
ستم‌پیشه، هر چند قدرتمند و دارای توان نظامی و اقتصادی قابل توجه، براساس  
سنت الهی، اجل و سرآمد معین و مشخصی دارند و بالاخره روزی طعم نابودی و  
فنا را می‌چشند. در چنین روزی هیچ‌کس و هیچ‌چیز نمی‌تواند مانع سقوط و  
فروپاشی آنها شود. حتی اگر آنها همه توان نظامی و اقتصادی خود را به کار گیرند  
حتی لحظه‌ای نیز نمی‌توانند اجل معین خود را به تأخیر اندازند.

براین اساس می توان گفت که چون در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام اجل و مهلت تمدن های ستم پیشه به سر آمده و عمر آنها پایان یافته است، هرگونه مقاومتی از سوی این تمدن ها بی فایده است و هیچ عاملی نمی تواند موجب بقا و استمرار حیات آنها شود و به همین دلیل آن امام می تواند در ظرف مدت نسبتاً کوتاهی همه نظام ها و حکومت های خودکامه، ستمگر و کفر پیشه را از روی زمین براندازد و حکومت عادلانه خود را برقرار سازد.

۳-۴. تغییر نعمت ها به دلیل تغییر رفتار و روحیات امت ها: از آیات متعددی از قرآن استفاده می شود که اقبال و ادبار خداوند به هر قومی تابعی از روحیات، اعمال و رفتار آنهاست و بقا و زوال نعمت های الهی برای هر ملتی وابسته به عملکرد آن ملت است.

استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه می نویسد:

قرآن کریم نکته فوق العاده آموزنده ای در مورد سنت های تاریخ یادآوری می کند و آن اینکه مردم می توانند با استفاده از سنن جاریه الهیه در تاریخ، سرنوشت خویش را نیک یا بد گردانند... یعنی سنت های حاکم بر سرنوشت ها در حقیقت یک سلسله عکس العمل ها و واکنش ها در برابر عمل ها و کنش ها است. عمل های معین اجتماعی عکس العمل ها و واکنش ها در برابر عمل ها و کنش ها است. عمل های معین اجتماعی عکس العمل های معینی به دنبال خود دارد. از این رو در عین آنکه تاریخ با یک سلسله نوامیس قطعی و لایتخلف اداره می شود، نقش انسان و آزادی و اختیار او به هیچ وجه محو نمی گردد.<sup>۱</sup>

در اینجا به برخی از آیاتی که این موضوع از آنها استفاده می شود اشاره می کنیم:  
۱-۳-۴. آیات ۵۲ و ۵۳ سوره انفال: در این آیات پس از بیان این موضوع که

۱. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۱۹.

چگونه خاندان فرعون و کسانی که پیش از آنها بودند، پس از کفر ورزیدن، به کیفر گناهان خود گرفتار آمدند، این گرفتار آمدن را ناشی از یک قاعده کلی در نظام آفرینش دانسته، می‌گوید: خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنها آنچه را در دل دارند تغییر دهند:

كَذَابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللّٰهِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ  
 اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ شَدِيْدٌ الْعِقَابِ \* ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ  
 حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ.

[رفتارشان] مانند رفتار خاندان فرعون و کسانی است که پیش از آنان بودند: به آیات خدا کفر ورزیدند؛ پس خدا به [سزای] گناهانشان گرفتارشان کرد. آری، خدا نیرومند سخت کیفر است. این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشت تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند، و خدای شنوای داناست.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید:

عقابی که خداوند معاقبین را با آن عذاب می‌کند همیشه به دنبال نعمت الهی‌ای است که خداوند قبل از آن عقاب ارزانی داشته، به این طریق که نعمت را برداشته عذاب را به جایش می‌گذارد و هیچ نعمتی از نعمت‌های الهی به نعمت و عذاب مبدل نمی‌شود مگر بعد از تبدیل محلش که همان نفوس انسانی است. پس نعمتی که خداوند آن را بر قومی ارزانی داشته وقتی به آن قوم افاضه می‌شود که در نفوسشان استعداد آن را پیدا کنند و وقتی از ایشان سلب گشته و مبدل به نعمت و عذاب می‌شود که استعداد درونی‌شان را از دست داده و نفوسشان مستعد عقاب شده باشد. و این خود یک قاعده کلی است در تبدیل نعمت به

نقمت و عقاب...<sup>۱</sup>

۲-۳-۴. آیه ۱۱ سوره رعد: در این آیه نیز به صراحت سرنوشت اقوام را ناشی از تغییر حال آن دانسته، می فرماید:

... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...<sup>۲</sup>

... در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می فرماید:

از قضایای حتمی و سنت جاریه الهی یکی این است که همواره میان احسان و تقوی و شکر خدا، و میان توارد نعمت‌ها و تضاعف برکات ظاهری و باطنی و نزول و ریزش آن از ناحیه خدا ملازمه بوده و هر قومی که احسان و تقوی و شکر داشته‌اند خداوند نعمت را برایشان باقی داشته، و تا مردم وضع خود را تغییر نداده‌اند روز بروز بیشتر کرده است... و اما اینکه اگر فساد در قومی شایع شود و یا از بعضی از ایشان سر بزند نقمت و عذاب هم برایشان نازل می شود. آیه شریفه از تلازم میان آنها ساکت است، نهایت چیزی که از آیه استفاده می شود این است که: خداوند وقتی روش خود را تغییر می دهد و عذاب می فرستد که مردم رفتار خود را عوض کرده باشند، البته این مطلب امکان دارد نه اینکه به فعلیت در آوردنش واجب باشد؛ زیرا این آیه استفاده نمی شود.<sup>۲</sup>

با توجه به آیات یاد شده می توان گفت که براساس یکی از سنت‌های تغییر ناپذیر الهی، اقبال و ادبار خداوند به هر قوم یا ملتی تابعی از روحيات، اعمال و رفتار آنهاست و بقا و زوال نعمت‌هایی که خداوند به جامعه‌ای ارزانی داشته، ارتباطی ناگسستنی با واکنش‌های آنها در برابر این نعمت‌ها دارد.

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، همان، ج ۱۰، ص ۱۳۲.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۴۲۷-۴۲۶.

به عبارت دیگر سرنوشت هر قومی در گرو عملکرد آنهاست، و هر قوم می‌تواند با رفتار و اعمال مناسب و یا نامناسب خود سرنوشت خود را نیک و یا بد گرداند. بر این اساس می‌توانیم بگوییم که در ظهور امام مهدی عجل الله فرجه نیز خواست و تمنای درونی انسان‌ها نقش دارد و قطعاً اگر مردم از صمیم دل خواهان درک نعمت بزرگ الهی؛ یعنی وجود امام معصوم علیه السلام در جامعه شوند و با رفتار و عملکرد خود نیز این موضوع را نشان دهند، خداوند نیز این نعمت را بر آنها ارزانی خواهد داشت.

۴-۴. امامت، وراثت و خلافت مؤمنان صالح: یکی دیگر از قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر جوامع بشری، خلافت، امامت و وراثت نهایی مستضعفان صالح و اهل ایمان است. از آیات متعددی از قرآن کریم چنین برمی‌آید که براساس یک قانون و سنت الهی، بندگان مؤمن و صالح خداوند که جز در مقاطع محدودی از تاریخ کره خاک، همواره به استضعاف کشانده شده و خوار شمرده می‌شدند؛ در نهایت زمین را به ارث می‌برند و پیشوایان و حاکمان زمین می‌گردند. برخی از این آیات به شرح زیر است:

۴-۴-۱. آیه ۱۰۵ سوره انبیا: در این آیه با تعبیر «کتبنا» که اشاره به یک امر ثابت، مقرر و مفروض دارد، بیان می‌کند که در کتاب‌های آسمانی وراثت بندگان صالح خدا پیش بینی شده است:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

در تفسیر المیزان در باره این آیه چنین آمده است:

«وراثت» و «ارث» به طوری که راغب گفته به معنای انتقال مالی است به تو بدون

اینکه معامله‌ای کرده باشی. و مراد از وراثت زمین این است که سلطنت بر منافع، از دیگران به صالحان منتقل شود و برکات زندگی در زمین مختص ایشان شود، و این برکات یا دنیایی است که برمی‌گردد به تمتع صالحان از حیات دنیوی که در این صورت خلاصه مفاد آیه این می‌شود که به زودی زمین از لوث شرک و گناه پاک گشته جامعه بشری صالح که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نوزند در آن زندگی کنند؛ همچنانکه آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»<sup>۱</sup> از آن خبر می‌دهد. و یا این برکات اخروی است که عبارت است از مقامات قربی که در دنیا برای خود کسب کردند، چون این مقام هم، از برکات حیات زمینی است هر چند که خود از نعیم آخرت است؛ همچنانکه آیه: «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْزَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ»<sup>۲</sup> که حکایت کلام اهل بهشت است و آیه: «أُوْتِيكَ هُمُ الْوَرِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ»<sup>۳</sup> بدان اشاره می‌کند. از همین جا معلوم می‌شود که آیه مورد بحث خاص به یکی از دو وراثت‌های دنیایی و آخرتی نیست بلکه هر دو را شامل می‌شود.<sup>۴</sup>

۴-۴-۲. آیه ۵۵، سوره نور: در این آیه خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند و عده می‌دهد که سرانجام در زمین به خلافت می‌رسند و از بیم و هراس رهایی می‌یابند:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ  
كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ

۱. سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵.

۲. سوره زمر (۳۹)، آیه ۷۴.

۳. سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۱۱.

۴. طباطبائی، سید محمد حسین، همان، ج ۱۴، ص ۴۶۶-۴۶۵.

وَلْيَبْدِلْهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّنًا يَّعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد. همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را به من شریک نگردانند، و هر کس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، پس از اشاره به اختلاف نظر فراوانی که در میان مفسران در زمینهٔ مراد از این آیه وجود دارد، و همچنین بیان دیدگاه خود در این زمینه، می‌فرماید:

آنچه از همهٔ مطالب برآمد این شد که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برایشان تکوین می‌کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد، و از لکهٔ ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان، و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند. و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر ﷺ مبعوث به رسالت گشته تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی ﷺ خواهد بود؛ چون اخبار متواتری که از رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت ﷺ در خصوصیات

آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد.<sup>۱</sup>

حاصل مباحثی که در این قسمت بیان شد این است که، براساس یک سنت تغییرناپذیر الهی، حاکمیت نهایی جهان از آن صالحان و مستضعفان است و بالاخره روزی جهان در اختیار صاحبان واقعی آن؛ یعنی بندگان صالح و مؤمنان به خدا و رسول او، قرار می‌گیرد. در این روز جهانیان طعم شیرین عدالت، امنیت و معنویت را می‌چشند و بی‌هیچ بیم و هراسی خدای یگانه را پرستش می‌کنند. اما پرسش این است که این سنت الهی به دست چه کسی محقق خواهد شد؟

تردید نیست که امام مهدی علیه السلام تنها تحقق بخش این سنت الهی در تاریخ است و جز او کسی نخواهد توانست وعده خدا بر حاکمیت صالحان را محقق کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که چون امام مهدی علیه السلام تنها ذخیره الهی برای تحقق سنت یاد شده است، خداوند او را از راه‌های گوناگون یاری خواهد داد تا بتواند سنتش را در میان بندگان جاری و وعده‌اش را محقق سازد. در این صورت جایی برای این پرسش که آن حضرت چگونه در برابر همه دنیای ظلم می‌ایستد و چگونه قدرت‌های نظامی و سیاسی زمان ظهور را در هم می‌شکند؟ باقی نمی‌ماند.

۱. همان، ج ۱۵، ص ۲۱۵.



## گفتار چهارم: نشانه‌های ظهور

### ۱. ضرورت شناخت نشانه‌های ظهور

ظهور مصلح آخرین، حضرت بقیة اللہ الاعظم - ارواحنا له الفداء - با حوادث طبیعی، رویدادهای اجتماعی و تحولات سیاسی، نظامی بسیاری همراه است که همه، نشان از آماده شدن جهان برای ورود به عصری جدید و آغاز دورانی سرنوشت‌ساز از حیات کره خاک دارند.

از مجموع این حوادث، رویدادها و تحولات که پیش از ظهور و یا هم‌زمان با آن واقع می‌شوند تعبیر به نشانه‌ها یا علایم ظهور می‌شود.

البته این نکته را باید توجه داشت که همه این نشانه‌ها در یک زمان واقع نشده و از نظر دوری و یا نزدیکی به وقت ظهور با یکدیگر تفاوت دارند.

از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که بشارت به ظهور مردی از آل محمد صلی الله علیه و آله در آخرالزمان داده شد، بیان نشانه‌های ظهور او نیز آغاز شد. امام علی علیه السلام بارها در خطبه‌ها و سخنان خود اصحاب را نسبت به رویدادهای عصر ظهور آگاهی می‌دادند و آنها را

## ۲۷۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

متوجه این رویداد عظیم می‌ساختند. امامان بعدی نیز هر یک به نوبه خود مردم را نسبت به نشانه‌های ظهور هشدار می‌دادند.

اکنون ما مواجه با مجموعه‌ای قابل توجه از روایات و کلمات معصومین علیهم السلام هستیم که در هر یک از آنها به گوشه‌ای از رویداد عظیم ظهور مصلح آخرالزمان اشاره شده و اگر ما آنها را در کنار هم قرار دهیم، می‌توانیم به تصویری نسبتاً واضح از وضعیت اجتماعی، سیاسی، نظامی و حتی طبیعی و جغرافیایی جهان در آستانه ظهور دست یابیم.

بدون شک مطالعه در روایات مربوط به نشانه‌های ظهور در عصر ما که بیش از هر عصر دیگر التهاب جهانی برای ظهور احساس می‌شود از ضرورت‌های بی‌چون و چراست و بر شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آله واجب است که با دقت تمام همه نشانه‌های ظهور را مورد توجه قرار دهند، و با تطبیق آنها با وضعیت کنونی جهان، رسالت خویش را بهتر بشناسند.

### ۲. دسته‌بندی نشانه‌های ظهور

در کتاب‌ها و منابع اسلامی از حوادث و رویدادهای مختلفی به عنوان نشانه‌های ظهور یاد شده است تا جایی که برخی از صاحب‌نظران شمار این حوادث و رویدادها را تا بیش از شصت مورد رسانده‌اند.<sup>۱</sup> با بررسی این نشانه‌ها به نظر می‌رسد که آنها به دو اعتبار قابل دسته‌بندی هستند:<sup>۲</sup>

#### ۱. به اعتبار نوع حادثه و رویداد؛

۱. ر. ک: مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، ص ۳۶۱-۳۵۶؛ امین، سید محسن، سیره معصومان، ترجمه علی حجتی کرمانی، ج ۶، ص ۴۰۰-۳۶۷.

۲. ر. ک: صدر، سید محمد، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۴۴۲.

## ۲. به اعتبار زمان وقوع حادثه و رویداد.

در دیدگاه نخست ملاک دسته‌بندی این است که آیا آن حادثه و رویدادی که در روایت ذکر شده از جمله رویدادها و حوادث اجتماعی است یا در زمره وقایع و رخدادهای طبیعی؟

اما در دیدگاه دوم آنچه ملاک دسته‌بندی قرار گرفته این است که آیا حادثه و رویدادی که از آن به عنوان نشانه ظهور یاد شده در فاصله‌ای نزدیک به عصر ظهور امام عصر علیه السلام رخ می‌دهد، یا در فاصله‌ای دور از عصر ظهور؟

با تلفیق این دو دسته‌بندی می‌توان نشانه‌های ظهور را به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

### ۲-۱. حوادث و رویدادهای اجتماعی نزدیک به عصر ظهور: برای این گونه

حوادث می‌توان به وقایعی مانند قیام و شورش سفیانی و کشته شدن نفس زکیه در مسجد الحرام اشاره کرد.

شیخ طوسی، در کتاب الغیبه از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند:

خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِنَ الْعَلَامَاتِ: الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ، وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَخُرُوجُ الْيَمَانِيِّ وَ قَتْلُ نَفْسِ الزَّكِيَّةِ.<sup>۱</sup>

پنج رویداد پیش از به پا خاستن قائم از نشانه‌ها به شمار می‌رود: برخاستن ندایی

از آسمان، خروج سفیانی، شکافته شدن زمین در منطقه «بیداء»، خروج مردی از

یمن و کشته شدن نفس زکیه.

در مورد «خروج سفیانی» که در این روایت به عنوان نشانه ظهور ذکر شده، باید گفت:

چنان‌که در روایات آمده است، «سفیانی» مردی است از نسل آل ابی سفیان<sup>۲</sup> که از

۱. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۲۶۷؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، ص ۲۵۲، ح ۹؛ صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۱.

۲. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۷۰؛ صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۱.

## ۲۷۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

شام و یا همان سوریه فعلی سر به شورش برداشته و مناطق زیادی را، تحت تسلط خود می‌گیرد، تا سرانجام در زمانی که به قصد تصرف مکه راهی این مکان می‌شود در منطقه‌ای بین مدینه و مکه که به آن «بیداء» گفته می‌شود زمین شکافته شده و لشکریان او در دل زمین فرو می‌روند.<sup>۱</sup>

در روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شده، ویژگی‌های سفیانی چنین برشمرده شده است:

يَخْرُجُ ابْنُ آكِلَةِ الْاَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَ هُوَ رَجُلٌ رُبْعَةٌ وَحَشُّ الْوَجْهِ ضَخْمٌ  
الْهَامَةِ بِوَجْهِهِ اَثَرُ جُدْرِيٍّ اِذَا رَاَيْتَهُ حَسِبْتَهُ اَعُوْرًا، اِسْمُهُ عَثْمَانُ وَ اَبُوهُ عَنبَسَةٌ وَ  
هُوَ مِنْ وُلْدِ اَبِي سَفِيَانَ حَتَّى يَأْتِيَ اَرْضًا ذَاتَ قَرَارٍ وَ مَعِيْنٍ فَيَسْتَوِي عَلٰى  
مَنْبَرِهَا.<sup>۲</sup>

پسر هند جگرخوار از بیابانی خشک خروج می‌کند؛ او مردی است چهارشانه، زشت‌رو، بزرگ سر، آبله‌رو و چون او را بینی می‌پنداری که یک چشم است. نامش عثمان و نام پدرش عنبسه و از فرزندان ابوسفیان است، تا به سرزمینی که دارای قرارگاه و خرمی است می‌رسد و در آنجا بر تخت سلطنت می‌نشیند.

براساس روایتی که نعمانی در کتاب الغیبه از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند، شورش و طغیان سفیانی و قیام حضرت مهدی علیه السلام در یک سال واقع می‌شود.<sup>۳</sup> در مورد «نفس زکیه» نیز باید گفت که او، به تعبیر روایات، مردی از اولاد امام حسن علیه السلام است که در مسجد الحرام و در بین رکن و مقام ابراهیم کشته می‌شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

۱. ر. ک: مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۸۷-۱۸۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، ص ۴۵۴.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ص ۶۵۱، ح ۹.

۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۶۷؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۷۱.

لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَةٌ عَشَرَ لَيْلَةً.<sup>۱</sup>

بین قیام قائم آل محمد و کشته شدن نفس زکیه تنها پانزده شب فاصله خواهد بود.

اما در مورد خروج «یمانی» نیز باید گفت که به نقل روایات، هم‌زمان با قیام سفیانی در شام، مردی از یمن نیز حرکتی را آغاز می‌کند و مردم را به سوی حق و طریق مستقیم فرامی‌خواند و قیام او صحیح‌ترین قیام‌ها و پرچمی که او بلند می‌کند هدایت‌بخش‌ترین پرچم‌ها خواهد بود.

در این زمینه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَّاسَانِيَّةِ وَ السُّفْيَانِيَّةِ وَ الْيَمَانِيَّةِ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ

فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، وَ لَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيَّةِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ.<sup>۲</sup>

خروج هر سه؛ خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، یک ماه و یک روز واحد صورت می‌گیرد و در این هیچ پرچمی هدایتگر پرچم یمانی نخواهد بود. او به سوی حق هدایت می‌کند.

وقوع این رویداد از نشانه‌های حتمی ظهور حجّت بن الحسن - ارواحنا له

الفداء<sup>۳</sup> - و نشانه‌هایی است که در فاصله بسیار کمی از ظهور واقع می‌شود

۲-۲. حوادث و رویدادهای اجتماعی دور از عصر ظهور: دسته دوم از حوادث

و رویدادهای اجتماعی، برخلاف دسته اول از نظر زمان به زمان قیام قائم نزدیک

نبوده و به یک تعبیر بیش از آنچه علامت ظهور به حساب آیند، نشانی بر صدق

گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در مورد ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله هستند.

به عبارت دیگر وقتی پیامبر اکرم و یا سایر پیشوایان دین یک رویداد اجتماعی را در

۱. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۷۱. ر. ک: نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۵۲.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ص ۶۴۹، ج ۲.

۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۵۲.

فاصله چند صد سال از عصر خویش پیش بینی می کنند و ما به چشم خود وقوع این حوادث را مشاهده می کنیم، بیش از پیش در اعتقاد خود به طور منجی عالم بشریت یقین پیدا کرده و به خود اجازه شک در سایر وقایعی که وقوع آنها در زمانی نزدیک به قیام قائم پیش بینی گردیده است؛ نمی دهیم و بر ما مسلم می شود که کلام پیشوایان دین بی کم و کاست، تحقق خواهد یافت.

نعمانی در کتاب خود از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که زوال دولت امیه و استقرار دولت بنی عباس از وقایعی است که در قبل از ظهور قائم رخ می دهد.<sup>۱</sup> وقتی به این نکته توجه کنیم که امام محمد باقر علیه السلام هجده سال قبل از زوال دولت اموی و روی کار آمدن دولت عباسی وفات نموده اند؛ برای ما این موضوع روشن می شود که کلام ائمه: بی هیچ تردیدی براساس علم الهی صادر شده است.

در روایت هایی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به ما رسیده وقوع حوادث و رویدادهای اجتماعی مختلفی در قبل از قیام مهدی - ارواحنا له الفداء - پیش بینی گردیده که با بررسی اسناد و کتاب های تاریخی وقوع بسیاری از آنها بر ما مسلم شده و به راحتی می توانیم واقعه پیش بینی شده را با آنچه در خارج واقع شده و در کتاب های تاریخ نیز ثبت شده است تطبیق دهیم.<sup>۲</sup>

شایان ذکر است که برخی معتقدند این گونه رویدادهای اجتماعی دور از عصر ظهور را که در کلمات معصومین علیهم السلام وقوع آنها پیش بینی شده اند، نباید به عنوان نشانه های ظهور تلقی کرد، بلکه آنها جزء ملاحم و فتنی هستند که معصومین علیهم السلام براساس علم غیب خود از آنها خبر می دادند.<sup>۳</sup>

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۶۲.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: صدر، سید محمد، همان، ص ۴۷۷-۴۴۸.

۳. ر. ک: صادقی، محمد، «تأملی در روایت های علائم ظهور»، فصلنامه انتظار، ش ۸، ۹ و ۱۰، تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

۲-۳. حوادث و رویدادهای طبیعی نزدیک به عصر ظهور: یکی از این حوادث که در فاصله کمی از قیام مهدی متظر علیه السلام رخ می‌دهد، ندایی است که از آسمان برخاسته و نام حضرت قائم علیه السلام را به گوش تمام جهانیان می‌رساند، نعمانی، شیخ صدوق و شیخ طوسی در کتاب‌های خود روایات زیادی را در این مورد نقل کرده‌اند که در اینجا به ذکر یکی از آنها بسنده می‌کنیم.

نعمانی به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند:

الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، [لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ] شَهْرُ اللَّهِ، [وَالصَّيْحَةُ فِيهِ] هِيَ صَيْحَةُ جِبْرِئِيلَ علیه السلام إِلَى هَذَا الْخَلْقِ، ثُمَّ قَالَ: يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ علیه السلام فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ. لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ وَ لَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ، وَ لَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ، فَرَجِمَ اللَّهُ مَنْ اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ.<sup>۱</sup>

آن ندای آسمانی برنخواهد خاست مگر در ماه رمضان [چرا] که [رمضان] ماه خداست، آن ندا از جبرئیل است که خطاب به مردم سر داده می‌شود و نام قائم را در همه جا طنین‌انداز می‌سازد، تا آن جا که همه ساکنان زمین از شرق تا به غرب آن ندا را خواهند شنید. از وحشت شنیدن آن ندا هرکس در خواب فرو رفته بیدار شده و هرکس بر پا ایستاده، ناچار به نشستن می‌شود و هرکس بر زمین نشسته، به ناگاه از جای برمی‌خیزد. پس رحمت الهی بر کسی باد که این ندا را بشنود و به آن پاسخ گوید.

از جمله وقایع طبیعی دیگری که در قبل از قیام منجی عالم بشریت رخ می‌دهد و در روایات ما به آن اشاره شده است، نوعی از ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۵۴؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۷۴؛ صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۶۵۰.

## ۲۷۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

است که در تمام طول کره زمین سابقه نداشته و باعث بر هم ریختن حساب تمام ستاره شناسان می شود. در این مورد نیز روایات متعددی ذکر شده است که تنها یکی از آنها را به نقل از نعمانی ذکر می کنیم:

او در کتاب خود از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمودند:

آيَاتَانِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ: تَتَكَيَّفُ الشَّمْسُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالْقَمَرُ فِي آخِرِهِ...!

دو نشانه در قبل از ظهور قائم وجود دارد که از زمان هبوط آدم به زمین سابقه نداشته است؛ یکی گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و دیگری گرفتن ماه در آخر این ماه است.

گفتنی است علت عجیب بودن این ماه گرفتگی و خورشیدگرفتگی این است که براساس قواعد نجومی معمولاً ماه گرفتگی در نیمه ماه و خورشید گرفتگی در اواخر ماه رخ می دهد و به همین دلیل هم در روایات آمده است که به سبب وقوع این حادثه حساب ستاره شناسان به هم می ریزد.<sup>۲</sup>

۲-۴. حوادث و رویدادهای طبیعی دور از عصر ظهور: در روایات به نمونه های مختلفی از این گونه حوادث و رویدادهای طبیعی اشاره شده که برای نمونه می توان به طغیان رود فرات و جاری شدن آب در کوچه های کوفه،<sup>۳</sup> هجوم ملخ هایی به رنگ خون<sup>۴</sup> و نزول باران های فراوان که قبل از آن سابقه نداشته<sup>۵</sup> است، اشاره کرد.

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۷۱؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۲۷۰؛ صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۶۵۵.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۶۵۵.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۲۹.

۴. همان، ص ۴۲۷.

۵. یزدی حائری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب، ج ۲، ص ۱۵۹؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ص ۳۵۹.



گفتنی است که به تصریح روایات، وقوع برخی از حوادث و رویدادهایی که به عنوان نشانه‌های ظهور ذکر شده‌اند، حتمی و مسلّم و وقوع برخی دیگر مشروط و غیرقطعی است. اما، چنان‌که نعمانی نیز بدان تاکید می‌ورزد، وقوع حوادثی مانند خروج سفیانی و یمانی، شکافته شدن زمین در منطقه بیداء، کشته شدن نفس زکیه و برخاستن ندایی از آسمان از نشانه‌های قطعی و محتوم قیام قائم آل محمد علیهم‌السلام بوده و دلایل و مستندات آنها محکم و خدشه ناپذیر است.<sup>۱</sup> و<sup>۲</sup>

---

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، ص ۲۸۲.

۲. برای مطالعه بیشتر در زمینه نشانه‌های ظهور ر. ک: ابن طاووس، سید علی، الملاحم و الفتن، مترجم: محمدجواد نجفی؛ سلیمان، کامل، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، مترجم علی اکبر مهدی پور؛ کورانی، علی، عصر ظهور؛ السادة، مجتبی، شش ماه پایانی: تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور، مترجم محمود مطهری‌نیا؛ خادمی شیرازی، محمد، نشانه‌های ظهور او. همچنین برای آشنایی با آثاری که در این زمینه تألیف شده‌اند ر. ک: شفیع سروستانی، ابراهیم، «آخرالزمان شناسی در آثار اسلامی»، مندرج در کتاب پیشگویی‌ها و آخرالزمان (مجموعه مقالات).

## گفتار پنجم: یاران قائم

شیعیان و منتظران قدوم حضرت صاحب الامر علیه السلام در راز و نیازهای صبح و شام خود همواره از خداوند می خواهند که آنان را از جمله یاوران آن امام قرار دهد و به آنان این توفیق را عطا کند که در خیل سپاهیان آن حضرت و در پیشگاه ایشان به شهادت برسند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ  
عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي لِأَحْوَالِ عَنَّا وَ لِأَزْوَالِ أَبَدًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ  
أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّائِبِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ  
الْمُمْتَلِينَ لِأَمْرِهِ وَ نَوَاهِيهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ  
الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.<sup>۱</sup>

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانی، عهد و پیمان و بیعتی را  
که از آن حضرت برگردن دارم با او تجدید می کنم؛ که هرگز از آن عهد و پیمان

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا! مرا از یاران و هواداران و مدافعان آن حضرت و شتابندگان در پی انجام خواسته‌های او و اطاعت کنندگان از اوامر و نواهی او و حمایت کنندگان از وجود او و پیشی گیرندگان به سوی خواسته‌های او و شهید شدگان در حضور او قرار ده.

اما در ورای این آرزو و درخواست، پرسش‌هایی چند نیز مطرح است مانند این که: یاران قائم کیان‌اند؛ چه کسانی به فیض همراهی آن امام عدالت گستر دست می‌یابند؛ تعداد آنها چند نفر است؛ چگونه برگزیده می‌شوند و آنها از چه ویژگی‌های برجسته‌ای برخوردارند؟

ابتدا با این پرسش شروع می‌کنیم که: یاران قائم از چه ویژگی‌ها و خصایل روحی و جسمی برخوردارند؟

### ۱. خصال و ویژگی‌های یاران قائم

امامان معصوم علیهم السلام در روایات متعددی به توصیف خصال و ویژگی‌های یاران قائم علیهم السلام پرداخته و چنان در این زمینه با دقت و ظرافت سخن گفته‌اند که مخاطبان به راحتی می‌توانند به تصویری روشن از یاران آن حضرت دست یابند.

روایت زیر، که از امام صادق علیه السلام نقل شده، درستی این ادعا را به اثبات رساند.

كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَصْحَابِهِ فِي نَجْفِ الْكُوفَةِ كَأَنَّ عَلَى رُؤْسِهِمُ الطَّيْرُ، قَدْ فَنَيْتَ أَزْوَادَهُمْ وَ خَلَقْتَ ثِيَابَهُمْ، قَدْ أَثَرَ السُّجُودُ بِجِبَاهِهِمْ، لُيُوثُ بِالنَّهَارِ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، يُعْطَى الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، لَا يَقْتُلُ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا وَ قَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوَسُّمِ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ بِقَوْلِهِ: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»<sup>۱</sup>.

گویا که قائم علیه السلام و یاران او را می بینم که در نجف (کوفه) اجتماع کرده و پزندگانی بر سر آنها پرواز می کنند. توشه های آنها کاستی گرفته، جامه های آنها کهنه شده و نشان سجده بر پیشانی آنها نقش بسته است. آنها شیران روز و زاهدان شباند. دل هایشان مانند پاره های آهن [محکم و استوار] است و هر کدام از آنها توان چهل مرد را دارا هستند. هیچ یک از آنها کشته نمی شود مگر به دست کافر یا منافق. خداوند تعالی در کتاب عزیز خود از آنها با عنوان اهل بصیرت و تیزبینی یاد کرده است. آنجا که می فرماید: «در این (عذاب) برای اهل بصیرت نشانه هایی نهفته است».

در روایات، خصایل و ویژگی های متعددی برای یاران آن حضرت بر شمرده شده است که برخی از آنها مربوط به ویژگی ها و صفات ظاهری و جسمانی و برخی دیگر مربوط به ویژگی ها و خصایل اخلاقی و روحی ایشان است.

۱-۱. خصال روحی: شاید بتوان گفت در میان همه ویژگی هایی که برای یاران امام منتظر بر شمرده شده، یک ویژگی از همه بارزتر و با اهمیت تر است و آن اینکه آنها مصداق کامل «اولیاء الله» (دوستان خدا) هستند که در قرآن کریم بدانها اشاره شده است. آنجا که می فرماید:

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.<sup>۳</sup>

آگاه باشید که بر دوستان خدا بیمی نیست و غمگین نمی شوند.

امام صادق علیه السلام در روایتی خصال شیعیان قائم آل محمد علیهم السلام را چنین بیان می کند:

طُوبَى لِّشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ،

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۲، ص ۳۸۶، ح ۲۰۲.

۳. سوره یونس (۱۰)، آیه ۶۲.

أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.<sup>۱</sup>

خوشا به حال شیعیان قائم، که در زمان غیبتش منتظر ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، آنان اولیای خدا هستند، همان‌ها که نه ترس آنها را فرا می‌گیرد و نه اندوهگین می‌شوند.

اینکه انسانی از هیچ چیز ترسی به دل راه ندهد و از هیچ چیز اندوهگین نشود، تنها زمانی امکان پذیر است که جز خدا نبیند و جز به خدا نیندیشد و این اوج کمال آدمی و بالاترین مرتبه‌ای است که یک انسان می‌تواند بدان دست یابد.

امام علی علیه السلام نیز در وصف یاران مهدی علیه السلام می‌فرماید:

... فَيَجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ قَوْمًا قَزَعُ كَقَزَعِ السَّحَابِ، يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَا يَسْتَوْجِحُونَ إِلَى أَحَدٍ، وَلَا يَقْرَحُونَ بِأَحَدٍ يَدْخُلُ فِيهِمْ، عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ يَدْرِ، لَمْ يَسْبِقْهُمْ الْأَوْلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ...<sup>۲</sup>

خداوند تعالی مردمی را برای [یاری] او گرد می‌آورد، همچنان‌که پاره‌های ابر گرد آمده و به هم می‌پیوندند. خداوند دل‌های آنان را به هم نزدیک می‌کند. آنها از هیچ کس ترسان نمی‌شوند. و از اینکه کسی بدان‌ها بپیوندد شادمان نمی‌گردند. تعداد آنها همان تعداد اصحاب بدر است. هیچ کس از پیشینیان از آنها سبقت نمی‌گیرد و هیچ کس از آیندگان به آنها نمی‌رسد.

از روایت‌های مفصلی که درباره تعداد یاران امام عصر علیه السلام و کشور و سرزمین آنها نقل شده، چنین بر می‌آید که آنها عصاره فضایل همه ملت‌ها و برترین‌های همه اقوام روی زمین هستند.<sup>۳</sup>

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴.

۲. الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، ج ۴، ص

۵۵۴، به نقل از: معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام ج ۳، ص ۱۰۰.

۳. ر. ک: معجم احادیث الامام المهدی، علیه السلام ج ۳، ص ۱۰۸-۱۰۴ و ج ۴، ص ۲۲-۲۲.

موضوع یادشده از روایت زیر که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، نیز استفاده می‌شود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثَلَاثُ مَائَةٍ وَ نَيْفِ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ، فِيهِمُ النَّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ، وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ...<sup>۱</sup>

سیصد و اندی، به عدد اهل بدر، بین رکن و مقام با قائم بیعت می‌کنند. در میان آنها برگزیدگان (نجباء) از اهل مصر، مردان صالح و پرهیزکار (ابدال) از اهل شام، و نیک مردان (اخیار) از اهل عراق وجود دارند.

یاران قائم همچنان‌که در بالاترین درجه تقوی و پرهیزکاری قرار دارند، از نظر کمال علمی نیز در بالاترین درجه قرار گرفته و از جام حکمت الهی و معرفت دینی، چنان‌که باید، سیراب گشته‌اند.

امیر بیان، علی علیه السلام در سخنان زیبایی مراتب فضل و کمال علمی یاران موعود آخرالزمان را چنین توصیف می‌کنند:

... ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلِ، تُجَلَى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ، وَ يُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ، وَ يُغْبَقُونَ كَأَسِّ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ.<sup>۲</sup>

... پس گروهی در آن فتنه‌ها صیقلی می‌شوند. مانند صیقل دادن آهنگر شمشیر را، دیده‌های آنها به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش‌هایشان جا گرفته شود. در شب، جام حکمت را به آنها بنوشانند، بعد از اینکه در بامداد هم نوشیده باشند.

خلاصه کلام این که یاران قائم، در چنان مرتبه‌ای از زهد و تقوی و علم و معرفت قرار دارند که همه کائنات در برابر آنها سر تسلیم فرود می‌آورند، و زمین و

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۲ ص ۳۳۴، ح ۶۴.

۲. فیض الاسلام، سید علی‌نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰، ص ۴۵۸-۴۵۹.

آسمان به وجود آنها افتخار می‌کند.

چنان‌که در روایت نقل شده از امام محمد باقر علیه السلام به این نکته تصریح شده است:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ، لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ، حَتَّى سِبَاعُ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُ الطَّيْرِ تَطْلُبُ رِضَاهُمْ [فِي] كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى تَفْتَخِرُ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ، وَ تَقُولُ: مَرَّ بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ.<sup>۱</sup>

گویی که یاران قائم را می‌بینم که شرق و غرب [جهان را] در نور دیده‌اند. همه چیز در برابر آنها سر تسلیم فرو می‌آورد. حتی حیوانات درنده و پرندگان شکاری به دنبال خشنود ساختن آنها هستند. قطعه‌ای از زمین به قطعه‌ای دیگر مباحثات کرده و می‌گوید: امروز مردی از یاران قائم از من گذر کرد.

۱-۲. ویژگی‌های جسمانی: یاران مهدی علیه السلام از نظر صفات جسمی و نیروی بدنی نیز سرآمد روزگار هستند و کسی را یارای مقابله با آنها نیست. در اینجا به تعدادی از روایاتی که به اوصاف ظاهری یاران آن حضرت پرداخته‌اند، اشاره می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام در وصف توان جسمی و قدرت بدنی یاران قائم علیه السلام می‌فرماید:

مَا كَانَ يَقُولُ لَوْ طُؤْتُ علیه السلام: «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ»<sup>۲</sup> إِلَّا تَمَنِّيًّا بِقُوَّةِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ لَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةً أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَ إِنَّ قَلْبَهُ لِأَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ، وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا، لَا يَكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.<sup>۳</sup>

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۲، ص ۳۲۷، ح ۴۳.

۲. سوره هود (۱۱)، آیه ۸۰.

۳. مجلسی، محمد باقر، همان، ص ۳۲۷، ح ۴۴.

لوط علیه السلام که می فرمود: «کاش در برابر شما قدرتی می داشتم، یا می توانستم به تکیه گاهی استوار پناه ببرم، در آرزوی نیرو و توان قائم علیه السلام و به یاد قدرت و استواری یاران او بود؛ زیرا به هر کدام از آنها قدرت چهل مرد داده شده و قلب آنها محکم تر از پاره های آهن است. اگر به کوه هایی از آهن برخورد کنند آنها را از جا برکنند و شمشیرهای آنان از حرکت باز نمی ایستد مگر زمانی که خداوند، عزوجل، خشنود شود.

## ۲. تعداد یاران قائم

قول مشهور در مورد تعداد یاران امام عصر علیه السلام این است که آنها ۳۱۳ نفر هستند. و در روایت های متعددی به این موضوع اشاره شده است. از جمله روایت زیر که «مفضل بن عمر» از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَ مِائَةٍ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ، وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ، وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ.<sup>۱</sup>

مثل این است که قائم علیه السلام را بر منبر (مسجد) کوفه می بینیم در حالی که ۳۱۳ مرد به عدد اهل بدر گرد او را گرفته اند. آنها مردان جنگاور و حاکمان خدا در زمین او و بر خلق اویند.

اما با توجه به روایات دیگر به این نتیجه می رسیم که یاران آن حضرت منحصر به تعداد یاد شده نبوده و این تعداد، کسانی هستند که از آغاز حرکت حضرت مهدی علیه السلام او را همراهی می کنند، اما به تدریج بر این تعداد افزوده می شود. البته، ناگفته نماند که این ۳۱۳ نفر به دلیل خصایل برجسته ای که دارند نقش فرماندهی و



رهبری را در لشکر آن حضرت بر عهده دارند.

در روایتی که در این زمینه از امام صادق علیه السلام نقل شده، چنین آمده است:

إِذَا أذِنَ عَزَّوَجَلَّ لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ، صَعَدَ الْمُنْبَرُ، وَ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ  
بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ، وَ أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يَعْمَلُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ،  
فَيَبْعَثُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ، جِبْرَائِيلَ عليه السلام حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيَنْزِلُ عَلَى الْحَطِيمِ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ:  
إِلَى أَيِّ شَيْءٍ تَدْعُو؟ فَيُخْبِرُهُ الْقَائِمُ عليه السلام فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ عليه السلام أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ  
أَبْسِطْ يَدَكَ، فَيَمْسَحُ عَلَى يَدِهِ وَ قَدْ وَاوَاهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ بِضْعَةَ عَشْرٍ رَجُلًا فَيُبَايِعُونَهُ وَ  
يُقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يُتِمَّ أَصْحَابُهُ عَشْرَةَ آلَافٍ أَنْفُسٍ ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَى الْمَدِينَةِ.<sup>۱</sup>

هنگامی که خداوند - عز و جل - به قائم اجازه قیام می دهد آن حضرت بر بالای  
منبر رفته مردم را به سوی خود فرا می خواند آن گاه آنها را به خدا سوگند داده و  
از آنها می خواهد که حقش را پاس دارند، تا او هم سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله را در  
میان آنها جاری کند و با آنان همان گونه رفتار نماید که آن حضرت رفتار می کرد.  
پس آنگاه خداوند - جل جلاله - جبرئیل علیه السلام را به سوی او می فرستد، جبرئیل  
بر حطیم فرود آمده و خطاب به قائم می گوید: مردم را به چیز می خوانی؟ و قائم  
هم پاسخ او را گوید. سپس جبرئیل علیه السلام می گوید: من نخستین کسی هستم که با  
تو بیعت می کنم: دستان خود را بگشا! سپس جبرئیل دست خود را بر دست او  
می کشد. سبب و اندی مرد به پیشگاه آن حضرت آمده و با او بیعت می کنند. بعد  
از آن قائم علیه السلام در مکه اقامت می کند تا زمانی که تعداد یارانش به ده هزار نفر  
می رسد و آنگاه با آنان به سوی مدینه حرکت می کند.

در روایات دیگری که در همین زمینه وارد شده است، چنین می خوانیم:

سَأَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَمْ يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عليه السلام فَإِنَّهُمْ

لَيَقُولُونَ إِنَّهُ يَخْرُجُ مِثْلَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثَ مَائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ: مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولَى قُوَّةٍ، وَ مَا يَكُونُ أَوْلَى الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ.<sup>۱</sup>

مردی از اهل کوفه از اباعبدالله (امام صادق) علیه السلام پرسید: چند نفر به همراه قائم علیه السلام قیام می‌کنند؟ برخی می‌گویند همان تعدادی که در بدر حضور داشتند؛ یعنی ۳۱۳ نفر، به همراه او بر می‌خیزند. آن حضرت فرمود: او قیام نمی‌کند مگر با همراهی صاحبان قدرت (اولی قوه) و صاحبان قدرت کمتر از ده هزار نفر نیستند. مرحوم مجلسی در ذیل این روایت می‌فرماید:

معنای روایت این است که یاران قائم منحصر در ۳۱۳ نفر نمی‌باشند، بلکه این تعداد کسانی هستند که در ابتدای قیام آن حضرت به گرد او جمع می‌شوند.<sup>۲</sup> در روایتی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، آن حضرت خروج قائم علیه السلام از مکه را منوط به تکمیل تعداد یاران ایشان دانسته، می‌فرماید:

لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى تَكْمِلُ الْحَلَقَةَ. قُلْتُ: وَ كَمِ الْحَلَقَةُ؟ قَالَ: عَشْرَةُ آلَافٍ؛ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ...<sup>۳</sup>

قائم از مکه خارج نمی‌شود مگر زمانی که تعداد کسانی که به گرد او جمع آمده‌اند، تکمیل شود. پرسیدم: این تعداد چند نفر است؟ آن حضرت فرمود: ده هزار نفر، جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در سمت چپ او حرکت می‌کند و...

### ۳. زنان و یاران قائم

براساس پاره‌ای از روایات تعدادی از یاران قائم علیه السلام را زنان تشکیل می‌دهند. از

۱. همان، ص ۳۲۳، ح ۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۶۸-۳۶۷، ح ۱۵۲.

جمله در بخشی از روایتی که «ام سلمه» درباره نشانه‌های ظهور از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است، چنین می‌خوانیم:

فَيَعُودُ عَائِدٌ مِنْ [فِي] الْحَرَمِ فَيَجْتَمِعُ النَّاسُ إِلَيْهِ كَالطَّيْرِ الْوَارِدَةِ الْمُتَفَرِّقَةِ حَتَّى يَجْتَمِعَ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَائَةٍ وَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ نِسْوَةٌ فَيُظْهِرُ عَلَى كُلِّ جَبَّارٍ وَ ابْنِ جَبَّارٍ.<sup>۱</sup>

پس پناهنده‌ای به حرم [الهی] پناه می‌آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می‌برند سوی او جمع می‌شوند تا اینکه در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد آمده که برخی از آنان زن می‌باشند که بر هر جبار و جبارزاده‌ای پیروز می‌شود.

در روایتی دیگر که «جابر بن یزید جعفی» از امام باقر علیه السلام نقل کرده، در این زمینه چنین آمده است:

وَ يَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثَ مَائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيْعَادٍ.<sup>۲</sup>

به خدا سوگند، سیصد و سیزده نفر که پنجاه نفر از آنها زن هستند، بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این تعداد زن جزء ۳۱۳ نفر یاران خاص امام مهدی علیه السلام هستند یا اینکه خیر، آنها جزء عموم یاران آن حضرت می‌باشند؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: با توجه به آنکه امام باقر علیه السلام در این روایت از

۱. معجم أحاديث الإمام المهدي عليه السلام، ج ۱، ص ۵۰۰، ح ۳۴۰، به نقل از: هاشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان ج ۵۲، ص ۲۲۳.

تعبیر «فیهم» استفاده کرده و نفرموده است «معهم» می توان استفاده کرد که این تعداد زن جزء ۳۱۳ نفر یاران خاص هستند و اینکه در بیشتر روایات آمده است ۳۱۳ نفر مرد آن حضرت را یاری می کنند، شاید به این دلیل باشد که بیشتر این ۳۱۳ نفر مرد هستند.<sup>۱</sup>

#### ۴. چگونگی اجتماع یاران قائم

امام عصر علیه السلام در روز و ساعتی مشخص درمکه ظهور کرده و یاران او چون پروانه هایی عاشق از سراسر جهان به گرد او جمع می شوند.

امام باقر علیه السلام لحظه ظهور مهدی علیه السلام و اجتماع یاران آن حضرت را چنین به تصویر می کشند:

ثُمَّ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ، وَ مَعَهُ رَايَةٌ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قَمِيصُهُ وَ سَيْفُهُ وَ عَلَامَاتُ وَ نُورٌ وَ بَيَانٌ، فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَقُولُ: أذْكَرُكُمْ اللَّهُ أَيُّهَا النَّاسُ وَ مَقَامَكُمْ بَيْنَ يَدَي رَبِّكُمْ، فَقَدْ اتَّخَذَ الْحُجَّةَ وَ بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ، وَ أَنْزَلَ الْكِتَابَ، وَ أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ أَنْ تُحَافِظُوا عَلَي طَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ رَسُولِهِ وَ أَنْ تُحْيُوا مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ وَ تُمِيتُوا مَا أَمَاتَ، وَ تَكُونُوا أَعْوَاناً عَلَي الْهُدَى، وَ وَزراً عَلَي التَّقْوَى، فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا قَنَاؤُهَا وَ زَوَالُهَا وَ آذَنْتْ بِالْوَدَاعِ، فَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ الْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَ إِمَاتَةِ الْبَاطِلِ وَ إِحْيَاءِ سُنَّتِهِ. فَيَظْهَرُ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرِ، عَلَي غَيْرِ مِيعَادٍ، قَزَعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ وَ أَسَدٌ بِالنَّهَارِ، فَيَنْفَتَحُ اللَّهُ لِلْمَهْدِيِّ أَرْضَ الْحِجَازِ، وَ يَسْتَخْرِجُ مَنْ كَانَ فِي السُّجْنِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَ تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ الْكُوفَةَ فَتَبْعَثُ بِالْبَيْعَةِ إِلَى الْمَهْدِيِّ، فَتَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ جُنُودَهُ فِي

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: طبسی، محمدجواد، زنان در حکومت امام زمان.

الآفاقِ وَ يُمِيتُ الْجَوْرَ وَ أَهْلَهُ وَ تَسْتَقِيمُ لَهُ الْبُلْدَانُ...<sup>۱</sup>.

مهدی هنگام نماز عشا در مکه ظهور می‌کند در حالی که پرچم رسول خدا، که درود خدا بر او و خاندانش باد، و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه‌ها و نور و بیان است. وقتی نماز عشا را به جا آورد با صدای رسا و بلند خود می‌فرماید: ای مردم! خدا را به یاد شما می‌آورم. شما اینک در پیشگاه خدا ایستاده اید. او حجت خود را برگزید و پیامبران را برانگیخت و کتاب [آسمانی] فرو فرستاد و شما را امر کرد که چیزی را شریک او قرار ندهید و از او و فرستاده‌اش اطاعت و فرمانبرداری کنید و زنده نگه دارید آنچه را که قرآن زنده کرده است و بمیرانید آنچه را که او میرانده است. هواداران راستی و هدایت و پشتیبان تقوی و پرهیزگاری باشید؛ زیرا نابودی و زوال دنیا نزدیک شده و اعلام وداع نموده است. و من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیای سنت او دعوت می‌کنم.

سپس او، بدون قرار قبلی، به همراه سیصد و سیزده مرد، به شمار یاران بدر، که همچون ابر پاییزی پراکنده‌اند و زاهدان شب و شیران روزند، ظهور می‌کند و خداوند سرزمین حجاز را برای مهدی می‌گشاید و او هرکس از بنی هاشم را که در زندان به سر می‌برد، آزاد می‌سازد. آنگاه درفش‌های سیاه در کوفه فرود می‌آید و گروهی را برای بیعت به سوی مهدی روانه می‌سازند و آن حضرت لشکریان خود را به سراسر جهان گسیل داشته و ستم و ستم‌پیشگان را از میان بر می‌دارد و همه سرزمین‌ها به دست او به راستی و درستکاری در می‌آیند.

حال این پرسش مطرح است که یاران قائم چگونه همگی در یک زمان و در

۱. ابن حماد المروزی، ابو عبدالله نعیم بن حماد، الفتن، تحقیق سهیل زکار، ص ۲۱۳. به نقل از: معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام ج ۳، ص ۲۹۵، ح ۸۳۲

کمترین فرصت در مکه حاضر می‌شوند و خود را برای همراهی با آن حضرت آماده می‌سازند؟

امام علی علیه السلام در این زمینه تعبیر جالبی دارند که ما را در درک چگونگی اجتماع یاران قائم علیهم السلام یاری می‌کند. ایشان می‌فرماید:

فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِذَنْبِهِ، فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قَرْعُ الْخَرِيفِ.<sup>۱</sup>

چون وقت آن برسد، آقای بزرگوار و پیشوای دین مستقر و پا برجا گردد. پس نزد آن بزرگوار گرد آیند، چنان‌که پاره‌های ابر در فصل پاییز گرد آمده و به هم می‌پیوندند.

تشبیه جمع شدن یاران آن حضرت به جمع شدن ابرهای پاییزی نشان از سرعت اجتماع و به هم پیوستن آنها دارد؛ چنان‌که در روایتی که در همین زمینه از امام باقر علیه السلام نقل شده آمده است:

أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ يَحْمِلُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا، يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ نَسَبِهِ وَ حُلِيِّتِهِ، وَ بَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ، فَيُؤَافِيهِ (فَيَرِي) فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ.<sup>۲</sup>

یاران قائم سیصد و سیزده مرد از فرزندان عجم (غیر عرب) هستند. گروهی از آنان به هنگام روز به وسیله ابر حرکت می‌کنند و با نام خود و نام پدر و خصوصیات نسبشان شناخته می‌شوند. گروهی دیگر از آنها در حالی که در بستر خود آرمیده‌اند، بدون قرار قبلی در مکه بر آن حضرت وارد می‌شوند.

از امام صادق علیه السلام نیز روایتی به همین مضمون نقل شده است.

۱. فیض الإسلام، سید علی‌نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۱۲۰۲، ح ۱.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ص ۳۷۰-۳۶۹، ح ۱۵۷.

بَيْنَا شَبَابَ الشُّيْعَةِ عَلَى ظُهُورِ سَطُوحِهِمْ نِيَامًا إِذَا تَوَافَوْا إِلَى صَاحِبِهِمْ فِي لَيْلَةٍ  
وَاحِدَةٍ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ، فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ.<sup>۱</sup>

جوانان شیعه در حالی که بر پشت بام‌های خود آرمیده‌اند، در یک شب، بدون هیچ قرار قبلی به نزد صاحب خود برده شده و بامدادان در مکه حاضر می‌شوند. از این روایات و دیگر روایات مشابه<sup>۲</sup> که همگی بر اجتماع ناگهانی و از پیش تعیین نشده یاران قائم در یک شب مشخص در مسجد الحرام دلالت دارند، روشن می‌شود که تنها به مدد قدرت بی‌مانند خداوند متعال است که یاران برگزیده امام مهدی علیه السلام در مدت زمان کوتاهی و یا به تعبیر برخی از روایات «در کمتر از یک چشم بر هم زدن»<sup>۳</sup> به گرد آن حضرت جمع می‌شوند.

## ۵. سلاح یاران قائم

گفتیم که یاران قائم علیه السلام از نظر توان جسمانی و قدرت بدنی در مرتبه بالایی قرار دارند تا آنجا که کوهی را از جا بر می‌کنند. اما این پرسش همواره مطرح بوده که امام عصر علیه السلام و یارانش از چه سلاحی در مبارزه با مستکبران و گردنکشان عصر استفاده می‌کنند؟

برای یافتن پاسخ پرسش یاد شده به سراغ روایات می‌رویم تا ببینیم از آنها چه چیزی به دست می‌آید.

امام باقر علیه السلام در ضمن روایتی که در آن به بیان شباهت‌های امام مهدی با انبیای الهی می‌پردازند، شباهت آن امام را با جد بزرگوارش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین بر

۱. همان، ص ۳۷۰، ح ۱۵۹.

۲. ر. ک: همان، ص ۲۳۹، ۲۸۶، ۳۱۶، ۳۲۳، ۳۴۲، ۳۶۸.

۳. ر. ک: ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، ص ۱۲۱؛ سلیمان، کامل، روزگار‌هایی (یوم الخلاص)، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ج ۱، ص ۴۰۷.

می‌شمارند:

... وَ أَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى ﷺ فَخَرُّوْجُهُ بِالسَّيْفِ وَ قَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ  
أَعْدَاءَ رَسُولِهِ ﷺ وَ الْجَبَّارِينَ وَ الطَّوَاعِيَةَ، وَ إِنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَ الرَّعْبِ  
وَ...<sup>۱</sup>

... اما شباهت او به جد برگزیده اش، که درود بر او و خاندانش باد، این است که او  
با شمشیر قیام می‌کند و دشمنان رسول خدا ﷺ و همه ستمگران و گردنکشان را  
به قتل می‌رساند. و او با شمشیر و ترسی [که در دل دشمنان می‌افکند] به  
پیروزی می‌رسد...

چنان‌که ملاحظه می‌شود در این روایت به دو شباهت عمده حضرت مهدی علیه السلام  
با جد بزرگوارشان اشاره شده که یکی از آنها قیام با شمشیر و دیگری حمایت و  
پشتیبانی خدا از او به وسیله ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان است.  
در اینجا برای روشن ساختن بیشتر موضوع، در مورد شباهت‌های یادشده  
به اختصار توضیح می‌دهیم:

الف) نبرد و پیروزی با شمشیر: در روایات بسیاری بر این نکته تصریح شده که  
امام مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می‌کند، تا آنجا که آن حضرت را «قائم بالسيف» و یا  
«صاحب السيف» نامیده‌اند که برای نمونه می‌توان به روایت زیر که از امام  
صادق علیه السلام نقل شده اشاره کرد.

آن حضرت در پاسخ فردی که در مورد «قائم» از ایشان پرسیده بود فرمود:  
كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ، حَتَّى يَجِيءُ صَاحِبُ السَّيْفِ، فَإِذَا جَاءَ  
صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ.<sup>۲</sup>

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۶.

۲. همان، ج ۲۳، ص ۱۸۹، ح ۴.



همه ما، یکی پس از دیگری، بر پا دارنده (قائم) امر خداییم، تا اینکه صاحب شمشیر ظهور کند. پس آنگاه که صاحب شمشیر ظهور کند، شیوه‌ای غیر از آنچه پیش از آن بوده است، در پیش می‌گیرد.

اما این پرسش مطرح است که آیا این تعبیرها تنها اشاره به مسلحانه و قهرآمیز بودن قیام و انقلاب مهدی دارد، یا اینکه نه، ذکر شمشیر در اینگونه روایات موضوعیت داشته و آن امام واقعا با شمشیر به نبرد با گردنکشان می‌پردازد؟ اگرچه شاید نتوان پاسخی صریح و قطعی به این پرسش داد ولی توجه به روایات زیادی که در این زمینه وارد شده احتمال دوم را تقویت کرده، نشان می‌دهد که در قیام مهدوی شمشیر جایگاه خاصی دارد.

در اینجا به برخی از روایاتی که در آنها از شمشیر به عنوان سلاح آن حضرت و یاران ایشان یاد شده، اشاره می‌کنیم:

۱. امام باقر علیه السلام در روایتی خطاب به «جابر جعفی» می‌فرماید:

يَا جَابِرُ إِنَّ لِبَيْتِي الْعَبَّاسِ رَايَةً وَ لِعَيْرِهِمْ رَايَاتٍ، فَإِيَّاكَ ثُمَّ إِيَّاكَ - ثَلَاثًا - حَتَّى تَرَى رَجُلًا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام يُبَايِعُ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، مَعَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه وَ مِغْفَرُ رَسُولِ اللَّهِ، وَ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ وَ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

ای جابرا برای بنی‌عباس پرچمی است و برای دیگران پرچم‌هایی، پس بر حذر باش و بر حذر باش، تا زمانی که مردی از فرزندان حسین علیه السلام را ملاحظه کنی که بین رکن و مقام با او بیعت می‌شود. سلاح رسول الله صلوات الله علیه کلاه خود رسول خدا صلوات الله علیه زره رسول خدا و شمشیر رسول خدا با اوست.

۲. امام باقر علیه السلام در روایت دیگری، حضرت قائم علیه السلام را چنین توصیف می‌کند:

۱. الحر العاملي، محمد بن الحسن، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۸ ح ۸۰۸، معجم الاحاديث الإمام المهدي علیه السلام، ج ۳، ص ۲۴۳ ح ۷۷۲.

يُجَرِّدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرْجاً حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.<sup>۱</sup>

هشت ماه تمام شمشیر بر دوش نهاده [دشمنان خدا را] می‌کشد تا خدا خشنود گردد.

۳. امام صادق علیه السلام نیز در مورد سلاح جنگی یاران قائم می‌فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام نَزَلَتْ سُيُوفُ الْقِتَالِ، عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ.<sup>۲</sup>

هنگامی که قائم به پا خیزد، شمشیرهای نبرد فرود می‌آید، در حالی که روی هر شمشیر نام مردی [از یاران آن حضرت] و نام پدر او نوشته شده است.

۴. «ابان بن تغلب» نقل می‌کند که روزی با جعفر بن محمد علیه السلام در مسجد مکه

نشسته بودم، آن حضرت در حالی که دست مرا گرفته بود فرمود:

يَا أَبَانُ، سَيَأْتِيكَ اللَّهُ بِثَلَاثِ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا فِي مَسْجِدِكُمْ هَذَا، يَعْلَمُ أَهْلُ

مَكَّةَ إِنَّهُ لَمْ يُخْلَقْ آبَاؤُهُمْ وَ لَا أَجْدَادُهُمْ بَعْدَ، عَلَيْهِمُ السُّيُوفُ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ

سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ وَ جَلِيَّتُهُ وَ نَسَبُهُ...<sup>۳</sup>

ای ابان! خداوند ۳۱۳ مرد در همین مسجد شما گرد می‌آورد، مردم مکه می‌دانند

که [آن گروه] از پدران و نیاکان آنها متولد نشده‌اند. با هر یک از آنها شمشیری

است که بر آن نام شخص، نام پدر، ویژگی‌های ظاهری و نسب و خاندانش نوشته

شده است.

روایات بالا بخش کوچکی از روایات فراوانی است که در آنها تصریح شده که

قائم علیه السلام و یاران او با شمشیر نبرد رهایی بخش خود را آغاز می‌کنند.

اما درباره اینکه چرا آن امام از میان همه سلاح‌ها شمشیر را برگزیده است

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، ص ۱۶۵؛ سلیمان، کامل، همان، ص ۴۷۸.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ص ۳۵۶، ح ۱۲۱.

۳. همان، ص ۲۸۶، ح ۱۹.

احتمالات مختلفی داده شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:  
 احتمال اول: دلیل آنکه امام مهدی علیه السلام به جای استفاده از سلاح‌های روز از شمشیر استفاده می‌کنند این است که خداوند نمی‌خواهد عهدی از ستمگران بر گردن آن حضرت باشد، حتی به اندازه استفاده از سلاح‌هایی که ستمگران روزگار، به وجود آورنده آنها بوده‌اند.

احتمال دوم: اساساً قیام امام مهدی علیه السلام از سنخ قیام پیامبران الهی علیهم السلام است و چنان‌که می‌دانیم آنها معمولاً با قدرت معنوی خود و نه با سلاح‌های کشنده و ادوات جنگی، قدرت‌های عصر خود را به زانو درآوردند. نمونه بارز آن حضرت موسی علیه السلام است که تنها با یک عصا به جنگ فرعون زمان خود رفت و همه قدرت و شوکت او را به سخره گرفت. بنابراین لزومی ندارد که آن حضرت حتماً از همه سلاح‌های روز بهره‌مند باشد تا بتواند با قدرت‌های استکباری مقابله کند، بلکه همین که ایشان از یک سو با تأییدات الهی و امدادهای غیبی و از سوی دیگر با خیل مردان و زنان مؤمن و عدالتخواه یاری می‌شود برای به پیروزی رسیدن ایشان کافی است.<sup>۱</sup>

ب) ایجاد وحشت در دل دشمنان: چنان‌که گفته شد، یکی از ویژگی‌هایی که در روایات برای قیام مهدی بر شمرده شده، رسیدن به فتح و پیروزی به وسیله ایجاد وحشت و هراس در دل دشمنان است؛ یعنی همان ویژگی که در صدر اسلام و در حرکت‌های بنی‌امیر اسلام صلی الله علیه و آله وجود داشت.

در آیات متعددی از قرآن کریم به این موضوع اشاره شده که خداوند با ایجاد ترس و وحشت در دل کافران و مشرکان به یاری رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سپاه او برخاسته و آنها را بردشمنانشان غالب ساخته است. که برای نمونه می‌توان به آیات زیر اشاره

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: همین کتاب، ص ۲۶۸-۲۴۵.

کرد:

۱. إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ إِنِّي مَعَكُمْ فَبَشِّرُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ...<sup>۱</sup>

[و به یاد آر] آن گاه که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شما ایم مؤمنان را ثابت قدم بدارید که همانا من ترس در دل کافران خواهم افکنم...

این آیه در جریان جنگ بدر نازل شد که پیامبر ﷺ تنها با ۳۱۳ نفر همراه و بدون تجهیزات کافی در برابر لشکر انبوه و مجهز قریش قرار گرفت و چنان عرصه بر مسلمانان تنگ شده بود که سر بر آسمان برداشته و از خداوند طلب یاری کردند و خداوند نیز علاوه بر اینکه هزار فرشته را برای یاری مسلمانان فرستاد، چنان ترسی در دل دشمنان آنها انداخت که همگی پا به فرار گذاشتند.<sup>۲</sup>

۲. هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ...<sup>۳</sup>

اوست آن خدایی که نخستین بار کسانی از اهل کتاب را که کافر بودند، از خانه‌هایشان بیرون راند و شما نمی‌پنداشتید که بیرون روند. آنها نیز می‌پنداشتند حصارهایشان را توان آن هست که در برابر خدا نگهدارشان باشد. خدا از سویی که گمانش را نمی‌کردند بر آنها تاخت آورد و در دلشان وحشت افکند، چنان که خانه‌های خود را به دست خود و به دست مؤمنان خراب

۱. سوره انفال (۸)، آیه ۱۲.

۲. ر. ک: طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳-۴، ص ۵۲۶-۵۲۵.

۳. سوره حشر (۵۹)، آیه ۲.

می‌کردند. پس ای اهل بصیرت عبرت بگیرید.

آیه یادشده که در جریان نبرد مسلمانان با یهود «بنی نظیر» نازل شده است به خوبی نشان می‌دهد زمانی که نه مسلمانان گمان می‌بردند که بنی نظیر با آن همه شوکت و قدرت خانه و کاشانه خود را رها کنند و از سرزمین خود خارج شوند و نه بنی نظیر احتمال می‌دادند که مسلمانان بتوانند بر آنها با آن همه تجهیزات و برج و بارو غلبه کنند، خداوند چنان ترس و وحشتی در دل یهود «بنی نظیر» انداخت که خود در جست‌وجوی راهی برای فرار به تخریب خانه‌های خود پرداختند.<sup>۱</sup> و این بهترین گواه بر تأثیر بیم و هراس ایجاد شده از سوی خداوند، در تسلیم و شکست دشمنان خداست. و چه زیبا در پایان این آیه می‌فرماید: «ای خردمندان عبرت بگیرید».

آیات دیگری از این دست در قرآن کریم وجود دارد که ما به دلیل رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.<sup>۲</sup>

اما برخی از روایاتی که در آنها تصریح شده حضرت مهدی علیه السلام و یاران او با ترس و بیمی که خداوند در دل دشمنان می‌افکند، به پیروزی می‌رسند، به قرار زیر است:

۱. امام محمد باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

أَلْقَائِمُ مَنصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرَةِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ تُظَهَّرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ  
يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يَظْهَرُ اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ، بِهِ دِينَهُ وَ لَوَكْرَةَ  
الْمُشْرِكُونَ.<sup>۳</sup>

۱. ر. ک: ظبرسی، فضل بن حسن، همان، ج ۹-۱۰، ص ۲۵۸-۲۵۷.

۲. ر. ک: سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۵۱؛ سوره احزاب (۳۳)، آیه ۲۳.

۳. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

همانا قائم با ترس و بیم یاری شده و با نصرت [الهی] تأیید گشته است، زمین برای او در هم پیچیده می شود و گنج هایش را آشکار می کند. نفوذ و اقتدار او شرق و غرب [جهان] را در بر می گیرد و خداوند به وسیله او دین خودش را، بر خلاف میل مشرکان، غلبه می بخشد.

۲. در روایت دیگری که از آن امام نقل شده، چنین آمده است:

يَنْشُرُ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ السُّودَاءَ، فَيَسِيرُ الرَّعْبُ قَدَامَهَا شَهْرًا وَعَنْ يَمِينِهَا شَهْرًا  
وَعَنْ يَسَارِهَا شَهْرًا...<sup>۱</sup>

پرچم سیاه رسول خدا را به اهتزاز در می آورد. به فاصله یک ماه از پیش رو، سمت راست و سمت چپ آن پرچم، ترس همه را فرا می گیرد...

۳. امام علیه السلام در مورد لشکریان امام مهدی علیه السلام می فرماید:

يُؤَيِّدُهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ: بِالْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرَّعْبِ.<sup>۲</sup>

خداوند او را با سه لشکر یاری می کند: فرشتگان، مومنان و هراس.

با توجه به آیات قرآن کریم که به صراحت از یاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وسیله ایجاد رعب و هراس در دل دشمنان سخن گفته است، و همچنین با عنایت به روایاتی که رعب و هراس را از لشکریان امام مهدی علیه السلام و اسباب پیروزی ایشان بر شمرده اند، می توان چنین نتیجه گرفت که به هنگام ظهور، خداوند چنان ترس و وحشتی در دل دشمنان آن امام می افکند که آنان را از تصمیم گیری درست و به موقع در مقابله با قیام مهدوی باز می دارد، تا آنجا که به هر عملی که دست می زنند به ضررشان تمام می شود.

البته در عصر حاضر هم نمونه های چنین رویدادی قابل اشاره است که پیروزی

۱. همان، ص ۳۹۱ ح.

۲. همان، ص ۳۵۶ ح ۱۱۹.

انقلاب اسلامی و تسلیم ارتش تا دندان مسلح رژیم طاغوت در برابر مردم بی سلاح و فتوحات گسترده رزمندگان اسلام در مقابل ارتش نیرومند بعثی از بارزترین آنهاست.<sup>۱</sup>

---

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه خصال و ویژگی های یاران مهدی علیه السلام، ر. ک: علامه مهري، سيد مصطفی، مهدی موعود یارانی اینگونه دارد؛ همو، «الگوهای برای چگونه بودن» موعود، سال هشتم، شماره ۵۱، اسفند ۱۳۸۳، سال نهم، شماره ۵۲، فروردین ۱۳۸۴؛ پورامینی، محمدباقر، جوانان، یاوران مهدی؛ محمدی، محمدتقی، «سیمای یاران حضرت مهدی»، موعود، سال هفتم، شماره ۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۲.

## گفتار ششم: عدالت مهدوی

با بررسی اجمالی روایاتی که شیعه و اهل سنت در زمینه بشارت به ظهور مهدی علیه السلام نقل کرده‌اند، روشن می‌شود که در این روایات آنچه بیش از هر چیز دیگر مورد توجه قرار گرفته برپا داشتن قسط و عدل و نابود کردن ظلم و جور از سوی آن حضرت است. براساس بررسی مؤلف کتاب **منتخب الاثر** در منابع و مصادر شیعه و اهل سنت نزدیک به ۱۳۰ حدیث، دلالت بر این دارد که امام مهدی علیه السلام زمین را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده است، از عدل و داد آکنده می‌سازد.<sup>۱</sup> که از آن جمله می‌توان به این روایات اشاره کرد:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَزِلَ قَيْمَلًا  
الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.<sup>۲</sup>

۱. ر. ک: صافی گلپایگانی، لطف‌الله، **منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیهما السلام**، ص ۴۷۸.

۲. ابن حنبل، احمد، **المسند**، ج ۳، ص ۳۷.



شما را به مهدی بشارت می‌دهم. او در زمانی که مردم گرفتار اختلاف، درگیری و آشوب‌ها هستند، در امت من برانگیخته می‌شود و جهان را از عدالت و برابری پر می‌سازد، همچنانکه از ظلم و ستم پر شده بود.

از امام محمدباقر علیه السلام نیز نقل شده است که:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الْأُمَّةَ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدًا نُبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالتَّاسِعُ قَائِمُهُمْ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَيْمَلًا هَا عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.<sup>۱</sup>

پدرم از پدرش و او از پدرانش برای من نقل کردند که رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، فرمودند: امامان پس از من دوازده نفرند به تعداد نقبای بنی اسرائیل، نه نفر از آنها از نسل حسین، که بر او درود باد، هستند و نهمین آنها قائم ایشان است. او در آخرالزمان به پا می‌خیزد و زمین را از عدل پر می‌سازد؛ بعد از آنکه از ستم و بی‌عدالتی پر شده بود.

توجه خاص روایات به موضوع عدالت گستری امام مهدی علیه السلام و فراوانی روایاتی که در این زمینه وارد شده‌اند همه بر نقش محوری این موضوع در قیام و انقلاب جهانی آن حضرت و جایگاه خاص آن در حکومت مهدوی دلالت دارند. از این رو لازم است در پژوهش‌ها و بررسی‌هایی که در زمینه انقلاب و حکومت امام مهدی علیه السلام صورت می‌گیرد به این موضوع بیش از پیش توجه شود و ابعاد مختلف عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی آن حضرت تبیین گردد.

عدالت مهدوی را از دو زاویه می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ یکی از نظر ارکان و پایه‌های این عدالت و دیگری از نظر گستره و عمق این عدالت. اگر چه بحث جامع و کامل از هر یک از زوایای یاد شده مجال وسیعی می‌طلبد، اما در این مقال

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۵۹، ح ۲۲۸.

تلاش خواهیم کرد که در حد توان خود، به اجمال، هر یک از این دو جنبه را مورد بررسی قرار دهیم.

### ۱. ارکان عدالت مهدوی

برپایی عدالت در هر جامعه‌ای نیازمند ارکان و پایه‌های متعددی است و نبود هر یک از این ارکان موجب ناپایداری عدالت در آن جامعه می‌شود. مهم‌ترین ارکان عدالت عبارتند از:

۱. حاکم عادل؛ ۲. کارگزاران عادل؛ ۳. قوانین عادلانه؛ ۴. نظام عادلانه.

۱-۱. حاکم عادل: بدون شک آنگاه می‌توان از جامعه و حکومتی انتظار حرکت به سوی عدالت داشت که امام و حاکم آن جامعه خود در مسیر عدالت باشد و در زندگی فردی و اجتماعی عدالت را پیشه خود سازد. از این روست که می‌بینیم در نظام حکومتی که شیعه ترسیم می‌کند وجود امام عادل از مهم‌ترین شرایط است و بدون وجود این امام، حکومت از مشروعیت برخوردار نیست.

از نظر شیعه برقراری نظام حکومتی که همه روابط حاکم بر آن مبتنی بر عدالت کامل باشد جز به دست آخرین امام معصوم و خاتم حجج‌های الهی، حضرت مهدی علیه السلام امکان‌پذیر نیست و از همین روست که در روایات از دولت آن حضرت به عنوان آخرین دولت یاد شده؛ یعنی دولتی که پس از پشت سر گذاشتن همه تجربه‌های بشری و نو میدی از همه الگوهای حکومتی خود ساخته مستقر می‌شود. امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

دَوْلَتْنَا آخِرُ الدُّوَلِ، وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ بَيْنَ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا، لِنَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا: إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا مِثْلَ سِيرَةِ هُوَلَاءِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ

العاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ<sup>۱</sup>»<sup>۲</sup>

دولت ما آخرین دولت هاست. هیچ خاندان صاحب دولتی نمی ماند مگر اینکه پیش از [دولت] ما به حاکمیت می رسند تا زمانی که سیره [حکومتی] ما را می بینند نگویند: «اگر ما هم به حاکمیت می رسیدیم به همینگونه رفتار می کردیم» و این سخن خداوند، صاحب عزت و جلال است که: «سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است».

البته این سخن به این معنا نیست که هرگونه تلاش برای برقراری عدالت در دوران غیبت بی فایده است و یا اساساً نباید در این دوران حرکتی را برای استقرار نظام عادلانه؛ حتی در سطحی محدود انجام داد، بلکه معنای این سخن این است که تا پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام هیچ حکومتی نمی تواند ادعا کند که توان برقراری نظام عادلانه کامل را دارد.

چنان که امام راحل رحمته الله فرمود:

البته این پرکردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم. اما، چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید بیایند... اما ما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت علیه السلام.<sup>۳</sup>

بنابر آنچه گفته شد نخستین شرط برقراری یک نظام عادلانه کامل وجود امام معصوم عادل است.

پیشوا و رهبر مسلمانان باید در بالاترین مرتبه تقوا و پرهیزکاری و از هرگونه

۱. سوره اعراف (۷)، آیه ۱۲۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۲۳۲، ح ۵۸؛ همچنین ر. ک: همان، ص ۳۳۹، ح ۸۳.

۳. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۹-۱۹۸.

شائبه ظلم و ستم به دور باشد.

چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا  
يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ.<sup>۱</sup>

... خداوند بر پیشوایان دادگر واجب فرموده که خود را در معیشت با مردم

تنگدست برابر دارند تا بینوا را رنج بینوایی به ستوه نیاورد.

امام مهدی علیه السلام به عنوان رهبر معصومی که تحقق بخش عدالت در سراسر جهان خواهد بود، خود در بالاترین درجه عدالت قرار دارد و روش و منش او کاملاً بر عدالت منطبق است. توجه به مفاد بیعتی که امام در آغاز قیام خود از یارانش می گیرد ما را به عمق سیره و روش مبتنی بر عدالت آن حضرت رهنمون می سازد:

... با او بیعت می کنند که هرگز: دزدی نکنند؛ زنا نکنند؛ مسلمانانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند؛ به آبروی کسی لطمه نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛ مسجدی را خراب نکنند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نپوشند؛ در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛ راه را بر کسی نبندند؛ راه را ناامن نکنند؛ گرد همجنس گرایی نگردند؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند؛ از پلیدی گریزان باشند؛ به نیکی فرمان دهند؛ از زشتی ها باز دارند؛ جامه های خشن بپوشند؛ خاک را متکای خود سازند؛ در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و... او نیز در حق خود تعهد می کند که: از راه آنها برود؛ جامه ای مثل آنها بپوشد؛ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آنچنان که آنها می خواهند باشد؛ به کم راضی و قانع

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، کلام ۲۰۰، ص ۲۶۰.

## ۳۰۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

شود؛ زمین را به یاری خدا پراز عدالت کند آنچنانکه پراز ستم شده است؛ خدا را آنچنان که شایسته است بپرستد؛ برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و...<sup>۱</sup> چنان که ملاحظه می شود امام مهدی علیه السلام در این پیمان نامه نه تنها از یارانش می خواهد که از هرگونه آلودگی و پلیدی به دور باشند، بلکه خود نیز متعهد می شود از همه آنچه یارانش را از آنها منع کرده دوری گزینند و در زندگی خود همان راه و روشی را پیش گیرد که یارانش را بدان دعوت کرده است.

علاوه بر پیمان نامه یادشده امام مهدی علیه السلام در نخستین سخنرانی خود پس از ظهور نکاتی را یادآور می شوند که آنها نیز به خوبی راه و روش مبتنی بر عدالت و پرهیزکاری آن حضرت را روشن می سازد. متن این سخنرانی به نقل از امام باقر علیه السلام چنین است:

مهدی هنگام نماز عشا در مکه ظهور می کند در حالی که پرچم رسول خدا، که درود خدا بر او و خاندانش باد، و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه ها و نور و بیان است. وقتی نماز عشا را به جا آورد با صدای رسا و بلند خود می فرمایند: ای مردم! خدا را به یاد شما می آورم. شما اینک در پیشگاه خدا ایستاده اید. او حجت خود را برگزید و پیامبران را برانگیخت و کتاب [آسمانی] فرو فرستاد و شما را امر کرد که چیزی را شریک او قرار ندهید و از او و فرستاده اش اطاعت و فرمانبرداری کنید و زنده نگه دارید آنچه را که قرآن زنده کرده است و بمیرانید آنچه را که او میرانده است. هواداران راستی و هدایت و پشتیبان تقوی و پرهیزگاری باشید؛ زیرا نابودی و زوال دنیا نزدیک شده و اعلام وداع نموده است. و من شما را به خدا و رسولش و عمل به کتاب خدا و ترک باطل

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم والفتن، ص ۴۹ و ۱۲۲؛ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

## عدالت مهدوی ■ ۳۰۷

و احیای سنت او دعوت می‌کنم. سپس او، بدون قرار قبلی، به همراه سبید و سیزده مرد، به شمار یاران بدر، که همچون ابر پاییزی پراکنده‌اند و زاهدان شب و شیران روزند، ظهور می‌کند و خداوند سرزمین حجاز را برای مهدی می‌گشاید و او هر کس از بنی‌هاشم را که در زندان به سر می‌برد، آزاد می‌سازد. آنگاه درفش‌های سیاه در کوفه فرود می‌آید و گروهی را به جهت بیعت به سوی مهدی روانه می‌سازند و آن حضرت لشکریان خود را به سراسر جهان گسیل داشته و ستم و ستم‌پیشگان را از میان برمی‌دارد و همه سرزمین‌ها به دست او به راستی و درستکاری درمی‌آیند.<sup>۱</sup>

در مورد سیره و روش زندگانی امام مهدی علیه السلام روایات فراوانی نقل شده که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام خطاب به یاران خود که نسبت به ظهور قائم علیه السلام بی‌تابی می‌کردند، می‌فرماید:

چرا در مورد ظهور قائم این همه شتاب می‌کنید؟! به خدا سوگند که او لباس خشن می‌پوشد، طعام خشن (بی‌خورشت) می‌خورد و... از سیره جدش رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، پیروی می‌کند و زندگانی او مانند زندگی امیر مؤمنان، که بر او درود باد، است.<sup>۲</sup>

توجه به روایت زیر ما را در درک سیره شخصی امام مهدی علیه السلام به عنوان حاکم اسلامی یاری می‌کند. مفضل بن عمر، یکی از یاران امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: در خدمت ابو عبدالله [امام صادق] که بر او درود باد، مشغول طواف بودم. در

۱. ابن حماد المروزی، ابو عبدالله نعیم، الفتن، تحقیق سهیل زکار، ص ۲۱۳؛ معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۹۵، ح ۸۳۲.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ص ۳۵۹، ح ۱۲۷.

همین هنگام امام نگاهی به من کرد و فرمود: چرا اینگونه اندوهگینی و چرا رنگت تغییر کرده است؟ گفتم: فدایت شوم! بنی عباس و حکومتشان را می بینم و این مال و سلطنت و قدرتی که در دست آنهاست. اگر هم در دست شما بود، ما هم با شما در آن سهیم بودیم. امام علیه السلام فرمود: ای مفضل! بدان، اگر قدرت در دست ما بود شبها به تدبیر امور و روزها به تلاش و کوشش می پرداختیم، جامه‌ای خشن بر تن داشتیم و غذای بی خورشت می خوریم، درست مانند شیوه امیر مؤمنان، که بر او درود باد؛ زیرا اگر جز این عمل شود پاداش آن دوزخ خواهد بود.<sup>۱</sup>

۲-۱. کارگزاران عادل: یکی از موانع اساسی که در برقراری عدالت در جامعه همواره فرا روی مصلحان اجتماعی قرار داشته، نبود مجریان و کارگزاران عادل است. وجود این مانع بسیاری از حرکت‌های عدالت خواهانه را با شکست مواجه و بسیاری از حکومت‌هایی را در پی گسترش عدالت در جامعه بوده‌اند ناکام ساخته است.

یکی از تفاوت‌های اساسی حکومت امام مهدی علیه السلام با دیگر حکومت‌هایی که در طول تاریخ داعیه برقراری عدالت داشته‌اند این است که پیش از اقدام برای تشکیل حکومت به تعداد مورد نیاز افراد زبده و برگزیده‌ای که در نهایت تقوا و پرهیزکاری هستند تربیت نموده و با برقراری حکومت جهانی خود، آنها را به سراسر جهان گسیل می‌دارد.

در مورد ویژگی یاران قائم علیه السلام در روایاتی از امام صادق علیه السلام چنین می‌خوانیم:  
... نشان سجده بر پیشانی آنها نقش بسته است. آنها شیران روز و زاهدان شب‌اند.  
دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن [محکم و استوار] است و هر کدام از آنها توان

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ص ۳۵۹، ح ۱۲۷.

چهل مرد را دارا هستند.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام نیز دربارهٔ ویژگی یاران آن حضرت می‌فرماید:

خداوند تعالی مردمی را برای [یاری] او گرد می‌آورد، همچنانکه پاره‌های ابرگرد آمده و به هم می‌پیوندند. خداوند دل‌های آنان را به هم نزدیک می‌کند. آنها از هیچ کس ترسان نمی‌شوند و از اینکه کسی بدان‌ها بپیوندد شادمان نمی‌گردند. تعداد آنها همان تعداد اصحاب بدر است. هیچ کس از پیشینیان از آنها سبقت نمی‌گیرد و هیچکس از آیندگان به آنها نمی‌رسد.<sup>۲</sup>

آری، امام مهدی علیه السلام چنین مردمی را برای اداره حکومت خود برمی‌گزیند و هر یک از آنها را بر منطقه‌ای حاکم می‌سازد. چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

يُعَرِّقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَ يَأْمُرُهُمْ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ، وَ  
يَجْعَلُهُمْ حُكَّامًا فِي الْأَقَالِيمِ وَ يَأْمُرُهُمْ بِعُمْرَانِ الْمُدُنِ.

حضرت مهدی یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌سازد و به آنها دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوهٔ خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان گردانند و به آنها فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند.

۱-۳. قوانین عادلانه: وجود قوانین عادلانه یکی از شرایط اساسی تحقق عدالت

اجتماعی است و بدون وجود آن، حکمرانان عادل به تنهایی نخواهند توانست چنان‌که باید و شاید عدالت را در جامعه حکمفرما سازند. بدون تردید کتاب الهی و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان‌کننده عادلانه‌ترین قوانین هستند و در صورت حاکم شدن بی‌کم و کاست آنها جامعه طعم عدالت را خواهد چشید. چنان‌که امام علی علیه السلام

۱. همان، ص ۳۸۶، ح ۲۰۲.

۲. الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، ج ۴، ص ۵۵۴.



## ۳۱۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

در برخی از بیانات خود قرآن را آینه تمام عدالت معرفی کرده است. از جمله می فرماید:

... فَهُوَ مَعْدِنُ الْإِيمَانِ وَ بُحْبُوحَتُهُ وَ يَتَابِعُ الْعِلْمِ وَ بُحُورُهُ وَ رِيَاضُ الْعَدْلِ وَ  
غُدْرَانُهُ.<sup>۱</sup>

[قرآن] معدن ایمان و چشمه سار آن؛ چشمه های علم و دریا های آن، باغ های  
عدل و آبگیرهای آن است.

و در جای دیگر در وصف قرآن می فرماید:

هُوَ الْقَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ هُوَ النَّاطِقُ بِسُنَّةِ الْعَدْلِ وَ الْأَمْرِ بِالْفَضْلِ وَ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ  
الْمَتِينِ.<sup>۲</sup>

آن فضل است و هزل نیست، آن گویا به طریقه عدل و امرکننده به فضل و  
رسمان استوار خداوند است.

از این رو یکی اقدامات مهمی که امام مهدی علیه السلام برای تحقق عدالت اجتماعی  
انجام می دهند احیای احکام کتاب و سنت رسول خداست، که در طول زمان به  
فراموشی سپرده شده و جز پوسته ای از آنها باقی نمانده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید:

... وَ يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ، لَا يَتَّقِي مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا  
رَسْمُهُ. فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْخُرُوجِ، فَيُظْهِرُ اللَّهُ الْإِسْلَامَ بِهِ وَيُجَدِّدُهُ.<sup>۳</sup>

زمانی برای امت من فرا رسد که از اسلام جز نام و از قرآن جز نقشی باقی  
نمی ماند، در این هنگام خداوند بزرگ مرتبه به او اجازه قیام می دهد و اسلام را با

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، خطبه ۱۹۸، ص ۲۵۲.

۲. خوانساری، جمال الدین، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶۰، ص ۲۰۷، ح ۱۰۰۵.

۳. القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۰۰.

او آشکار و تجدید می‌کند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در بیان بسیار زیبایی اقدام امام مهدی علیه السلام در زمینه حاکم کردن احکام قرآن بر هواجس و امیال نفسانی انسان‌ها را، به عنوان مقدمه سرپایی عدالت، چنین توصیف می‌کنند:

يَغْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَّفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ وَ يَغْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَّفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ [...] فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرَةِ وَ يُخْبِي مَيْتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ.<sup>۱</sup>

هواهای نفسانی را به متابعت هدایت الهی باز می‌گردانند، آن زمان که مردم هدایت الهی را به متابعت هواهای نفسانی درآورده باشند. آراء و اندیشه‌ها را تابع قرآن گردانند وقتی که قرآن را تابع آراء و اندیشه‌های خود ساخته باشند [...] و او به شما نشان خواهد داد که دادگری چگونه است و کتاب خدا و سنت را که متروک شده زنده گردانند.

به دلیل همین پیوند ناگسستنی احیای احکام کتاب و سنت و برقراری عدالت است که در دعای عهد از خداوند متعال چنین درخواست می‌کنیم:

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.<sup>۲</sup>

خداوند! او را پناهگاه بندگان ستم‌دیده‌ات و یاری دهنده کسی که جز تو یابوری ندارد، قرار ده و به وسیله او احکام قرآن را که تعطیل گردیده برقرار ساز و او را برپا دارنده آنچه از نشانه‌های دینت و سنت‌های پیامبرت، که درود خدا بر او و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۱، ص ۱۲۰، ح ۲۵.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱؛ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای عهد.

## ۳۱۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

خاندانش باد، وارد شده قرار ده.

۴-۱. نظام عادلانه: تحقق عدالت اجتماعی گذشته از همه شرایط بالا به امر دیگری نیز نیازمند است و آن وجود یک نظام حکومتی مبتنی بر عدالت است. نظامی که جایگاه هر کس به درستی در آن تعیین شده باشد، همه مسئولان و وظایف خود را به درستی بشناسند و بدان عمل کنند و بالاخره همه احساس کنند که بر کار آنها نظارت وجود دارد و در صورت خطا و لغزش از آنها بازخواست می‌شود.

در نظام‌های بشری بسیار دیده‌ایم که حتی با وجود حاکمان عادل و قوانین عادلانه چنان‌که باید و شاید عدالت بر جامعه حاکم نشده و ظلم و ستم در اشکال گوناگون بر مردم جاری شده است و این همه نبوده است مگر به یکی از دلایل زیر:

۱. قرار نگرفتن درست اجزای مختلف حکومت در جای خود؛ ۲. ناآشنایی کارگزاران با وظایف و مسئولیت‌هایشان؛ ۳. ضعف نظام بازرسی و نظارت.

در حکومت امام مهدی علیه السلام نظام حکومتی به شیوه‌ای شکل گرفته که امکان ظلم و بی‌عدالتی به صفر می‌رسد. در این حکومت، اولاً چنان‌که گفته شد پارساترین و توانمندترین انسان‌ها به عنوان حکمرانان و کارگزاران برگزیده می‌شوند؛ ثانیاً وظایف تک‌تک آنها بی‌هیچ کم و کاست تعیین می‌گردد و حتی به آنها گفته می‌شود که در هنگام حیرت و سرگردانی چه کنند و ثالثاً نظارت و بازرسی دقیق و سختگیرانه بر همه کارگزاران اعمال می‌شود.

امام صادق علیه السلام در مورد شیوه‌گزینش کارگزاران حکومتی در عصر ظهور و نحوه ابلاغ وظایف آنها می‌فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: عَهْدَكَ فِي كَفِّكَ، فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ

بِما فیها.<sup>۱</sup>

هنگامی که قائم قیام کند، برای [اداره] هر یک از مناطق جهان فردی را برگزیده، ارسال می‌دارد و به وی می‌گوید: پیمان تو به دست توست و اگر با مطلبی مواجه شدی که آن را نفهمیدی و نحوه قضاوت در موردش را ندانستی به دست خود نگاه کن و به آنچه در آن است عمل نما.

در مورد قاطعیت و سخت‌گیری امام مهدی علیه السلام نسبت به کارگزاران و مجریان متخلف در روایتی از امام علی علیه السلام چنین می‌خوانیم:

[قائم ما] قاضیان زشتکار را کنار می‌گذارد و دست مفسدان را از سرتان کوتاه می‌کند و حکمرانان ستم‌پیشه را عزل می‌نماید و زمین را از هر نادرست و خائنی پاک می‌سازد، و به عدل رفتار می‌کند...<sup>۲</sup>

در روایت دیگری قاطعیت و سازش‌ناپذیری امام عصر علیه السلام در برابر کارگزاران ناشایست چنین توصیف شده است:

مهدی علیه السلام [بخشنده است؛ او درباره کارگزاران و مأموران [دولت خویش] بسیار سختگیر است و با ناتوانان و مستمندان بسیار دل‌رحم و مهربان.<sup>۳</sup>

## ۲. ابعاد عدالت مهدوی

عدالت موعود یا به بیان دیگر، عدالتی که وعده تحقق آن در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام داده شده، از نظر دامنه، گستره و ژرفایی همتاست و درست به همین دلیل است که حکومت‌های بشری از ایجاد نظام عادلانه‌ای مشابه آنچه در عصر موعود،

۱. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۱۷۲؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۲، ص ۳۶۵، ح ۱۴۴.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۱، ص ۱۲۰، ح ۲۳.

۳. العسکری، نجم‌الدین جعفر بن محمد، المهدی الموعود المنتظر عند علماء أهل السنة والإمامية، ج ۱، ص ۲۷۰.

محقق خواهد شد عاجزند.

برای درک ابعاد و زوایای مختلف عدالت مهدوی در این مقاله نگاهی گذرا خواهیم داشت به بخشی از روایاتی که به توصیف قیام ظلم ستیز و عدالت گستر امام مهدی علیه السلام پرداخته اند.

۱-۲. دامنه عدالت موعود: در فرهنگ اسلامی، ظلم معانی و مصادیق متعددی دارد و در آیات و روایات این کلمه به سه مفهوم به کار رفته است: ۱. ظلم در معنای کفر و شرک نسبت به خدا؛<sup>۱</sup> ۲. ظلم نسبت به خود (گناه و عصیان)<sup>۲</sup> و ۳. ظلم نسبت به دیگران (ستم و تجاوز).<sup>۳</sup> امام علی علیه السلام در بیانی بسیار زیبا معانی متعدد ظلم را اینگونه تبیین کرده اند:

أَلَا وَإِنَّ الظُّلْمَ ثَلَاثَةٌ: فَظُلْمٌ لَا يُغْفَرُ، وَ ظُلْمٌ لَا يُتْرَكُ، وَ ظُلْمٌ مَغْفُورٌ لَا يُطْلَبُ فَأَمَّا  
الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ فَالشُّرْكُ بِاللَّهِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ»<sup>۴</sup>  
وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يُغْفَرُ فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْهَنَاتِ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي  
لَا يُتْرَكُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا.

بدانید که ستم سه گونه است: ستمی که هرگز آمرزیده نشود و ستمی که بازخواست گردد و ستمی که بخشوده است و بازخواست نشود. اما آن ستمی که هرگز آمرزیده نشود، شرک به خداست. خدای تعالی گوید: «مسلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی بخشاید» و ستمی که آمرزیده شود ظلم بنده است به

۱. قرآن کریم شرک را ستمی بزرگ برشمرده است: «... إِنَّ الشُّرْكَ لظُلْمٌ عَظِيمٌ» (سوره لقمان (۳۱) آیه ۱۳).

۲. در آیات متعددی از قرآن از «ظلم به خود» سخن به میان آمده است که برای نمونه به این موارد می توان اشاره کرد: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ...» (سوره فاطر (۳۵) آیه ۳۲)؛ «... وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (سوره طلاق (۶۵) آیه ۱).

۳. یکی از آیات قرآن که در آن از ظلم به مردم سخن گفته شده آیه زیر است: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ...» (سوره شوری (۴۲) آیه ۴۲).

۴. سوره نساء (۴) آیه ۴۸.

خود به ارتکاب برخی کارهای ناشایست، و ستمی که بازخواست می‌شود ظلم کردن مردم بر یکدیگر است.<sup>۱</sup>

همچنانکه «ظلم» مفاهیم و مصادیق متعددی دارد، کلمه مقابل آن، یعنی «عدل» نیز از نظر معنا و مصداق بسیار گسترده است و حوزه وسیعی را شامل می‌شود. به بیان دیگر براساس آموزه‌های دین اسلام، عدالت و عدالت‌گستری تنها به صحنه حیات اجتماعی انسان‌ها و روابط آنها با دیگران محدود نمی‌شود، بلکه حوزه وسیعی شامل رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود و رابطه انسان با دیگران را دربر می‌گیرد. از همین روست که می‌بینیم در روایات اسلامی هر زمان که از ظلم‌ستیزی امام مهدی علیه السلام سخن به میان می‌آید، همه مظاهر ظلم مورد توجه قرار می‌گیرد و بر این نکته تأکید می‌شود که آن حضرت نه تنها رسم ستم و تجاوز را در روابط انسان‌ها با یکدیگر برمی‌اندازد و این روابط را بر محور عدالت سامان می‌دهد، بلکه با هرگونه کژروی، کج‌اندیشی و انحراف اخلاقی و اعتقادی نیز مبارزه می‌کند و رابطه انسان با خود و با خدای خود را نیز به عدالت برمی‌گرداند.

برای روشن‌تر شدن آنچه گفته شد به بررسی برخی از روایت‌هایی می‌پردازیم که به توصیف ظلم‌ستیزی و عدالت‌گستری امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند تا مشخص شود که در هر یک از آنها کدام معنا از ظلم و کدام مصداق از عدالت قصد شده است:

۱-۱-۲. **عدالت در رابطه انسان با خدا:** در برخی از روایات، به معنای نخست ظلم؛ یعنی کفر و شرک، توجه شده و قیام عدالت‌گستر امام مهدی علیه السلام را به عنوان قیامی که این نوع از ظلم را از صحنه روزگار پاک می‌سازد، تفسیر کرده‌اند که روایت زیر از ابوبصیر از آن جمله است:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

۱. نهج البلاغه، ترجمه مهدی فولادوند، خطبه ۱۷۴، ص ۲۲۸.

بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۱</sup>

از ابا عبدالله [امام صادق] که درود بر او باد، در مورد این سخن خدای تعالی در کتابش پرسیدم: «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

وَاللَّهِ مَا أَنْزَلَ تَأْوِيلَهَا بَعْدُ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَتَى يُنْزَلُ؟ قَالَ: حَتَّى يَسْقُومُ الْقَائِمُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقِ كَافِرٌ وَ مُشْرِكٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتِ الصَّخْرَةُ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فَأَقْتُلْهُ قَالَ: فَيُنْحِيَهُ اللَّهُ فَيَقْتُلُهُ.<sup>۲</sup>

به خدا سوگند، هنوز تاویل این آیه نازل نشده است. گفتم: فدایت شوم، پس کی نازل می‌شود؟ فرمود: زمانی که به خواست خدا قائم به پا خیزد. پس هنگامی که قائم قیام کند، هیچ کافر و مشرکی نمی‌ماند مگر اینکه از قیام او ناخشنود است. حتی اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی باشد، آن سنگ ندا می‌دهد که: ای مؤمن! کافر یا مشرکی در دل من است، او را بکش. فرمود: پس خدا او را آشکار می‌کند [و آن مؤمن] او را می‌کشد.

در ذیل آیه یادشده روایات دیگری نیز وارد شده است که همه آنها دلالت بر این دارند که در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام جهان از همه مظاهر کفر و شرک پیراسته و دین حق بر سراسر گیتی حاکم می‌شود.<sup>۳</sup>

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی، معروف به تفسیر القمی، نیز در تفسیر این آیه

۱. سوره توبه (۹) آیه ۳۳.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۱، ص ۶۰، ح ۵۸.

۳. ر. ک: همان، ص ۶۱-۶۰.

چنین آمده است:

إِنهَا نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ هُوَ الْإِمَامُ الَّذِي يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ هَذَا مِمَّا ذَكَرْنَا أَنْ تَأْوِيلَهُ بَعْدَ تَنْزِيلِهِ.<sup>۱</sup>

این آیه در مورد قائم از آل محمد، که درود بر آنها باد، نازل شده است. او آن پیشوایی است که خداوند او را بر همه ادیان پیروز می گرداند، و زمین را از قسط و عدل پر می سازد. همچنانکه [پیش از آن] از جور و ستم پر شده بود. و این آیه از جمله مواردی است که گفتیم تأویل آن پس از تنزیلش خواهد آمد.

از دیگر روایاتی که در آنها مصداق اول ظلم - البته در معنایی وسیع تر که شامل هرگونه بدعت و باطل نیز می شود - اراده شده است، روایتی است که از امام باقر عليه السلام در تفسیر این آیه شریفه وارده شده است:

الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ غَايِبَةُ الْأُمُورِ.<sup>۲</sup>

همان کسی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وا می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند، فرجام همه کارها از آن خداست.

آن حضرت در تفسیر آیه یادشده می فرماید:

فَهَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ إِلَى آخِرِ الْأُمَّةِ [الآية] وَ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يُمَلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ [بِهِ] الدِّينَ وَ يُعِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ

۱. القمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۲۸؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۱، ص ۵۰. گفتنی است آنچه در بحار الأنوار از تفسیر یادشده نقل شده، اندکی بامتن نسخه چاپی این تفسیر تفاوت دارد و آنچه در اینجا آمده عبارت نقل شده در بحار الأنوار است.

۲. سوره حج (۲۲) آیه ۴۱.



بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السُّفَهَاءُ الْحَقَّ حَتَّى لَا يَرَى أَيْنَ الظُّلْمُ وَ  
يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.<sup>۱</sup>

این آیه درباره خاندان محمد، که درود خداوند بر آنها باد، تا آخرین امام [نازل شده] است. خداوند مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را در اختیار مهدی و یاران او قرار می‌دهد و دین را به دست او آشکار می‌سازد. خداوند به وسیله مهدی و یارانش همه [مظاهر] بدعت و باطل را می‌میراند، همچنانکه [پیش از آن] نابخردان حق را می‌رانده بودند. به گونه‌ای که ظلم در هیچ جا دیده نمی‌شود. و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

۲-۱-۲. عدالت در رابطه انسان با خود: در پاره‌ای دیگر از روایاتی که به ظلم‌ستیزی امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند، دومین چهره ظلم؛ یعنی ظلم انسان به خود، با همه مظاهر آن، مورد توجه قرار گرفته و بر این موضوع تأکید شده است که آن حضرت با هدف گسترش عدالت در جهان با هرگونه فساد و تباهی و گناه و نافرمانی خدا، مبارزه و زمین را از هرگونه پلیدی پاک می‌کند:

يُخْرِجُ اللَّهُ بِالْمَهْدِيِّ عَنِ الْأُمَّةِ يَمَلَأُ قُلُوبَ الْعِبَادِ عِبَادَةً يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ. بِهِ يَمْحَقُ  
اللَّهُ الْكُذِبَ وَ يَذْهَبُ الزَّمَانُ الْكَلْبِ وَ بِهِ يَخْرُجُ ذُلُّ الرُّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ.<sup>۲</sup>

خداوند به وسیله مهدی برای امت گشایش حاصل می‌کند. او دل‌های بندگان را با عبادت پر می‌کند و عدالتش را بر آنها دامن‌گستر می‌سازد. خداوند به وسیله او دروغ و دروغگویی را ریشه‌کن می‌کند و روزگار سخت و دشوار را برطرف می‌سازد و طوق ذلت و بردگی را از گردن شما برمی‌دارد.

در روایت دیگری که از امام علی علیه السلام نقل شده، آمده است که در زمان ظهور امام

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۱، ص ۴۸-۴۷، ح ۹.

۲. طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۱۱۴؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۱، ص ۷۵، ح ۲۹.

مهدی علیه السلام عدالت بر جهان درون انسان‌ها نیز حاکم می‌شود و همه به صلاح و رستگاری روی می‌آورند:

... يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا، يُدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا، لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ، وَلَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ وَ تَضَلَّحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ.<sup>۱</sup>

... او زمین را از عدل و قسط و نور و برهان پر می‌کند، طول و عرض جهان برابر او تسلیم می‌شود. هیچ کافری نمی‌ماند مگر اینکه ایمان می‌آورد و هیچ نابکاری نمی‌ماند مگر اینکه به صلاح و پرهیزگاری می‌گراید. در دولت او درندگان نیز از در سازش با یکدیگر در می‌آیند.

۳-۱-۲. عدالت در رابطه انسان با دیگران: برخی دیگر از روایات به سومین مصداق ظلم یعنی ستم و تجاوز به دیگران توجه کرده و از میان برداشتن همه روابط ظالمانه موجود در جوامع انسانی را به عنوان یکی دیگر از مظاهر عدل مهدوی بر شمرده‌اند. از جمله در روایتی که از امام رضا علیه السلام نقل شده در توصیف «قائم اهل بیت» چنین آمده است:

يُظْهِرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ، وَ يُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ... فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا.<sup>۲</sup>

خداوند به وسیله قائم، جهان را از هرگونه ناروایی پاکیزه و از هرگونه ستم پیراسته می‌سازد... آنگاه که او قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود؛ میزان عدل را در میان مردم برپا می‌سازد و هیچکس به دیگری ستم روا نخواهد داشت.

۲-۲. گستره عدالت موعود: گستره عدالت موعود را با دو نگاه می‌توان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد: نخست با یک نگاه کلان؛ در این نگاه آنچه مورد

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۲، ص ۲۸۰، ح ۶.

۲. همان، ص ۳۲۲-۳۲۱، ح ۲۹.

توجه قرار می‌گیرد فراگیری عدالت آن حضرت و گسترش آن در جای جای کره خاک است. دوم، با یک نگاه جزئی و موردی؛ در این نگاه علاوه بر جهان شمولی و توسعه عام و فراگیر عدالت موعود، حاکمیت عدالت بر شئون مختلف حیات انسان نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. به بیان دیگر در نگاه دوم، حاکمیت عدالت مهدوی بر هر یک از روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی جوامع انسانی به تفکیک مطالعه و بررسی می‌شود.

در اینجا تلاش خواهیم کرد گستره عدالت موعود را با توجه به دو نگاه یاد شده، از منظر روایات مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۲-۲. جهان شمولی: از بررسی روایاتی که در زمینه ویژگی‌های عصر حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام وارد شده‌اند، چنین برمی‌آید که در آن عصر، جهان با همه وسعتش در دایره حاکمیت عدل مهدوی قرار گرفته و هیچ کجای جهان از حوزه نفوذ عدالت موعود خارج نمی‌ماند.

از مهم‌ترین روایت‌هایی که با توجه به آنها می‌توان به جهان شمولی عدالت مهدوی پی برد، روایت‌های متواتری است که از شیعه و اهل سنت نقل شده و در آنها تصریح شده است که امام مهدی علیه السلام جهان را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده از عدل و داد آکنده می‌سازد.

پیش از این به چند مورد از این روایات اشاره کردیم و از این رو از تکرار آنها خودداری می‌کنیم.

پاره‌ای دیگر از روایات که می‌توان جهان شمولی عدالت مهدوی را از آنها استفاده کرد، روایاتی است که در آنها تصریح شده با ظهور امام مهدی علیه السلام همه زمین - و نه فقط قسمتی از آن - زنده می‌شود و حیات دوباره می‌یابد. این روایات خود کنایه از این است که با گسترش عدالت آن حضرت، جهان خسته از ظلم و ستم - که

رفته رفته به پیکری بی جان تبدیل شده - حیات دوباره پیدا می کند و نشاط و سرزندگی خود را باز می یابد.

بخشی از این روایات، روایاتی است که در تفسیر آیه شریفه زیر وارد شده است:

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.<sup>۱</sup>

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم، باشد که بیندیشید.

در یک نمونه از این روایات که از امام باقر علیه السلام نقل شده چنین می خوانیم:

يُخَيِّبُهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِالْقَائِمِ عليه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا.<sup>۲</sup>

خداوند، صاحب عزت و جلال، به دست قائم، که بر او درود باد، زمین را پس از مردنش زنده می سازد.

از ابن عباس نیز در تفسیر آیه مذکور چنین نقل شده است:

يَعْنِي يُصْلِحُ «الْأَرْضَ» بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ «بَعْدِ مَوْتِهَا» يَعْنِي مِنْ بَعْدِ جَوْرِ أَهْلِ مَمْلَكَتِهَا «قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ» بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ».<sup>۳</sup>

[خداوند] به وسیله قام آل محمد «زمین را پس از مردنش»؛ یعنی پس از ستم ساکنان آن، آباد و سرزنده می سازد. «به راستی آیات را» به وسیله قائم آل محمد «برای شما روشن گردانیده ایم باشد که بیندیشید».

۲-۲-۲. همه جانبه نگری: با ظهور امام مهدی علیه السلام و استقرار حکومت آن حضرت،

عدالت بر تمام روابط موجود در جوامع انسانی حاکم شده و ساحت های مختلف

۱. سوره حدید (۵۷) آیه ۱۷.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۶۸، ح ۱۳.

۳. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۱، ص ۵۳، ح ۳۱.

## ۳۲۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

حیات بشر رنگ عدل و قسط به خود می‌گیرد. به بیان دیگر عدالت مهدوی به عدالت اقتصادی یا عدالت قضایی محدود نشده و همه حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی را شامل می‌شود.

اگر چه همه جانبه نگری عدالت موعود را می‌توان از عموم یا اطلاق روایاتی که بر حاکمیت عدالت و نابودی ظلم در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام دلالت می‌کنند، به دست آورد، اما برای روشن تر شدن این موضوع روایت‌هایی ناظر به گسترش عدالت در حوزه‌های مختلف اجتماعی را به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**الف) عدالت فرهنگی و آموزشی:** یکی از شاخصه‌های مهم عدالت مهدوی فراهم شدن امکان رشد و اعتلای فرهنگی، آموزشی برای همه مردم - صرف نظر از جنس، طبقه و یا رنگ و نژاد - است. در نظام حکومتی امام مهدی علیه السلام نادانی، بی‌سوادی و کم‌خردی به طور کلی ریشه کن شده همه انسان‌ها به مقتضای توانایی خود از بالاترین حد دانش و معرفت برخوردار می‌شوند.

در روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده در زمینه رشد و توسعه خردورزی در زمان امام مهدی علیه السلام چنین می‌خوانیم:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهِ  
أَخْلَاقَهُمْ.<sup>۱</sup>

هنگامی که قائم ما به پا خیزد خداوند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و بدین وسیله عقول آنها افزایش یافته و خرده‌های آنها به کمال می‌رسد.

در روایت دیگری که از آن حضرت نقل شده در زمینه همگانی شدن دانش و معرفت در عصر حاکمیت امام مهدی علیه السلام چنین آمده است:

... وَ تُوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱.

تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

... در دوران او شما از حکمت برخوردار می‌شوید تا آنجا که یک زن در خانه خود برابر کتاب خدای تعالی و روش پیامبر، که درود بر او و خاندانش باد، [همچون مجتهد با استنباط شخصی] به انجام تکالیف شرعی<sup>۱</sup> خود پردازد.<sup>۲</sup>

(ب) عدالت قضایی: در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام عدالت به تمام معنا در مناسبات حقوقی و قضایی حاکم شده و داوری و قضاوت میان مردم از هرگونه شائبه خطا، اشتباه، بی‌عدالتی، جانبداری و... پیراسته می‌گردد که این امر به نوبه خود تأثیر مهمی در عادلانه شدن همه روابط اجتماعی و جلوگیری از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران خواهد داشت.

در این زمینه نیز روایت‌های فراوانی وارد شده که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام شیوه قضاوت امام مهدی علیه السلام را به شیوه پیامبرانی چون حضرت داود علیه السلام که قضاوت عادلانه و بدون اشتباه آنها در تاریخ مشهور است تشبیه کرده، می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَخْتِاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ...<sup>۳</sup>

زمانی که قائم آل محمد - بر آنها درود باد - به پاخیزد، در میان مردم به حکم داود قضاوت خواهد نمود. او به بینه (شاهد) نیازی نخواهد داشت؛ زیرا خدای تعالی

۱. برخی از نویسندگان این روایت را این‌گونه ترجمه کرده‌اند: «در زمان مهدی علیه السلام به همه مردم، حکمت و علم بیاموزند. تا آنجا که زنان در خانه‌ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر، قضاوت کنند». حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، ص ۱۹۱.

۲. نعمانی، محمدبن ابراهیم، غیبت نعمانی، ترجمه محمد جواد غفاری، باب ۱۳، ص ۳۳۷، ح ۳۰.

۳. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۲، ص ۳۳۹، ح ۸۶.

## ۳۲۴ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

امور را به وی الهام می‌کند و او بر پایه دانش خود داوری می‌کند و هر قومی را به آنچه پنهان نموده‌اند آگاه می‌سازد.

بدیهی است قضاوتی که با الهام خداوند صورت گیرد در آن هیچ اشتباه و بی‌عدالتی نخواهد بود؛ اما در اینجا چند سؤال مطرح است: اول اینکه آیا امام مهدی علیه السلام خود به تنهایی امر قضا را به عهده خواهد گرفت یا اینکه کسانی دیگری را هم برای قضاوت برمی‌گزینند؟ و دوم اینکه اگر امام مهدی علیه السلام کسان دیگری را هم برای قضاوت میان مردم برمی‌گزینند، چه تضمینی وجود دارد که آنها دچار اشتباه و خطا و یا قضاوت ناعادلانه نشوند؟ در پاسخ این دو سؤال باید گفت: آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که آن حضرت تعدادی از یاران خود را برمی‌گزینند و برای قضاوت به سراسر جهان گسیل می‌دارد، اما آنچه باعث مصون بودن آنها از اشتباه و قضاوت ناعادلانه می‌شود این است که: اولاً، آنها در بالاترین مراتب تقوی و پرهیزگاری قرار دارند و ثانیاً، در یک ارتباط مستقیم با امام خود، حکم کلیه قضایایی را که در آنها دچار شک و تردید شده‌اند دریافت می‌کنند. چنان‌که در روایتی که پیش از این از امام صادق علیه السلام نقل کردیم به این موضوع تصریح شده بود.<sup>۱</sup>

**ج) عدالت اقتصادی:** عدالت اقتصادی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های عدالت اجتماعی است و به جرأت می‌توان گفت که بسیاری از تحولات و نهضت‌های اجتماعی، سیاسی که در طول تاریخ در جوامع مختلف رخ داده، به نوعی با این موضوع مرتبط بوده است. اگر چه سوگمندان باید اذعان داشت که هر چه انسان‌ها برای تحقق عدالت اقتصادی بیشتر تلاش کرده‌اند، کمتر بدان دست یافته‌اند و جز در مقاطعی محدود از حیات بشر در کره خاک، عدالت اقتصادی بر جوامع حاکم

۱. ر. ک: نعمانی، محمد بن ابراهیم، همان، باب ۲۱، ص ۴۴۳، ح ۸

نبوده است.

نگاهی اجمالی به تاریخ تحولات نظام‌های سیاسی، اجتماعی نشان می‌دهد که در گذر زمان نظام‌های مختلفی با داعیه برقراری و گسترش عدالت اقتصادی به میدان آمده‌اند و پس از چند صباحی حاکمیت، و ائتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی ملت‌ها صحنه سیاست را ترک کرده‌اند، که نظام‌های سوسیالیستی آخرین نمونه از این دست نظام‌ها هستند.

در دولت امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین دولتی که بر کره خاک حکومت خواهد کرد، تأمین عدالت اقتصادی نقش و جایگاه برجسته‌ای دارد و در روایت‌های اسلامی نیز بر این بعد از ابعاد عدالت موعود بسیار تأکید شده است. با نگاهی گذرا به روایات اسلامی به روشنی می‌توان دریافت که با استقرار حکومت مهدوی، رفاه اقتصادی همراه با قسط و عدالت بر سراسر جهان حاکم شده و بشر به آرزوی دیرین خود دست می‌یابد.

برای به دست آوردن تصویری اجمالی از عدالت و رفاه اقتصادی عصر ظهور، به چند نمونه از روایت‌هایی که در این زمینه وارد شده‌اند، اشاره می‌کنیم:

يَكُونُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي... تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ تَنَعُّماً لَمْ يَتَنَعَّمْ (يَتَنَعَّمُوا) مِثْلَهُ قَطُّ، الْبِرُّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرُ. يُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِذْرَاراً وَلَا تَخِسُّ الْأَرْضُ مِنْ نَبَاتِهَا، وَ يَكُونُ الْمَالُ كَدُوساً، يَأْتِيهِ الرَّجُلُ فَيَسْأَلُهُ فَيُجِيبِي لَهُ فِي ثَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ.<sup>۱</sup>

مهدی در امت من است... امت من، [اعم از] نیکان و بدان آنها، در عصر او به آنچنان رفاه و آسایشی دست می‌یابند که هرگز مانند آن سابقه نداشته است. آسمان بر آنها بارش فراوان می‌فرستد و زمین گیاهانش را از آنها دریغ نمی‌دارد.

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۳۶، ص ۳۶۹.



در آن زمان مال و ثروت چون خرمن برهم انباشته می‌شود. مردی پیش آن حضرت می‌آید و از او درخواست [کمک] می‌کند. ایشان هم به مقداری که آن مرد می‌تواند با خود بردارد در لباسش می‌ریزد.

امام محمدباقر علیه السلام نیز عدالت اقتصادی دوران ظهور را چنین توصیف می‌کنند:

... فَإِنَّهُ يُقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ، الْبِرُّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرُ.<sup>۱</sup>

... او مال و ثروت را به مساوات [بین مردم] تقسیم و در میان آفریدگان [خدای] رحمان، [اعم از] نیکان و بدان آنها، عدالت برقرار می‌کند.

آن حضرت در روایتی دیگر در بیان رفاه عمومی و برابری اقتصادی که در عصر حاکمیت حضرت قائم علیه السلام ایجاد می‌شود، می‌فرمایند:

... وَ يُعْطِي النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَ يَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَ يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجاً إِلَى الزَّكَاةِ وَ يَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمَخَاوِجِ مِنْ شِبَعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا، فَيُصِرُّونَهَا وَ يَدُورُونَ فِي دَوْرِهِمْ فَيَخْرُجُونَ إِلَيْهِمْ، فَيَقُولُونَ: لَأُحَاجَّةَ لَنَا فِي دِرَاهِمِكُمْ... وَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلِّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا، فَيُقَالُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ، وَ رَكَبْتُمْ فِيهِ الْمَحَارِمَ. فَيُعْطِي عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ.<sup>۲</sup>

... او بخشش‌هایش را دو بار در سال بر مردم ارزانی می‌دارد و در هر ماه دو بار به آنها روزی می‌دهد. او میان مردم چنان برابری ایجاد می‌کند که هیچ نیازمندی زکاتی یافت نمی‌شود. صاحبان زکات با زکات‌های خود به سوی مستمندان از شیعیان او روی می‌آورند، اما آنها از پذیرش زکات خودداری می‌کند. پس

۱. همان، ج ۵۱، ص ۲۹، ح ۲.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۱۲.

صاحبان زکات، زکاتشان را در همیان گذاشته، در خانه‌های مستمندان می‌گردانند و به آنها عرضه می‌کنند، اما آنها می‌گویند: ما را نیازی به دراهم شما نیست... همه اموال اهل دنیا، چه [آنها که] از دل زمین [به دست می‌آید] و [چه آنها که] از روی زمین [حاصل می‌شود] نزد او جمع می‌شود؛ پس او به مردم می‌گوید: بیایید به سوی آنچه در راه [به دست آوردن] آن پیوندهای خویشی را گسستید؛ خون به ناحق ریختید و به محارم دست یازیدید. پس او آنچنان بخششی به مردم ارزانی می‌کند که پیش از آن هیچکس ارزانی نداشته است.

نکته مهمی که از این روایات و برخی دیگر از روایات به دست می‌آید این است که در زمان امام مهدی علیه السلام مردم علاوه بر بی‌نیازی ظاهری که در اثر گسترش رفاه عمومی و توزیع عادلانه ثروت‌ها، بدان دست می‌یابند؛ از نظر باطنی نیز به بی‌نیازی می‌رسند و روحیه زیاده‌خواهی و زیاده‌طلبی در آنها از میان می‌رود تا آنجا که از پذیرش مال و ثروتی که احساس می‌کنند نیازی بدان ندارند خودداری می‌کنند. روایت زیر که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده، این نکته را به روشنی بیان می‌کند:

إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ أَلْقَى اللَّهُ تَعَالَى الْغِنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ، حَتَّى يَقُولَ الْمَهْدِيُّ: مَنْ يُرِيدُ الْمَالَ؟ فَلَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا وَاحِدٌ يَقُولُ أَنَا. فَيَقُولُ: أَحَبُّ فَيْحَنِي فَيَحْمِلُهُ عَلَى ظَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا أَتَى أَقْصَى النَّاسِ. قَالَ: أَلَا أَرَانِي شَرًّا مِنْ هَاهُنَا، فَيَرْجِعُ فَيُرَدُّهُ إِلَيْهِ، فَيَقُولُ: خُذْ مَالَكَ، لِأَحَاجَةَ لِي فِيهِ.<sup>۱</sup>

هنگامی که مهدی ظهور کند، خداوند تعالی بی‌نیازی را در دل‌های بندگان جایگزین می‌سازد، تا آنجا که وقتی مهدی می‌گوید: چه کسی مال و دارایی می‌خواهد؟ جز یک نفر هیچکس به سوی او نمی‌آید. پس او می‌گوید: [هر چه

۱. ابن حماد المروزی، نعیم، الفتن، ص ۲۲۳؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۴۵.

خواهی] بگیر. آن مرد هم مقداری مال برگرفته بر دوش خود گذاشته می‌رود، تا آنجا که به دورترین مردم می‌رسد. در این وقت می‌گوید: آیا من از این مردم هم بدترم. پس باز می‌گردد و آن مال را به مهدی برمی‌گرداند و می‌گوید: مالت را بگیر نیازی به آن ندارم.

۲-۳. ژرفای عدالت موعود: عدالت مهدوی نه تنها نموده‌های مختلف روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و روابط فرهنگی، آموزشی، حقوقی، قضایی و اقتصادی جوامع انسانی را عادلانه می‌سازد، بلکه بر روابط فردی مردم نیز تأثیر گذاشته و تا اندرونی‌ترین و شخصی‌ترین روابط مردم نیز نفوذ می‌کند؛ کاری که از عهده هیچ نظام سیاسی، اجتماعی ساخته نیست.

برای روشن‌تر این موضوع توجه شما را به روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده جلب می‌کنیم. آن حضرت در توصیف عدالت قائم آل محمد علیهم السلام می‌فرماید:

... أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخِلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلَهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ<sup>۱</sup>

به خدا سوگند، او عدالتش را تا آخرین زوایای خانه‌های مردم وارد می‌کند، همچنانکه سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود.

براساس این روایت می‌توان گفت که در زمان امام مهدی علیه السلام روابط خانوادگی، اعم از روابط زن و شوهر، روابط پدر و مادر و فرزندان و روابط سایر خویشان و بستگان با یکدیگر بر پایه عدالت سامان می‌یابد و هرگونه ستم، تجاوز، بی‌عدالتی و تضییع حقوق از نهاد خانواده، به عنوان اساسی‌ترین رکن اجتماع، رخت برمی‌بندد. قطعاً در چنین شرایطی همه آسیب‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی که در اثر نبود روابط عادلانه و انسانی در کانون خانواده‌ها به وجود می‌آید، از بین می‌رود.

۲-۴. اهداف عدالت موعود: از مجموعه آنچه تا کنون گفته شد به تصویر

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۳۱.

جامعی از شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عصر ظهور دست می‌یابیم و بر ما روشن می‌شود که عدالت موعود چگونه جوامع انسانی را متحول ساخته و زمینه رشد و کمال معنوی انسان‌ها را فراهم می‌سازد. به بیان دیگر عدالت موعود، همه ابعاد وجود آدمی را هدف قرار داده و چون میزانی دقیق، زندگی مادی و معنوی انسان‌ها را به اعتدال می‌کشاند.

عدالت مهدوی - چنان‌که در کلام پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز بر آن تأکید شده‌است - انسانی را که در پس قرون و اعصار از اصل خود دور و در حجاب‌های ظلمانی غوطه‌ور شده بود، با حقیقت خود آشنا و به اصل خود برمی‌گرداند:

تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلَةُ [إِلَى] يَغْسُو بِهَا، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَتْ جَوْرًا، حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ.<sup>۱</sup>

امت مهدی به سوی او پناه می‌برند، چنان‌که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می‌آورند. او زمین را از عدالت پر می‌سازد، همچنان‌که از ستم انباشته شده بود؛ تا مردم آن‌گونه شوند که در آغاز [افرینش] بودند.

با این بیان می‌توان گفت که در فرهنگ مهدوی، عدالت، مظهر همه خوبی‌ها و ظلم، نماد همه بدی‌هاست و از این رو عدالت جامع همه هدف‌هایی است که می‌توان برای انقلاب‌رهایی بخش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه تصور کرد. و به همین دلیل است که می‌بینیم در روایات بیش از هر چیز بر عدالت گستری و ظلم ستیزی آن حضرت تأکید شده‌است.

۱. ابن حماد المروزی، نعیم، همان، ص ۲۲۲؛ معجم أحادیث الإمام المهدی، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۳۰.

## گفتار هفتم: جهان پس از ظهور

هر سال با رسیدن بهار جهان آماده استقبال از رستاخیز طبیعت می شود. زمین و زمان گوش به زنگ اسرافیل بهارند، تا در صور خود بدمد و با دمیدنش زمین مرده دگر بار زندگی و طراوت یابد؛ درختان به شکوفه بنشینند و انواع گل و ریحان در دشت و دمن برویند.

چه عظمتی است در این بهار! چه شکوهمند است حیات پس از مرگ و چه زیباست زنده شدن دوباره طبیعت.

به دلیل شباهت های زیادی که میان بهار (رستاخیز طبیعت) و قیامت (رستاخیز انسان ها) وجود دارد، در قرآن کریم و کلمات معصومان علیهم السلام بارها از زنده شدن جهان طبیعت در بهار، هم به عنوان دلیل و شاهد و هم به عنوان تذکار و اندرز نسبت به زنده شدن انسان ها در روز قیامت یاد شده است.

از جمله در یکی از آیات کریمه قرآن می خوانیم:

وَاللّٰهُ الَّذِيۡ اَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثَرُّۡ سَحَابًاۙ فَسُقْنَاہُۙ اِلٰیۡ بَلَدٍۙ مَّيِّتٍۙ فَاُحْيِيْنَاۙ بِہِۙ الْاَرْضَۙ

بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ.<sup>۱</sup>

و خدا همان کسی است که بادهای را روانه می‌کند؛ پس [بادهای] ابری را برمی‌انگیزند، و [ما] آن را به سوی سرزمینی مرده رانندیم، و آن زمین را بدان [وسیله]، پس از مرگش زندگی بخشیدیم، رستاخیز [این] چنین است.

و در آیه دیگری می‌فرماید:

... وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ  
رَوْحٍ بَهيجٍ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُخَيِّبُ الْمَوْتَى وَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ.<sup>۲</sup>

... و زمین را خشکیده می‌بینی و [آبی] چون آب بر آن فرود آوریم به جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند و از هر نوع [رستنی‌های] نیکو می‌رویاند. این [قدرت‌نمایی‌ها] بدان سبب است که خدا خود حق است، و اوست که مردگان را زنده می‌کند و [هم] اوست که بر هر چیزی تواناست.

اما بهار یادآور رستاخیز دیگری نیز هست. رستاخیزی که هیچ کمتر از قیامت کبرانیست و در شکوه و عظمت هیچ از زنده شدن مردگان در روز حساب کم ندارد. آری، این رستاخیز چیزی جز رویداد عظیم ظهور نیست. رویدادی که هم نجاتبخش است و هم حیاتبخش؛ هم به انسان‌ها زندگی دوباره می‌بخشد و هم به جهان طبیعت. از این روجا دارد که در آستانه بهار طبیعت، یادی از بهار جان‌ها داشته باشیم. همو که در زیارت حضرتش خطاب به ایشان می‌گوییم:

السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْعَامِ وَ نَضْرَةِ الْأَيَّامِ.<sup>۳</sup>

۱. سوره فاطر (۳۵) آیه ۹.

۲. سوره حج (۲۲) آیه ۵ و ۶؛ همچنین ر. ک: سوره روم (۳۰) آیه ۱۹ و ۲۴.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱؛ قمی، عباس، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الأمر به نقل از سیدبن طاووس.

سلام بر بهار مردمان و خرمی بخش روزگاران.

همو که همه انبیا و اولیا در انتظارش بوده‌اند و سرور همه اولیا، امیر مؤمنان علی علیه السلام در فراق او و یارانش ناله سر داده است که:

آه آه شوقاً إلى رؤيتهم<sup>۱</sup>

وه که چه آرزومند دیدار آنانم.

### ۱. زندگی بخشی قیام مهدوی در آیات و روایات

بسیاری از روایات به زنده شدن انسان و جهان در پرتو انوار حیات بخش نهضت مهدوی بشارت داده و این موضوع را یکی از ویژگی‌های بارز این نهضت بر شمرده‌اند، که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. در روایتی که از محمد باقر علیه السلام نقل شده، آن حضرت پس از اشاره به آیه

شریفة:

إِغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ<sup>۲</sup>

بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. به راستی آیات [خود] را

برای شما روشن گردانیده‌ایم، باشد که بیندیشید.

می‌فرماید:

يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ، فَيُخَيِّبُهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ عليه السلام فَيَعْدِلُ فِيهَا فَيُخَيِّبُ

الْأَرْضَ وَ يُخَيِّبُ أَهْلَهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، کلمات قصار، شماره ۱۴۷، ص ۳۸۸.

۲. سوره حدید (۵۷) آیه ۱۷.

۳. حسینی بحرانی، سید هاشم، سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، ص ۳۷۷؛ همچنین ر. ک: صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۶۸. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغيبة، ص ۱۱۰.

منظور از مردن زمین، کفر ورزیدن اهل آن است و کافر مرده است، پس خداوند آن را به [ظهور حضرت] قائم علیه السلام زنده خواهد کرد. پس او در زمین عدالت می‌ورزد، زمین را زنده می‌سازد و اهل آن را پس از مرگشان زنده می‌کند.

نکته جالب توجه این است که آیه یادشده پس از آیه‌ای وارد شده که آن هم به زمان غیبت امام عصر علیه السلام تأویل شده است:

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ.<sup>۱</sup>

آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدان‌ها کتاب داده شده و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید، و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟

در روایتی که از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه وارد شده است، چنین می‌خوانیم:

نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ الَّتِي فِي سُورَةِ الْحَدِيدِ «وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» فِي أَهْلِ زَمَانِ الْغَيْبَةِ، ثُمَّ قَالَ عَزَّوَجَلَّ: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» وَقَالَ علیه السلام: إِنَّ [إِنَّمَا] الْأَمَدُ الْأَمَدُ الْغَيْبَةُ.<sup>۲</sup>

این آیه که در سوره حدید است: «و مانند کسانی نباشند که از پیش بدان‌ها کتاب

۱. سوره حدید (۵۷) آیه ۱۶.

۲. حسینی بحرانی، سیدهاشم، همان، ص ۳۷۵-۳۷۴؛ همچنین ر. ک: صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ص ۶۶۸؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ص ۶.



## جهان پس از ظهور ■ ۳۳۵

داده شد و [عمرو] انتظار بر آنان به درازا کشید، و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند، دربارهٔ اهل زمان غیبت نازل شده است. سپس خدای عزوجل فرمود: «بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده‌ایم، باشد که بیندیشید، و آن حضرت علیه السلام فرمود: همانا «آمد = مدت» دوران غیبت است.

۲. در زیارت حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام در روز جمعه نیز از آن امام به عنوان سرچشمه زندگی یاد شده و آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ<sup>۱</sup>

درود بر تو ای سرچشمه زندگی.

۳. در زیارت دیگری که مرحوم سیدبن طاووس برای آن حضرت نقل کرده است، می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ<sup>۲</sup>

درود بر تو ای زنده‌کنندهٔ مؤمنان و نابودکنندهٔ کافران.

۴. در دعای ندبه نیز از امام عصر علیه السلام به عنوان زنده‌کنندهٔ کتاب خدا و حدود آن و همچنین زنده‌کنندهٔ آثار دین و دین‌باوران یاد شده است:

أَيُّنَ الْمُؤْمِلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ، أَيُّنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ<sup>۳</sup>

کجاست آنکه برای زنده کردن کتاب و حدود آن به او امید بسته شده؟ کجاست زنده‌کنندهٔ آثار دین و دین‌باوران؟

۵. و بالاخره در دعای عهد پس از آنکه خداوند را چندین بار به اسم «حی»

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ص ۲۱۵.

۲. همان، ص ۱۰۱.

۳. همان، ص ۱۰۷؛ در زیارت دیگری آمده است: «السلام عليك يا محيي معالم الدين و أهله»، ر. ک: همان، ص ۸۶.

می خوانیم و صدا می زنیم که:

يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ يَا مُخَيِّي الْمَوْتَى  
وَ مُمَيِّتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ...<sup>۱</sup>

ای زنده پیش از هر زنده و زنده پس از هر زنده! و ای زنده، هنگامی که کسی زنده  
نبود! ای زندگی بخش مردگان و میراننده زندگان! ای زنده‌ای که جز تو خدایی  
نیست!

از او درخواست می کنیم که به وسیله امام مهدی علیه السلام سرزمین هایش را آباد و  
بندگان را زنده سازد:

... وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ «ظَهَرَ  
الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»<sup>۲</sup> فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيكَ وَ ابْنَ  
بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ...<sup>۳</sup>

... خداوند! سرزمین های خود را به وسیله او آباد گردان و بندگان را به دست او  
زنده ساز؛ زیرا تو گفته ای و سخنت حق است: «به سبب آنچه دست های مردم  
فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است» پس خداوند! ولی خود و  
پسر دختر پیامبرت را که همان رسول توست بر ما آشکار ساز...

## ۲. مراتب و درجات زندگی (حیات)

در نگره قرآنی، زندگی (حیات) از سه مرتبه یا درجه برخوردار است: زندگی  
این جهان (دنیوی)، زندگی جهان دیگر (اخروی) و زندگی ناشی از ایمان و عمل

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

۲. سوره روم (۳۰) آیه ۴۱.

۳. مجلسی، محمدباقر، همان، ص ۱۱۲-۱۱۱.

صالح. برای روشن شدن معنا و مفهوم زندگی های سه گانه و تفاوت هایی که با یکدیگر دارند، در اینجا برخی از آیات قرآن را که اشاره به این سه نوع زندگی دارند، بررسی می کنیم:

۱-۲. **زندگی این جهان:** در بیش از هفتاد آیه از آیات قرآن کریم از «زندگی دنیا» سخن به میان آمده و جالب این است که بیشتر این آیات، زندگی این جهانی را در برابر زندگی آن جهان خوار و ناچیز شمرده و اهل ایمان را از فریفته شدن به این زندگی بر حذر داشته اند. در یکی از آیات قرآن، زندگی دنیا چنین توصیف شده است:

إِغْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ  
وَ الْأَوْلَادِ... وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ.<sup>۱</sup>

بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان است... و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

این نوع از زندگی، وجه مشترک انسان و دیگر موجودات زنده بوده و آثاری که بر آن بار می شود جز آثاری مادی همچون خوردن، آشامیدن، تولید نسل و... نیست.

۲-۲. **زندگی جهان دیگر:** این نوع از زندگی که در جهان بازپسین نصیب اهل ایمان و انسان های شایسته می شود، در فرهنگ قرآن از جایگاه بسیار شایسته ای برخوردار بوده و آثار فراوانی بر آن مترتب شده است تا بدانجا که به تعبیر قرآن زندگی دنیا در برابر این زندگی اصلاً قابل توجه نیست:

وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا  
يَعْلَمُونَ.<sup>۲</sup>

۱. سوره حدید (۵۷)، آیه ۲۰.

۲. سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۶۴.

این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است. ای کاش می دانستند.

دست یافتن به این نوع زندگی، چنان که گفته شد، مستلزم ایمان و عمل صالح و به بیان دیگر پیروی از فرامین خدا و رسول اوست. قرآن کریم در این باره می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخوانند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید.

علامه طباطبایی رحمته الله در ذیل این آیه به تفصیل به بررسی تفاوت زندگی دنیا و آخرت پرداخته و آثاری را که زندگی اخروی به دنبال دارد بر شمرده است. ایشان همچنین اشاره ای اجمالی به نوعی دیگر از زندگی کرده و بحث تفصیلی در این باره را به جای مناسب آن واگذار کرده است:

از دیدگاه قرآن کریم، زندگی (حیات) معنای دیگری دارد، که بسیار دقیق تر از معنایی است که ما بر اساس نگاه سطحی و ساده خود تصور می کنیم. ما در نگاه ابتدایی، زندگی را چیزی جز آنچه که انسان با آن در این دنیا تا زمان رسیدن مرگ، به سر می برد نمی دانیم؛ یعنی حالتی که همراه یا شعور و فعل ارادی است و مانند آن یا نزدیک به آن در دیگر موجودات زنده، غیر از انسان نیز یافت می شود. اما خدای سبحان می فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است. ای کاش می دانستند. از این آیه چنین برمی آید که انسان بهره مند از این زندگی، جز با اوهام و امور غیر

۱. سوره انفال (۸) آیه ۲۴.

۲. سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۴.

واقعی سر و کار نداشته، و به وسیله این حیات از غایت وجود و اغراض روحش که مهم‌تر و واجب‌تر است باز می‌ماند.

و این همان معنایی است که در یکی از سخنان خدای تعالی که از خطاب‌های روز قیامت است، به آن اشاره شده است:

«لَقَدْ كُنْتَ فِي غَمَلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» [آیه

او می‌گویند: «و آنوقت که از این [حالت] سست در غفلت بودی. و ای ما پرده‌ها را از جلوی چشمانت برداشتیم و سیدوها را امروز تیز است.»

بنابراین، انسان زندگی دنیوی دارد که از این زندگی دنیوی شریف‌تر و ارزشمندتر است؛ و آن زندگی اخروی است که به زودی برده از روی آن برداشته می‌شود؛ زندگی‌ای که سرگرمی و بازی با آن درنیامیزد و بیهودگی و گناه با آن آمیخته نشود؛ و انسان جز به نور ایمان و روح بندگی در آن سیر نمی‌کند. چنان‌که خدای تعالی فرمود: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنَّا» در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است؛ و همچنین فرمود: «أَوْ مَن كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا؛ أَلَيْسَ كَمَن مَّرَدَّ [دل] بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی هست و از آن بیرون آمدنی نیست؟».

کوتاه سخن اینکه، برای انسان زندگی حقیقی دیگری است که شریف‌تر و

۱. سوره ق (۵۰) آیه ۲۲.

۲. سوره مجادله (۵۸) آیه ۲۲.

۳. سوره انعام (۶)، آیه ۱۲۲.

کامل تر از زندگی پست دنیوی اوست. او آنگاه به این زندگی دست می‌یابد که استعدادها و توانایی‌هایش به وسیله آراستگی به زیور دین و داخل شدن در گروه سروران شایسته به تمامیت رسد؛ همچنان که او به زندگی دنیوی زمانی دست می‌یابد که استعدادش برای دست یافتن به این زندگی، در حالی که در مرحله جنینی به سر می‌برد، تمامیت می‌یابد.

سخن خدای تعالی که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»<sup>۱</sup> نیز بر همین مطلب منطبق است. یعنی پذیرفتن آنچه که دعوت حق اسلام به سوی آن فرا می‌خواند، انسان را به سوی این زندگی حقیقی می‌کشاند. همچنان که این زندگی سرچشمه‌ای است که اسلام از آن می‌جوشد و علم سودمند و عمل شایسته از آن ناشی می‌شود. این سخن خدای تعالی نیز که می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۲</sup> هر کس - از مرد و زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] می‌بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد، همین معنا را افاده می‌دهد.<sup>۳</sup>

شایان ذکر است که نویسنده تفسیر ارزشمند المیزان، در تفسیر آیه دیگری که در ادامه خواهد آمد، به تفصیل در مورد نوع سوم از زندگی سخن گفته است.

۲-۳. زندگی پاکیزه ناشی از ایمان و انجام عمل شایسته: خداوند سبحان، در یکی از آیات قرآن کریم، برای ترغیب و تشویق اهل ایمان به انجام اعمال شایسته،

۱. سوره انفال (۸) آیه ۲۴.

۲. سوره نحل (۱۶) آیه ۹۷.

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۴-۴۵.

به آنان وعده دست یافتن به زندگی دیگری که پاکیزه و پیراسته از هر آلودگی است داده و می فرماید:

مَنْ عَمِلَ ضَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.<sup>۱</sup>

هر کس - از مرد و زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] می‌بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.

بنابراین، آیه یادشده همانند آیه «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...»<sup>۲</sup> آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوریم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود...، افاده ایجاد حیات ابتدایی جدید می‌کند. [نامگذاری این حیات به حیات جدید] از باب تسمیه مجازی نیست [یعنی این‌گونه نیست که از تغییر صفت حیات، به حیات جدید تعبیر کرده باشند]؛ زیرا آیاتی که به این حیات جدید اشاره کرده‌اند، برای آن آثار حیات حقیقی برشمرده‌اند؛ مانند این سخن خدای تعالی که: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ»<sup>۳</sup> در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها با نوری از جانب خود تأیید کرده است» و هم‌چنین مانند کلام او در آیه [۱۲۲] سوره انعام که در بالا به آن اشاره شد: «وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود، قطعاً مراد از این نور، علمی است که انسان به وسیله آن در اعتقاد و عمل به سوی حق

۱. سوره نحل (۱۶) آیه ۹۷.

۲. سوره انعام (۶)، آیه ۱۲۲.

۳. سوره مجادله (۵۸) آیه ۲۲.

هدایت می‌شود. هم‌چنان‌که این مؤمن علم و ایمان دارد که دیگران از آن بی‌بهره‌اند. او به‌دین از مهربانی، قدرت، در زنده ماندن حق و میراندن باطل دارد که دیگران ندارند. چنان‌که خدای سبحان فرمود: **لَا يَسْتَوِي السُّؤْمِنُ وَالْإِيمَانُ** و یاری کردن مؤمنان بر ما فرض است. این فرموده است: **بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحاً فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ** خدا و روز بازپسین ایمان آورد و کار نیکو کند، پس نه بیمی برایشان است و نه اندوهگین خواهند شد.

این علم و قدرت جدید، مؤمن را آماده می‌سازد، تا چیزها را آنگونه که هستند ببیند و آنها را به دو گونه تقسیم کند، حق پایدار و باطل میرا و از صمیم دل از باطل میرا که همان زندگی دنیا و نقش و نگارهای فریبنده و خیره کننده آن است، دوری می‌جوید؛ و به عزت خداوند عزت می‌یابد و از این رو، نه شیطان با وسوسه‌هایش، نه نفس با هواها و هوس‌هایش و نه دنیا با فریبندگی‌هایش نمی‌تواند او را خوار و ذلیل کند؛ زیرا او باطل شدنی کالای دنیا و نابود شدن نعمت‌های آن را با چشم خود نمی‌بیند.

چنین کسی دلش به پروردگار حقیقی‌اش، همو که با کلمات خود هر حقی را پایدار می‌سازد، وابسته است؛ جز وجه او را طلب نمی‌کند؛ جز نزدیکی او را دوست ندارد و جز از خشم و دوری او نمی‌هراسد. و برای خود حیات پاکیزه‌ی همیشگی جاودانه‌ای می‌بیند که جز پروردگار بخشاینده و مهربانش کسی اداره آن را در دست ندارد و در طول مسیرش جز خوبی و زیبایی نمی‌بیند؛ چرا که او هر آنچه خداوند آفریده را می‌ستاید و جز گناهان و نافرمانی‌هایی که خداوند آنها

۱. سوره روم (۳۰) آیه ۴۷.

۲. سوره مائده (۵) آیه ۶۹.



را زشت شمرده چیزی را زشت نمی‌شمارد.

پناهباین این آثار زندگی جز بر زندگی حقیقی و نه مجازی، بار نمی‌شود و خداوند سبحان این آثار را بر آن نوع زندگی (طیبه) که از آن یاد کرد مترتب ساخت و آن را به کسانی که اختصاص داد که ایمان آورند و عمل شایسته انجام دهند. پس این زندگی، زندگی حقیقی تازه‌ای است که خداوند سبحان آن را به ایشان ارزانی می‌دارد.<sup>۱</sup>

با توجه به آنچه گفته شد درمی‌یابیم که به جز زندگی دنیا و زندگی آخرت، نوع دیگری از زندگی وجود دارد که قرآن کریم از آن با تعبیر «حیات طیبه» یا «زندگی پاکیزه» یاد کرده است. این نوع زندگی، زندگی‌ای حقیقی است که آثار و پیامدهای بسیار ارزشمندی برای انسان در پی دارد، که بخشی از آن در همین دنیا و بخشی دیگر در جهان آخرت آشکار می‌شود.

به اعتقاد ما آن زندگی که وعده تحقق آن در عصر ظهور داده شده، چیزی جز همین نوع حیات که در قرآن از آن به «حیات طیبه» تعبیر شده و ویژگی‌ها و آثارش در اینجا بیان شده، نیست.

در آن عصر همه مردمان یا بخش زیادی از آنها، به مدد ظهور و حضور امام عصر علیه السلام از این نوع زندگی بهره‌می‌شوند و آثار آن که به تعبیر علامه طباطبایی نور، کمال، توانایی، عزت و سرور و صف ناشدنی است، شامل حال آنها می‌گردد و نوانمندی‌های ناشی از آن نصیب همه اهل ایمان می‌گردد.

### ۳. چگونه تحقق حیات طیبه

برای روشن شدن این مطلب که چگونه با ظهور امام مهدی علیه السلام حیات طیبه محقق

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، همان، ج ۱۲، ص ۳۴۱-۳۴۲.

## ۳۴۴ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

می شود لازم است مقدماتی را یادآور شویم:

۱-۳. آب منشأ و سرچشمه حیات: قرآن کریم از یک سو «آب» را به عنوان

اصل حیات و مبدأ پیدایش زندگی بر کره خاکی معرفی کرده، می فرماید:

... وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ<sup>۱</sup>

و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم.

و از سوی دیگر نزول آب (باران) از آسمان را مایه زنده شدن دوباره زمین

دانسته، می فرماید:

وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ

يَسْمَعُونَ<sup>۲</sup>

و خدا از آسمان آبی فرود آورد و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانید، قطعاً

در این [امر] برای مردمی که شنوایی دارند، نشانه‌ای است.

و سرانجام در آیه‌ای دیگر، آراسته شدن زمین به زیور گیاهان را ناشی از

درآمیختن نزولات آسمانی با آنها دانسته، می فرماید:

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا

يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ أَزْيَنَتْ...<sup>۳</sup>

در حقیقت، مثل زندگی دنیا بسان آبی است که آن را از آسمان فروریختیم، پس

گیاه زمین - از آنچه مردم و دام‌ها می‌خورند - با آن درآمیخت، تا آنگاه که زمین

پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید... .

همه این آیات دلالت بر این دارند که آغاز و استمرار زندگی انسان‌ها و دیگر

۱. سوره انبیاء (۲۱) آیه ۳۰.

۲. سوره نحل (۱۶) آیه ۶۵؛ همچنین ر. ک: سوره بقره (۲)، آیه ۱۶۴؛ سوره عنکبوت (۲۶)، آیه ۶۳.

۳. سوره یونس (۱۰)، آیه ۲۴.

موجودات در زمین بدون وجود آب امکان پذیر نبوده و نخواهد بود.

۳-۲. تشبیه امامان معصوم علیهم السلام به آب: در تعدادی از روایات، امامان

معصوم علیهم السلام به آب تشبیه شده‌اند، از جمله در روایاتی که در تأویل این آیه شریفه:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ<sup>۱</sup>

بگو: به من خبر دهید، اگر آب [شامیدنی] شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب

روان برایتان خواهد آورد؟

از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است، می خوانیم:

إِذَا فَقَدْتُمْ إِمَامَكُمْ فَلَمْ تَرَوْهُ فَمَاذَا تَصْنَعُونَ<sup>۲</sup>

هرگاه امامتان را نیابید و او را نبینید چکار خواهید کرد؟

إِذَا غَابَ عَنْكُمْ إِمَامَكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ جَدِيدٍ<sup>۳</sup>

هرگاه امامتان از نظرتان غایب شود، چه کسی امام جدیدی برایتان خواهد آورد؟

همچنین در روایت دیگری که از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در ذیل همین آیه

شریفه وارد شده، آمده است:

مَاؤُكُمْ أَبْوَابُكُمْ أَيِ الْأَيْمَةِ وَالْأَيْمَةُ أَبْوَابُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ<sup>۴</sup>

«آب شما، ابواب شما، یعنی امامان هستند، امامان ابواب الهی بین او و بین

آفریدگان اویند.

با توجه به روایات یاد شده می توان گفت:

همچنان که خداوند، آب را مایه حیات مادی انسان‌ها قرار داده و تنها به وسیله نزول

باران رحمت الهی است که زمین مرده و گیاهان خشکیده روح و حیات تازه‌ای

۱. سوره ملک (۶۷)، آیه ۳۰.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۰.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۱۴.

۴. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۷۹.

## ۳۴۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

... امامان معصوم علیهم السلام و آنچه مایه حیات معنوی آنها قرار داده و آنها به برکت  
... است. از آنجا که انسان می‌تواند از زندگی با کثرت معنوی بهره‌مند شود.

در این دنیا همچنان که آغاز و استمرار حیات مادی انسان‌ها تنها به مدد وجود  
... از پذیرفته شده است. حیات معنوی و حیات طریقه از آنها به زمین  
... از جسمانی لال و لایت امامان معصوم علیهم السلام محقق می‌شود و انسان‌ها  
... خود را در این حیات مادی قرار دهند تا در این دنیا و نشاط و  
... معنوی بشوند و نیز بهره‌مند می‌شوند.

عصر ظهور، عصر تجلی کامل و لایتنی با مشخص شدن نقش امامان  
معصوم علیهم السلام در تحقق حیات معنوی انسان‌ها می‌تواند به تدریج روشن از  
چگونگی تحقق حیات طیه در عصر ظهور رسید. توضیح آنکه در این عصر که  
عصر تجلی کامل و لایت الهی است، خداوند متعال به برکت وجود او، الله الاعظم  
ارواح خالصه الهیه همه حجاب‌ها و موانعی را که پیش روی انسان‌ها وجود دارد  
برمی‌دارد و آنها را به مراتب بلای، ادراک، آگاهی و ایمان باطن می‌سازد تا چنانچه  
همه مظاهر شرک، کفر، کناه، ظلم، بی‌عدالتی از زمین و تحت بر می‌نهد و انسان‌ها  
مستغرق در یاد و نام خداوند می‌شوند. از آنجا که آن حیات پاکی که انسان‌ها  
قرین‌ها به دنبالش بودند، محقق شده و آدمی امکان نیل به مراتب عالی کمال را پیدا  
می‌کند.

برخی از آیات و اباتی که در آنها به نقش معنوی و الهی خدا در تحولات عصر ظهور  
اشاره شده به شرح ذیل است:

۱- در نخستین آیه و آیه امام باقر علیه السلام به نقش حضرت مهدی علیه السلام در رشد عقلانی و  
ارتقای درک انسان‌ها اشاره کرده، می‌فرماید:

إِنَّمَا نُنشِئُهَا وَنُضَعُ اللَّهُ بِدَعْوَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَتْ بِرِ

## أَخْلَامُهُمْ [أَخْلَاقُهُمْ] ۱

هنگامی که قائم ما به یاخیزد، خنایند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و بدین وسیله عقل‌های آنها افزایش داده و خردهای [خلق‌های] آنها به کمال می‌رساند.

۲. در روایت دیگر آمده است: «... امر اسلام ﷺ نقل شده است، مسجود است...»  
 در روایت دیگر آمده است: «... در وقت خداوند در عصر ظهور، هر طرفی که شدن همه خوی و خصیلت‌های حیوانی...»  
 مبرر توجه قرار گرفته و تأکید شده که همه این آثار به برکت وجود حجت خدا، حضرت مهدی علیه السلام است:

يُخْرِجُ اللَّهُ بِالْمُهْدِيِّ عَنِ الْأُمَّةِ يَمَلَأُ قُلُوبَ الْعِبَادِ عِبَادَةً يَسَعُهُمْ عَدْلَهُ. بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكُذِبَ وَ يَذْهَبُ الزَّمَانُ الْكَلْبَ وَ بِهِ يَخْرُجُ ذُلُّ الرِّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ. ۲

خداوند به وسیله مهدی برای امت گشایش حاصل می‌کند. او دل‌های بندگان را با عبادت پر می‌کند و عدالتش را بر آنها دامن‌گستر می‌سازد. خداوند به وسیله او دروغ و دروغگویی را ریشه‌کن می‌کند و روزگار سخت و دشوار را از بین می‌برد و طوق ذلت و بردگی را از گردن شما برمی‌دارد.

۳. و سرانجام در آخرین روایت، امام رضا علیه السلام به این مطلب که خداوند در عصر ظهور به وسیله امام مهدی علیه السلام زمین را از همه مظاهر ظلم و جور پیراسته می‌سازد، اشاره کرده، می‌فرماید:

يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ... فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وَضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا. ۳

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ص ۲۵، ح ۲۱.

۲. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبة، ص ۱۱۴؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۱، ص ۷۵، ح ۲۹.

۳. مجلسی، محمدباقر، همان، ص ۳۲۳-۳۲۱، ح ۲۹.

خداوند به وسیله قائم، جهان را از هرگونه ناروایی پاکیزه و از هرگونه ستم پیراسته می‌سازد... آنگاه که او قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود، میزان عدل را در میان مردم برپا می‌سازد و هیچکس به دیگری ستم روا نخواهد داشت. بر این اساس می‌توان گفت که تحقق حیات پاکیزه و معنوی در عصر ظهور چیزی جز اثر تجلی ولایت ولی الله بر زمین نیست و همه آنچه در این عصر محقق می‌شود تنها از برکت وجود ایشان است، که چون آبی زلال سرزمین‌های تفتیده جان آدمیان را روح و حیات تازه‌ای می‌بخشد.

#### ۴. آثار تحقق حیات طیبه

تاکنون روشن شد که با ظهور امام مهدی علیه السلام، زندگی تازه‌ای که سراسر نور و روشنایی، پاکی و پاکیزگی، درستی و درستکاری، خرد و خردورزی، راستی و راستگویی، عدالت و عدالت‌ورزی، عبادت و بندگی و... است، بر جهان جان انسان‌ها، حاکم می‌شود، حال می‌خواهیم ببینیم که این زندگی جدید چه آثار و پیامدهایی بر جهان پیرامون انسان‌ها برجای می‌گذارد و با حاکمیت آن چه تحولی در جهان طبیعت رخ می‌دهد.

برای روشن شدن این موضوع ابتدا لازم است که نگاهی داشته باشیم به برخی از آیاتی که در آنها به نوعی رابطه حیات معنوی و مادی انسان‌ها و تأثیر تقوا و پاکدامنی بر افزایش بهره‌مندی آدمیان از نعمت‌های این جهان، اشاره شده است:

۱. در نخستین آیه، خداوند متعال به صراحت تمام اعلام می‌کند که اگر مردم آنچنان که باید ایمان آورده و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، دروازه‌های برکت آسمان و زمین بر آنها گشوده می‌شد:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ

لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.<sup>۱</sup>

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند، پس به [کیفر] دستاوردهشان [گریبان] آنها را گرفتیم.

۲. در آیه دیگر نیز خداوند پایداری بر راه راست را موجب بهره‌مندی از آب گوارا دانسته، می‌فرماید:

وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا<sup>۲</sup>

و اگر [مردم] در راه راست پایداری ورزند قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم تا در این باره آنان را بیازماییم و هرکس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را به قید عذابی [روز افزون در آورد].

شایان ذکر است در ذیل این آیه، روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که در آن «استقامت بر ولایت علی بن ابی طالب و جانشینان او» به عنوان مصداق عینی «استقامت بر راه راست» یاد شده است:

يَعْنِي «لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى» وَ لَآيَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَٰلِدِهِ عليه السلام وَ قَبَلُوا طَاعَتَهُمْ فِي أَمْرِهِمْ وَ نَهَيْهِمْ «لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا».<sup>۳</sup>

یعنی اگر در راه ولایت علی بن ابی‌طالب، امیر مؤمنان و اوصیاء، از فرزندان او، که بر آنها درود باد، پایداری ورزند و امر و نهی آنان را پذیرا شده و گردن نهند، قطعاً آب گوارایی به آنها نوشانیم.

۱. سوره اعراف (۷)، آیه ۹۶.

۲. سوره جن (۷۲)، آیه ۱۶-۱۷.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱.

۳. در سومین آیه، خداوند متعال به نقل از حضرت نوح علیه السلام امرزش خواهی را مایه نزول باران‌های پی‌درپی و فراوانی اموال و نعمت‌های گوناگون معرفی کرده، می‌فرماید:

قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً.<sup>۱</sup>

وگفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره، امرزش است [تا] بر شما از آسمان باران پی‌در پی فرستد و شما را با اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ‌ها قرار دهد، و نه‌ره‌ها برزی شما پدید آورد.

به توجه به آیات یاد شده و روایات فراوان دیگری که بر آنها تأکید شده همه نعمت‌های مادی دنیا برای انسان، به عنوان خلیقه خدا، بر زمین، آفریده شده است. می‌توان گفت:

با تحولی که در عصر ظهور در جهان جان انسان‌ها رخ می‌دهد، درهای زمین و آسمان گشوده شده و آنها با گشاده‌دستی تمام، همه نعمت‌های خود را بر آدمیان جاری می‌کنند؛ یعنی زمانی که انسان از در آشتی با خدای خود برمی‌آید و رابطه خود را با خدای خود اصلاح می‌کند، آسمان و زمین، گیاهان و جانوران، آب و خاک، آبر و باد، ماه و خورشید و دیگر مخلوقات خداوند در خدمت این انسان در می‌آیند و بی‌هیچ دریغی همه آنچه در توان دارند، به پای او می‌ریزند.

و این همان مطلبی است که در فرموده پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز بدان تصریح شده است:

۱. سوره نوح (۷۱)، آیه ۱۰-۱۲.

۲. ر. ک. آیه ۲۹ از سوره بقره که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً؛ اوست آن کس که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید.»



يَتَنَعَّمُ أَكْثَرُ نَبِيِّ رِزْقِ الْغَنِيِّ بِبَنِيهِمْ لَمَّا يَمْتَدُّوا فَيَأْتُوا قَبْلُ يَوْمِ السَّمَاءِ تُنْفَسُ بِهَا  
مِدْرَاراً وَكَأَنَّمَا تَدْفَعُ الْأَرْضُ شَيْئاً مِنْ تِبَالِهَا إِلَّا أَخْرَجْتَهَا

امت موزن در زمان مهدی از نعمت های پرشور دار می شود که در نور پیش از آن،  
آنها بر خوردار نبوده اند؛ آسمان بر آنها باران پر بار می باراند و زمین  
گیاهانش را [برای آنها] می رویند.

بنا بر این شاید بتوان گفت:

همه تعولاتی که در عصر ظهور در جهات طبیعت راجع می دهند، همه برگرفته  
از این عصر نازل می شوند، همه نعمت های که در این دوران بر سر زمین بحیرت  
آوردند و سرانجام همه رفاه و آسایش مادی که پس از ظهور رخ می نماید، چیزی  
جز آثار تحول انسان و نیل او به حیات طیبه، به عنوان مهم ترین فلسفه ظهور نیست.

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۱، ص ۸۲

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: «انسان و جهان آینده»، گفت و گو با سید الاسلام و اله ملامین، سید  
محمد مهدی میرباقری، موعود، سال هفتم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۰۰-۱۰۱  
و اردیبهشت ۱۳۸۴.

## فصل چہارم

**باور مہدوی؛ آسیب‌ها و بایستہ‌ها**

## گفتار اول: بایسته‌های تبلیغ فرهنگ مهدوی

در چند سال گذشته شور و شوق ظهور منجی موعود در سراسر جهان و در میان همه اقوام، ملل و مذاهب رشدی شتابان داشته و مباحث مربوط به آخرالزمان‌شناسی و منجی‌گرایی با سرعتی باورنکردنی گسترش یافته است. پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در سرزمین اسلامی ایران نیز به مدد انفاس قدسی حضرت بقیةالله الأعظم - ارواحنا له الفداء - توجه روزافزونی نسبت به موضوع مهدویت و انتظار پیدا کرده و عاشقان مهدی علیه‌السلام گوشه، گوشه این سرزمین را تبدیل به مجالس ذکر یاد و نام آن عزیز سفر کرده نموده‌اند.

امروزه در کشور ما کم‌تر مرکز علمی، آموزشی و فرهنگی دیده می‌شود که در آن محفل، انجمن، کانون، گروه یا نشریه‌ای با هدف تبلیغ و ترویج باور مهدوی و یا تحقیق و پژوهش در این زمینه شکل نگرفته باشد. اما حساسیت‌ها و ظرافت‌های باور مهدوی، از یک‌سو، و آسیب‌هایی که ممکن است در این میان از سوی دشمنان دانا یا دوستان نادان متوجه این باور شود، از سوی دیگر، ضرورت توجه به

رسالت‌ها و وظایف مبلغان و مروّجان باور مهدوی را دو چندان ساخته است. با توجه به آنچه گفته شد در این مقال تلاش شده که ضمن تبیین مهم‌ترین بایدها و نبایدهای ترویج فرهنگ انتظار و ارائه راهکارهایی برای تعمیق و گسترش هرچه بیشتر این‌گونه فعالیت‌ها، برخی از آسیب‌ها و آفت‌هایی که فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی در حوزه مباحث مهدوی را تهدید می‌کنند، نیز بررسی شود. با امید به این‌که مورد توجه شما عزیزان واقع شود.

### ۱. ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام

در فرهنگ اسلامی کسی که نقش دعوت‌کننده (داعی) مردم را به عهده می‌گیرد، رسالت و مسئولیت سنگینی دارد و لازم است خود بیش از هر کس دیگر به آنچه مردم را به آن فرا می‌خواند پای‌بند باشد؛<sup>۱</sup> زیرا سخن‌آنگاه بر دل می‌نشیند که از دل برآمده باشد و تنها سخنی از دل برمی‌آید که از مرحله ادای زبانی فراتر رفته و به عمق جان راه یافته باشد. روشن است که انسان تا چیزی را با همه وجود نپذیرد و در عمل بدان پای‌بند نباشد به عمق جانش راه نمی‌یابد.

با توجه به آنچه گفته شد کسی که می‌خواهد جامعه پیرامون خود را به سوی امام زمان علیه السلام فراخواند و آنها را دعوت به توجه و انس و التفات بیش‌تر نسبت به آن حضرت کند، قطعاً باید خود بیش و پیش از دیگران با امام زمان علیه السلام رابطه معنوی

۱. با توجه به همین موضوع است که امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «...إِنَّ أَشَدَّ أَهْلَ النَّارِ نِدَامَةً وَ حَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ فَاسْتَجَابَ لَهُ وَ قَبِلَ مِنْهُ فَأَطَاعَ اللَّهَ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ ادْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بَتْرِكِهِ عِلْمِهِ وَ اتِّبَاعِهِ الْهَوَى وَ طَوْلِ الْأَمَلِ»؛ از میان اهل آتش کسی که پشیمانی و حسرت او از همه بیشتر است مردی است که بنده‌ای را به سوی خدا دعوت کرده و او هم دعوتش را پذیرفته و اطاعت خدا را پیش گرفته و خدا هم او را داخل بهشت کرده است اما آن دعوت‌کننده را به دلیل ترک علمش و پیروی از هوی و درازی آرزو داخل جهنم نموده است. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۴، ح ۱).

برقرار کند و در زندگی فردی و اجتماعی خود یاد و نام آن حضرت را همواره در نظر داشته باشد.

افزون بر این، انس و ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام از جهت دیگری نیز برای مروجان و مبلغان فرهنگ مهدوی ضروری است و آن به دست آوردن پشتوانه لازم در فعالیت تبلیغی و ترویجی است. توضیح آنکه: به دلیل شرایط فرهنگی خاص حاکم بر برخی از محیط‌ها، فعالیت تبلیغی و ترویجی چندان ساده نیست و قطعاً مسائل و مشکلاتی را به همراه خواهد داشت؛ از این رو اگر مروج و مبلغ این فرهنگ از ظرفیت و تحمل بالایی برخوردار نباشد چه بسا که پس از مدتی دچار یأس و دلسردی شود. در این شرایط تنها چیزی که می‌تواند ظرفیت و تحمل لازم را به فعالان در این حوزه ببخشد و پشتوانه لازم را برای آنها فراهم کند ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام است. در صورت وجود این ارتباط معنوی، ظرفیت و تحمل محدود ما در پیوند با ظرفیت و تحمل نامحدود آن امام وسعت و گسترش می‌یابد و توان تحمل سختی‌ها و مشکلات این راه را پیدا می‌کنیم.

در اینجا ممکن است پرسیده شود: چگونه می‌توان با امام مهدی علیه السلام رابطه معنوی برقرار کرد؟ در پاسخ باید گفت: این کار بسیار ساده است. البته به شرط آن‌که از همان ابتدا به دنبال دست یافتن به جایگاه‌های بسیار بالایی چون تشریف خدمت آن حضرت نباشید، بلکه قدم به قدم و به تدریج این رابطه معنوی را گسترش داده و تعمیق بخشید.

نخستین قدم‌ها برای ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام می‌تواند با انجام یک یا چند مورد از کارهای زیر آغاز شود: خواندن دعای عهد در هر صبحگاه؛ عرض سلام خدمت آن حضرت در آغاز و پایان هر روز؛ خواندن زیارت آل یاسین یا دعای ندبه در هر روز جمعه؛ دعا برای سلامتی آن حضرت در مواقعی چون قنوت نماز و

تعقیب نمازهای روزانه؛ خواندن نماز امام زمان؛ توسل به آن حضرت در مواقع سختی و مشکلات و....

همانطور که گفته شد لازم نیست همه این کارها را به یکباره و همزمان آغاز کنید، یکی دو مورد از کارهای یادشده را انتخاب و سعی کنید به طور مرتب و مستمر آن را انجام دهید و به تدریج کارهای دیگر را نیز به برنامه خود اضافه کنید. گفتنی است که کتاب‌ها و آثار مختلفی در زمینه وظایف و تکالیف منتظران و راه‌های افزایش انس و پیوند معنوی با امام عصر علیه السلام تألیف شده که در اینجا به دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبة الإمام، علیه الصلوة والسلام)، دبیرالدین صدرالاسلام علی اکبر همدانی (م. ۱۳۲۶ ق.) چاپ اول: تهران، بدر، ۱۳۶۱.

در این کتاب پس از مقدمه مؤلف، تکالیف منتظران در زمان غیبت، در شصت عنوان مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام سید محمد تقی موسوی اصفهانی (۱۳۴۸-۱۳۰۱ ق.)، ۲ ج، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ ق.

گفتنی است که این کتاب در سال ۱۳۸۰ با اصلاحاتی از سوی انتشارات برگ شقایق به چاپ رسیده است.

مرحوم سید محمد تقی اصفهانی در مقدمه کتاب مکیال المکارم یادآور می‌شود که این کتاب را براساس سفارشی که امام مهدی علیه السلام در خواب به او نموده بود تألیف کرده است.

---

۱. ترجمه نام کتاب چنین است: «پیمان‌های خوبی‌ها، درباره فواید دعا برای قائم علیه السلام».

کتاب یادشده که یکی از منابع ارزشمند در زمینه شناخت ادعیه و زیارت‌های مرتبط با امام عصر علیه السلام و وظایف شیعیان در برابر آن حضرت است در هشت بخش، به شرح زیر سامان یافته است:

۱. شناخت امام زمان علیه السلام واجب است؛ ۲. اثبات امامت حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام؛ ۳. در بیان قسمتی از حقوق و مراحم آن حضرت نسبت به ما؛ ۴. درجات و خصوصیات امام زمان علیه السلام که موجب دعا برای آن جناب می‌باشد؛ ۵. بیان نتایج خوب از دعا برای فرج؛ ۶. اوقات و حالات تأکید شده برای دعا؛ ۷. چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور امام؛ ۸. تکالیف عصر غیبت.

همچنین شما می‌توانید با بهره‌برداری از کتاب‌های زیر، بیش از پیش با دعاها، زیارت‌ها، نمازها و صلوات و توسلات مرتبط با امام عصر علیه السلام آشنا شوید:

۱. صحیفه المهدی، جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.

۲. صحیفه مهدیه: مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت‌هایی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده و یا...، سید مرتضی مجتهدی، ترجمه محمدحسین رحیمیان، چاپ سوم: قم، الماس، ۱۳۸۱.

۳. راز و نیاز منتظران: دعاها، زیارت‌ها و نمازهای ویژه حضرت صاحب‌الزمان، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.

این نخستین قدم در راه ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام است و قطعاً با مواظبت بر انجام کارهایی که از آنها یاد شد، رفته رفته روح انتظار در شما زنده‌تر شده، پیوند معنوی شما با امام مهدی علیه السلام مستحکم‌تر می‌شود و با آن حضرت انس و الفتی بیشتر پیدا می‌کنید. اما پس از این مرحله باید تلاش نمایید که حضور امام عصر علیه السلام را بیش از پیش در زندگی فردی و اجتماعی خود احساس کنید. احساس

حضور امام به این است که شما آن حضرت را شاهد و ناظر بر رفتار، گفتار و پندار خود بدانید و هر آنچه را که ناخشنودی امام زمان علیه السلام در آن است انجام دهید و از هر آنچه که موجب ناخشنودی آن امام می شود دوری گزینید. این حداقل وظیفه ای است که ما در برابر حجت خدا داریم و در روایتی که پیش از این بیان شد دیدیم که آن حضرت نیز به صراحت انجام این وظیفه را به عهده همه ما گذاشته اند.<sup>۱</sup>

## ۲. شناخت دیدگاه های موجود در زمینه باور مهدوی

در طول بیش از یازده قرن که از غیبت امام مهدی علیه السلام می گذرد، دانشوران، پژوهشگران و نویسندگان فراوانی به تألیف و تصنیف در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار روی آورده و در این زمینه نظریه پردازی کرده اند که حاصل آن کتاب ها، رساله ها و مقاله های فراوانی است که امروزه همه ما شاهد و ناظر آنها هستیم. در این میان دو دیدگاه اصلی وجود دارد که آشنایی با آنها برای همه مبلغان و مروجان فرهنگ مهدوی ضروری است:

۱. دیدگاه کلامی - تاریخی؛ ۲. دیدگاه فرهنگی - اجتماعی.

چنان که پیش از این نیز گفته شد، این دو دیدگاه مکمل یکدیگر بوده و بر همه کسانی که در عصر حاضر به دنبال احیا و گسترش فرهنگ مهدویت هستند لازم است که اصول و مبانی مورد پذیرش نظریه پردازان هر دو دیدگاه را به خوبی بشناسند.

## ۳. رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت

کلیه فعالیت هایی که باهدف احیا، گسترش و تعمیق اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار



در جامعه صورت می‌گیرد از مصادیق بارز «انتظار فرج» و در نتیجه از جمله عبادات، بلکه از شایسته‌ترین آنها، به شمار می‌آید. چنان‌که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ<sup>۱</sup>

برترین عبادت‌ها انتظار فرج است.

از این‌رو در این‌گونه فعالیت‌ها، چون هر عبادتی دیگر، نیت و اخلاص شرط اساسی بوده و بدون نیت خالصانه این فعالیت‌ها هیچ ثمری برای انجام دهندگان آنها نخواهد داشت.

اما انجام فعالیت تبلیغی و ترویجی خالصانه برای امام عصر علیه السلام مستلزم درک چند مطلب اساسی است که در اینجا برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

۱-۳. مدیون بودن همه ما نسبت به امام عصر علیه السلام: استمرار هستی و بقای همه ما

بسته به وجود آخرین حجت الهی است؛ چرا که به فرموده امام باقر علیه السلام:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِإِمامٍ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا<sup>۲</sup>

اگر زمین یک روز بدون امامی از ما بماند اهلش را در خود فرو می‌برد.

و همه نعمت‌ها و خیرات و برکاتی که در عالم هستی نصیب مامی شود، به واسطه امام عصر علیه السلام و به طفیل هستی ایشان است. چنان‌که در «دعای عدیله» می‌خوانیم:

بِبِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَىٰ وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ<sup>۳</sup>

به بقای او دنیا باقی است و به برکت وجود او مردم روزی داده می‌شوند و به

واسطه وجود اوست که زمین و آسمان پابرجاست.

از این‌رو می‌توان گفت که همه ما در زندگی خود مدیون و وامدار امام عصر علیه السلام

۱. صدوق، محمدبن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۴۷۷، ح ۱.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۲۳، ص ۳۷، ح ۶۴.

۳. شیخ عباس قمی، همان، دعای عدیله.

## ۳۶۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

هستیم و ایشان نسبت به همه ما حق حیات دارند و به همین دلیل اگر موفق شویم که قدمی در راه ترویج و تبلیغ نام و یاد آن حضرت برداریم جز ادای بخش بسیار ناچیزی از دین خود نسبت به ایشان کاری انجام نداده‌ایم.

۲-۳. خدمت به امام عصر علیه السلام افتخار همه اولیا و بزرگان: امام مهدی علیه السلام چنان جایگاه رفیعی در عالم هستی دارند که حتی ائمه معصومین علیهم السلام خدمت به ایشان را افتخار خود دانسته و آرزو می‌کردند که خداوند توفیق خدمت به آن حضرت را نصیبشان فرماید. چنان‌که وقتی از امام صادق علیه السلام می‌پرسند که: «آیا قائم به دنیا آمده است؟» می‌فرماید:

لَا، وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدِمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.<sup>۱</sup>

خیر، اما اگر او را درک کنم همه روزهای زندگی‌ام خدمتگزارش خواهم بود.

با توجه به این موضوع کسی که توفیق خدمت به آرمان‌ها و اهداف فرهنگ مهدوی را به دست می‌آورد، نه تنها متی بر امام عصر علیه السلام ندارد، بلکه باید خدا را به خاطر توفیقی که نصیب او کرده شکر کند.

۳-۳. جاری شدن برکت در زندگی خدمتگزاران به امام عصر علیه السلام: بدون تردید هرگونه فعالیتی که با هدف ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام گسترش فرهنگ امامت و ولایت در جامعه و تعمیق عشق و ارادت مردم به خاندان رسالت صورت گیرد مورد رضایت حضرت حق بوده و موجب نزول خیرات و برکات در زندگی انسان می‌شود. با نگاهی اجمالی به زندگی کسانی که عمر خود را وقف خدمت به اهل بیت علیهم السلام نموده و در این راه از استعدادها، توانایی‌ها و امکانات مادی و معنوی خود حداکثر استفاده را کرده‌اند، نشان می‌دهد که این‌گونه افراد در زندگی خود از توفیق‌ها و

۱. نعمانی، محمدبن ابراهیم، کتاب الغیبه، ص ۲۴۵؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۱، ص ۱۴۸، ح ۲۲. شایان ذکر است که در برخی از کتاب‌ها این روایت به امام حسین علیه السلام استناد داده شده که ظاهراً صحیح نباشد.

برکت‌های الهی بیشتری برخوردار شده و در فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود شاهد رشد و توسعه بیشتری بوده‌اند. رمز این مسئله نیز روشن است؛ چرا که به اعتقاد ما هر کس در راه امیر مؤمنان علی علیه السلام و خاندان او قدم بردارد و آنها را در حد توان خود، یاری نماید، مشمول این دعای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به یاری دهندگان اهل بیت عصمت و طهارت خواهد شد که:

اللَّهُمَّ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ.<sup>۱</sup>

خدایا یاری کن هر کس که او (علی علیه السلام) را یاری کند و خوار کن هر کس که او را خوار کند.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انتصِرْ بِهِ لِدينِكَ وَ انصُرْ بِهِ أوليائِكَ وَ أوليائَهُ وَ شيعتَهُ وَ اجعلنا مِنْهُمْ.. وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخْذِلْ خاذِلِيهِ.<sup>۲</sup>

خدایا او را (مهدی علیه السلام) یاری کن به وسیله او دینت را، دوستانت را، دوستان او را و شیعیان و یاران او را یاری کن و ما را از ایشان قرار بده... و هر کس که او را یاری می‌کند یاری ده و هر کس که او را خوار می‌کند خوار کن.

توجه به نکات یادشده، مبلغ و مروج فرهنگ مهدوی را از هرگونه انگیزه و غرضی جز کسب رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام و ادای وظیفه به ساحت مقدس آن حضرت فارغ می‌سازد و به او یاری می‌دهد که بانی خالصانه، به دور از هرگونه انگیزه مادی و بدون توجه به مدح و ذم این و آن به فعالیت در این حوزه بپردازد.

#### ۴. توجه به جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام

امام مهدی علیه السلام عصاره خلقت، خاتم اوصیا و وارث همه انبیا و اولیای پیشین

۱. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۳۷، ص ۱۲۶، ح ۲۴.

۲. شیخ عباس قمی، همان، زیارت آل یاسین.

## ۳۶۴ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

است. چنان‌که در یکی از زیارات حضرت صاحب الامر علیه السلام خطاب به ایشان عرض می‌کنیم:

السَّلَامُ عَلَيَّ وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ... الْمُنتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ  
وَلَدَيْهِ مَوْجُودٌ آثَارُ الْأَصْفِيَاءِ.<sup>۱</sup>

سلام بر وارث پیامبران و خاتم اوصیا... آن‌که میراث تمام پیامبران بدو رسیده و آثار همه برگزیدگان در نزد او موجود است.

آن حضرت چنان مقامی در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام دارند که خطاب به ایشان از تعبیر «پدر و مادرم به فدای او» استفاده کرده‌اند. از جمله در روایات زیر که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نقل شده، آمده است:

بِأَبِي وَ أُمِّي سَمِيَّتِي وَ شَبِيهِي وَ شَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ جُيُوبُ (جَلَابِيبُ)  
النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ.<sup>۲</sup>

پدر و مادرم به فدای او که همنام من، شبیه من و شبیه موسی پسر عمران است،  
بر او جامه‌هایی از نور است که از پرتو قدس روشنایی می‌گیرد.

بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ...<sup>۳</sup>

پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان... .

امام راحل نیز در بیان جایگاه و شأن بی‌مانند امام مهدی علیه السلام در عالم هستی می‌فرماید:

من نمی‌توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگ‌تر از این است. نمی‌توانم بگویم  
که شخص اول است، برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را نمی‌توانیم با هیچ

۱. شیخ عباس قمی، همان، زیارت حضرت صاحب الامر به نقل از سیدبن طاووس.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۳۶، ص ۳۳۷، ح ۲۰۰.

۳. همان، ج ۵۱، ص ۱۲۱.

تعبیری تعبیر کنیم، آلا همین که مهدی موعود علیه السلام است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر.<sup>۱</sup>

با توجه به همین مقام و مرتبت رفیع امام عصر علیه السلام است که در روایات سفارش شده برای عرض سلام و ارادت به پیشگاه آن حضرت از کلمات و عبارات‌های خاصی استفاده کنیم. از جمله در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، می‌خوانیم:

مَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ قَائِمًا فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ الرُّسَالَةِ»<sup>۲</sup>

هر کس از شما که قائم ما علی السلام را دریابد، پس باید به هنگام دیدار با او بگوید: «سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت».

در روایت دیگری کیفیت سلام دادن مردم به آن حضرت در زمان ظهور چنین بیان شده است.

لَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»<sup>۳</sup>.

هیچ سلام دهنده‌ای بر آن حضرت سلام نمی‌دهد، مگر این‌که می‌گوید: «سلام بر تو ای باقی‌مانده خدا در زمین».

مطالعه سیره و اقوال علما و بزرگان نیز نشان می‌دهد که آنها نهایت ادب و احترام را نسبت به حضرت صاحب‌الامر علیه السلام رعایت می‌کردند و از هر سخن و عملی که در آن اندک شائبه بی‌توجهی به جایگاه و شأن آن حضرت وجود داشت، پرهیز می‌نمودند. در این باره حکایت زیر که از مرجع عالی قدر حضرت آیه‌الله

۱. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، ج ۱۲، ص ۲۰۸.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۳۳۱، ح ۵.

۳. همان، ج ۲۴، ص ۲۱۲.

العظمی صافی گلپایگانی در زمینه ادب و احترام حضرت آیه الله العظمی بروجردی نسبت به امام عصر علیه السلام نقل شده، بسیار خواندنی است:

یک روز در منزلشان مجلسی بود، در آن مجلس شخصی با صدای بلند گفت: برای سلامتی امام زمان و آیه الله بروجردی، صلوات! در همان حال، ایشان که در حیاط قدم می زد، با شتاب و ناراحتی به طرف در بیرونی آمد و با عصا محکم به در زد، به طوری که آقایانی که در بیرون بودند، ترسیدند که نکند اتفاقی افتاده باشد. چندین نفر به طرف در اندرونی رفتند که ببینند چه خبر است. آیت الله بروجردی گفتند: «این که بود که اسم مرا در کنار نام مبارک امام زمان علیه السلام آورد؟ این مرد را بیرون کنید و به خانه راهش ندهید.»<sup>۱</sup>

براساس آنچه گفته شد، بر همه مبلغان فرهنگ مهدوی، اعم از نویسندگان، سخنرانان، شاعران، مدیحه سرایان و ... لازم است که در نوشته ها، گفته ها، سروده ها و به تعبیر عام تر در کلیه فعالیت های تبلیغی و ترویجی خود، نکات زیر را مورد توجه جدی قرار دهند.

۱. خودداری از به کار بردن کلمات و تعابیری که شایسته جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام نیست؛
۲. رعایت نهایت ادب و احترام به هنگام بر زبان راندن نام آن حضرت و یاد کردن از ایشان؛
۳. ذکر سلام و صلوات پس از نام بردن از آن حضرت و برخاستن به هنگام بیان نام خاص ایشان؛
۴. رعایت ساحت قدسی آن امام و پرهیز از تعمیم اوصاف و ویژگی های خاص ایشان به دیگران.

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه بزرگداشت آیه الله بروجردی و شیخ شلتوت.

## ۵. دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی

شناخت دوستان و دشمنان اهل ایمان مقدمهٔ دل بستن و درآویختن به یکی و بیزاری جستن و دوری گزیدن از دیگری است<sup>۱</sup> و از این رو برای همهٔ کسانی که طالب هدایت و رستگاری‌اند، به ویژه برای کسانی که سر در گرو ولایت آخرین امام از سلسلهٔ اولیای خدا، حضرت مهدی علیه السلام دارند، دوست‌شناسی و دشمن‌شناسی ضروری است؛ چرا که اینان تا ولایت مهدوی را که استمرار ولایت الهی، ولایت محمدی و ولایت علوی است، چنان‌که باید نشناسند و از کسانی که در تقابل با جریان ولایت مهدوی هستند شناخت جدی نداشته باشند نمی‌توانند آنچنان که شایسته است به ریسمان ولایت مهدوی درآویزند و از دشمنان این ولایت بیزاری جویند.<sup>۲</sup>

با توجه به آنچه گفته شد بر همهٔ مبلغان و مروجان فرهنگ مهدوی به ویژه لازم است که همهٔ تلاش خود را برای شناخت توطئه‌ها و نقشه‌هایی که در عصر حاضر از سوی نظریه‌پردازان، استراتژیست‌ها و سیاستمداران غربی برای مقابله با اصول‌گرایی اسلامی و تحت سلطه درآوردن کشورهای اسلامی مطرح می‌شود، به کار بندند و با جریان‌های خطرناک و سلطه‌طلبی چون «مسیحیت صهیونیستی» که امروزه با حاکمیت در کاخ سفید در پی نابودی همه کشورهای اسلامی گسترش و توسعه نفوذ اسرائیل در اراضی مقدس مسلمانان است، بیش از پیش آشنا شوند.<sup>۳</sup>

۱. در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است «... والحبّ فرع المعرفة»؛ دوستی فرع (حاصل) معرفت است. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۶۷، ص ۲۲، ج ۲۲.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: همین کتاب، ص ۱۰۹-۱۰۱.

۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: مجله موعود، شماره ۳۹-۴۶. هلال، رضا، مسیح یهودی و فرجام جهان؛ مسیحیت سیاسی و اصول‌گرا در آمریکا، مترجم، قیس زعفرانی؛ صاحب خلق، نصیر، پروتستان‌تیزم، پیوریتانیزم و مسیحیت صهیونیستی؛ اکتار، عدنان، تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا، مترجم نصیر صاحب خلق.

## ۶. توجه به دیدگاه‌ها و نظرات مراجع عظام تقلید

در طول تاریخ پر فراز و نشیب شیعه افراط‌ها و تفریط‌های فراوانی در موضوع مهدویت صورت گرفته و جریان‌های انحرافی بسیاری در این زمینه شکل گرفته‌اند. اما در همه این زمان‌ها جریان قدرتمند فقاقت و مرجعیت شیعه به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های خط تعادل در اندیشه شیعی با همه این انحراف‌ها و کج‌اندیشی‌های مقابله کرده و همواره مبلغ و مروج اندیشه ناب برگرفته شده از تعالیم معصومین علیهم السلام بوده است. از این رو بر گروه‌ها و تشکل‌های فعال در حوزه مباحث مهدوی لازم است که برای در امان ماندن از هرگونه افراط و تفریط در فعالیت‌های خود، همواره دیدگاه‌ها و نظرات مراجع عالی‌قدر تقلید و بزرگان حوزه علمیه را مدنظر داشته باشند و از انجام هر نوع فعالیت مغایر با اندیشه و دیدگاه‌های ایشان پرهیز کنند؛ چرا که براساس فرمایش امام عصر علیه السلام آنها حجت بر همه ما هستند:

... وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ  
وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.<sup>۱</sup>

... و اما در رویدادهایی که [برای شما] پیش می‌آید به روایان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آنها حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان هستم.

از این رو می‌توان گفت هر فعالیت فرهنگی و تبلیغی که در آن دیدگاه مراجع عظام تقلید نادیده گرفته شود - هر چند به نام مبارک امام عصر علیه السلام باشد - نه تنها مورد رضایت آن حضرت واقع نمی‌شود، بلکه چه بسا ممکن است موجب دور شدن مردم از آرمان‌های واقعی امامشان و گرفتاری هر چه بیش‌تر در دام غفلت گردد.

۱. صدوق، محمدبن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.



## ۷. توجه به آفت‌ها و آسیب‌های اندیشه مهدوی

اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار نیز چون هر اندیشه و فرهنگی آفت‌ها و آسیب‌هایی دارد که اگر به آنها توجه نشود و به موقع برای برطرف ساختن آنها اقدام نگردد می‌تواند آثار منفی و مخربی داشته باشد. البته این آسیب‌ها می‌تواند در هر زمان متفاوت از زمان دیگر باشد، از این رو مقابله با آنها نیازمند آسیب‌شناسی مستمر و روزآمد از سوی عالمان زمان‌شناس و مراکز فرهنگی و تحقیقاتی حوزوی و دانشگاهی است.

به نظر می‌رسد در حال حاضر فرهنگ مهدوی در جامعه ما با آسیب‌های مختلفی روبروست که می‌توان آنها را در ذیل دو عنوان کلی دسته‌بندی کرد:

۷-۱. **عوام‌زدگی و سطحی‌نگری:** امروزه شاهد هستیم که گروهی از نویسندگان، سخنرانان و گردانندگان محافل و مجالس مذهبی برای جلب توجه عوام و جذب هر چه بیشتر آنها به موضوعات و مباحث مهدوی، با به فراموشی سپردن فلسفه واقعی انتظار و کارکردهای اجتماعی آن، مردم را صرفاً به نقل خواب و رؤیا و حکایت‌های ضعیف و بی‌اساس مشغول داشته و با بستن باب هرگونه تعقل و تدبر در معارف مهدوی، برداشت‌های سطحی خود از روایات را ملاک تحلیل و بررسی پدیده ظهور قرار داده‌اند.

سخنرانی‌ها و آثار مکتوبی که از سوی این گروه ارائه می‌شوند، مخاطبان جوان خود را از رسالت سنگینی که در برابر حجت خدا، حضرت صاحب‌الامر علیه السلام و مسئولیت بزرگی که در برابر اجتماع خود دارند، غافل ساخته و آنان را به این اندیشه وامی‌دارد که تنها باید در خلوت خود در جست‌وجوی امام غائب بود و تلاش کرد که با به دست آوردن ادعیه، توسلات و ختوماتی راهی برای تشریف خدمت آن

## ۳۷۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

حضرت پیدا کرد. قطعاً اگر این قبیل افراد به آرزوی خود دست نیابند و راهی برای ملاقات با امامشان پیدا نکنند دچار دل‌زدگی و ناامیدی شده و شاید به‌طور کلی از فرهنگ مهدوی روی‌گردان شوند.

با توجه به خطرات یاد شده، حضرت آیت‌الله جوادی آملی در دیدار با اعضای ستاد برگزاری گفتمان مهدویت می‌فرمایند:

می‌بایست پژوهشگران و محققان بسیار ژرف‌اندیشی داشته باشید تا آنچه را درباره وجود مبارک حضرت علیه السلام است از هم تفکیک کنند. باید مدعیان رؤیت، بساطشان را جمع کنند، چون افراد به شدت به حضرت علاقه‌مند و ارادتمندند، اگر کسی ادعای رؤیت کند و ظاهرالصلاح هم باشد ممکن است مقبول قرار بگیرد و این مشکلات فراوانی دارد. در جریان رؤیت باید این کارها روشن شود، خیلی از موارد است که انسان بیمار دارد شفا پیدا می‌کند یا گمشده‌ای دارد، پیدا می‌کند. اما آیا اینها به وسیله شخص حضرت است یا اولیای فراوانی که زیر نظر حضرت هستند و یا شاگردان فراوانی که حضرت دارد؟ یا این که یکی از اولیای خود را اعزام می‌کند؟ هیچ برهانی بر مسئله نیست که مثلاً آن کسی که شخص گمشده را به منزل می‌رساند یا مشکل کسی را حل می‌کند، شخص حضرت باشد. اولیای فراوانی در خدمت و تحت تدبیر حضرت هستند. حضرت ممکن است به یکی از اینها دستور داده باشند و آن مشکل حل شود. در بعضی از موارد آن تمثلات نفسانی را انسان مشاهده می‌کند و خیال می‌کند واقعیت است. این بخش اول که

---

۱. این سخن هرگز به معنای نفی فضیلت تشریف خدمت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام و ملاقات ایشان نیست؛ چرا که اگر دیدار آن حضرت فضیلت نداشت هرگز به ما سفارش نمی‌کردند که در هر بامداد و به هنگام تجدید عهد با امام عصر علیه السلام با خدای خود نجوا کنید که: «اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ»؛ یا خدایا آن چهره زیبای رشید را به من بنمای. بلکه این سخن ناظر به دیدگاه‌هایی است که ملاقات با امام زمان علیه السلام و تلاش برای رسیدن به آن را به عنوان اصلی‌ترین وظیفه منتظران مطرح می‌کند.

مشهود است تمثلات نفسانی بوده، باید از واقعیت‌بینی جدا شود.

در بخش دوم که حقیقتاً کسی را می‌بیند و مشکل او حل می‌شود یا شفای مرضی بوده یا گمشده‌ای را به مقصد می‌رساند؛ در این جا نیز هیچ برهانی ندارد که حضرت باشد یا شاگردی از شاگردان او. حضرت، شاگردان فراوانی دارد. این سیصد و سیزده نفری که هستند الان ممکن است افراد فراوانی باشند که تحت تدبیر آن حضرت مأموریت‌هایی را انجام می‌دهند.

بخش سوم آن است که نظیر مرحوم بحر العلوم خدمت خود حضرت می‌رسد. این را هم بعضی منکر هستند، [ولی] این هیچ استبعادی ندارد، بلکه امکان هم دارد. اما در این بخش دو مسئله وجود دارد: ۱. فرد حق ندارد بگوید من خدمت حضرت رسیده‌ام؛ ۲. ما حق نداریم قبول کنیم. به ما گفته‌اند که شما تکذیب کنید؛ یعنی نگویید او دروغ می‌گوید، بلکه اثر عملی بار نکنید، تکذیب، به معنای این که شما دروغ می‌گویید و حضرت غیر قابل دیدن است، نیست.

[...] امام علیه السلام وحید دهر است، مثل شمس آسمان است، همانطور که شما با

دستان نمی‌توانید به آفتاب برسید، نمی‌توانید به این راحتی به امام برسید.<sup>۱</sup>

خطر دیگری که این قبیل سخنرانی‌ها و آثار دارد این است که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام را در نزد کسانی که هنوز به حقایق شیعه و عمق اندیشه مهدوی پی نبرده‌اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می‌دهد.

۷-۲. روشنفکرزدگی و تأویل‌گرایی: گروهی دیگر از نویسندگان و سخنرانان که

همه جهان پیرامون خود را تنها با عینک مدرنیسم می‌بینند و همه حقایق هستی را با ملاک علوم تجربی و انسانی غربی تجزیه و تحلیل می‌کنند، به ارائه برداشت‌های

---

۱. جوادی آملی، [عبدالله]، «این ما ایم که غایبیم»، موعود، سال نهم، شماره ۴۸، آبان ۱۳۸۳. به نقل از: هفته‌نامه افق حوزه، دوشنبه ۱۳ مهر ۱۳۸۳.

روشنفکرانه از قیام و انقلاب مهدی پرداخته و شاخصه‌های دموکراسی لیبرال را ملاکی برای ارزیابی حکومت امام عصر علیه السلام قرار داده‌اند. این گروه تلاش می‌کنند که روایات مربوط به ظهور و حوادث پس از آن را به گونه‌ای تأویل و تفسیر کنند که با چارچوب‌های به‌ظاهر علمی پذیرفته شده از سوی آنها هیچ تهافتی نداشته باشد. آثاری که براساس دیدگاه‌های این گروه عرضه می‌شوند، از یک سو اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار را در اذهان مخاطبان خود در حد یک اندیشه اجتماعی، چون دیگر اندیشه‌های اجتماعی - که چه بسا در آن جای چون و چرا و نقض و ابرام نیز وجود دارد - تنزل داده و رفته رفته جوانان را نسبت به حتمیت و قطعیت واقعه ظهور و کارآمدی آن دچار تردید می‌کند. و از سوی دیگر این اندیشه را از همه پشتوانه‌های غیبی و الهی خود تهی ساخته و امام مهدی علیه السلام را در قالب رهبر یک جنبش اجتماعی که چون هر رهبر اجتماعی دیگر گرفتار سازوکارهای پذیرفته شده جوامع بشری است، مجسم می‌سازد. چنان‌که گفته شد هر یک از این دو دیدگاه آثار و پیامدهای مخربی برای اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار داشته و لطمات جبران‌ناپذیری به کارکردها و آثار این اندیشه و فرهنگ وارد می‌سازد. از این رو لازم است که مبلغان و مروجان فرهنگ مهدوی با درایت و تیزبینی از غلبه این قبیل دیدگاه‌ها بر فعالیت‌های خود جلوگیری و با آثار زیانبار آنها مقابله کنند.<sup>۱</sup>

## ۸. زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست

چنان‌که می‌دانید وعده به ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان عدالت‌گستر موعود از همان سال‌های آغازین ظهور اسلام؛ یعنی عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و در عصر

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه آسیب‌شناسی باور مهدوی ر. ک: باقری، خسرو، «آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت»، مجله انتظار، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.

## بایسته‌های تبلیغ فرهنگ مهدوی ■ ۳۷۳

امامت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام به اوج خود رسید. با توجه به این موضوع بود که رفته رفته مجموعه قابل توجهی از روایات در ارتباط با موضوع تولد، غیبت و حوادث پیش و پس از ظهور امام مهدی علیه السلام شکل گرفتند که راویان و محدثان شیعه و اهل سنت سینه به سینه نقل یا در کتاب‌های خود ثبت نموده بودند. اما حوادث مختلف سیاسی، اجتماعی که در طول تاریخ اسلام و در عصر خلافت امویان و عباسیان رخ داد موجب شد که اولاً برخی از روایت‌های نقل شده از معصومین با دقت و صراحت کافی به ما منتقل نشوند و ثانیاً گروه‌ها و اقشار مختلف از جمله: دستگاه خلافت و صاحبان قدرت و منصب، گروه‌های معارض و داعیه‌داران خلافت و حکومت، مخالفان شیعه، افراد متأثر از آموزه‌های یهودی و... با اغراض و انگیزه‌های مختلف به جعل<sup>۱</sup> (وضع)، تحریف<sup>۲</sup> و تدلیس<sup>۳</sup> در این

---

۱. «جعل» در لغت به معنای ساختن، قرار دادن، نهادن، مبدل ساختن، دیگرگون کردن و از حالتی به حالت دیگر درآوردن آمده است (ر. ک: دهخدا، علی اکبر، همان، ج ۵، ص ۶۸۳۵) و در اصطلاح علم حدیث به معنای ساخت حدیث دروغین است، شایان ذکر است که در کتاب‌های «علم الحدیث» یا «علم الدراية» به جای این واژه بیش‌تر از کلمه «وضع» استفاده می‌شود. به حدیث دروغین و حدیثی که راوی، خود آن را ساخته باشد، حدیث مجعول یا موضوع می‌گویند. (ر. ک: مدیر شانه‌چی، کاظم، همان، ج ۲، ص ۸۹؛ سیدرضا مؤدب، همان، ص ۱۱۳).

۲. معنای لغوی «تحریف» گردانیدن سخن و چیزی از جای خود است و معنای اصطلاحی آن کم و زیاد کردن در سند یا متن حدیث یا نهادن حرفی به جای حرف دیگر است. گاه به جای این اصطلاح از کلمه «تصحیف» استفاده می‌شود. شایان ذکر است که تحریف یا تصحیف گاه به صورت غیر عمدی و به دلیل اشتباه راوی یا کسانی که از کتاب‌های حدیثی نسخه‌برداری کرده‌اند رخ می‌دهد و گاه به صورت عمدی با هدف تغییر در معنای حدیث. به حدیثی که در آن تحریف و تصحیف رخ داده، محرف و مصحف می‌گویند. (ر. ک: مدیر شانه‌چی، کاظم، همان، ص ۶۵ و ۶۶؛ مؤدب، سیدرضا، همان، ص ۶۴ و ۶۵).

۳. «تدلیس» در لغت، پنهان کردن و پوشیدن عیب کالا بر خریدار معنا می‌دهد. (ر. ک: دهخدا، علی اکبر، همان، ج ۴، ص ۵۷۳۷) و در اصطلاح علمای حدیث به معنای پوشاندن و مخفی کردن عیب حدیث است. به این‌گونه که راوی در سند حدیث عملی انجام دهد که موجب اعتبار آن شود؛ مانند اینکه راویان ضعیف را از سند حدیث حذف کند، یا از کسی روایت کند که او را ندیده یا از او خبری شنیده است. به حدیثی که در آن تدلیس صورت گرفته، حدیث «مدلس» می‌گویند (ر. ک: مدیر شانه‌چی، کاظم، همان، ص ۸۵؛ مؤدب، سیدرضا، همان، ص ۱۰۵).

مجموعه روایات - به ویژه روایات نقل شده از طریق اهل سنت - دست بزنند تا بتوانند یا این روایات را بر خود منطبق کنند؛ یا به وسیله آنها با جریان و خط اصیل امامت مقابله کنند؛ یا اینکه با ارائه چهره‌های مخدوش، خونریز و خشونت‌طلب از امام مهدی علیه السلام مردم را از انتظار آن حضرت بر حذر دارند.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر جذابیت و گیرایی خاصی که در موضوع منجی‌گرایی و مباحث مربوط به آینده و آخرالزمان وجود دارد موجب شده که در طول تاریخ خرافات<sup>۲</sup> و اندیشه‌های موهوم بسیاری بر حول این باور و اعتقاد اصیل شکل گیرد که این روند در عصر حاضر نیز متوقف نشده و به دلیل گرایش شدید مردم به فرهنگ مهدوی، هنوز هم کسانی گاه - به گمان خودشان - با انگیزه‌های خیرخواهانه و گاه با انگیزه‌های سودجویانه، به ترویج خرافات و اندیشه‌های موهوم در میان مردم می‌پردازند.

با توجه به همین شرایط بود که چندی پیش حضرت آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی، از مراجع عظام تقلید، در پایان درس خارج خود، با ابراز نگرانی از رواج خرافات در جامعه فرمودند:

اخیراً در محراب مسجد جمکران یک تشکیلات شیشه‌ای سبزرنگ و چراغ و... درست کرده‌اند که کم‌کم به صورت امامزاده‌ای درآمد است... مردم برای بوسیدن این شیشه صف می‌کشند به شیشه‌ها دست می‌کشند و به خودشان می‌مالند،

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: امینی، ابراهیم، *دادگستر جهان*، ص ۲۲۶-۲۱۷؛ صادقی، محمد، *تأملی در روایت‌های علایم ظهور*، فصلنامه انتظار، ش ۸ و ۹ و ۱۰، تابستان و پاییز و زمستان ۱۳۸۲؛ اسماعیلی، اسماعیل، *بررسی نشانه‌های ظهور*، ص ۲۴۱-۳۱۳، مندرج در کتاب: *جمعی از نویسندگان حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام*.

۲. «خرافه» در لغت به معنای سخن بیهوده، حدیث باطل و افسانه و اسطوره، کلام پریشان و بیهوده که قابل اعتماد نباشد، گفته‌ها یا عقاید بی‌بنیان و وهمی، سخن بیهوده، ر. ک: دهخدا، علی‌اکبر، همان، ج ۶، ص ۸۶۴۲ معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، ج ۱، ص ۱۴۵.

## بایسته‌های تبلیغ فرهنگ مهدوی ■ ۳۷۵

کسانی هم هنگام دور شدن عقب عقب می‌روند مثل کاری که در حرم امامان و امامزاده‌ها می‌کنند... بعضی‌ها هم فاتحه می‌خوانند، عده‌ای تعظیم می‌کنند، بعضی از عوام هم می‌گویند اینجا قبر حضرت ولی عصر علیه السلام است...

حتماً چند سال دیگر هم فردی پیدا می‌شود و کتابی می‌نویسد که ۷۰ نفر از اوتاد در اینجا دفن شده‌اند... هر کس مرتکب این کار شده اشتباه کرده است، این ضربه‌ای به مسجد جمکران است... مسجد جمکران، مسجدی خالص از هرگونه خرافات بود، آمده‌اند آلوده‌اش کرده‌اند.<sup>۱</sup>

لازم به یادآوری است که در پی این تذکر روشنگرانه حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، تولیت محترم مسجد مقدس جمکران اقدام به جمع‌آوری موارد یاد شده نمود و در حال حاضر این مسجد کاملاً از این مظاهر خرافه پاکسازی شده است.

با توجه به آنچه گفته شد بر همه مؤسسات، مراکز و کانون‌های فرهنگی مهدوی لازم است که با ژرف‌اندیشی و احاطه کافی بر معارف مهدوی، اولاً این معارف را از هرگونه روایت ضعیف و احياناً مجعول و محرف و همچنین از باورهای خرافی پالایش کنند و ثانیاً در حد توان جلوی عرضه این گونه مطالب را بگیرند.

### ۹. توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی

جشن‌ها و مراسمی که به نام امام عصر علیه السلام و برای بزرگداشت یاد ایشان برپا می‌شوند، فرصت مناسبی برای تجدید پیمان با آن امام، یادآوری تکالیف و رسالت‌های ما نسبت به آن حضرت، ترویج فرهنگ انتظار و آماده‌سازی جامعه برای ظهور یگانه منجی عالم بشریت است. اما متأسفانه در سال‌های اخیر بسیاری

۱. هفته‌نامه ۱۹ دی، شماره ۲۶۶، یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۸۲.

از این جشن‌ها و مراسم کارکرد اصلی خود را از دست داده و به مجالسی خشتی، بی‌محتوا و گاه ضد انتظار و مروج سکون و رکود تبدیل شده‌اند. حتی در مواردی دیده شده است که در این جشن‌ها و مراسم اعمالی صورت می‌گیرد که خلاف شرع آشکار و برخلاف خواسته حضرت بقیة الله الاعظم - ارواحنا له الفداء - است. اعمالی چون پخش موسیقی‌های مبتذل، اختلاط زن و مرد، اسراف و تبذیر، اجرای نمایش‌های سخیف و بی‌محتوا و....

در این شرایط و وظیفه گروه‌ها و تشکل‌های فعال در حوزه فرهنگ مهدوی دو چندان شده و بر آنها لازم است که ضمن تلاش برای حفظ کارکرد اصلی مجالس و مراسم مهدوی از هر عملی که بر خلاف احترام و قداست این‌گونه مراسم و مغایر با خواسته‌های امام عصر علیه السلام است جلوگیری کنند.

توجه به بیانات حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی که خطاب به دومین همایش «مهدویت؛ جهان آینده و استراتژی انتظار» صادر شده در این زمینه راهگشاست. ایشان می‌فرماید:

از این برنامه‌ها که به عنوان جشن و مجالس چراغانی، شادباش، مدیحه‌سرایی، سخنرانی و همایش برگزار می‌شود، باید در جهت اهداف عالی آن وجود مقدس و حجة الله یگانه زمان، بهره‌برداری شود و پیرامون شخصیت منحصر به فرد آن ولتی خدا و ابعاد و اطراف و خصائص مأموریت بزرگی که بر عهده آن حضرت است و در حقیقت مکمل بعثت همه انبیا و رسالات آسمانی است، تبلیغ کنند که همه این برنامه‌ها موجب خشنودی و رضایت خاطر آن حضرت است و نیز همگان را از کارها و اعمالی که باعث نگرانی و رنجش خاطر آن حضرت می‌شود، برحذر نمایند.<sup>۱</sup>

۱. مجله موعود، سال هفتم، شماره ۴۰، آذر و دی ۱۳۸۲.



با امید به این‌که خداوند متعال به همه ما توفیق فعالیت تبلیغی مهدوی، همراه با معرفت و خلوص کامل و به دور از هرگونه افراط و تفریط عطا فرماید.

### ۱۰. گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی

فراگیر شدن شور و شوق انتظار در جامعه ما و گرایش گروه‌های مختلف اجتماعی به ویژه اقشار فرهیخته و تحصیل کرده به مباحث مهدوی، ضرورت پرداختن عالمانه و متناسب با خواست و نیاز گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی به این مباحث را دو چندان ساخته و رسالت مراکز، نهادها و گروه‌های فعال در این حوزه را سنگین‌تر نموده است. بدیهی است که در شرایط حاضر نمی‌توان تنها با طرح مطالب و مباحث سنتی مهدوی آن‌هم در قالب‌ها و اشکالی که پیش از این مرسوم بوده، نیاز روز افزون جامعه به این مباحث را پاسخ داد. از این رو بر مبلغان فرهنگ مهدوی لازم است که با گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی و پرداختن به موضوعات مختلف اجتماعی از منظر فرهنگ انتظار، ارائه این‌گونه مطالب و مباحث را هم از نظر محتوا و هم از نظر قالب دچار تحول سازند.

امروزه می‌توان از منظر علوم مختلف انسانی؛ از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و حتی از منظر هنرهای تصویری چون سینما به ارائه مباحث مهدوی پرداخت و با طرح موضوعات و مسائل جدیدی که تاکنون در این حوزه مطرح نبوده توجه مخاطبان را جلب نمود. موضوعات و مسائلی چون آینده جهان و جهان آینده، اقتصاد جهانی، عدالت اجتماعی، حکومت جهانی، جهانی شدن، آثار روانی و تربیتی انتظار، آسیب‌شناسی اجتماعی انتظار، منجی‌گرایی در سینما و....

البته ورود به این حوزه نیازمند دقت، ژرف‌نگری و احاطه به مباحث مهدوی از

یک سو و علم و اطلاع کافی از مبانی علوم مورد نظر از سوی دیگر است و همین رو لازم است کانون‌ها و مجامع مهدوی که قصد ورود به این حوزه را دارند، پیش از هر اقدامی با کارشناسان شناخته شده و مورد اطمینان مشورت نمایند، تا خدای نخواسته به دام التقاط یا ابتدال گرفتار نشوند.

### ۱۱. پرهیز از تعیین وقت برای ظهور

چنان‌که پیش از این نیز گفته شد، تعیین زمان برای ظهور برخلاف مفهوم و فلسفه انتظار است و چه بسا ممکن است منتظران را به سستی یا ناامیدی بکشد؛ زیرا وقتی گفته شود که تا فلان زمان مشخص، هر چند آینده‌ای نه چندان دور، ظهور به وقوع نخواهد پیوست، انسان‌های منتظر به‌طور طبیعی دچار سکون و رکود می‌شوند و به این بهانه که هنوز تا زمان ظهور فاصله زیادی وجود دارد؛ از به دست آوردن آمادگی لازم برای ظهور خودداری می‌کنند.

از سویی دیگر اگر ظهور به هر دلیل در زمانی که به آنها وعده داده شده رخ ندهد، دچار ناامیدی و یأس شده و چه بسا که در اصل اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز دچار تردید شوند.

بنابراین همه باید تلاش خود را متوجه اصل قضیه انتظار فرج، منتظر نگهداشتن مردم، حفظ شادابی و سرزندگی انتظار در آنها و یادآوری وظایف منتظران کنند و از پرداختن به موضوع زمان ظهور و تعیین وقت برای آن خودداری نمایند.<sup>۱</sup>

### ۱۲. پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی‌اساس

مروری اجمالی بر صدها کتاب روایی، کلامی، تاریخی و... که محققان و

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: همین کتاب، ص ۲۱۹-۲۳۱.

## بایسته‌های تبلیغ فرهنگ مهدوی ■ ۳۷۹

دانشمندان شیعه و اهل سنت از سال‌ها پیش از تولد و غیبت امام دوازدهم تاکنون در این باره نگاشته‌اند<sup>۱</sup> و نگاهی گذرا به هزاران روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام در زمینه موضوعات مختلف مرتبط با امام عصر علیه السلام وارد شده،<sup>۲</sup> نشان می‌دهد که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین حجت الهی و منجی آخرالزمان، در معارف اسلامی از چنان مبانی و پایه‌های عقلی و نقلی استوار و خلل‌ناپذیری برخوردار است که راه هرگونه انکار و تردید را بر مخالفان این اندیشه می‌بندد و مدافعان این اندیشه را نیز از دست یازیدن به مطالب سست، واهی، خیالی و خواب و رویاهای بی‌اساس برای اثبات حقانیت این اندیشه بی‌نیاز می‌سازد.

حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، از مراجع عظام تقلید، در پیامی به «دومین جشنواره برترین‌های فرهنگ مهدویت» در این زمینه می‌فرماید:

در اینجا تذکر این نکته را لازم می‌بینم که در این وادی اهل فکر و تحقیق باید معارف را به صورت ناب و خالص و به دور از هرگونه حشو و زواید در اختیار مردم قرار دهند. باید از بیان امور سست و واهی و چه بسا کذب که اساس اعتقاد مردم را متزلزل می‌کند اجتناب نمایند. در تثبیت حقیقت امامت هیچ نیازی به بیان رؤیاهای کاذبه و حوادث غیر صحیح نیست. باید در منابع از جذبه‌های واقعی ولایت و آثار و کرامت‌های مسلم‌الشبوت و حقیقی آن استفاده نمایند و به بیان

---

۱. تنها در کتاب الذریعه مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی افزون بر چهل کتاب و رساله با عنوان «الغیبه» معرفی شده که از سوی فقها، متکلمان و محدثان بزرگ شیعه در طی قرون متمادی به رشته تحریر درآمده است. در کتابنامه‌هایی هم که در سال‌های اخیر به چاپ رسیده نزدیک به دو هزار کتاب که در زمینه مباحث مهدوی نوشته شده‌اند معرفی شده است. ر. ک: مهدی‌پور، علی اکبر، کتابنامه امام مهدی علیه السلام.

۲. چنان که پیش از این گفته شد در کتاب منتخب‌الاثار حضرت آیه‌الله صافی گلپایگانی، نزدیک به ۱۳۰۰ روایت و در کتاب معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام نزدیک به دو هزار روایت از طریق شیعه و اهل سنت در زمینه مباحث مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام نقل شده است که البته این ارقام صرف نظر از روایات مشابه و تکراری است.

دنیای پاینده به عنوان نه‌شیرین عقیقه در شریعت و نه لایق برانشیروندان است، که آن

مردی است که بیدار و شورا<sup>۱</sup>

تا به هر مطالب مستحب و برپیشانی بدون خواب و رویا برای ترویج و تبلیغ  
 مذهب مهدوی، به آنها سر هم را همواره در سطحی نازل از آسمان و آگاهی قرار  
 می‌دهد، بلکه در باطن مردم را نیز بسیار شاکتند و آسیب‌پذیر می‌سازد؛ زیرا  
 مردمی که به زبان پادشاهان و وزیران دولت فرهنگ مهدوی می‌شوند، با وقوع  
 حوادث محتمل در این سده، دچار تزلزل و سردرگمی می‌گردند.

با عنایت به مطالب یاد شده بر همگان لازم است که در تبیین و ترویج فرهنگ  
 مهدوی، به نحو ساینده‌ای به نکات زیر توجه کنند:

۱. تلاش در جهت دفاع عقلانی از اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار و تبیین هر  
 چه بهتر و دقیق‌تر مبانی این اندیشه و فرهنگ؛
۲. دقت و مراقبت کامل در نقل مطالب و مباحث مهدوی، به ویژه حکایت‌های  
 مربوط به تشریفات، و توجه به منابع و مستندات مطالب و مباحث نقل شده؛
۳. پرهیز از مطرح ساختن خواب و رؤیاهایی که پایه و اساس محکم و متقنی  
 ندارند، هر چند بسیار جذاب و اثرگذار باشند.

### ۱۳. پرهیز از اغراض جناحی و گروهی

در سال‌های اخیر با گسترش فعالیت‌های مهدوی در جامعه، خیل وسیعی از  
 مردم، از گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی و با گرایش‌ها و تمایلات متفاوت  
 سیاسی، پیش از پیش به فرهنگ مهدوی روی آورده و به حضرت مهدی (عج) به  
 عنوان پایان‌بخش همه ناامیدی‌ها و ناامیدی‌ها و آخرین ذخیره شیعه برای رهایی

۱. مجله موعود، ده سال ششم، ش ۳۲، تیر ۱۳۸۱.

همه جهان از تیرگی‌ها و پیدایی‌ها دل بسته‌اند. از این رو بر همه مراکز، مؤسسات، هیأت‌های مذهبی و کانون‌هایی که به فعالیت‌های مهدوی مشغولند، لازم است که در فعالیت‌های خود تنها رضایت حضرت صاحب‌الامر عجله را در نظر داشته باشند و از درآمیختن این موضوع با هرگونه اغراض و گرایش‌های جناحی و گرویی خودداری کنند؛ زیرا در این شرایط هر حرکتی که در جهت کسب منافع جناحی و گروهی و بهره‌برداری سیاسی و حزبی از این گرایش باشد، خلاص مردم در صورت گیرد، موجب از دست رفتن آخرین امید مردم، بدست شدن آنها به فعالیت‌های مهدوی و در نتیجه پراکنده شدن آنها از پیرامون مهم‌ترین محور وحدت امت اسلامی می‌شود که این خود خطایی جبران‌ناپذیر و گناه نابخشودنی است.

#### ۱۴. پرهیز از موضوعات و مباحث کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت

چنان‌که پیش از این نیز گفته شد در معارف اسلامی شناخت امام از جایگاه و اهمیت به سزایی برخوردار است تا آنجا که وقتی شخصی از امام حسین علیه السلام می‌پرسد:

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟

ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، معرفت خدا چیست؟

آن حضرت پاسخ می‌دهند:

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ

شناخت اهل هر زمان نسبت به امامی که باید از او فرمان بردند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که شناخت امام زمان که همه ما مه‌ظف به کسب آن

هستیم، چه محدوده‌ای دارد و چه موضوعاتی را شامل می‌شود؟

می‌توان گفت: چنان‌که از روایت یادشده نیز به دست می‌آید، شناخت امام زمان

مقدمه‌ای برای اطاعت اوست و از این رو ما تنها موظف به شناخت آن دسته از موضوعات و مسائل مرتبط با امام عصر خود هستیم که ما را به اطاعت او نزدیک‌تر و از مخالفت او دورتر می‌سازد یا بر آمادگی و شوق ما برای حاضر شدن در پیشگاه آن حضرت و اطاعت از او امر و نواهی ایشان می‌افزاید. و شناخت هر آنچه که دانستن آن هیچ تأثیری در اطاعت ما نسبت به آن امام ندارد، در دایره تکلیف ما داخل نمی‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، مروجان و مبلغان فرهنگ مهدوی باید همه توان خود را صرف پرداختن به موضوعاتی چون: ویژگی‌ها و خصائص امام، ضرورت وجود امام و حجت الهی، جایگاه حجت در عالم هستی، مفهوم، ضرورت و فضیلت انتظار، وظایف منتظران، چگونگی تحقق ظهور، ویژگی‌های جهان پس از ظهور و... نمایند و از پرداختن به موضوعات و مسائل کم‌اهمیت یا بی‌اهمیتی که دانستن آنها وظیفه و تکلیف مردم نیست و تأثیری هم در اطاعت آنها نسبت به امام زمان علیه السلام ندارد، خودداری کنند و اذهان مخاطبان خود را درگیر این‌گونه موضوعات و مسائل نسازند. موضوعات و مسائلی از این دست که محل زندگی و اقامت عصر علیه السلام کجاست، آیا آن حضرت زن و فرزند دارد و آیا...؟

## گفتار دوم: نقش علمای شیعه در عصر غیبت

### ۱. رسالت دیروز

علمای شیعه در طول دوران پرفراز و نشیب غیبت کبرا همواره چون مرزدارانی جان بر کف پاسدار حریم مقدس تفکر شیعی، با همه ابعاد آن، اعم از فقه، حدیث، کلام و... بوده‌اند و در هر زمان که احساس کرده‌اند شیاطین جن و انس از روزنه‌ای قصد نفوذ و تجاوز به این حریم مقدس و ایجاد شبهه در اذهان ضعفای شیعه دارند با تمام توش و توان خویش به مقابله با متجاوزان فرهنگی و غارتگران فکری پرداخته‌اند.

نکته مهمی که در بررسی آثار علمای گرانقدر شیعه به چشم می‌خورد این است که هرگز اشتغال آنها در عرصه‌هایی همچون فقه و حدیث، مانع از پرداختن به وظیفه اصلی‌شان، یعنی دفاع از حریم اعتقادات شیعی و تبیین و ترویج جانمایه تفکر شیعی (اندیشه ولایت) نشده و از همین رو، بسته به مقتضیات زمان و با توجه به شبهاتی که در هر عصر متوجه تفکر ناب شیعی بوده است به تدوین کتاب‌ها و رساله‌هایی برای پاسخگویی و رد آن شبهات می‌پرداخته‌اند.

مروری بر آثار علمای بزرگواری همچون شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق.)، شیخ مفید (۳۲۸-۴۱۳ ق.)، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق.)، امین الاسلام طبرسی (۴۶۸-۵۴۸ ق.)، علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ ق.)، شیخ حرّ عاملی (م. ۱۱۰۴ ق.)، علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ ق.) و... درستی مدعای بالا را اثبات کرده و نشان می‌دهد که این بزرگان، آنی از احوال یتیمان آل محمد علیهم السلام غافل نشده و در هر زمینه که احساس کرده‌اند جامعه شیعه دچار ضعف و ناتوانی است به تألیف کتاب و رساله پرداخته‌اند. سایر علمای شیعه نیز هر یک در عصر خود چونان خورشیدی درخشیده و به طالبان حقیقت، نور و روشنایی و حیات و زندگی بخشیده‌اند.

اما در میان موضوعات مختلفی که علمای پیشین بدان‌ها پرداخته‌اند موضوع غیبت امام عصر علیه السلام از جایگاه خاصی برخوردار بوده است و علمای شیعه عنایتی خاص به این موضوع داشته‌اند، تا جایی که به نقل کتاب‌شناس بزرگ شیعه مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در *الذریعة* افزون بر چهل کتاب و رساله با عنوان *الغیبة* از سوی فقها، متکلمان و محدّثان بزرگ شیعه در طی قرون متمادی به رشته تحریر در آمده است<sup>۱</sup> که از جمله این بزرگان می‌توان به ابو محمد فضل بن شاذان (م. ۲۶۰ ق.)، محمد بن علی بن عزافر (م. ۳۲۳ ق.)، ایوبکر محمد بن قاسم بغدادی (م. ۳۳۲ ق.)، محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی (م. ۳۶۰ ق.)، محمد بن علی بن حسین معروف به شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق.)، محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق.)، ابوالقاسم علی بن حسن موسوی معروف به سید مرتضی علم الهدی (م. ۴۳۶ ق.)، محمد بن حسن بن علی معروف به شیخ طوسی و... اشاره کرد. حتی پاره‌ای از بزرگان شیعه به تألیف یک کتاب و رساله اکتفا نکرده و کتاب‌ها و رساله‌های متعددی در موضوع غیبت موعود آخرالزمان تألیف کرده‌اند، چنان‌که

۱. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، *الذریعة إلى تصانیف الشيعة*، ج ۱۶، ص ۷۵۸۳.



شیخ مفید با حدود سیزده رساله<sup>۱</sup> و شیخ صدوق<sup>۲</sup> با حدود ده رساله در صدر این سلسله جلیله قرار دارند.

بدون تردید آنچه که همه این بزرگان را به تلاش و مجاهده برای زدودن زنگارهای جهل و خرافه از موضوع غیبت آخرین ذخیره الهی حضرت بقیه الله الأعظم علیه السلام واداشته، شناخت و معرفتی بوده است که آنها نسبت به وظیفه خود در قبال موضوع یادشده داشته‌اند؛ وظیفه‌ای که از سوی امامان شیعه علیهم السلام برای علمای این مذهب ترسیم شده و آنها را وامی‌دارد که با تمام توان خود در راه ترویج و تبلیغ این موضوع تلاش کنند. در روایتی که از امام هادی علیه السلام نقل شده وظیفه علمای شیعه در زمان غیبت بدین گونه تصویر شده است:

لَوْلَا مَنْ يَتَّقِي بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ، عَلَيْهِ السَّلَام، مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُنْقِذِينَ لِضُعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شَبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدِّتِهِ وَ مِنْ فَخَاخِ التَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُنْسِكُونَ أَرِمَّةَ قُلُوبِ ضُعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُنْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا، أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.<sup>۳</sup>

اگر بعد از غیبت قائم شما نبودند علمایی که مردم را به سوی او می‌خوانند، و به سوی او راهنمایی می‌کنند، و با برهان‌های الهی از دین او پاسداری می‌کنند، و بندگان بیچاره خدا را از دام‌های ابلیس و پیروان او و همچنین از دام‌های دشمنان اهل بیت رهایی می‌بخشند، هیچ‌کس بر دین خدا باقی نمی‌ماند. اما علمای دین دل‌های متزلزل شیعیان ناتوان را حفظ می‌کنند، همچنان که

۱. الرفاعی، عبدالجبار، معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت علیهم السلام، ج ۹، ص ۲۴۷-۸۶.

۲. همان، ص ۲۴۰-۱۶۲.

۳. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹.

کشتی‌بان سکان کشتی را حفظ می‌کند. این دسته از علما در نزد خداوند دارای مقام و فضیلت بسیاری هستند.

و در روایت دیگری نیز که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است می‌خوانیم:

عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيتَهُ، يَخْتَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنِ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمِ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ النَّوَاصِبُ أَلَّا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرُكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفَ مَرَّةٍ، لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ شِيعَتِنَا وَ مُحِيبِنَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنِ أْبْدَانِهِمْ.<sup>۱</sup>

علمای شیعه در مرزهایی که شیطان و ایادی او در پشت آنها کمین کرده‌اند، پاسداری داده و آنها را از اینکه بر شیعیان ناتوان هجوم برند باز می‌دارند و اجازه نمی‌دهند که شیطان، پیروان او و دشمنان اهل بیت بر ضعفای شیعه تسلط یابند. پس هر کس از شیعیان ما که برای این موضوع نصب شود، از کسانی که با روم و ترک و خزر در جهادند هزار هزار مرتبه برتر است؛ زیرا او از ادیان شیعیان و دوستداران ما دفاع می‌کند و آن از بدن‌های آنها.

همچنین در روایتی از امام جواد علیه السلام و ظایف علمای دین به هنگام غیبت امام از جامعه چنین بیان شده است:

إِنَّ مَنْ تَكَفَّلَ بِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام الْمُتَقَطِّعِينَ عَنِ إِمَامِهِمْ، الْمُتَحَيِّرِينَ فِي جَهْلِهِمْ، الْأَسَارَى فِي أَيْدِي شَيَاطِينِهِمْ وَ فِي أَيْدِي النَّوَاصِبِ مِنْ أَعْدَائِنَا، فَاسْتَقْدَّهُمْ مِنْهُمْ وَ أَخْرَجَهُمْ مِنْ حَيْرَتِهِمْ وَ قَهَرَ الشَّيَاطِينَ بَرْدَ وَسَاوِسِهِمْ وَ قَهَرَ النَّاصِبِينَ بِحُجَجِ رَبِّهِمْ وَ دَلَائِلِ أَيْمَتِهِمْ، لِيُفْضِلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَلَى الْغَائِدِ بِأَفْضَلِ الْمَوَاقِعِ، بِأَكْثَرِ مِنْ فَضْلِ السَّمَاءِ عَلَى الْأَرْضِ وَ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ وَ الْحُجُبِ عَلَى

السَّمَاءِ وَ فَضْلُهُمْ عَلَىٰ هَذَا الْغَائِدِ كَفَضْلِ لَيْلَةِ الْبَدْرِ عَلَىٰ أَخْفَىٰ كَوْكَبٍ فِي السَّمَاءِ.<sup>۱</sup>  
کسی که سرپرستی یتیمان آل محمد علیهم السلام را که از امام خود دور افتاده، در نادانی خویش سرگردان مانده و در دستان شیاطین و دشمنان اهل بیت گرفتار آمده‌اند، به عهده گیرد و آنها را از چنگال دشمنان رهایی بخشد و از حیرت و جهالت خارج سازد و وسوسه‌های شیاطین را از آنها دور کند، و با دلایل پروردگارشان و برهان‌های امامانشان دشمنان اهل بیت را مقهور سازد، تا عهد خدا بر بندگانش را به بهترین شکل حفظ نماید، در نزد خداوند بر عابدی که در بهترین مواقع به عبادت پرداخته، برتری دارد؛ بیشتر از آنچه آسمان بر زمین، و عرش و کرسی و حجاب‌ها بر آسمان برتری دارند. برتری او بر چنین عابدی مانند برتری ماه شب چهارده بر کوچک‌ترین ستاره آسمان است.

## ۲. مسئولیت امروز

حال باید دید آیا ضرورت‌هایی که استوانه‌های فقاہت شیعه را به تدوین کتاب و نگارش رساله در زمینه شناخت آخرین حجت حق و دیگر موضوعات مرتبط با غیبت امام عصر علیه السلام واداشته از بین رفته است یا خیر؟  
آیا آن نگرانی که خاطر شیخ صدوق را پریشان ساخت و او را وادار به تألیف کتاب کمال الدین و تمام النعمة نمود، دیگر بر طرف شده و جایی برای نگرانی خاطر باقی نمانده است؟<sup>۲</sup>  
آیا آن شبهات و سؤال‌های گوناگون درباره غیبت که شیخ مفید را وامی‌داشت

۱. همان، ص ۱۵-۱۴.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، مقدمه کتاب در بیان انگیزه شیخ از تألیفات کتاب مزبور.

برای پاسخ به آنها رساله‌های گوناگونی همچون *الفصول العشرة فی الغیبة*<sup>۱</sup>، *خمس رسائل فی اثبات الحجة*<sup>۲</sup>، *فی سبب استتار الحجة*<sup>۳</sup> و... را به رشته تحریر در آورد دیگر از بین رفته است؟

آیا آن احساس ضرورتی که شیخ طوسی را وادار می‌ساخت که با همه اشتغالات علمی و درگیری در عرصه‌هایی همچون فقه، تفسیر، حدیث و رجال دست به تألیف کتاب *الغیبة* بزند، دیگر زمینه‌ای ندارد؟ آیا دیگر هیچ خطری سرمایه اعتقادی شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آله را تهدید نمی‌کند؟

آیا دیگر ضعفای شیعه به چنان اعتقادی دست یافته‌اند که مرزداران حریم تفکر شیعی بتوانند بی هیچ دغدغه‌ای به اشتغالات علمی خود بپردازند؟

آیا جوانان و نوجوانان ایران اسلامی که به تعبیر امام‌راحل «کشور ائمه هدی و کشور صاحب‌الزمان علیه السلام است» به حدی از شناخت نسبت به حجت عصر رسیده‌اند که علمای شیعه و دعوت‌کنندگان به سوی قائم بتوانند با خاطری آسوده سر به بالین بگذارند؟

بدون تردید امروز دیگر بسیاری از شبهات و پرسش‌هایی که پیش از این در مورد امام مهدی علیه السلام وجود داشتند مطرح نیستند؛ بسیاری از موضوعاتی که علمای پیشین نسبت به آنها احساس نگرانی می‌کردند جایی برای طرح ندارند و بسیاری از خطراتی که در گذشته کیان اعتقادی شیعه و باور مهدوی را تهدید می‌کردند، از میان رفته‌اند، اما این هرگز بدان معنا نیست که جامعه امروز ما هیچ شبهه و پرسشی در مورد امام زمان خویش ندارد یا هیچ نگرانی در مورد اعتقاد مردم به امام عصر وجود ندارد یا هیچ خطری باور مهدوی و فرهنگ انتظار را تهدید نمی‌کند.

۱. الرفاعی عبدالجبار الرفاعی، همان، ج ۹، ص ۲۴۷-۸۶.

۲. ر. ک: همان، ص ۱۵۴.

۳. ر. ک: همان، ص ۲۲۷.

به جرأت می‌توان گفت امروزه موعودباوری اسلامی و شیعی بیش از هر زمان دیگر دستخوش تهدیدها و آسیب‌ها قرار گرفته است؛ تهدیدهایی از سوی دشمنان دانا و آسیب‌هایی از سوی دوستان نادان.

اگر به حجم کتاب‌هایی که در سالیان اخیر در رد اعتقادات شیعی، به ویژه موضوع مهدویت و انتظار نوشته شده و از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای چون آمریکا و انگلیس، رژیم صهیونیستی و... در شمارگان وسیع منتشر شده‌اند نگاه کنیم؛ اگر به تعداد قابل توجه فیلم‌هایی که در دو سه دهه گذشته با هدف ترویج و تبلیغ نگرش آخرالزمانی مسیحی - یهودی و تقبیح و تحقیر نگرش آخرالزمانی و موعودباوری اسلامی ساخته شده‌اند، نظر بیفکنیم؛ اگر به شمارگان کتاب‌های سطحی، نازل، عوام‌پسندانه و مبتنی بر باورهای سست و خرافی که در چند سال اخیر در کشور ما در زمینه موضوع مهدویت نوشته شده‌اند، توجه کنیم؛ اگر به تعداد روزافزون مجالس و محافل که به بهانه ذکر و یاد امام زمان علیه السلام در گوشه گوشه این سرزمین تشکیل می‌شوند و به جای بارور کردن روحیه امید، سرزندگی، تلاش، تکاپو، در دل جوانان این سرزمین و بالا بردن سطح هشیاری، احساس مسئولیت و آمادگی آنها برای ظهور، بذریه یأس و نومیدی، عزلت‌گزینی و گوشه‌نشینی، بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی، سستی و رخوت را در دل آنان می‌کارند، نگاهی اجمالی داشته باشیم؛ و بالاخره اگر قدری سرمان را بالا بیاوریم و به شبهات و پرسش‌هایی که امروز در جامعه اسلامی ما در مورد امام زمان علیه السلام مطرح می‌شود، توجه کنیم، خواهیم پذیرفت که ادعای یادشده بی‌اساس نیست و یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله بیش از هر زمان دیگر نیازمند سرپرستی و توجه علمای دین هستند.

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی مهم‌ترین مسئولیت‌هایی که متوجه علمای دین و حوزه‌های علمیه است، به شرح زیر است:

۱. تألیف و تدوین کتاب‌ها و نشریاتی که با بهره‌گیری از منابع اصیل و متقن شیعی معارف مهدوی را به دور از هرگونه پیرایه، در اختیار گروه‌های مختلف سنی (کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان) و اقشار مختلف اجتماعی (فرهیختگان، دانشگاهیان، دانشجویان، کارمندان، کارگران، کشاورزان، زنان خانه‌دار و...) قرار دهند و آنها را نسبت به وظایف و تکالیفی که نسبت به امام عصرشان برعهده دارند، آشنا سازند؛
۲. نشر کتاب‌ها و آثاری که پرسش‌ها و شبهات مطرح در حوزه مباحث مهدوی را به صورتی عالمانه و متناسب با ذهن و زبان نسل امروز پاسخ دهد؛
۳. نظارت مستمر بر کتاب‌ها و نشریاتی که در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار منتشر می‌شوند و جلوگیری از نشر و پخش آثاری که به عرضه مطالب بی‌محتوا، کم‌محتوا، خرافی، انحرافی، سست و بی‌اساس در جامعه می‌پردازند؛
۴. رصد دائمی پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای، مطبوعات و کتاب‌های خارجی و فراهم آوردن پاسخ‌های مناسب برای شبهاتی که از سوی آنها القا می‌شود؛
۵. انتشار کتاب‌ها و نشریاتی که معارف مهدوی را به زبان‌های روز دنیا در اختیار همه طالبان و مشتاقان این معارف در سراسر جهان قرار دهد؛
۶. مقابله با انحراف‌ها، بدعت‌ها، کج‌فهمی‌ها، بدفهمی‌ها و بالاخره افراط‌ها و تفریط‌هایی که در حوزه مباحث مهدوی در جامعه ما رواج پیدا کرده یا خواهد کرد. قطعاً اگر علمای دین به وظیفه و تکلیفی که در برابر حجت خدا برعهده دارند، چنان‌که باید و شاید، عمل کنند و مسؤولیت خود در زمینه تبیین، ترویج و تبلیغ باور مهدوی و فرهنگ انتظار را، آن‌گونه که شایسته است، به انجام رسانند می‌توان امیدوار بود که جامعه ما در پرتو گسترش و تعمیق این باور و فرهنگ، اولاً در برابر همه تهدیدها و توطئه‌ها پایداری ورزد و ثانیاً به آمادگی بیشتری برای استقبال از پیک خجسته عدالت و رستگاری دست یابد.

## فصل پنجم

### انتظار؛ روزها و یادها

## گفتار اول: فضیلت شب نیمه شعبان

نیمه شعبان در اذهان شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام به عنوان روز میلاد نجات بخش موعود معنا و مفهوم می یابد. روز میلاد بزرگ مردی که انسانیت، ظهور او را به انتظار نشسته و عدالت برای پای بوس قدمش لحظه شماری می کند.

نیمه شعبان اگر چه شرافتش را و امدار مولود خجسته ای است که در این روز زمین را با قدوم خویش متبرک ساخته است، اما همه عظمت آن در این خلاصه نشده و در تقویم عبادی اهل ایمان نیز از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار است.

در روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده فضیلت های بسیاری برای عبادت و راز و نیاز در شب و روز خجسته نیمه شعبان بر شمرده شده است و این خود تمثیل زیبایی است از این موضوع که برای رسیدن به صبح وصال موعود باید شب وصل با خدا را پشت سر گذاشت، و تا زمانی که منتظر، عمر خویش را در طریق کسب صلاح طی نکند نمی تواند شاهد ظهور مصلح موعود باشد.

با توجه به اهمیت فراوانی که در روایات به شب نیمه شعبان داده شده و حتی آن



را هم پایه شب قدر شده‌اند، در این مجال برخی از روایت‌هایی را که در بیان مقام و منزلت این شب روحانی وارد شده‌اند بررسی می‌کنیم. باشد تا خداوند ما را به عظمت این شب مقدس واقف گرداند و توفیق بهره‌برداری از برکات آن را عطا فرماید:

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه روایت‌های بسیاری نقل شده که یکی از آنها به این شرح است:

شب نیمه شعبان در خواب بودم که جبرئیل به بالین من آمد و گفت: ای محمد! چگونه در این شب خوابیده‌ای؟ پرسیدم: ای جبرئیل! مگر امشب چه شبی است؟ گفت: شب نیمه شعبان است. برخیز ای محمد! پس مرا از جایم بلند کرد و به سوی بقیع برد، در آن حال گفت: سرت را بلند کن! امشب درهای آسمان گشوده می‌شوند، درهای رحمت باز می‌گردند و همه درهای خوشنودی، آمرزش، بخشش، بازگشت، روزی، نیکی و بخشایش نیز گشوده می‌شوند. خداوند در این شب به تعداد موها و پشم‌های چهارپایان [بندگان را از آتش جهنم] آزاد می‌کند. امشب خداوند زمان‌های مرگ را ثبت و روزی‌های یک سال را تقسیم می‌کند و همه آنچه را که در طول سال واقع می‌شود نازل می‌سازد. ای محمد! هر کس امشب را با منزه داشتن خداوند (تسبیح)، ذکر یگانگی او (تهلیل)، یاد بزرگی او (تکبیر)، راز و نیاز با او (دعا)، نماز، خواندن قرآن، نمازهای مستحب (تطوع) و آمرزش خواهی (استغفار) صبح کند، بهشت جایگاه و منزل او خواهد بود و خداوند همه آنچه را که پیش از این انجام داده و یا بعد از این انجام می‌دهد، خواهد بخشید...!

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، ص ۲۱۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۱۳.

### فضیلت شب نیمه شعبان ■ ۳۹۵

یکی از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حالات ایشان را در شب نیمه شعبان چنین بیان می‌کند:

در یکی از شب‌ها که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نزد من بود ناگهان متوجه شدم که ایشان بستر خود را ترک کرده است، غیرت خاص زنانه به سراغ من آمد و به گمان اینکه حضرت نزد یکی دیگر از همسران خود رفته است به جست‌وجوی ایشان پرداختم، اما به ناگاه دیدم که حضرتش مانند جامه‌ای که بر زمین افتاده باشد به سجده رفته و چنین راز و نیاز می‌کند:

أَصْبَحْتُ إِلَيْكَ فَقِيْرًا خَائِفًا مُسْتَجِيرًا فَلَا تُبَدِّلْ اسْمِي وَ لَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تَجْهَدْ بِلَائِي وَ اغْفِرْ لِي.

به سوی تو آمدم در حالی که تهیدست، ترسان و پناه جویم، پس نام مرا برمگردان، جسم مرا تغییر مده، گرفتاریم را افزون مساز و از من درگذر. آنگاه سر خود را بلند کرد و بار دیگر به سجده رفت و در آن حال شنیدم که می‌فرمود:

سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ خِيَالِي وَ آمَنَ بِكَ قَوَادِي هَذِهِ يَدَايَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي يَا عَظِيمُ تُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ إِغْفِرْ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ. سرپای وجودم برای تو سجده کرده و قلبم به تو ایمان آورده است؛ این دو دست من با همه جنایتی که بر خود روا داشته‌ام، پس ای بزرگی که برای هر کار بزرگی امیدها به سوی تو است از گناهان بزرگ من درگذر، چرا که از گناهان بزرگ در نمی‌گذرد مگر پروردگار بزرگ.

بعد از ادای این کلمات سر خود را بلند کرده و برای سومین بار به سجده رفت و این جملات را بر زبان جاری ساخت:

أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ أَنْتَ كَمَا أَتَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ.

از خشم تو به خوشنودیت پناه می‌برم، از کیفر تو به بخشش تو پناهنده می‌شود و از تو به سوی خودت پناه می‌جویم، تو همان گونه‌ای که خود توصیف کرده‌ای و بالاتر از آنی که گویندگان می‌گویند.

لحظاتی دیگر سر از سجده برداشت و دوباره به سجده رفت و در حالی که می‌فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَقَشَعَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ أَنْ يَجِلَّ عَلَيَّ غَضَبُكَ أَوْ يُنْزَلَ عَلَيَّ سَخَطُكَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَفَجَاءِ نِقْمَتِكَ وَتَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَجَمِيعِ سَخَطِكَ، لَكَ الْعُتْبَىٰ فِيمَا اسْتَطَعْتُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ».

خدایا به نور وجه تو که آسمان‌ها و زمین از آن روشن شده، تاریکی‌ها با آن از بین رفته و کار پیشینیان و آیندگان با آن اصلاح شده است پناه می‌برم، از اینکه به خشم تو گرفتار شوم و یا دشمنی تو بر من نازل شود. پناه می‌برم به تو از زوال نعمت، نزول ناگهانی عذابت، دگرگونی سلامت‌بخشی‌ات و همه آنچه که خشم تو را در پی دارد. خوشنودی نسبت به آنچه من در توان دارم از آن توست و هیچ حرکت و نیرویی نیست مگر به سبب تو.

چون این حال را از پیامبر دیدم او را رها کردم و شتابان به طرف خانه حرکت کردم. نفس نفس زنان به خانه رسیدم. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه برگشتند و حال مرا دیدند گفتند: «چه شده است که این چنین به نفس نفس افتاده‌ای؟»

گفتم: «ای رسول خدا من به دنبال شما آمده بودم»، پس فرمود:

آیا می‌دانی امشب چه شبی است؟ امشب شب نیمه شعبان است. در این شب اعمال ثبت می‌گردند، روزی‌ها قسمت می‌شوند، زمان‌های مرگ نوشته می‌شوند و خداوند تعالی همه را می‌بخشد مگر آنکه به خدا شرک ورزیده یا به قمار نشسته

## فضیلت شب نیمه شعبان ■ ۳۹۷

یا قطع رحم کرده یا برخوردن شراب مداومت ورزیده یا بر انجام گناه اصرار ورزیده است...<sup>۱</sup>

پرسشی که با مطالعه روایت‌های بالا به ذهن خطور می‌کند این است که چرا با اینکه در بسیاری از روایات تصریح شده که تعیین زمان مرگ مردمان و تقسیم روزی آنها در شب قدر و در ماه مبارک رمضان صورت می‌گیرد، در دو روایت یادشده شب نیمه شعبان به عنوان زمان تقدیر امور مزبور ذکر شده است؟

مرحوم سید بن طاووس (م. ۶۶۴ ق.) در پاسخ پرسش یادشده می‌گوید:

شاید مراد روایات مزبور این باشد که تعیین زمان مرگ و تقسیم روزی، به صورتی که احتمال محو و اثبات آن وجود دارد، در شب نیمه شعبان صورت می‌گیرد، اما تعیین حتمی زمان مرگ و یا تقسیم حتمی روزی‌ها در شب قدر انجام می‌شود. و شاید مراد آنها این باشد که در شب نیمه شعبان امور مزبور در لوح محفوظ تعیین و تقسیم می‌شوند، ولی تعیین و تقسیم آنها در میان بندگان در شب قدر واقع می‌شود. این احتمال هم وجود دارد که تعیین و تقسیم امور یادشده در شب قدر و شب نیمه شعبان صورت گیرد، به این معنا که در شب نیمه شعبان وعده به تعیین و تقسیم امور مزبور در شب قدر داده می‌شود. به عبارت دیگر اموری که در شب قدر تعیین و تقسیم می‌گردند، در شب نیمه شعبان به آنها وعده داده می‌شود. همچنان که اگر پادشاهی در شب نیمه شعبان به شخصی وعده دهد که در شب قدر مالی را به او می‌بخشد، در مورد هر دو شب این تعبیر صحیح خواهد بود که بگوییم مال در آن شب بخشیده شده است<sup>۲</sup>

همچنین کمیل بن زیاد از یاران امام علی علیه السلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان از

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، همان، صص ۲۱۷-۲۱۶.

۲. همان، ص ۲۱۴.

آن حضرت چنین روایت می‌کند:

در مسجد بصره در نزد مولایم امیر مؤمنان نشسته بودم و گروهی از یاران آن حضرت نیز حضور داشتند، در این میان یکی از ایشان پرسید: معنای این سخن خداوند که: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»؛ در آن شب هر امری با حکمت معین و ممتاز می‌گردد، چیست؟ حضرت فرمودند:

قسم به کسی که جان علی در دست اوست همه امور نیک و بدی که بر بندگان جاری می‌شود، از شب نیمه شعبان تا پایان سال، در این شب تقسیم می‌شود. هیچ بنده‌ای نیست که این شب را احیا دارد و در آن دعای خضر بخواند، مگر آنکه دعای او اجابت شود.

پس از آنکه امام از ما جدا شد، شبانه به منزلش رفتم. امام پرسید: چه شده است ای کمیل؟ گفتم: ای امیر مؤمنان آمده‌ام تا دعای خضر را به من بیاموزی، فرمود: بنشین ای کمیل! هنگامی که این دعا را حفظ کردی خدا را در هر شب جمعه، یا در هر ماه یک شب، یا یک بار در سال یا حداقل یک بار در طول عمرت، با آن بخوان، که خدا تو را یاری و کفایت می‌کند و تو را روزی می‌دهد، و از آمرزش او برخوردار می‌شوی، ای کمیل! به خاطر زمان طولانی که تو با ما همراه بوده‌ای بر ما لازم است که درخواست تو را به بهترین شکل پاسخ دهیم، آنگاه دعا را چنین انشا فرمود...<sup>۲</sup>

شایان ذکر است، این دعا همان دعایی است که امروزه آن را با نام «دعای کمیل»

می‌شناسیم.

۱. سوره دخان (۴۴) آیه ۴. لازم به توضیح است که غالب مفسران آیه یاد شده را ناظر به شب قدر دانسته‌اند.  
 ر. ک: الطباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۳۰.  
 ۲. ابن طاووس، علی بن موسی، همان، ص ۲۲۰.

در روایت دیگری که از اهل بیت علیهم السلام نقل شده، در فضیلت شب نیمه شعبان چنین آمده است:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ: يُعْجِبُنِي أَنْ يَفْرُغَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ فِي السَّنَةِ أَرْبَعَ لَيَالٍ: لَيْلَةَ الْفِطْرِ، وَ لَيْلَةَ الْأَضْحَى، وَ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَ أَوَّلَ لَيْلَةِ مِنْ رَجَبٍ.<sup>۱</sup>

علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمود: در شگفتم از کسی که چهار شب از سال را به بیهودگی بگذرانند: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه شعبان و اولین شب از ماه رجب....

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که پدر بزرگوارشان در پاسخ کسی که از فضیلت شب نیمه شعبان از ایشان پرسیده بود، فرمودند:

هِيَ أَفْضَلُ لَيْلَةٍ بَعْدَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، فِيهَا يَمْنَحُ اللَّهُ تَعَالَى الْعِبَادَ فَضْلَهُ وَ يَسْفِرُ لَهُمْ بِمَنِّهِ فَاجْتَهِدُوا فِي الْقُرْبَةِ إِلَى اللَّهِ فِيهَا فَإِنَّهَا لَيْلَةٌ آلَى اللَّهِ تَعَالَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَرِدَ سَائِلًا لَهُ فِيهَا، مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَةً وَ إِنَّهَا اللَّيْلَةُ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِإِزَاءِ مَا جَعَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِنَبِيِّنَا صلى الله عليه وآله فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى عَزَّ وَ جَلَّ، فَإِنَّهُ مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ تَعَالَى فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ وَ حَمَدَهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ كَبَّرَهُ مِائَةَ مَرَّةٍ عَفَّرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ مَعْصِيَةٍ وَ قَضَى لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا التَّمَسَّهُ مِنْهُ، وَ مَا عَلِمَ حَاجَتَهُ إِلَيْهِ وَ إِنْ لَمْ يَلْتَمِسْهُ مِنْهُ كَرَمًا مِنْهُ تَعَالَى وَ تَفَضُّلاً عَلَى عِبَادِهِ.<sup>۲</sup>

این شب برترین شبها بعد از شب قدر است، خداوند در این شب فضلش را بر

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۹۴ ص ۸۷ ح ۱۲.

۲. ابن طاووس، علی بن موسی، همان، ص ۲۰۹؛ مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۹۴، ص ۸۵ ح ۵؛ صدوق،

محمد بن علی بن حسین، همان ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۱.

بندگان جاری می‌سازد و از منت خویش گناهان آنان را می‌بخشد، پس تلاش کنید که در این شب به خدا نزدیک شوید. همانا این شب، شبی است که خداوند به وجود خود سوگند یاد کرده که در آن درخواست کننده‌ای را، مادام که درخواست گناه نداشته باشد، از درگاه خود نراند. این شب، شبی است که خداوند آن را برای ما خاندان قرار داده است، هم‌چنان که شب قدر را برای پیامبر ما صلی الله علیه و آله قرار داده است. پس بر دعا و ثنای بر خداوند تعالی بکوشید، که هر کس در این شب صد مرتبه خداوند را تسبیح گوید، صد مرتبه حمدش را بر زبان جاری سازد، صد مرتبه زبان به تکبیرش گشاید و صد مرتبه ذکر یگانگی (لا اله الا الله) او را به زبان آورد، خداوند از سرفضل و احسانی که بر بندگانش دارد، همه گناهانی را که او انجام داده بیامرزد و درخواست‌های دنیوی و اخروی او را برآورده سازد، چه درخواست‌هایی که بر خداوند اظهار کرده و چه درخواست‌هایی که اظهار نکرده و خداوند با علم خود بر آنها واقف است...

آنچه ذکر شد بخشی از روایات فراوانی است که در فضیلت شب و روز نیمه شعبان وارد شده‌اند<sup>۱</sup>، اما باید دانست شرافت این شب خجسته، علاوه بر همه آنچه که بیان شد، به اعتبار مولود مبارکی است که در این شب قدم به عرصه خاک نهاده است. وجود مقدسی که سال‌ها پیش از تولدش مژده میلاد او به مسلمانان داده شده بود و شاید همه عظمت این شب و تکریم و بزرگداشتی که در کلمات معصومان علیهم السلام از آن شده است به دلیل وجود همین مولود مبارک باشد. چنان‌که بزرگانی چون سید بن طاووس به این موضوع اشاره کرده و بر همگان لازم دانسته‌اند که در این شب خدای خویش را به سبب منت بزرگی که با میلاد امام

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: ابن طاووس، علی بن موسی، همان، صص ۲۳۷-۲۰۷؛ مجلسی، محمد باقر، همان.

## فضیلت شب نیمه شعبان ■ ۴۰۱

عصر ع بر آنها نهاده سپاس گویند و تا آنجا که توان دارند شکر این نعمت الهی را به جای آورند.<sup>۱</sup>

در یکی از دعاهایی که در شب نیمه شعبان وارد شده است چنین میخوانیم:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ مَوْلُودِهَا وَ حُجَّتِكَ وَ مَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى فَضْلِهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَ عَدْلاً لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ...<sup>۲</sup>

بار خدایا تو را میخوانیم به حق این شب و مولود آن، و به حق حجتت و موعود این شب، که فضیلتی دیگر بر فضیلت آن افزودی و سخن تو از روی راستی و عدالت به حد کمال رسیده و هیچ کس را یارای تبدیل و تغییر سخنان تو نیست. براساس روایت‌های بسیاری که شیعه و اهل سنت آنها را نقل کرده‌اند میلاد خجسته امام عصر ع در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق. واقع شده و باعث مزید فضیلت این شب مبارک گشته است.<sup>۳</sup>

امیدواریم که خداوند به برکت مولود با عظمت شب نیمه شعبان به همه ما توفیق درک فضیلت‌های این شب خجسته را عطا فرماید و همه ما را از زمره یاوران و خدمتگزاران مولود این شب قرار دهد.

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، همان، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۲۱۹.

۳. ر. ک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴ صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۳۲؛ شبرای، عبدالله بن محمد، الإتحاف بحب الأشراف، ص ۱۷۹؛ ابن صباغ المالکی، نورالدین علی بن محمد، الفصول المهمة في معرفة الأئمة، ص ۳۱۰.



## گفتار دوم: رمضان، بهار انتظار

ماه خدا با برکت، رحمت و مغفرت الهی به بندگان خدا روی می آورد و همگان را به مهمانی خدا فرا می خواند؛ ماهی که روزهایش بهترین روزها، شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعت‌هایش بهترین ساعت‌هاست؛<sup>۱</sup> ماهی که در لحظه لحظه‌اش خدا جاری است و هر آنش سرمایه‌ای است که باید چون جان پاشش داشت و آن را به راحتی از کف نداد.

مگر می‌توان غیر از ماه مبارک رمضان، ماهی را پیدا کرد که یک شب از شب‌های آن ارزشی فزونتر از هزار ماه داشته باشد؟<sup>۲</sup>

مگر می‌توان غیر از این ماه، ماهی را سراغ گرفت که در سرتاسر آن درهای بهشت بر روی مردمان گشوده و درهای دوزخ بر روی آنان بسته باشد؟<sup>۳</sup>

---

۱. برگرفته از خطبه شعبانیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ر. ک: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶. به نقل از: صدوق، محمد بن علی بن حسین، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۵.

۲. ر. ک: سوره قدر (۹۷)، آیه ۳.

۳. برگرفته از خطبه شعبانیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ر. ک: مجلسی، محمدباقر، همان، ص ۳۵۶-۳۵۷.

مگر می توان ماه دیگری را نشان داد که در آن نفس کشیدن حکم تسبیح و خوابیدن حکم عبادت داشته باشد؟<sup>۱</sup>

رمضان، بهار قرآن و بهار دعا و مناجات به درگاه پروردگار بی نیاز است. در هیچ ماهی به اندازه ماه مبارک رمضان دعا، مناجات، ذکر و نمازهای مستحبی وارد نشده است. هر روز آن، دعایی خاص و هر شبش نماز و ذکری ویژه خود دارد.

اما رمضان، بهار انتظار نیز هست؛ چرا که در دعاها و مناجات های این ماه به همان اندازه که روح بندگی و تضرع به درگاه خداوند و طلب آمرزش و رستگاری از او موج می زند؛ روح انتظار و امید فرارسیدن دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام نیز جاری است.

با بررسی اجمالی اعمال ماه مبارک رمضان روشن می شود که علاوه بر تضرع و بندگی در پیشگاه خالق هستی دو موضوع دیگر نیز در مجموع این اعمال مورد توجه جدی قرار گرفته است؛ که عبارتند از:

۱. نقش امام و حجت الهی در جهان هستی؛

۲. انتظار و آمادگی برای ظهور دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام.

در اینجا برای روشن تر شدن موضوع به برخی از دعاها و مناجات های که این دو موضوع در آنها تجلی یافته است، اشاره می کنیم.

### ۱. نقش امام و حجت الهی در جهان هستی

در اعتقاد شیعه، امامت تنها به امور شرعی و اعتقادی مردم و یا حتی امور اجتماعی و سیاسی محدود نمی شود، بلکه امام به عنوان حجت خدا در عالم تکوین نیز نقش داشته و واسطه فیض الهی به بندگان است. به عبارت دیگر آنچه که خداوند

در عالم هستی مقدر فرموده از مجرای امام و حجت عصر بر مردم جاری و ساری می‌شود و از این رو است که در زیارت «جامعه کبیره» که از امام هادی علیه السلام نقل شده، خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام عرض می‌کنیم:

... بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ، وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفِثُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ وَ...<sup>۱</sup>

... خداوند، [هستی را] به وسیله شما آغاز کرد و به وسیله شما [نیز] به انجام می‌رساند. او به وسیله شما باران را نازل می‌کند و به وسیله شما، تا زمانی که خود اراده کند، آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد، نگاه می‌دارد و هم به وسیله شما غم و اندوه را برمی‌دارد و سختی‌ها را برطرف می‌سازد.

و یا در زیارت مطلقه حضرت ابا عبدالله، حسین بن علی علیه السلام که از امام صادق علیه السلام نقل شده، خطاب به آن وجود مقدس و دیگر ائمه هدی علیهم السلام می‌گوییم:

... إِزَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ.<sup>۲</sup>

اراده پروردگار در همه آنچه او مقدر داشته به شما محول شده و از خانه‌های شما صادر می‌شود.

با توجه به این بینش و این اعتقاد نسبت به امامان معصوم و حجت‌های الهی علیهم السلام است که شب قدر مفهوم می‌یابد؛ شبی که فرشتگان و روح به اذن پروردگار خویش «کلّ امر» یا برنامه یک ساله جهان هستی را بر کسی که از سوی خداوند به ولایت برگزیده شده عرضه می‌دارند. چنان‌که در روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده آمده است:

۱. ر. ک: قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، به نقل از: صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان.

۲. ر. ک: قمی، عباس، همان، زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام، زیارت اول، به نقل از: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی.

آمِنُوا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَإِنَّهُ يَنْزَلُ فِيهَا أَمْرُ السَّنَةِ وَإِنَّ لِدَلِكَ وُلاَةً مِنْ بَغْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ.<sup>۱</sup>

به شب قدر ایمان بیاورید همانا در این شب امور یک سال (همه آنچه در یک سال واقع می شود) نازل می گردد و برای این موضوع پس از من پیشوایانی وجود دارند که عبارتند از: علی بن ابی طالب و یازده تن از نوادگان او.

بنابراین، ماه مبارک رمضان که شب مقدس قدر را در خود جای داده است فرصت مناسبی است برای توجه دادن مردمان به جایگاه برجسته حجت های الهی علیهم السلام به طور عام، و امام عصر و حجت زمان علیه السلام به طور خاص، در عالم هستی و یادآوری وظیفه ای که آنان نسبت به این واسطه های فیض خداوندی دارند.

مرحوم مجلسی رحمته الله، در بیان اعمال ماه مبارک رمضان می گوید:

از جمله وظایفی که در هر شب (ماه رمضان) مقرر شده این است که بنده در آغاز هر دعای نیکو و در پایان هر عمل پسندیده آن کس را که جانشین خداوند - جل جلاله - در میان بندگان و سرزمین های او می داند، یاد کند؛ زیرا آن جانشین عهده دار همه نیازمندی های روزه دار است؛ از خوراکی و آشامیدنی او گرفته تا همه آنچه که او در نظر دارد؛ یعنی همه اسباب و وسایلی که در اختیار جانشین پروردگار بزرگ (رب الارباب) است. همچنین هر روزه دار وظیفه دارد که آن جانشین خدا را، به آنچه که شایسته مانند اوست، دعا کند؛ و معتقد باشد که خداوند، جل جلاله - و جانشین او بر او منت گذاشته اند که چنین جایگاه و منزلتی را به او بخشیده اند.<sup>۲</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۲؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۴۶-۳۴۵.

۲. مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۹۴، ص ۳۴۸-۳۴۹، به نقل از: ابن طاووس، سید علی، إقبال الأعمال، ص ۸۶.

## رمضان، بهار انتظار ■ ۴۰۷

مرحوم مجلسی پس از این عبارت روایتی را از «ابن ابی قره» نقل می‌کند که در آن به نقل از صالحین علیهم‌السلام چنین آمده است:

در شب بیست و سوم ماه رمضان، ایستاده و نشسته و در هر حالی که هستی، و همچنین در تمام این ماه و به هر صورت ممکن، بلکه در تمام مدت روزگارت، پس از بزرگداشت نام خدای تعالی و درود و صلوات بر پیامبر و خاندان او بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَكِيلًا وَ مُؤَيِّدًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا وَ عَزْضًا....

خداوندا، ولی و برپاکننده امرت، محمد، زاده حسن، مهدی را، که برترین درودها و سلام‌ها بر او و پدران‌ش باد، در این ساعت و در همه ساعت‌ها، سرپرست، نگهدار، راهبر، یاور، راهنما و پشتیبان باش تا او را [نه از سر زور بلکه] به اختیار [مردم] در زمین جایگاه بخشی و او را در درازا و پهنای زمین بهره‌ور و کامران سازی.

با توجه به آنچه که گذشت بر همه ما لازم است که در فرصت به دست آمده در ماه مبارک رمضان از یک سو به نقش و جایگاهی که حضرت بقیة الله الاعظم - ارواحنا فداء - به عنوان حجت خدا و امام عصر در سراسر جهان هستی و در زندگی همه انسان‌ها دارند، توجه کنیم و آن را به درستی بشناسیم؛ و از سویی دیگر به وظیفه و تکلیفی که در برابر آن وجود مقدس که ولی نعمت همه ما و واسطه همه فیوضات الهی هستند، داریم به خوبی واقف شویم و بدانیم که همه نعمت‌ها و برکت‌های الهی به سبب وجود ایشان بر ما جاری شده و بنابراین بی‌توجهی و غفلت نسبت به آن حضرت، ناسپاسی و قدرناشناسی بزرگی است که خداوند به

سادگی از آن نخواهد گذشت.

## ۲. انتظار و آمادگی برای ظهور دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام

در تعدادی از دعاهایی که در ماه مبارک رمضان وارد شده موضوع انتظار و آمادگی برای ظهور مورد توجه قرار گرفته که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۲-۱. دعای افتتاح: یکی از دعاهایی که خواندن آن در هر شب ماه رمضان سفارش شده، دعای افتتاح است. نکته قابل توجه در مورد دعای مذکور این است که بیش از یک سوم آن به دعا برای گشایش و پیروزی قائم آل محمد علیهم السلام؛ درخواست ظهور دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام؛ و نجوای عاشقانه در فراق ولی زمان و شکایت از غیبت و دوری او، اختصاص دارد.

در قسمتی از دعای افتتاح چنین می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَ حَقِّهِ بِمَلَأْنِكَ  
الْمُقَرَّبِينَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ  
وَ الْقَائِمِ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفَهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ...!

خدایا! بر ولی امرت، آن قیام‌کننده مورد آرزو و آن عدالت‌مورد انتظار درود فرست و او را با فرشتگان مقربت در بگیر و با روح القدس یاری کن؛ ای پروردگار جهانیان. خدایا! او را فراخواننده به سوی کتابت و برپاکننده دینت قرار ده و او را بر روی زمین جانشین قرار ده، چنان‌که کسانی را که پیش از او بودند جانشین قرار دادی...!

و باز در همین دعا می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّبِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ...!

خدایا ما به راستی آرزو داریم از تو دولت بزرگمنشی را که به واسطه آن اسلام و اهل آن را عزیزگردانی و نفاق و اهل آن را خوار و ذلیل گردانی و در آن دولت ما را از جمله کسانی قرار دهی که به سوی طاعت تو فرامی خوانند و به راه تو راهبری می کنند به واسطه آن دولت کرامت و بزرگواری را در دنیا و آخرت روزی ما قرار ده...

گفتنی است، این بخش از دعای افتتاح در دعای مفصلی که از امام صادق علیه السلام در هنگام دخول ماه مبارک رمضان وارد شده، نیز آمده است.

۲-۲. دعای حج: یکی دیگر از دعاهای ماه مبارک رمضان که مضمون انتظار و آمادگی برای ظهور در آن موج می زند دعایی است که مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله، در مفاتیح الجنان از آن به عنوان «دعای حج» یاد کرده است.

مرحوم کلینی رحمته الله، این دعا را از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده و خواندن آن در همه ایام مبارک رمضان توصیه نموده است. در بخشی از این دعا چنین می خوانیم:

وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ...!

و از تو می خواهم که مرگ مرا کشته شدن در راه خودت، زیر پرچم پیامبرت و همراه با بندگان خاص خود، قرار دهی، و از تو می خواهم که دشمنانت و دشمنان

۱. ر. ک: مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۹۴، ص ۳۳۲.

۲. کلینی، محمدبن یعقوب، همان، ج ۴، کتاب الصیام، باب ما یقال فی مستقبل شهر رمضان، ص ۷۴، ح ۶؛ همچنین ر. ک: قمی، شیخ عباس، همان.

پیامبرت را به دست من نابود سازی...

چنان‌که برخی مفسران کتاب الکافی گفته‌اند مراد از پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله در این دعا همان پرچمی است که در حال حاضر در اختیار حضرت قائم علیه السلام است. این احتمال هم وجود دارد که چون پرچم پیامبر و پرچم قائم هر دو در حق بودن مشترکند از پرچم قائم به عنوان پرچم پیامبر یاد شده است.<sup>۱</sup>

دعاهای دیگری نیز در این ماه وجود دارد که در آنها به نوعی به موضوع انتظار و آرزوی برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است. دولتی که در پناه آن همه فقرا بی‌نیاز می‌گردند، همه گرسنگان سیر می‌شوند؛ همه برهنگان پوشیده می‌شوند؛ همه بدهکاری‌ها ادا می‌گردد؛ از همه گرفتاران رفع گرفتاری می‌شود و بالاخره همه امور مسلمانان اصلاح می‌گردد.

امیدواریم که در فرصت دیگری بتوانیم با تفصیل بیشتری به بررسی این دعاها بپردازیم.

در پایان یادآوری می‌کنیم که یکی از نشانه‌های اصلی ظهور، یعنی ندای آسمانی نیز در ماه رمضان رخ می‌دهد. چنان‌که در روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده آمده است:

آن ندای آسمانی برنخواهد خاست مگر در ماه رمضان که ماه خداست. آن ندا از جبریل است که خطاب به مردم سر داده می‌شود و نام قائم را در همه جا طنین‌انداز می‌سازد، تا آنجا که همه ساکنان زمین از شرق تا به غرب، آن ندا را خواهند شنید. از وحشت شنیدن آن ندا هر کس که در خواب فرو رفته بیدار می‌شود و هر کس برپا ایستاده ناچار به نشستن می‌شود و هر کس بر زمین نشسته، به ناگاه از جای برمی‌خیزد. پس رحمت الهی بر کسی باد که این ندا را



بشنود و به آن پاسخ گوید.<sup>۱</sup>

امید که خداوند به همه ما توفیق دهد که آن ندای آسمانی را درک کنیم و آن را چنان که شایسته است پاسخ گوئیم و در خیل یاران حضرت مهدی علیه السلام در آییم.  
ان شاء الله

## گفتار سوم: باور مهدوی در کلام رضوی

مژده به ظهور امام مهدی علیه السلام از همان سال‌های آغازین ظهور اسلام آغاز شد و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در هر فرصت و مناسبتی که پیش می‌آمد مردم را به ظهور عدالت‌گستر موعود در آخرالزمان بشارت می‌دادند و آنها را از نسل و تبار، تولد و غیبت، ویژگی‌های ظاهری، نشانه‌های ظهور، شاخصه‌های قیام رهایی‌بخش و مؤلفه‌های حکومت جهانی آن حضرت آگاه می‌ساختند. تا آنجا که امروز ما با صدها روایت که از طریق شیعه و اهل سنت از آن حضرت نقل شده مواجهه‌ایم.<sup>۱</sup>

این سیر پس از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در میان اهل بیت طاهرین او علیهم السلام استمرار یافت و هر یک از ایشان نیز در عصر خود تلاش کردند که باور مهدوی و فرهنگ انتظار را در میان امت اسلامی زنده و پویا نگهدارند و بدین طریق پیروان

---

۱. ر. ک: مؤسسه المعارف الإسلامية، معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۱ و ۲. در این کتاب ۵۶۰ حدیث که از طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده جمع‌آوری شده است که البته این رقم بدون احتساب احادیث مشابه است.

خود را در برابر هجوم مصائب، رنج‌ها، دردها و بلاهای گوناگونی که از سوی حاکمان جور بر آنها روا داشته می‌شد، صبر و پایداری بخشند.

حرکت رو به گسترش معارف مهدوی در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام به اوج خود رسید و آن دو امام بزرگوار ضمن تبیین، تشریح، پالایش و پیرایش آموزه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و فقهی و تحکیم پایه‌های ایمانی پیروان خود، تلاش فراوانی برای توسعه و تعمیق اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار در میان شیعیان نمودند و با به جا گذاردن صدها روایت در این زمینه، این اندیشه و فرهنگ را تازگی و طراوت بیشتری بخشیدند.<sup>۱</sup>

پس از این دو امام و پیش از امام حسن عسکری علیه السلام امامی که بیش از همه بر موارث شیعی در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار افزود و گنجینه‌های گرانبهایی برای امت اسلام به یادگار گذاشت امام رضا علیه السلام است.

براساس پژوهش مؤلف محترم *مسند الإمام رضا علیه السلام*<sup>۲</sup> و تتبع پژوهشگران ارجمند مجموعه ارزشمند *معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام*<sup>۳</sup> افزون بر ۳۰ روایت از امام رضا علیه السلام در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار نقل شده که هر یک از آنها ما را با بعدی از ابعاد بیکران شخصیت امام مهدی علیه السلام و قیام رهایی‌بخش و عدالت‌گستر آن حضرت آگاه می‌سازد.

### ۱. خالی نبودن زمین از حجت‌های الهی

امام رضا علیه السلام در مواضع متعددی با تأکید بر اینکه زمین هیچگاه از حجت الهی و

۱. ر. ک: همان، ج ۴ و ۳. مجموعه روایاتی که در این کتاب از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده، بدون در نظر گرفتن احادیث مشابه، افزون بر ۴۵۰ روایت است.

۲. ر. ک: العطار دی‌الخبوشانی، عزیزالله، *مسند الإمام الرضا علیه السلام*، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۱۶.

۳. ر. ک: *معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام*، ج ۴، ص ۱۷۹-۱۵۳.

امام به حق خالی نمی ماند به طور غیر مستقیم موضوع امامت را تثبیت می کردند. از جمله آن حضرت در پاسخ «سلیمان الجعفری» یا «سلیمان بن جعفر الحمیری» که می پرسد:

تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ؟

آیا زمین از حجت خدا خالی می ماند؟

می فرماید:

لَوَخَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا.<sup>۱</sup>

اگر زمین [به اندازه] یک چشم برهم زدن از حجت خالی بماند، ساکنانش را در خود می برد.

مضمون این روایت از سوی تعدادی دیگر از راویان با تغییرات جزئی در عبارت، نقل شده است.<sup>۲</sup>

براساس این روایت، تا آستانه قیامت زمین از امامی که حجت خداست خالی نخواهد ماند، هر چند که در مقاطعی از تاریخ این حجت الهی بنابر ضرورت‌هایی در غیبت به سر برد.

## ۲. نام و نسب امام مهدی علیه السلام

با توجه به لزوم شناخت امام دوازدهم و لزوم جلوگیری از حیرت و سرگردانی شیعه در شناسایی منجی موعود، امام رضا علیه السلام در احادیث متعددی، گاه به نقل از پدران و اجداد طاهرینش تا رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و گاه بدون نقل از ایشان به

۱. الصقار القمی، محمد بن الحسن بن فزوخ، بصائر الدرجات، ص ۴۸۹، ح ۸.

۲. ر. ک: همان، ص ۴۸۸-۴۸۹، ح ۴، ۶ و ۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۱؛ صدوق، محمد بن علی بن حسین، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۲، ح ۱.

## ۴۱۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

معرفی سلسله نسب آن امام می پرداختند.

از جمله در یکی از روایت‌هایی که امام رضا علیه السلام به واسطه پدران بزرگوار خود از رسول گرام اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند، چنین آمده است:

أَنَا سَيِّدُ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ، عَزَّوَجَلَّ، وَ أَنَا خَيْرٌ مِنْ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَ جَمِيعِ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ، وَ أَنَا صَاحِبُ الشَّفَاعَةِ وَ الْحَوْضِ الشَّرِيفِ وَ أَنَا وَ عَلِيُّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ مَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ، عَزَّوَجَلَّ، وَ مِنْ عَلِيٍّ سِبْطَا أُمَّتِي وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ مِنْ وَدِدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةَ أَلْفِ نَفْسٍ، طَاعَتْهُمْ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ وَ مَهْدِيُّهُمْ.<sup>۱</sup>

من سرور آفریده‌های خدای عزوجل هستم؛ من از جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، حاملان عرش، همه فرشتگان مقرب خدا، و پیامبران مرسل خدا برترم؛ من صاحب شفاعت و حوض شریف [کوثر] هستم. من و علی دو پدر این امتیم؛ هر کس که ما را شناخت خدای عزوجل را شناخته است و هر که ما را انکار کند، خدای عزوجل را منکر شده است. دو سبط این امت و دو سید جوانان اهل بهشت، حسن و حسین، از [فرزندان] علی‌اند. از نسل حسین نه امامند که پیروی از آنان پیروی از من و نافرمانی از آنها نافرمانی از من است. نهمین نفر از این امامان، قائم (برپا دارنده) و مهدی آنان است. آن حضرت در روایت دیگری می‌فرماید:

الْخَلْفُ الصَّالِحُ مَنْ وَدِدِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ هُوَ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَ هُوَ الْمَهْدِيُّ.<sup>۲</sup>

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۴، ص ۲۶۱، ح ۷؛ العطار دی‌الخبوشانی، عزیزالله، همان، ص ۲۲۱، ح ۳۸۵.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۳، ح ۳۱.

آن جانشین صالح از فرزندان ابومحمد حسن بن علی است و او صاحب الزمان و مهدی است.

در روایت دیگری که از امام رضا علیه السلام نقل شده است، آن حضرت پس از آنکه «دعبل» قصیده معروف خود را در وصف اهل بیت علیهم السلام می خواند و در آن از قیام آخرین امام یاد می کند، می فرماید:

يَا دَعْبِلُ الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ  
بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ، الْمَطَاعُ فِي ظُهُورِهِ، لَوْلَمْ يَبْقِ مِنَ  
الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا  
كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا.<sup>۱</sup>

ای دعبل! امام پس از من فرزندانم محمد و پس از محمد فرزندانش علی و پس از علی فرزندانش حسن و پس از حسن فرزندانش حجت قائم است. همو که در غیبتش انتظار کشیده می شود و در ظهورش اطاعت می گردد. اگر از [عمر] دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد خداوند - عزوجل - آن روز را آن قدر طولانی می کند تا او قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند همچنانکه از جور و ستم پر شده بود.

در این زمینه احادیث دیگری نیز از آن حضرت نقل شده که در این مجال فرصت پرداختن به همه آنها نیست.<sup>۲</sup>

### ۳. صفات و ویژگی های امام مهدی علیه السلام

امام هشتم شیعیان علیه السلام در موارد متعددی به توصیف ویژگی های ظاهری و

۱. ر. ک: صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، باب ۳۵، ص ۳۷۲، ح ۶ العطاردی، عزیزالله، همان، ص ۲۲۰، ح ۳۸۴، ص ۲۲۱، ح ۳۸۶.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۳۷۲.

جسمی امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند تا باب هرگونه شبهه و اشتباه را بر مردم ببندند.

از جمله آن حضرت در پاسخ «ریان بن صلت» که می‌پرسد:

أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟

آیا صاحب این امر [حکومت اهل بیت علیهم السلام] شما هستید؟

می‌فرماید:

أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَلَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِثَتْ جَوْرًا، وَ كَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنَظَرِ الشَّبَابِ، قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا، وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَكَتْ صُخُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ عليه السلام، ذَلِكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يُغَيِّبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ قَيْمَلًا [بِهِ] الْأَرْضَ قَسْطًا وَ عَدْلًا. كَمَا مُلِثَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.<sup>۱</sup>

من صاحب این امر هستم، اما آنکه زمین را پر از عدل می‌کند همچنانکه پر از جور شده‌بود، من نیستم. و چگونه من با این ناتوانی جسمی که می‌بینی می‌توانم او باشم. به درستی که قائم کسی است که به هنگام قیامش در سن پیرمردان و با چهره جوانان ظاهر می‌شود. او از چنان قوت بدنی برخوردار است که اگر دستش را به سمت بزرگ‌ترین درختی که بر روی وجود دارد دراز کند آن را از ریشه برمی‌کند و اگر در بین کوه‌ها فریاد کشد، صخره‌ها متلاشی می‌شوند. عصای موسی و خاتم سلیمان، که بر آنها درود باد، با اوست و او چهارمین فرزند من است. خداوند او را تا زمانی که بخواهد در پوشش خود غایب می‌سازد، سپس او را آشکار می‌سازد تا زمین را به وسیله او از قسط و عدل آکنده سازد آنچنانکه [پیش از آن] از جور و ستم پر شده بود.

همچنین آن حضرت در پاسخ «ابی صلت هروی» که می‌پرسد:

مَا عَلَامَاتُ الْقَائِمِ مِنْكُمْ إِذَا خَرَجَ؟

نشانه‌های قائم شما به هنگام ظهور چیست؟

می‌فرماید:

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ، شَابَ الْمَنْظَرِ، حَتَّى أَنْ النَّاطِرَ إِلَيْهِ لِيُحْسَبَهُ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي، حَتَّى يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ.<sup>۱</sup>

نشانه او این است که سن پیران و چهره جوانان دارد، تا آنجا که وقتی کسی او را مشاهده می‌کند گمان می‌برد که چهل سال یا کمتر سن دارد. به درستی که از نشانه‌های او این است که گذر شب و روز او را پیر و سالخورده نمی‌سازد تا زمانی که اجل او فرا رسد.

آن حضرت در روایت دیگری به توصیف جمال نورانی امام دوازدهم پرداخته، می‌فرماید:

بِأَبِي وَ أُمِّي سَمِيَّ جَدِّي، عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ شَبِيهِي وَ شَبِيهٌ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ.<sup>۲</sup>

پدر و مادرم به فدای او که همانم جدم، شبیه من و شبیه موسی بن عمران است. بر او نوارهای نورانی است که از پرتو نور قدس روشنایی می‌گیرد.

#### ۴. غیبت و نهان‌زیستی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز چون دیگر اجداد طاهرینش موضوع غیبت آخرین حجت حق را پیش‌بینی و شیعیان را برای برخورد با این پدیده آماده نمود. است. در یکی از

۱. همان، ص ۶۵۲، ح ۱۲.

۲. همان، ص ۳۷۰.



روایاتی که «حسن بن علی بن فضال» از آن حضرت نقل کرده، در این زمینه چنین می‌خوانیم:

كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِي كَأَلْتَمَّ يَطْلُبُونَ المَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ. قُلْتُ لَهُ: وَ لَمْ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ، فَقُلْتُ: وَ لِمَ؟ قَالَ: لِثَلَا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ.<sup>۱</sup>

گویا شیعیان را می‌بینم که به هنگام فقدان سومین فرزند من،<sup>۲</sup> مانند گوسفندانی که به دنبال چوپان خود می‌گردند سرگردانند و او را نمی‌یابند. گفتم: چرا این‌گونه است، ای پسر رسول خدا؟ فرمود: زیرا امامشان از آنها غایب شده است. پرسیدم: چرا؟ فرمود: برای اینکه به هنگام قیامش با شمشیر، بیعت هیچکس برگردنش نباشد.

آن حضرت در روایت دیگری به نقل از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الإِمَاءِ ابْنِ النَّوْبِيَّةِ الطَّيِّبَةِ الفَمِّ، المُنْتَجِبَةِ الرَّحِمِ... وَ هُوَ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ المَوْتُورُ بِأَبِيهِ وَ جَدِّهِ، صَاحِبُ الغَيْبَةِ يُقَالُ مَاتَ أَوْ هَلَكَ، أَيْ وَادٍ سَلَكَ؟<sup>۳</sup>

پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان، فرزند آن [کنیز] اهل نوبه<sup>۴</sup> که دهانی خوشبو و رحمی نیک‌نژاد دارد. او رانده شده (دور افتاده)، بی‌خانمان و کسی است که انتقام خون پدر و جدش گرفته نشده و صاحب غیبت است. گفته می‌شود: او مرده یا هلاک شده است، در چه سرزمینی سیر می‌کند؟

همچنین امام هشتم شیعیان علیه السلام در زمینه غیبت آخرین امام، به نقل از پدران

۱. همان، ص ۴۸۰، ح ۴.

۲. ظاهراً در اینجا از سوی راوی یا کسانی که از او نقل کرده‌اند اشتباهی رخ داده است؛ چرا که امام مهدی علیه السلام چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام محسوب می‌شود نه سومین فرزند.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳، ح ۱۴؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۰، ۲۱، ح ۷.

۴. «نوبه» ولایتی از بلاد سودان از اقلیم اول، به جنوبی مصر برکنار رود نیل... هم‌اکنون نیمی از سرزمین نوبه جزو مملکت مصر و نیم دیگر جزو سودان است (دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، ج ۱۴، ص ۲۰۱۵۸-۲۰۱۵۷). مراد از کنیز اهل نوبه (نوبیه) مادر امام جواد علیه السلام است.

بزرگوار خود از رسول اکرم ﷺ چنین روایت می‌کند:

و الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُغَيِّبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي بِعَهْدٍ مَعْهُودٍ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولُ أَكْثَرُ النَّاسِ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ، وَ يَشْكُ آخَرُونَ فِي وِلَادَتِهِ. فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ وَلَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكِّهِ فَيَزِيلُهُ عَنْ مِلَّتِي وَ يُخْرِجُهُ عَنْ دِينِي، فَقَدْ أَخْرَجَ أَبُو نِيكُم مِّنَ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلُ، وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ.<sup>۱</sup>

سوگند به آنکه مرا به حق به عنوان بشارت دهنده برگزید، [امام] قائم از فرزندان من، براساس پیمانی که از جانب من برعهده اوست، از دیده‌ها پنهان می‌شود تا آنجا که بیشتر مردم می‌گویند: خدا نیازی به خاندان محمد ندارد. و گروهی دیگر در ولادت او شک می‌کنند. پس هر کس زمان او را دریابد بایستی به دین او درآویزد و به واسطه شک خود برای شیطان راهی به سوی خود باز نسازد، تا شیطان او را از آئین من زائل و از دین من بیرون نکند. همچنانکه پیش از این پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. به درستی که خداوند - عزوجل - شیطان را سرپرست (ولتی) کسانی که ایمان ندارند، قرار داده است.

## ۵. فضیلت انتظار امام مهدی ﷺ

موضوع دیگری که در زمینه باور مهدوی در کلام امام رضا علیه السلام یافت می‌شود، موضوع «انتظار فرج» یا چشم به راه گشایش بودن است. آن حضرت در روایات متعددی به موضوع فضیلت انتظار فرج اشاره کرده‌اند. از جمله در روایتی خطاب به «حسن بن جهم» که از ایشان در مورد «فرج» می‌پرسد، می‌فرماید:

أَوْلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ انْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ؟ قُلْتُ: لَا أَدْرِي إِلَّا أَنْ تُعَلِّمَنِي. فَقَالَ: نَعَمْ

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۱، ص ۵۱.

### إِنْتَظِرُ الْفَرَجَ مِنَ الْفَرَجِ<sup>۱</sup>

آیا می‌دانی که انتظار فرج [جزیی] از فرج است؟ گفتیم: نمی‌دانم مگر اینکه شما به من بیاموزید. فرمود: آری انتظار فرج، جزیی از فرج است.

در روایت دیگری نیز می‌فرماید:

مَا أَحْسَنُ الصَّبْرُ وَ إِنْتَظِرُ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ: «وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ»<sup>۲</sup> «وَ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»<sup>۳</sup> فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ وَ قَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ...<sup>۴</sup>

چه نیکوست صبر و انتظار فرج، آیا سخن بنده صالح خدا [شعیب] را نشنیدی که فرمود: «و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم» و «پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم»، بر شما باد به صبر و بردباری؛ چرا گشایش بعد از ناامیدی فرا می‌رسد و به تحقیق کسانی که پیش از شما بودند از شما بردبارتر بودند.

و بالاخره در روایت بسیار زیبایی فضیلت انتظار را این‌گونه بیان می‌کنند:

... أَمَا يَرْضَى أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ فِي بَيْتِهِ يُنْفِقُ عَلَى عِيَالِهِ يَنْتَظِرُ أَمْرًا فَإِنْ أَدْرَكَهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، بَدْرًا، وَ إِنْ لَمْ يُدْرِكْهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ قَائِمِنَا فِي فُسْطَاطِهِ...<sup>۵</sup>

... آیا هیچیک از شما خوش ندارد که در خانه خود بماند، نفقه خانواده‌اش را بپردازد و چشم به راه امر ما باشد؟ پس اگر در چنین حالی از دنیا برود مانند کسی است که به

۱. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۲۷۶؛ مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۹.

۲. سوره هود (۱۱)، آیه ۹۳.

۳. سوره اعراف (۷)، آیه ۷۱.

۴. الحمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۲۲۴، به نقل از: العطار دی، عزیزالله، همان، ص ۲۱۷، ح ۳۷۳.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۳۴.

همراه رسول خدا ﷺ در [نبرد] بدر به شهادت رسیده است. و اگر هم مرگ به سراغ او نیاید مانند کسی است که به همراه قائم ما و در خیمه او باشد.

### ۶. ظهور امام مهدی علیه السلام

موضوع دیگری که در روایات رضوی به آن پرداخته شده، موضوع ظهور امام مهدی و آثار و پیامدهای آن است. از جمله در روایتی که «حسین بن خالد» آن را نقل می‌کند آن حضرت در پاسخ این پرسش که:

یا ابن رسول الله و من القائم منکم اهل البیت؟

ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟

می‌فرماید:

قال الرابع من ولدي ابن سيده الإمام، يطهر الله به الأرض من كل جورٍ و يقدها من كل ظلم، [و هو] الذي يشك الناس في ولادته و هو صاحب الغيبة قبل خروجه. فإذا خرج أشرق الأرض بنوره [بنور ربها] و وضع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم أحدٌ أحدًا، و هو الذي تطوى له الأرض و لا يكون له ظلٌ و هو الذي ينادي منادٍ من السماء يسمعه جميع أهل الأرض بالدعاء إليه يقول: «ألا إن حجة الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوا فإن الحق معه و فيه» و هو قول الله عز وجل: «إن نشأ نزل عليهم من السماء آية فظلت أعناقهم لها خاضعين»<sup>۱</sup>.

چهارمین از فرزندان من، فرزند سرور کنیزان، کسی است که خداوند به واسطه وی زمین را از هر ستمی پاک و از هر ظلمی پیراسته می‌سازد و او کسی است که مردم در ولادتش شک می‌کنند و او کسی است که پیش از خروجش غیبت می‌کند و آنگاه که

۱. سوره شعرا (۲۶)، آیه ۴.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، همان، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۵.

خروج کند زمین به نورش [نور پروردگارش] روشن گردد و در میان مردم میزان عدالت را برقرار کند و هیچکس به دیگری ستم نکند و او کسی است که زمین برای او درهم پیچیده می شود و سایه ای برای او نباشد و او کسی است که از آسمان ندا کننده ای او را به نام ندا کند و به سوی او فراخواند به گونه ای که همه اهل زمین آن ندا را بشنوند، می گوید: «آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظهور کرده است پس او را پیروی کنید که حق با او و در اوست» و این همان سخن خدای تعالی است که فرمود: «اگر بخواهیم از آسمان برایشان آیتی نازل می کنیم که در برابر آن به خضوع سرفروود آورند».

#### ۷. دعا به امام مهدی علیه السلام

میان امام رضا علیه السلام و امام مهدی علیه السلام آنچنان پیوند قلبی وجود داشته که آن حضرت از سالها پیش از تولد نسل چهارم خود با بیانهای متعدد و متفاوت او را دعا کرده و نصرت و یاریش را از خداوند طلب کرده است. در یکی از این دعاها چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حُقَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ آيَدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبَدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لِأَيْشِرِكَ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيكَ سُلْطَانًا وَ ائِذْنٌ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْني مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>۱</sup>

خداوند! [امور] بنده و جانشینات را اصلاح کن، آنچنان که [امور] پیامبران و رسولات

۱. معجم احادیث الإمام المهدي علیه السلام، ح ۴، ص ۱۷۱؛ به نقل از: طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد، ص ۳۲۶.

## باور مهدی در کلام رضوی ■ ۴۲۵

را اصلاح کردی؛ او را با فرشتگان در برگیر و با روح القدس از جانب خودت یاری کن؛ در پشت سر و پیش روی نگهبانانی قرار ده که او را از بدی در امان دارند؛ بیم و نگرانی او را تبدیل به امنیت و آرامش کن تا تنها تو را بپرستد و کسی را برای تو شریک نگیرد؛ هیچیک از آفریدگانت را بر ولتات مسلط مساز؛ اجازه جهاد با دشمنان تو و دشمنان خودش را به او عطا کن و مرا از یاران او قرار ده؛ چرا که تو بر همه چیز توانایی.

## گفتار چهارم: موضوعاتی برای پژوهش

برای پاسخ‌گویی به نیازهای نوشونده جامعه اسلامی در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار لازم است که هر روز پژوهش‌ها و تحقیقات تازه‌ای در این زمینه صورت گیرد. از این رو در پایان این کتاب موضوعاتی را برای استفاده همه عزیزانی که علاقه‌مند به پژوهش و تحقیق هستند پیشنهاد می‌کنیم.

با امید به آنکه جامعه ما هر روز شاهد آرایه اثر پژوهشی تازه‌ای در زمینه مهم‌ترین باور اعتقادی شیعه باشد.

۱. آخرالزمان‌گرایی در اقوام و ملل مختلف (ریشه‌ها، پیامدها، مظاهر و مصادیق)؛
۲. آخرالزمان (مفهوم، ویژگی‌ها، جایگاه در معارف اسلامی، وظایف مسلمین در این دوران)؛

۳. آخرین دولت (بررسی شکست تجربه‌های مختلف بشر در طول تاریخ برای رسیدن به صلح، عدالت، امنیت و رفاه و ضرورت تأسیس دولت مهدوی، به عنوان آخرین دولت، برای تحقیق این آمال)؛

۴. آسیب‌شناسی باور مهدوی و فرهنگ انتظار (در طول تاریخ و در عصر حاضر از ناحیه عوام و روشنفکران)؛
۵. آمادگی برای ظهور (مفهوم، ضرورت، چگونگی)؛
۶. امید به آینده و نقش آن در زندگی انسان‌ها (از دیدگاه روان‌شناسی و آموزه‌های دین اسلام)؛
۷. انتظار (مفهوم، ویژگی‌ها، فضیلت‌ها، آثار فردی و اجتماعی، آسیب‌ها)؛
۸. انتظار و دیدگاه‌ها (نقد و بررسی با توجه به دیدگاه امام راحل)؛
۹. انس و ارتباط معنوی به امام زمان علیه السلام (مفهوم، ضرورت، فواید و آثار، چگونگی، راهکارها و آسیب‌ها)؛
۱۰. بیم‌ها و امیدها در عصر حاضر (بررسی مظاهر مختلف ظلم و فساد و تباهی در جهان از یک سو، و جلوه‌های مختلف گرایش به دین، موعودگرایی، معنویت خواهی و... از سوی دیگر)؛
۱۱. تجدید عهد و پیمان با امام زمان (مفهوم، ضرورت، فواید و آثار چگونگی)؛
۱۲. تربیت نسل منتظر (ضرورت، چگونگی، راهکارها و آسیب‌ها)؛
۱۳. تکالیف و وظایف منتظران (ضرورت توجه به آنها، مصادیق فردی و اجتماعی، مرجع‌شناسایی)؛
۱۴. توسل به امام زمان (مفهوم، ضرورت، فواید و آثار، چگونگی، راهکارها و آسیب‌ها)؛
۱۵. توقیعات امام زمان (مفهوم، تاریخچه صدور، موضوع و مصادیق)؛
۱۶. تولد امام زمان (زمان و مکان، شاهدان تولد، دلایل پنهانی بودن تولد، پاسخ به شبهات)؛
۱۷. جریان‌شناسی منجی‌گرایی در ایران (بررسی جریان‌های صحیح و انحرافی که



بر محور مهدویت در تاریخ ایران شکل گرفته‌اند؛

۱۸. جشن‌ها و مراسم نیمه شعبان (فلسفه و کارکرد، آسیب‌شناسی، پیشنهادها)؛
۱۹. جوانان و امام زمان علیه السلام (وظایف در عصر غیبت، جایگاه در عصر ظهور به عنوان یاران حضرت با توجه به تأکید روایات بر جوان بودن بیشتر یاران حضرت مهدی علیه السلام، از یک سو، و جوان بودن جامعه ایران، از سوی دیگر)؛
۲۰. جهان در آستانه ظهور (بررسی بحران‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و زیست‌محیطی... حاکم بر جهان با توجه به روایات مربوط به آخرالزمان)؛
۲۱. جهان در عصر ظهور (وضعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی جهان پس از ظهور)؛
۲۲. حجت خدا (مفهوم، ضرورت وجود، جایگاه و نقش در عالم هستی)؛
۲۳. حکومت امام مهدی علیه السلام (گستره، ویژگی‌ها، حاکمان، تفاوت آن با دیگر حکومت‌ها)؛
۲۴. خصال و ویژگی‌های امام مهدی (نام‌ها و القاب، ویژگی‌های ظاهری، خصال اخلاقی)؛
۲۵. دعا برای سلامتی امام زمان (مفهوم، ضرورت، مصادیق و نمونه‌ها، اوقات)؛
۲۶. دولت کریمه (مفهوم، ویژگی‌ها، مصداق)؛
۲۷. دیدار امام زمان علیه السلام (مفهوم، شرایط، دیدار کنندگان، هشدارها)؛
۲۸. رجعت (مفهوم، دلایل و مستندات، رجعت کنندگان، ارتباط آن با ظهور امام مهدی علیه السلام)؛
۲۹. زمینه‌سازی برای ظهور (مفهوم، ضرورت، نقش مردم، نقش حکومت، دیدگاه امام خمینی)؛

## ۴۳۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

۳۰. زنان در آخرالزمان (خصال و ویژگی‌های مثبت و منفی آنان، هشدارها)؛
۳۱. زنان در عصر ظهور (نقش آنان در ظهور و پس از آن، ارتقای جایگاه و شخصیت آنان پس از ظهور)؛
۳۲. زیارت امام زمان (ضرورت، مصادیق و نمونه‌ها، اوقات)؛
۳۳. سینما و آخرالزمان (بررسی و تحلیل فیلم‌های آخرالزمانی در سینمای هالیوود، اهداف و انگیزه‌ها از ساخت آنها)؛
۳۴. شب نیمه شعبان (فضیلت، آداب و اعمال)؛
۳۵. ظلم و بی‌عدالتی در جهان (مظاهر مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... و ناکارآمدی ساختارهای موجود برای پایان دادن به آنها)؛
۳۶. ظهور امام زمان علیه السلام (مفهوم، ضرورت، ویژگی‌ها، آثار و پیامدهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و...)
۳۷. عدالت مهدوی (مفهوم، ضرورت، ابعاد و ارکان، نسبت آن با عصر حاضر)؛
۳۸. غرب و آخرالزمان (دلایل، زمینه‌ها و انگیزه‌های گرایش غرب به این موضوع، تأثیر آن در استراتژی سیاسی و نظامی آن)؛
۳۹. غرب و مقابله با باور مهدوی شیعیان (تاریخچه، عرصه‌های مقابله، اعم از فرهنگی، سیاسی، نظامی و...)
۴۰. غیبت (تاریخ، اقسام، نقش و جایگاه نایبان چهارگانه امام عصر علیه السلام)
۴۱. غیبت (مفهوم، حکمت و فلسفه، نقش مردم در تحقق و خاتمه آن، آثار و پیامدها)؛
۴۲. مدعیان مهدویت (در طول تاریخ و در ایران و جهان، زمینه‌ها و انگیزه‌ها)؛
۴۳. مساجد، مقام‌ها و اماکن مرتبط با امام مهدی علیه السلام (مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد جمکران، مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام در قم، سرداب مقدس سامرا، مقام

## موضوعاتی برای پژوهش ■ ۴۳۱

- صاحب الزمان در کربلا، مقام حضرت مهدی در قبرستان وادی السلام نجف و...)
۴۴. مسیحیت صهیونیستی و آخرالزمان (تاریخچه، اهداف، نموده‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی)؛
۴۵. منابع و مصادر اولیه فرهنگ و معارف مهدی (معرفی کتاب، نویسنده و جایگاه اثر در مجموعه معارف مهدوی، نقد و بررسی)؛
۴۶. منجی‌گرایی در ادیان و مکاتب (پیشینه تاریخی، دلایل و انگیزه‌ها مصادیق و نمونه‌ها)؛
۴۷. منکران منجی‌گرایی (نقد و بررسی دیدگاه کسانی که اعتقاد به منجی را صرفاً امری اسطوره‌ای و غیرمبتنی بر واقعیات تلقی می‌کنند)؛
۴۸. موعود اهل ایمان (اسلام، مسیحیت، یهود، زرتشت و...)
۴۹. موعود در قرآن (بررسی آیاتی که به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه تأویل و تفسیر شده‌اند).
۵۰. نایبان چهارگانه امام عصر (جایگاه نیابت و وکالت در سازمان امامت، فلسفه انتخاب، نقش‌ها و مسئولیت‌ها، تاریخ زندگی، چگونگی ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه)؛
۵۱. نشانه‌های ظهور (مفهوم، فلسفه تعیین دسته‌بندی‌ها، مصادیق، هشدارها)؛
۵۲. نظریه‌ها درباره جهان آینده و آینده جهان (بررسی نظریه‌های مک‌لوهان، تافلر، فوکویاما، هانتینگتون و... نقد آنها از دیدگاه اسلامی)؛
۵۳. نقش امام زمان در زندگی انسان‌ها (مفهوم، مصادیق مختلف آن؛ همچون: هدایت، تربیت، فریادرسی، مشکل‌گشایی، رساندن روزی مادی و معنوی به انسان‌ها و...)
۵۴. نقش فرهنگ انتظار در جنبش‌های اجتماعی - سیاسی ایران (از سربداران تا انقلاب اسلامی)؛
۵۵. نیاز به منجی (بررسی ریشه‌های منجی‌گرایی از دیدگاه دین‌شناختی،

## ۴۳۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و ...؛

۵۶. ولایت امام عصر علیه السلام (مفهوم، مظاهر، چگونگی اعمال آن در عصر غیبت،

راه‌های بهره‌مندی شیعیان از آن)؛

۵۷. یاران امام زمان علیه السلام (تعداد، ویژگی‌های جسمی و روحی، نحوه‌گزینش و

انتخاب، طبقات)؛

### توضیح:

الف) عناوینی که در مقابل هر موضوع ذکر شده، سر فصل‌هایی است که در قالب

موضوع کلی مورد نظر باید بدان‌ها پرداخته شود.

ب) بسیاری از این موضوعات را می‌توان در منابعی که در قسمت‌های مختلف این

کتاب معرفی شده ردیابی و جست‌وجو کرد.

## كتابنا مه

١. ابن صباغ المالكي، نورالدين، على بن محمد، الفصول المهمة في معرفة الأئمة عليهم السلام، نجف، مكتبة دارالكتب، [بي تا].
٢. ابن طاووس، سيد على بن موسى، إقبال الأعمال، بيروت، مؤسسه الأعلمي للمطبوعات، ١٤١٧ق.
٣. ———، مصباح الزائر، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، لإحياء التراث، ١٤١٧ق.
٤. ———، الملاحم والفتن في ظهور الغائب المنتظر، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٤٠٨ق.
٥. ———، الملاحم والفتن، مترجم، محمد جواد نجفي، تهران، كتاب فروشي اسلاميه، [بي تا].
٦. ابن حماد المروزي، ابو عبدالله نعيم، الفتن، تحقيق سهيل زكار، چاپ اول: بيروت، دارالفكر، ١٤٢٩ق.
٧. ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، ١٥+٣ج، چاپ اول: بيروت، داراحياء التراث العربي و مؤسسة التاريخ العربي، ١٤١٦ق.

## ۴۳۴ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

- ۸ اکتار، عدنان، تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا، مترجم نصیر صاحب خلق، چاپ اول، تهران، هلال، ۱۳۸۴.
۹. الإربلی، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، ۳ ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. امام خمینی، سیدروح الله الموسوی، شؤون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، چاپ اول: تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۱. ———، کتاب البیع، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۴ ق.
۱۲. امین، سید محسن، سیره معصومان، ترجمه علی حجتی کرمانی، ۶ ج، چاپ اول: تهران، سروش، ۱۳۷۴.
۱۳. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ هجدهم: قم، شفق، ۱۳۷۸.
۱۴. «انسان و جهان آینده»، گفت و گو با حجة الاسلام والمسلمین سید محمد مهدی میرباقری، موعود، سال هفتم، شماره ۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، سال هشتم، شماره ۴۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳.
۱۵. باقری، خسرو، «آسیب شناسی تربیتی مهدویت»، مجله انتظار، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۱۶. بحرانی الحسینی، السیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب العلمیه.
۱۷. ———، سیمای حضرت مهدی (ع)، در قرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.
۱۸. البرهان الفوری، علی بن حسام الدین المتقی، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ۱۶ ج، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. البدری، سید سامی، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، مترجم ناصر ربیعی، چاپ

اول: [قم] انوارالهدی، ۱۳۸۰.

۲۰. بنی هاشمی، سید محمد، معرفت امام عصر علیه السلام، چاپ اول: تهران، نیک معارف ۱۳۷۵.

۲۱. پور امینی، محمد، جوانان، یاوران مهدی علیه السلام، چاپ اول: تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۷۹.

۲۲. پورسید آقایی، مسعود [و دیگران]، تاریخ عصر غیبت: نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم (عج)، چاپ دوم، قم: حضور، ۱۳۸۳.

۲۳. پور طباطبائی، سید مجید، در جست و جوی قائم: معرفی ۱۸۵۲ جلد کتاب پیرامون احوالات حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان علیه السلام، چاپ اول: قم، مسجد مقدس صاحب الزمان قم (جمکران)، ۱۳۷۰.

۲۴. «جایگاه امام معصوم علیه السلام در نسبت با کل هستی»، گفت و گو با آیت الله محمد علی گرامی، موعود، سال اول، شماره ۲، خرداد و تیر ۱۳۷۶، شماره ۳، مرداد و شهریور ۱۳۷۶.

۲۵. جُرّ، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، ۲ ج، چاپ نهم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۲۶. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، چاپ سوم: قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲.

۲۷. جوادی آملی، [عبدالله]، «این ماییم که غایبیم»، موعود، سال نهم، شماره ۴۸، آبان ۱۳۸۳.

۲۸. حائری یزدی، شیخ علی، چهره درخشان امام زمان (ترجمه إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب علیه السلام)، مترجم: سید محمد جواد مرعشی نجفی، ۳ ج، چاپ اول: قم، علمیه، ۱۳۹۹-۱۴۰۱ ق.

## ۴۳۶ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

۲۹. الحاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث.
۳۰. خَرَّ عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ۷ ج، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، مترجم احمد جنتی، چاپ اول: تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۶.
۳۱. الحزائی، حسن بن علی بن حسین بن شعبة، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ دوم: قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.
۳۲. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، مترجم سید محمد تقی آیت اللهی، چاپ دوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۳۳. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، چاپ نوزدهم: تهران، آفاق، ۱۳۷۵.
۳۴. \_\_\_\_\_، عصر زندگی (چگونگی آینده انسان و اسلام)، چاپ اول: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
۳۵. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)، چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.
۳۶. الحمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، تحقیق مؤسسه ال لابیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.
۳۷. خادمی شیرازی، محمد، مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیة الله علیه السلام، چاپ دوم: قم، رسالت، ۱۳۷۷.
۳۸. \_\_\_\_\_، نشانه های ظهور او، چاپ اول، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸.
۳۹. \_\_\_\_\_، رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی علیه السلام، چاپ دوم: [قم]، مؤلف، ۱۴۱۱ ق.
۴۰. خوانساری، جمال الدین، شرح غرر الحکم و درر الکلم، مقدمه و تصحیح



- میرجلال‌الدین حسینی ارموی، چاپ اول: تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
۴۱. الخوری الشرتونی، سعید، *أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد*، ۳ ج، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. دستغیب، سید عبدالحسین، *گناهان کبیره*، ۲ ج در یک مجلد، چاپ سیزدهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.
۴۳. دهخدا، علی‌اکبر، *لغتنامه*، چاپ اول از دوره جدید: تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۴۴. راز و نیاز منتظران: *دعاهای زیارت‌ها و نمازهای ویژه حضرت صاحب‌الزمان*، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.
۴۵. رازی، محمد، *تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی موعود* (ترجمه کتاب الغیبه شیخ طوسی)، چاپ اول: تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۰.
۴۶. راغب اصفهانی، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق ندیم مرعشی، بیروت، دار الکلمات العربی، ۱۳۹۲ ق.
۴۷. الرفاعی، عبدالجبار، *معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت*، ج، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۴۸. رکنی، محمد مهدی، *نشانی از امام غایب، عجل الله تعالی فرجه، بازنگری و تحلیل توقیعات*، چاپ سوم: مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۴۹. السادة، مجتبی، *شش ماه پایانی (تقویم حوادث شش ماهه پیش از ظهور)*، مترجم محمود مطهری‌نیا، چاپ اول: تهران، موعود عصر (ع)، ۱۳۸۲.
۵۰. سلیمان، کامل، *روزگار‌هایی (ترجمه یوم‌الخلاص)*، ۲ ج، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

## ۴۳۸ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

۵۱. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، «آخر الزمان شناسی در آثار اسلامی» مندرج در کتاب پیشگویی‌ها و آخر الزمان (مجموعه مقالات) چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۲.
۵۲. شفیعی سروسستانی، اسماعیل، درآمدی بر استراتژی انتظار، ۲ ج در یک مجلد، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.
۵۳. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، چاپ دوم: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۵۴. شهیدی، جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵۵. ———، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، چاپ چهارم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.
۵۶. شیرازی، سید حسن، کلمة الإمام المهدی علیه السلام، مترجم سید حسن افتخارزاده سبزواری، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۴۰۷ ق.
۵۷. صاحب خلق، نصیر، پروتستانتیزم، پیوریتانیزم و مسیحیت صهیونیستی، چاپ اول: تهران، هلال، ۱۳۸۳.
۵۸. صادقی، محمد، «تأملی در روایت‌های علائم ظهور»، فصلنامه انتظار، ش ۸، ۹ و ۱۰، تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
۵۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، امامت و مهدویت، ۲ ج، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.
۶۰. ———، معرفت حجت خدا (شرح دعای اللهم عرفنی نفسک)، چاپ اول: قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵.
۶۱. ———، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، ۳ ج، چاپ اول: قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ ق.

۶۲. الصفار القمی، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، چاپ اول: قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۶۳. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام)، ۲۱ ج، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۶۴. صدر، السید محمد، تاریخ الغیبة الصغری، چاپ اول: بیروت، دارالتعارف، ۳۹۲ ق.
۶۵. \_\_\_\_\_، تاریخ الغیبة الکبری، دارالتعارف، ۱۳۹۵ ق.
۶۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین (ابن بابویه)، کمال الدین و تمام النعمة، ۲ ج، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم منصور پهلوان، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۶۷. \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمة، ۲ ج در یک مجلد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
۶۸. \_\_\_\_\_، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲ ج، تحقیق مؤسسه الإمام الخمینی (ره)، چاپ اول: مشهد، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۶۹. ضمیری، محمدرضا، رجعت یا بازگشت به جهان: بررسی جامع مفهوم رجعت از دیدگاه عقل و نقل، چاپ اول: موعود عصر، ۱۳۷۸.
۷۰. طارمی، حسن، رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث، چاپ نهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
۷۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ ج، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷۲. \_\_\_\_\_، تفسیر المیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، ۲۰ ج، چاپ اول: تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر

## ۴۴۰ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

- فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۷۳. طبرسی، فضل بن حسن (امین الإسلام طبرسی)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، آج، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول: قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۷ق.
۷۴. \_\_\_\_\_، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ۱۰ ج در ۵ مجلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق.
۷۵. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، *الإحتجاج*، تحقیق ابراهیم البهادری، محمد هادی به، به اشراف: جعفر سبحانی، ۲ ج، چاپ اول: قم، اسوه، ۱۴۱۳.
۷۶. طبرسی، محمد جواد، *زنان در حکومت امام زمان (ع)*، چاپ چهارم: تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (ع)، ۱۳۷۹.
۷۷. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المتهدج*، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۷۸. \_\_\_\_\_، *کتاب الغیبة*، تحقیق عبادالله الطهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم: قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ق.
۷۹. \_\_\_\_\_، *کتاب الغیبة*، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه. [بی تا].
۸۰. \_\_\_\_\_، *الفهرست*، تحقیق جواد القیومی، قم، نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق.
۸۱. طهرانی، شیخ آقا بزرگ، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، ۲۴ ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، بی تا.
۸۲. عسکری، نجم الدین جعفر بن محمد، *المهدی الموعود المنتظر عند علماء أهل السنة والإمامیة*، ۲ ج، چاپ اول: تهران، مؤسسه الإمام المهدی، ۱۳۶۰.
۸۳. عطار دی الخبوشانی، عزیزالله، *مسند الإمام الرضا علیه السلام*، ۴ ج، چاپ اول: مشهد، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۸۴. علامه مهری، سید مصطفی، *مهدی موعود (عج) یارانی اینگونه دارد*، چاپ اول:

قم، علامه بحرانی، ۱۳۸۰.

۸۵. ———، «الگوهای برای چگونه بودن»، موعود، سال هشتم، شماره ۵۱،

اسفند ۱۳۸۳، سال نهم، شماره ۵۲، فروردین ۱۳۸۴.

۸۶ عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۲ ج، چاپ پنجم: تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.

۸۷ العمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس: کاوشی در قلمرو موعودشناسی و

مهدی باوری، مترجم: مهدی علیزاده، چاپ اول: قم، مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.

۸۸ غروی، محمد، المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام، ۳ ج، چاپ اول: قم،

مؤلف، ۱۴۱۴ ق.

۸۹ غفارزاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان (عج)، چاپ

اول: قم، نبوغ، ۱۳۷۵.

۹۰. فقیه ایمانی، مهدی، شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی، چاپ اول: قم،

مؤلف، ۱۴۱۲.

۹۱. فیض الإسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].

۹۲. الفیومی، احمد بن محمد بن علی المقرئ، مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر

للرافعی، ۲ ج در یک مجلد، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۹۳. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (ترجمه الإمام

المهدی علیه السلام من المهد إلى الظهور)، ترجمه حسین فریدونی، چاپ اول: تهران،

آفاق، ۱۳۷۶.

۹۴. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۹۵. ———، منتهی الآمال، ۲ ج، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۳.

۹۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ ج، چاپ اول: بیروت، مؤسسه الأعلمی

## ۴۴۲ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.

۹۷. قندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، *ینایع المودة*، ۳ ج، چاپ اول: تهران، اسوه، ۱۴۱۶ ق.

۹۸. قیومی اصفهانی، جواد، *صحيفة المهدي*، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.

۹۹. کفعمی، تقی‌الدین ابراهیم بن علی، *المصباح*، تهران، ۱۳۴۹.

۱۰۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ۸ ج، چاپ چهارم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.

۱۰۱. ———، *اصول کافی (اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و علمی)*، ۴ ج، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.

۱۰۲. کورانی، علی، *عصر ظهور*، ترجمه کتاب *عصر الظهور*، مترجم، عباس جلالی، چاپ پنجم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۰۳. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، *فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام*: ترجمه کتاب *موسوعة کلمات الإمام الحسين علیه السلام*، چاپ ششم: قم، معروف و مشرقین، ۱۳۸۱.

۱۰۴. مجتهدی، سید مرتضی، *صحیفه مهدیه: مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت‌هایی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده و یا...*، ترجمه محمدحسین رحیمیان، چاپ سوم: قم، الماس، ۱۳۸۱.

۱۰۵. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ۱۰ ج، چاپ سوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۰۶. ———، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، ۲۶ ج + ۲ ج مقدمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.

۱۰۷. محمدی، محمد تقی، «سیمای یاران حضرت مهدی علیه السلام»، موعود، سال هفتم، شماره ۴۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۲.
۱۰۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، (همراه با ترجمه فارسی)، ترجمه حمیدرضا شیخی، ۱۵ ج، چاپ دوم: قم، دارالحديث، ۱۳۷۷.
۱۰۹. مدیر شانه چپی، کاظم، علم الحديث و درایة الحديث، ۲ ج در یک مجلد، چاپ یازدهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱۰. المسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصية لعلی بن أبی طالب، چاپ سنگی.
۱۱۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ سیزدهم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۱۲. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، چاپ نوزدهم، تهران و قم، صدرا، ۱۳۷۷.
۱۱۳. ———، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۵ (جامعه و تاریخ)، چاپ هشتم، تهران و قم: صدرا، ۱۳۷۵.
۱۱۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲ ج، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
۱۱۵. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، ۲ ج، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ ق.
۱۱۶. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ۲۳ ج، قم، مدینه العلم آیه الله العظمی الخوئی، [بی تا].
۱۱۷. مهدی پور، علی اکبر، کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام: معرفی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب مستقل به زبان های مختلف، ۲ ج، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۵.

## ۴۴۴ ■ معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران

۱۱۸. مهدی موعود، (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار علامه مجلسی)، ترجمه علی دوانی، چاپ چهاردهم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، بی تا.
۱۱۹. میرجهانی، سید حسن، نواهب الدهور فی علائم الظهور، ۲ ج در چهار مجلد، کتابخانه صدر، ۱۳۶۹.
۱۲۰. ———، ولایت کلتیه، تحقیق و تصحیح سید محمود لولاکی، چاپ اول: قم، الهادی، ۱۳۸۲.
۱۲۱. مؤتمر العاملی لألفية الشيخ المفید، مصنفات الشيخ المفید علیه السلام، ۱۴ ج، چاپ اول: قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۲۲. مؤدب، سیدرضا، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدراية، چاپ اول: قم، احسن الحدیث، ۱۳۷۸.
۱۲۳. مؤسسة المعارف الإسلامیه، معجم أحادیث الإمام المهدي علیه السلام، تحت اشراف: علی کورانی، ۵ ج، چاپ اول: قم، مؤسسة المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۲۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۴۳ ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۲۵. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر، کتاب الغیبه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم محمد جواد غفاری، چاپ دوم: تهران، صدوق، ۱۳۷۶.
۱۲۶. ———، کتاب الغیبه، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، [بی تا].
۱۲۷. نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، قم، آستان مقدس صاحب الزمان (جمکران).
۱۲۸. واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه فرهنگی موعود، پیشگویی ها و آخر الزمان، مجموعه مقالات، چاپ سوم: تهران، موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۲.



۱۲۹. ورام بن ابی فراس، تنبيه الخواطر ونزهة النواظر (المعروف به مجموعة ورام)،  
ج ۲، در یک مجلد، بیروت، دارصعب و دارالتعارف، [بی تا].
۱۳۰. هلال، رضا، مسیح یهودی و فرجام جهان (مسیحیت سیاسی و اصول گرا در  
آمریکا)، مترجم، قیس زعفرانی، چاپ اول، هلال، ۱۳۸۳.
۱۳۱. همدانی، دبیرالدین صدرالاسلام علی اکبر، پیوند معنوی با ساحت قدس  
مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبة الإمام، علیه الصلوة والسلام)، چاپ اول: تهران،  
بدر، ۱۳۶۱.
۱۳۲. هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، پیشوای دوازدهم (حضرت امام حجة بن  
الحسن المهدی علیه السلام) قم، در راه حق، ۱۳۷۶.
۱۳۳. یزدی حائری، شیخ علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب علیه السلام، ج ۲، چاپ  
دوم: قم، مکتبة الرضی، ۱۴۰۴ق.

## کتاب مرکز پخش موعود

ردیف	عنوان کتاب و موضوع	قیمت (ریال)
۱	آخرین نشانه‌های ظهور (چهل حدیث پیرامون نشانه‌های ظهور) چاپ دوم	۲۵۰۰
۲	استراتژی انتظار جلد ۱ و ۲ (بازشناسی تحولات فرهنگی ایران) چاپ چهارم	۱۷۵۰۰
۳	پیشگوییها و آخرالزمان جلد ۱ (آخرالزمان در آینه پیشگوییها و نقد آن) چاپ چهارم	۱۳۰۰۰
۴	درآمدی بر نقد مبادی علوم جدید (بازشناسی مبانی علوم انسانی) چاپ اول	۳۵۰۰
۵	رجعت (تبیین اصل اعتقادی رجعت از دیدگاه عقل و نقل) چاپ چهارم	۵۰۰۰
۶	رهبری برفراز قرون (پاسخی تازه به شبهات درباره امام زمان (ع)) چاپ سوم	۷۵۰۰
۷	ششماه پایانی (درباره وقایع ماههای پایانی ظهور) چاپ سوم	۲۰۰۰۰
۸	سیر تفکر جدید در جهان و ایران، چاپ اول	۱۳۰۰۰
۹	ندبه‌های دلنگی (قطعات ادبی و نجوا با امام زمان (ع)) چاپ سوم	۴۵۰۰
۱۰	همسفر با خورشید (داستانهایی از تشرفات به محضر امام زمان (ع)) چاپ اول	۱۰۰۰۰
۱۱	هممه حیات (اشعار مهدی) چاپ اول	۵۵۰۰
۱۲	از حسین تا مهدی (ع) (چهل حدیث) چاپ دوم	۳۵۰۰
۱۳	تحفه امام مهدی (ع) (مجموعه فرمایشها و توقیعات) چاپ اول	۲۱۰۰۰
۱۴	پروتستانتیزم و مسیحیت صهیونیستی، چاپ اول	۸۰۰۰
۱۵	مسیح یهودی و فرجام جهان، چاپ دوم	۲۴۰۰۰
۱۶	اراده معطوف به حق (جلد سوم استراتژی انتظار) چاپ اول	۱۱۰۰۰
۱۷	انتظار، باید و نبایدها چاپ سوم	۱۳۰۰۰
۱۸	برمدار عشق (شرح حال یاران امام حسین (ع)) چاپ دوم	۴۵۰۰
۱۹	دو خاتم (چهل حدیث از شباهت پیامبر (ص) و امام زمان (ع)) چاپ اول	۴۵۰۰
۲۰	میهمان آفتاب (شرح تشریف سید ابوالحسن ضرابی) چاپ اول	۱۲۰۰۰
۲۱	نظریه اختیاری بودن ظهور	زیر چاپ

مملکت ربّ	۲۲	زیر چاپ
واقعه آرمگدون	۲۳	زیر چاپ
مسیحیان اصولگرا (مسیحیت صهیونیستی)	۲۴	زیر چاپ
ویژگی های آخرالزمان در روایات (چهل حدیث)	۲۵	زیر چاپ
مخارم حضرت مهدی (ع) (چهل حدیث)	۲۶	زیر چاپ
موعود ادیان (چهل حدیث)	۲۷	زیر چاپ
موعود قرآن (چهل حدیث)	۲۹	زیر چاپ